



مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه علمی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۴)، بهار ۱۴۰۰، جلد یک

تلفن همراه هوشمند، جوانان و جامعه در ایران: تحلیل ثانویه کلیه مقالات
مجلات علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۹
محمدعلی زکی

بررسی مردم‌شناختی دامداری (گوسفندداری) در شهرستان نوشهر؛ مطالعه
موردی کندلوس
فریبا میراسکندری، فرهود جلالی

بازنمایی وضعیت اشتغال زنان در مشاغل آزاد در فیلم سینمایی طلا
حسین میرزایی، عبدالله کریم زاده، سمیه محمودی پیام

تغییر ملاک‌های عشق: چالش عشق در روپارویی با مدرنیته
اسداله بابایی فرد، محمد طهماسبی نادری چگنی

بازشناسی پارامترهای موثر روانشناسی محیطی بر خواست و نیاز شغلی قضات
در معماری محاکم قضایی
شکوه سادات اسدالهی، لیلی کریمی فرد، سیدرضا ملجا

فمنیسم پساستعماری و جنبش متقدم زنان در ایران؛ دیگری سازی و مناسبات
سلطه
سارا فهیمی

بررسی میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان
کهنوج در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱
فاطمه کارگر، نسرين کریمی زه، فاطمه کریمی، مهرانگیز کریمی نیا



اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ امتیازی اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	تلفن همراه هوشمند، جوانان و جامعه در ایران؛ تحلیل ثانویه کلیه مقالات مجلات علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۹ محمدعلی زکی
۲۱	بررسی مردم شناختی دامداری (گوسفندداری) در شهرستان نوشهر؛ مطالعه موردی کندلوس فریبا میراسکندری، فرهود جلالی
۳۵	بازنمایی وضعیت اشتغال زنان در مشاغل آزاد در فیلم سینمایی طلا حسین میرزایی، عبدالله کریم زاده، سمیه محمودی پیام
۴۷	تغییر ملاک‌های عشق: چالش عشق در رویارویی با مدرنیته اسداله بابایی فرد، محمد طهماسبی نادری چگنی
۵۹	بازشناسی پارامترهای موثر روانشناسی محیطی بر خواست و نیاز شغلی قضات در معماری محاکم قضایی شکوه سادات اسدالهی، لیلی کریمی فرد، سید رضا ملجا
۷۳	فمنیسم پسااستعماری و جنبش متقدم زنان در ایران؛ دیگری سازی و مناسبات سلطه سارا فهیمی
۸۱	بررسی میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ فاطمه کارگر، نسرين کرمی زه، فاطمه کریمی، مهرانگیز کریمی نیا

تلفن همراه هوشمند، جوانان و جامعه در ایران (تحلیل ثانویه کلیه مقالات مجلات علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کد مقاله: ۲۵۷۴۸

محمدعلی زکی^۱

چکیده

مصرف تلفن همراه به مثابه یکی از مراحل زندگی اجتماعی تلقی شده و پذیرش آن در جوامع مدرن به مثابه رسانه موجب تحول در شکل و ساختار ارتباطات به ارتباطات موبایلی و هم چنین رسانه های موبایلی گردیده و این تحول علاوه بر تحول ابعاد فناورانه، نشان از ظهور و بروز ابعاد گوناگون تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر دارد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مصرف تلفن همراه در جامعه ایران با استفاده از روش تحلیل ثانویه خواهد داشت. اطلاعات تحقیق با استفاده از چهار منبع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه اطلاع رسانی نشریات علمی ایران، پایگاه مجلات تخصصی نور، پرتال جامع علوم انسانی تا آذر ماه سال ۱۳۹۹ (تعداد ۱۲۱ مقاله) جمع آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان از روندی صعودی و افزایشی در تحقیقات تلفن همراه در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹ داشته است. گرایش‌های پژوهشی تحقیقات تلفن همراه در ایران در چهار بخش اصلی طبقه بندی و بررسی گردیده اند که به ترتیب بیشترین آنها اختصاص به پسایندها (۴۴ درصد، ۵۳ پژوهش)، پیشایندها (۳۰ درصد، ۳۷ مقاله)، وضعیت (۱۷ درصد و ۲۱ پژوهش) و کلیات استفاده از تلفن همراه (۸ درصد و ۱۰ مقاله) داشته اند. بیشترین کارکردهای مصرف تلفن همراه اختصاص به متغیرهای سبک زندگی (۸ مقاله)، کاهش عملکرد تحصیلی (۷ مقاله) داشته اند. نتایج تحقیق معرف آن بوده که تلفن همراه باعث تغییرات اجتماعی در ایران در حوزه هایی مانند سبک زندگی و هویت یابی کاربران گردیده است. استفاده از تلفن همراه به مثابه میدان هائی برای فراغت مجازی جوانان تلقی شده و باعث تغییر نحوه گذران اوقات فراغت کاربران شده است؛ و علاوه بر آنها نقش مهم و بارزی در فرآیند اجتماعی شدن جوانان ایفاء نموده است. الگوی مصرف تلفن همراه از سطح جوانان به سطح کودکان در حال تغییر و افزایش می باشد اگرچه استفاده از تلفن همراه موجب افزایش "تعاملات میان فردی"، "ارتباطات اجتماعی" و همچنین "شکل گیری هویت شخصی مدرن" شده و لیکن از سوئی دیگر موجبات بروز کارکردهای نامناسب هم چون کاهش عملکرد افراد در حوزه های مختلف رفتاری، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: جامعه شناسی تلفن همراه، تحلیل ثانویه، مجلات علمی، ایران

تلفن همراه به عنوان پر کاربردترین وسیله ارتباطات غیرچهره به چهره بین فردی، برای کاربرانش بر اساس تفاوت‌های سنی، جنسی، شغلی، علاوه بر تأمین نیازهای ارتباطی آنان کاربردهای متفاوتی یافته است. تلفن همراه یکی از پدیده‌های نو ظهور عصر الکترونیک و دنیای دیجیتال است که در دهه اخیر جای خود را بین افراد خانواده به ویژه جوانان در همه جهان، از جمله ایران باز کرده است.

در سال‌های اخیر به دنبال ورود تلفن‌های همراه هوشمند، عرصه ارتباطات موبایلی شاهد دگرگونی‌های فراوانی بوده است. از آنجا که یکی از قابلیت‌های تکنولوژی در نور دیدن مرزهای جغرافیایی است، جامعه ما نیز شاهد تغییرات اجتماعی برآمده از این نوآوری رسانه‌ای بوده است. در این میان، زندگی روزمره جوانان به عنوان گروهی که عموماً در پذیرش تکنولوژی‌های نوین پیش قدم می‌شوند، تحت تأثیر این فضای تکنولوژیک تغییر کرده است. گسترش کاربری تکنولوژی‌های نوین ارتباطی آثار مثبت و منفی متفاوت و گاه متناقضی برای گروه‌های مختلف جمعیتی و اجتماعی به دنبال دارد. تلفن همراه جای خود را بین افراد خانواده به ویژه جوانان در همه جهان از جمله ایران باز کرده است استفاده از تلفن همراه در جهان به طور چشمگیری در حال افزایش است. تعداد استفاده‌کنندگان تلفن همراه خبر از وقوع یک انقلاب ارتباطی را می‌دهد استفاده بیش از حد دارای آثار اخلاقی و اجتماعی مثبت و منفی می‌باشد. استفاده ناصحیح از تلفن همراه موجب بروز مشکلات و آسیب‌های جدی اجتماعی و فرهنگی می‌شود. امروز تلفن همراه به عنوان یکی از مظاهر فن‌آوری ارتباطی نوین در زندگی فردی و اجتماعی انسان جایگاه قدرتمندی دارد. نفوذ کاربردهای تلفن همراه در زندگی پدیده‌ای جهانی است و در جامعه ما استفاده از آن به حدی رسیده است که مضرات جدی و اساسی این فناوری مدرن مشهود گردیده است، مضراتی که در حوزه‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، رفتاری، پزشکی، قانونی، جزایی و ... به آسیب‌زایی می‌پردازد.

تلفن همراه از تأثیر گذارترین فناوری‌های امروزه است که جدای از آسیب‌های زیستی، آسیب‌های فراوان روانشناختی را نیز در پی دارد. رشد و گسترش دانش بشری و فناوری‌های نوین سبب گردیده که دنیای انسانها متحول شده و هر لحظه پیچیده‌تر گردد. یکی از پدیده‌های که در قرن بیستم زندگی بشر را دگرگون کرد و هنوز نیز رشد فزاینده آن ادامه دارد، تلفن‌های همراه هستند. به نظر می‌رسد امروزه بیشترین کاربرد جانبی تلفن همراه، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت است. شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

رسانه‌های نوین به بخشی جدایی‌ناپذیر و بدیهی از زندگی روزمره ما بدل شده‌اند، به گونه‌ای که شاید بتوان گفت انجام امور بدون آن‌ها میسر نیست، تلفن همراه به عنوان رسانه غالب فردا که همه رسانه‌های پیش از خود را در خود جمع کرده است، در خصوصی‌ترین تا عمومی‌ترین عرصه‌های زندگی ما حضوری فراگیر و همه‌لحظه‌ای دارد. این امر سبب‌ساز دگرگونی‌های زیادی در زندگی روزمره افراد شده است. در این بین جوانان بیش از همه، این فناوری را در زندگی خود به کار گرفته‌اند. گسترش تلفن‌های همراه دگرگونی‌هایی را در ویژگی‌های فردی و تعاملات اجتماعی افراد جامعه ایجاد کرده است. تلفن همراه با ظرفیت‌های انتخابی که فراهم کرده است، به ابزار جدیدی برای انعکاس «خود» و «دیگری» و شکل‌گیری هویتی جدید تبدیل شده است. موبایل به منزله یکی از فناوری‌های نوین و تأثیر گذار ارتباطی هم‌اکنون حضوری ناخوانده، ولی فعال در بین نوجوانان و جوانان دارد و در فضاهای آموزشی بسیاری، سنن و آموزه‌های تعلیم و تربیت سنتی را به چالش می‌کشد. در سال‌های اخیر تلفن همراه به عنوان یکی از پدیده‌های ارتباطی در دنیای امروز در بین تمام اقشار و گروه‌های مختلف جامعه گسترش پیدا کرده و حتی امروزه شاهد آن هستیم که بسیاری از دانش‌آموزان در مقاطع پایین تحصیلی نیز به تلفن همراه دسترسی دارند. اگرچه نباید استفاده از تلفن همراه را در بین کودکان و نوجوانان ممنوع کرد ولی می‌بایست راه‌حلی برای استفاده درست از آن ارائه داد.

در دو دهه اخیر استفاده گسترده و فراوان و همه‌جانبه از تلفن همراه، تأثیرات زیاد و متنوعی را بر الگوهای روابط و رفتار اجتماعی انسان‌ها گذاشته است. جوانان به عنوان پیش‌نژان مصرف این وسیله مورد توجه ویژه‌ای در بررسی‌ها و تحقیقات بوده‌اند. تلفن همراه بر تعاملات میان فردی و ارتباطات اجتماعی تأثیر گذار است. به موازات گسترش استفاده از تلفن همراه در جوامع پیامدهای آن بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی یکی پس از دیگری پدیدار شده و این نفوذ روند رو به رشدی را آغاز کرده است. یکی از کاربردهای تلفن همراه در جوامع امروزی ایجاد یک تعامل و ارتباط میان فردی است که مطالعه پیشرو تلاش می‌کند نقش تلفن همراه در تعاملات میان فردی و ارتباطات اجتماعی را شناخته و در حدتوان به یک مدل مفهومی مناسب برای استفاده مخاطبین از تلفن همراه برای برقراری ارتباطات اجتماعی و تعاملات میان فردی دستی‌ابد. در سال‌های اخیر تلفن همراه به عنوان پدیده‌ای ارتباطی، نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره تمامی افراد، اقشار و گروه‌های جامعه ایفا می‌کند. تا جایی که گسترش استفاده از این وسیله به دانش‌آموزان مقاطع پایین تحصیلی نیز کشیده شده است. اگرچه محدودیت و ممنوعیت تلفن

همراه برای دانش آموزان مطلوب نیست، اما باید به راه حل‌های مناسب برای استفاده درست از آن نیز توجه داشت. بنابراین، به نظر میرسد شناخت و بررسی استفاده و کاربرد تلفن همراه در یک چارچوب نظری مناسب به نقش و تأثیرات آن بر نوجوانان کمک میکند. تلفن همراه امروزه جزء جدانشدنی مناسبات و ارتباطات روزمره محسوب می‌شود، و با توجه به پیشرفت‌های روزافزون این وسیله ارتباطی، مطالعه در مورد آن ضروری است.

پیرو حجم فراوان مطالعات و تحقیقات حوزه موبایل، مفاهیم متعددی هم چون استفاده از تلفن همراه، عصر موبایل، پاره فرهنگ موبایلی جوانان، سواد موبایلی، رفتار موبایلی، رسانه موبایلی، سودمندی موبایلی، سازگاری موبایلی، هویت موبایلی، سبک زندگی موبایلی، فراغت موبایلی در این حوزه مطرح گردیده‌اند.

جامعه‌شناسی تلفن همراه یکی از حوزه‌های تازه و نوپا در جامعه‌شناسی ایران معاصر بوده که سعی در تبیین روابط متقابل بین جامعه و تلفن همراه دارد. اگرچه این حوزه جامعه‌شناسی در ایران در مرحله شکوفایی و ظهور قرار گرفته و لیکن شکوفایی آن روندی شتابان و سریع را پشت سر گذاشته است به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از تولیدات جامعه‌شناختی در ایران اختصاص به ابعاد و زوایای گوناگون جامعه‌شناسی تلفن همراه داشته است.

سوالات اساسی تحلیل جامعه‌شناختی تلفن همراه عبارتند از:

(۱) ماهیت رفتار موبایلی چیست؟ ابعاد و مولفه‌های استفاده و مصرف تلفن همراه کدامند؟ چگونه می‌توان ابعاد گوناگون استفاده تلفن همراه را مورد سنجش قرار داد؟

(۲) استفاده و مصرف تلفن همراه بر حسب متغیرهای اجتماعی (سن، جنس، تحصیلات، دین، قومیت، طبقه اجتماعی، شغل، وضع تاهل، حوزه اجتماعی شهری و غیره) چگونه است؟ (الگوهای اجتماعی استفاده و مصرف تلفن همراه)

(۳) چه عواملی موجب رفتار موبایلی می‌شوند؟ عوامل و متغیرهای اجتماعی و فردی موثر در شکل‌گیری استفاده و مصرف تلفن همراه کدامند؟ پیش‌شرط‌های مورد نیاز و ضروری استفاده تلفن همراه کدامند؟ (پیشایندهای استفاده تلفن همراه)

(۴) کارکردهای تلفن همراه در جامعه چیست؟ مصرف و استفاده تلفن همراه چه تأثیراتی در سطوح مختلف زندگی فردی، شغلی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی افراد از سطح خرد تا سطح کلان ایفاء می‌کند؟ میزان این تأثیرات چقدر است؟ انواع مختلف کارکردهای آشکار و پنهان و هم‌چنین کارکردهای مناسب و نامناسب مصرف تلفن همراه در جامعه کدامند؟ پسایندهای استفاده تلفن همراه.

(۵) آسیب‌شناسی استفاده تلفن همراه چیست؟ از نظر آسیب‌شناسی، استفاده از تلفن همراه در سطوح، ابعاد جامعه چگونه می‌باشد؟ ریشه و علل و عوامل چگونگی بروز آسیب‌های اجتماعی فرهنگی استفاده تلفن همراه چیست؟ انواع گوناگون آسیب‌های استفاده تلفن همراه در جنبه‌های مختلف رفتاری، خانوادگی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کدامند؟

(۶) تغییرات اجتماعی مصرف تلفن همراه چیست؟ ابعاد، زوایا و اشکال تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از استفاده تلفن همراه در سطوح مختلف جامعه چگونه است؟ میزان، جهت، شدت و هم‌چنین ابعاد آن را چگونه می‌توان تبیین نمود؟

سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

(۱) روند تحقیقات استفاده از تلفن همراه در ایران طی پانزده سال (سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹) چگونه بوده است؟

(۲) چگونه می‌توان گرایشهای پژوهشی تحقیقات استفاده از تلفن همراه در ایران طی پانزده سال (سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹) را طبقه‌بندی، دسته‌بندی و سنجش نمود؟

(۳) شائع‌ترین گرایشهای پژوهشی تحقیقات استفاده از تلفن همراه در ایران طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹ کدامند؟

۲- جامعه‌شناسی تلفن همراه

۲-۱- بنیان نظری، سیرتاریخی، ریشه‌های فکری و قلمرو موضوعی آن

کلمه "موسیولوژی" (Mosiociology) که ترکیبی از کلمات موبایل و موسیولوژی (جامعه‌شناسی) است، اشاره به حوزه‌ای از دانش بشری دارد که به مطالعه رفتار انسانی در دنیای مربوط به "تلفن همراه" می‌پردازد. بررسی اینکه موبایل در قرن ۲۱ چه تأثیراتی بر کنش‌های متقابل، رفتارها و الگوی مصرف انسانها می‌گذارد موضوع اصلی در موسیولوژی به حساب می‌آید. موسیولوژی یک حوزه نوظهور و سریع‌رشد یابنده است که اثرات تلفن همراه را بر سطوح و لایه‌های مختلف جوامع مدرن شهری، و نیز تلاشها و فعالیت‌های انسانی در برنامه مطالعه خود قرار داده است. نخستین بار واژه موسیولوژی توسط "سیمون رالف" متخصص در امور "سرگرمیهای موبایلی" در تابستان ۲۰۰۵ وضع شد. وی در همان سال کنفرانسی با نام "موسیولوژی: تکنولوژی موبایل و تحول فرهنگی" در گریتهال لندن برای هنرمندان، بازرگانان و صنعت‌گران برگزار نمود. (موسوی، ۱۳۸۹)

زمانی که در سالهای دهه ۱۹۹۰ کاستلر ایده‌های خود را در باره "جامعه شبکه‌ای" می‌نوشت هنوز ابعاد اجتماعی فرهنگی موبایل به ویژه ظرفیت‌های بالقوه این تکنولوژی ارتباطی در ایجاد و تقویت ساختارهای شبکه‌ای اجتماعی چندان روشن و آشکار

نبود. اما به نظر می‌رسد امروزه بتوان برای موبایل جایگاهی کم و بیش هم چون اینترنت در تئوری کاستلز در نظر گرفت. زیرا موبایل نیز تقریباً با همان پتانسیل‌های اینترنت به طور روزانه به تاسیس ساختارهای شبکه‌ای، توسعه شبکه‌های ارتباطی، حفظ افراد و گروه‌ها در شبکه، تصمیم‌سازی‌های جمعی و غیره مشغول است. به عبارتی، میتوان نظریات کاستلز پیرامون ساختار و جامعه‌ی شبکه‌ای را به عنوان یک چارچوب نظری در بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی این تکنولوژی ارتباطی نوین به کار گرفت. کاستلز در کتاب "جامعه و ارتباطات موبایل" تشریح می‌کند که موبایل همان روندی را که با اینترنت و جامعه‌ی شبکه‌ای شروع شده بود، تشدید می‌بخشد. بدین ترتیب موجهی که پس از موبایل به راه افتاده است، علاوه بر ابعاد ارتباطات اجتماعی، دیگر ابعاد زندگی اجتماعی مثل ساختارها، نهادها و ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و کنش اجتماعی، زبان و کتابت و حتی عواطف و احساسات را نیز تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد.

کاستلز در سال ۲۰۰۷ به همراه گروهی از محققان کتاب مشترکی با عنوان "جامعه و ارتباطات موبایلی" منتشر نمود که این کتاب حاصل یک مطالعه میان فرهنگی در ۴۰ کشور جهان پیرامون موبایل می‌باشد. در این کتاب وی و همکارانش به دنبال بررسی رابطه میان فرهنگ و دیگر پارامترهای اجتماعی-جمعیت‌شناسی با میزان و نحوه استفاده و پیامدهای اجتماعی موبایل بوده‌اند. کتاب "جامعه و ارتباطات موبایلی" به مثابه یکی از منابع ارزشمند علمی در حوزه جامعه‌شناسی موبایل تبدیل شده و فصل‌هایی با عناوین ذیل را در بردارد:

- * گستره ارتباطات بی‌سیم در جهان
 - * تمایزات اجتماعی کاربران ارتباطات بی‌سیم (برحسب سن، جنس، قومیت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی)
 - * ارتباطات و تحرک در زندگی روزمره
 - * فرهنگ موبایلی در جوانان
 - * سیال بودن فضای زمانی و مکانی و شبکه‌های موبایلی
 - * زبان ارتباطات بی‌سیم
 - * جامعه مدنی موبایلی: جنبش‌های اجتماعی، قدرت سیاسی و شبکه‌های ارتباطی
 - * ارتباطات بی‌سیم و توسعه جهانی: موضوعات جدید و استراتژی‌های تازه
 - * نتیجه‌گیری: جامعه شبکه‌ای موبایلی
- در بررسی ابعاد اجتماعی فرهنگی تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات هم چنین می‌توان از دیدگاه تئوریک موسوم به "پارات ژنیست" در ادبیات جامعه‌شناسی بهره جست. کلمه آپارات ژنیست از واژه اسلاوی آپارت (به معنای ماشین، دستگاه) و کلمه آلمانی ژنیست (به معنای روح، فکر، انگیزه و محرکه) تشکیل شده است. آپارات ژنیست مفهوم جدیدی است که در سال ۲۰۰۲ توسط "جیمز کاتر و مارک آخوس" در فصلی از کتاب "تماس پیوسته و دائمی" ارائه شده است. این مفهوم می‌رود تا جای خود را به صورت یک تئوری در ادبیات جامعه‌شناسی موبایل باز کند. این مفهوم اشاره به این دارد که مردم چگونه و چه نوع ارتباطی بین خود و تکنولوژی‌هایی که در اختیار دارند، برقرار می‌کنند. در واقع، این مفهوم اشاره به بنیادهای جامعه‌شناسی ارتباطات موبایلی دارد و از این رو رابطه میان جامعه انسانی و تکنولوژی (ماشین) را در کانون توجه خود دارد. کاتر و آخوس بر این باورند که هم ابعاد فنی و هم ابعاد اجتماعی مربوط به یک تکنولوژی (موبایل و غیره...) به موازات هم، بر شکل‌گیری برداشت‌ها و تصورات از موبایل و نحوه‌ی استفاده از آن تأثیر جدی می‌گذارد.

تازه‌ترین کتابی که در زمینه ابعاد اجتماعی فرهنگی موبایل زیر نظر کاتر (۲۰۰۸) توسط انتشارات دانشگاه ام‌آی‌تی با عنوان "دستنامه مطالعات و تحقیقات ارتباطات موبایلی" منتشر شده گروهی از محققان به تبیین راه‌ها و شیوه‌هایی که از آن طریق موبایل بر روی ساختار، روند و آهنگ زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد پرداخته‌اند. عناوین کتاب فوق نشان می‌دهند که کاتر دامنه تأثیرات موبایل را در ابعاد وسیع‌تر و متنوع‌تری از زندگی اجتماعی-علاوه بر ارتباطات-دنبال کرده است. عمده‌ترین فصول کتاب مذکور عبارتند از:

- * تأثیر موبایل بر شبکه‌های اجتماعی
- * تأثیر موبایل بر اهداف و خط مشی ارتباطات بی‌سیم
- * تأثیر موبایل بر اشکال سنتی سازمان اجتماعی
- * تأثیر موبایل بر فعالیت‌ها و رفتارهای سیاسی
- * استفاده ابزاری و استفاده بیانگر از موبایل
- * کاربرد موبایل در بین مرم عادی و نخبگان
- * پیامدها و عوارض سیاسی و اجتماعی استفاده از موبایل
- * تأثیر موبایل بر کیفیت زندگی

مقاله "گسر" (۲۰۰۳) تحت عنوان "به سوی نظریه جامعه شناختی موبایل" تحولی در حوزه مطالعات اجتماعی فرهنگی موبایل ایجاد نموده است. به نظر وی موبایل ابزاری ست برای "سازگار نمودن ارتباطات اجتماعی با تحرکات و جابجائی های انسانها". گسر بر این باور است که کاربرد موبایل نزد انسانها از "استفاده ی ابزاری" آن برای تأمین یک سری نیازهای خاص شروع می شود، اما به تدریج کارکردهای آن متنوع و گسترده تر می شود. کاربرد موبایل ابتدا به صورت استفاده ابزاری است اما بعد استفاده بیانگر (کاربردهای اجتماعی، فرهنگی و روانی) نیز بر آن افزوده می شود. تاملی در نوشته های گسر نشان می دهد که وی برای موبایل در سطوح خرد، متوسط و کلان اجتماعی مجموعه ای از تأثیرات مثبت و منفی قایل است.

توجه عمده ی "لینگ" در تألیفات شبه تأثیرات موبایل بر کنش های متقابل اجتماعی انسانها در دنیای امروز معطوف می باشد و سعی کرده است این تأثیرات را با اتکاء بر ادبیات جامعه شناختی تئوریزه کند. این توجه و تأکید را هم چنین می توان در فصل بندی عناوین آخرین کتاب مستقل وی با عنوان "تکنولوژی جدید، پیوندهای جدید" (۲۰۰۸) مشاهده نمود. فصول کتاب مذکور عبارتند از:

*ارتباطات موبایلی و کنش های متقابل اجتماعی مرسوم
 *فن آوری های اطلاعات و ارتباطات و تنش میان محرکه های فردی و اجتماعی
 *نظر دورکیم در باره کنشهای متقابل عادی مرسوم و همبستگی اجتماعی
 *نظر گافمن در باره کنشهای متقابل عادی مرسوم و همبستگی اجتماعی
 *نظر کالینز در باره زنجیره کنشهای متقابل عادی مرسوم

"فورتوناتی" در کتابی با عنوان "تلفن همراه: انواع روابط اجتماعی نوین" (۲۰۰۲) معتقد است ورود موبایل باعث دموکراتیزه تر شدن ارتباطات میان اعضای خانواده و کارکنان نهادها و سازمانهای جامعه شده است. به کمک موبایل، امروزه کودکان و نوجوانان در خانواده، و کارکنان رده های پائین شغلی در ادارات و سازمانها می توانند ارتباطات و تماسهای مورد علاقه خود را داشته باشند، در حالی که در دوره رواج تلفن ثابت، این گونه افراد سهم چندانی در بهره برداری از تلفن و شکل دهی به حلقه های ارتباطی خاص خود نداشته و عمدتاً تماسهای آنان تحت نظارت و کنترل پدر خانواده و یا کارفرمای شرکت و مدیران سازمان قرار داشت.

کتاب «لینگ، فورتوناتی، گوگین، لیم و لی» تحت عنوان «دستنامه ارتباطات موبایلی و جامعه آکسفورد» (۲۰۲۰) شامل ۱۲ فصل در ۷۳۶ صفحه توسط دانشگاه آکسفورد منتشر شده است:

بخش اول: دهه تلفن همراه هوشمند
 بخش دوم: جهت گیری های نظریه اجتماعی در ارتباطات موبایلی (شامل شش فصل)
 بخش سوم: جهت گیری های روش شناختی (شامل دو فصل)
 بخش چهارم: مدیریت ارتباطات موبایلی در حوزه های اجتماعی (شامل شش فصل)
 بخش پنجم: نهادهای اجتماعی (شامل شش فصل)
 بخش ششم: ظرفیت های تجاری و سازمانی ارتباطات موبایلی (شامل سه فصل)
 بخش هفتم: تعیین کننده های زبان شناختی و تصویری (شامل چهار فصل)
 بخش هشتم: کاربردهای ارتباطات موبایلی (شامل سه فصل)
 بخش نهم: تحرک شهری و خدمات موقعیت محور (شامل سه فصل)
 بخش دهم: جهت گیری های میان و بین فرهنگی ارتباطات موبایلی (شامل دو فصل)
 بخش یازدهم: پساچالشهای ارتباطات موبایلی (شامل پنج فصل)
 بخش پایانی و دوازدهم: اثرات و پیامدهای اجتماعی آینده ارتباطات موبایلی (شامل دو فصل)

آثار فوق و دهها مقاله و کتاب دیگری که طی سالهای اخیر منتشر شده اند، هر کدام به نوعی به توصیف و تبیین پیامدها و نتایج فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موبایل در داخل جوامع، گروهها، و مناطق گوناگون پرداخته اند و این تکنولوژی نوین را به صورت موضوعی جهت بررسی های جامعه شناختی مطرح نموده اند. علاوه بر نظریات مطرح شده، لازم است به مقالات مهم و آثار کلیدی در این حوزه فهرست وار اشاره شوند:

*کتاب هولتزمن و گولدمن تحت عنوان «ارتباطات بدون سیم و تلفن همراه» (۱۹۹۴)
 *کتاب شیرل و شیرل با عنوان «ارتباطات موبایلی» (۲۰۰۰)
 *مقاله گسر با عنوان "به سوی نظریه جامعه شناختی پیرامون موبایل" (۲۰۰۴)
 *تالیفات ریچ لینگ جامعه شناس نروژی طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ با عناوین گوناگونی چون "تماس دائم"
 *آثار و تالیفات جیمز کاتر از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ پیرامون ابعاد اجتماعی-فرهنگی موبایل.
 *مقالات و کتاب ایتو با عنوان "تلفن همراه در زندگی ژاپن" (۲۰۰۵)
 *کتاب همیل و لاسنبا "عنوان دنیای موبایل: گذشته، حال و آینده" (۲۰۰۵)

*مقاله جیم مک گیگان جامعه شناس انگلیسی با عنوان "به سوی یک جامعه شناسی موبایل" (۲۰۰۵) و پیشنهاد "مطالعه موبایل به عنوان یک پدیده اجتماعی".

*مقالات کمپیل در باره "بنیان اجتماعی تکنولوژی موبایل" (۲۰۰۳)، کتاب "مقایسه های میان فرهنگی تصورات و استفاده تکنولوژی موبایل" (۲۰۰۵)، مقاله "اثرات موبایل در زندگی اجتماعی جوانان" (۲۰۰۵)، مقاله "کاربردها و جنبه های اجتماعی تکنولوژی موبایل" (۲۰۰۸).

*کتاب فریگیس، بیت و ویاکی با عنوان «پیشرفت هایی در ارتباطات بدون سیم و تلفن همراه» (۲۰۰۸)

*کتاب آروکیاماری تحت عنوان «ارتباطات موبایلی» (۲۰۰۹)

*مقالات و آثار گوگین با عنوان "فرهنگ تلفن همراه هوشمند: تکنولوژی موبایل در زندگی روزمره (۲۰۰۶)، "فرهنگ جدید رسانه" (۲۰۰۸) و "رسانه موبایلی جهانی" (۲۰۱۱).

*کتاب اسمایث با عنوان "موبایل و ارتباطات بی سیم" (۲۰۰۸)

*کتاب "دنیای بی سیم: جنبه های اجتماعی عصر موبایل" نوشته برآون، گرین و هارپر (۲۰۰۱)

*کتاب همبرلیگ دونالد و همکاران با عنوان "جوانان، جامعه و تلفن همراه در آسیا" (۲۰۱۰)

*کتاب هجورث، بورگس، ریچاردسون با عنوان «مطالعه رسانه تلفن همراه: فناوری فرهنگی، ارتباطات موبایلی و آی فون» (۲۰۱۲)

*مقالات و آثار کریستین لینکه و مقاله رسانه موبایل و ارتباطات در زندگی روزمره (۲۰۱۳).

*کتاب "مرجع رسانه موبایل راتلیج" نوشته گوگین و هجورث (۲۰۱۳)

*کتاب مرجع "دانشنامه رفتار تلفن همراه" با ویراستاری ژنگ (۲۰۱۵)

*کتاب ژبو با عنوان "ارتباطات و رسانه موبایلی بین رشته ای: کاربردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی" (۲۰۱۴) و "دستنامه تحقیقات کنش اجتماعی انسانی در عصر تلفن همراه" (۲۰۱۶)

*کتاب لیم تحت عنوان «ارتباطات موبایلی و خانواده» (۲۰۱۶)

*کتاب ژیاوچی با عنوان «اثرات مصرف (استفاده) و تجربه تلفن همراه در جامعه معاصر» (۲۰۱۹)

*کتاب ناسن و ناسن با عنوان «کودکان و رسانه تلفن همراه: پیدایش زبردستی دیجیتالی» (۲۰۲۰)

*کتاب پراساد، دیزیت، وان نی و اوجانپرا با عنوان «جهانی شدن ارتباطات بدون سیم و موبالی» (۲۰۲۰)

علاوه بر نشر کتاب و مقالات علمی پژوهشی می توان به عوامل موثر دیگری در رشد شتابان حوزه "جامعه شناسی تلفن موبایل" اشاره نمود:

الف) نشر مجلات علمی تخصصی:

*مجله جامعه اطلاعاتی (نشر از سال ۱۹۸۴ تاکنون)

*مجله رسانه های نوین و جامعه (نشر از سال ۱۹۹۹ تاکنون)

*مجله ارتباطات، اطلاعات و جامعه (نشر از سال ۱۹۹۸ تاکنون)

*مجله بین المللی ارتباطات موبایلی (نشر از سال ۲۰۰۳ تاکنون)

*مجله بین المللی تعامل انسان، موبایل و رایانه (نشر از سال ۲۰۰۹ تاکنون)

*مجله رسانه موبایل و ارتباطات (نشر از سال ۲۰۱۳ تاکنون)

ب) انجمن های علمی: انجمن بین المللی مطالعات اجتماعی ارتباطات موبایلی

ج) همایش ارتباطات موبایلی و تغییرات اجتماعی (اکتبر، ۲۰۰۶، کره جنوبی) و همایش بین المللی اثرات اجتماعی و فرهنگی تلفن همراه (۲۰۰۷، استرالیا)

۳- سابقه و تاریخچه تحقیق

۳-۱- موج اول مطالعات و تحقیقات تلفن همراه در ایران:

الف) مطالعات نظری:

در دهه ۱۳۸۰ دو کتاب به طور مشخص در حوزه تلفن همراه در ایران منتشر گردیده: ۱) کتاب "مطالعات تلفن همراه: زندگی در حال حرکت" (عاملی و رنجبر رضائی، ۱۳۸۷ و ۲) کتاب "قدرت اجتماعی موبایل" (موسوی، ۱۳۸۹).

ب) تحقیقات تجربی:

نخستین مقالات منتشره در مجلات علمی پژوهشی در زمینه استفاده از تلفن همراه در ایران اختصاص به پنج تحقیق ذیل داشته که البته مقالات اول، سوم و پنجم تحقیقاتی کیفی بوده و مقالات دوم و چهارم تحقیقاتی کمی انجام گرفته است:

* پژوهش سعید رضا عاملی (۱۳۸۵) تحت عنوان "فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت".
 * مقاله مسعود کوثری، محمدرضا جوادی یگانه و طاهره خیرخواه (۱۳۸۵) تحت عنوان "کاربردهای تلفن همراه برای کاربران ایرانی (با تأکید بر نظریه استفاده و خوشنودی).
 * پژوهش علی اصغر سعیدی (۱۳۸۵) تحت عنوان "اثرات ارتباط پایدار بر رفتار مصرف کننده: مطالعه موردی استفاده کنندگان موبایل در ایران".
 * مقاله سعید معیدفر و احمد گنجی (۱۳۸۷) با عنوان "تحلیلی بر کاربردهای تلفن همراه در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر تهران".
 * پژوهش عبدالحسین کلانتری و حسین حسینی (۱۳۸۷) تحت عنوان "رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان"

ج) همایش علمی تخصصی:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی با همکاری برخی از نهادهای علمی، پژوهشی و اجرایی کشور همایشی تحت عنوان «تلفن همراه هوشمند و سبک زندگی» از سلسله همایش‌های جامعه، فرهنگ و رسانه، در تاریخ ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۳ برگزار نموده است. هدف از اجرای این همایش شناخت ظرفیت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای تلفن همراه هوشمند و تأثیر آن بر سبک زندگی و فرهنگ جامعه است. اهداف و عنوان‌های همایش عبارتند از: شش حوزه تخصصی: الف) تأثیرات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی استفاده از تلفن همراه هوشمند، ب) راهبردها و سیاست‌های تلفن همراه هوشمند در ایران، ج) تجارب، ظرفیت‌ها، ابعاد و فرصت‌های تلفن همراه هوشمند، د) خانواده، سبک زندگی و تلفن همراه هوشمند، ه) ویژگی‌های فناورانه تلفن همراه هوشمند و و) مطالعات آینده‌پژوهی تلفن همراه هوشمند.

د) حوزه نشر کتاب:

۱) کتاب «جوان و تلفن همراه» نوشته محمدعلی حجت (۱۳۹۰) شامل سه فصل اصلی به بررسی ابعاد گوناگون موضوع تحقیق پرداخته است:

فصل اول: کارکردهای مثبت تلفن همراه (شامل ۲۰ عنوان کارکردهای الکترونیکی، ۸ عنوان کارکردهای اجتماعی و ۵ عنوان کارکردهای دینی)

فصل دوم: کارکردهای منفی و سوء استفاده از تلفن همراه (شامل ۴ عنوان آسیب‌های جسمی، ۵ عنوان آسیب‌های روحی - روانی، ۷ عنوان آسیب‌های اجتماعی، ۱۰ عنوان آسیب‌های اخلاقی - معنوی، آسیب‌های علمی، آسیب‌های اقتصادی و ۲ عنوان آسیب‌های زیست محیطی)

فصل سوم: تلفن همراه و فرهنگ استفاده از آن

۲) کتاب «هایدگر، هابرماس و تلفن همراه» نوشته جورج میرسون که توسط محمود مقدس (۱۳۹۳) به فارسی ترجمه شده است. نگارنده در این کتاب، پدیده تلفن همراه را به عنوان یک تکنولوژی نوین ارتباطی از منظری فلسفی مورد مطالعه قرار می‌دهد. «جورج میرسون» با تمرکز بر این تکنولوژی نوظهور که تعریفی تازه از ارتباطات به دست داده، سعی در بررسی و طرح آرای «هایدگر» و «هابرماس» دارد و در این راستا با ارائه شواهد تجربی و آماری در کنار ذکر آرای فلسفی، مواجهه پست مدرن عصر جدید را توصیف می‌کند؛ آرمانشهری که در آن آینده بر مبنای ارتباطات فهمیده می‌شود.

۳) کتاب «کارکردهای رسانه‌های تلفن همراه و پیامدهای آن» (۱۳۹۳) نوشته ویرپی آکسمن و سانتو تیوونن، با ترجمه احسان موحدیان و احمد رضا شاه‌علی از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها منتشر شده است. کتاب با توجه به رویکرد جدید به نقش و اهمیت فناوری‌های نوین ارتباطی و پیدایش اشکال جدید ابزارهای رسانه‌ای پرداخته و شامل پنج مقاله بلند و متوسط است که هر یک بخشی از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل تلفن همراه به یک رسانه قابل حمل و متحرک را بررسی کرده‌اند: مقاله اول با عنوان «تلفن همراه: یک ابزار رسانه‌ای کامل» نوشته ویرپی آکسمن

مقاله دوم با عنوان «ویدئوی همراه - مقایسه کاربرد از سوی فرد، اجتماع و رسانه‌های گروهی» نوشته ویرپی آکسمن

موضوع مقاله سوم با عنوان «تأثیرات ارتباطات سیار» نویسندگان «اسکات دلیو»، «کمبل» و «ریچ لینگ»،

موضوع مقاله چهارم با عنوان «کودکان، نوجوانان و ارتباطات سیار» نوشته «ریچ لینگ»

مقاله پنجم با عنوان «وب در حال حرکت، چشم‌انداز رسانه‌های اجتماعی همراه» نوشته «سانتو تیوونن»

۴- چارچوب روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیل ثانویه انجام شده است و متکی بر تحلیل و تلفیق اطلاعاتی است که از تحقیقات قبلی به دست آمده است. در پاره‌ای موارد داده‌هایی برای یک رشته تحلیل گردآوری شده‌اند و برای انجام تحقیقات جدید در دسترس محققان

دیگر قرار می‌گیرد. این داده‌های رسماً موجود به صورت خام اند و محققان دیگر می‌توانند آنها را تحلیل کنند که تحلیل ثانویه مجموعه اطلاعاتی است که محقق قبلی تهیه کرده است. تحلیل ثانویه تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگر گردآوری شده‌اند. هاکیم (۱۹۸۲) تحلیل ثانویه را چنین تعریف می‌کند: "هر تحلیل بعدی از مجموعه اطلاعات موجودی است که تفسیر، نتیجه‌گیری یا شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن ارائه می‌دهد." عموماً تحلیل ثانویه استفاده از داده‌های گردآوری شده پیمایشی برای مطالعه موضوعی سوای موضوع محقق اول است. (بیکر، ۱۳۷۷). در این روش، اطلاعات برگرفته از پژوهش‌های مختلف، به گونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که از ترکیب، یک دست کردن و مقایسه یافته‌ها در جهت پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق استفاده خواهد شد.

جمعیت پژوهش، کلیه پژوهش‌های مجلات علمی پژوهشی طی سالهای ۱۳۸۵ تا آذر ماه سال ۱۳۹۹ با استفاده از چهار منبع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی نشریات علمی ایران (magiran.com)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) گردآوری شده است. در مجموع ۱۲۱ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی برای تحلیل ثانویه پژوهش حاضر در نظر گرفته شد.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۵-۱- روند تحقیقات تلفن همراه در ایران

نخستین نشر مقاله در حوزه مصرف تلفن همراه در ایران اختصاص به سال ۱۳۸۵ داشته (۳ مقاله). ۹ درصد مقالات موضوع تحقیق تا سال ۱۳۸۹ منتشر شده‌اند (۹ مقاله) و از سال ۱۳۹۰ روند افزایشی در نشر مقالات مشاهده می‌شود. اوج چاپ تحقیقات اختصاص به سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ داشته و بیشترین مقالات در بین سه سال مذکور منتشر شده‌اند (۳۰ درصد). (جدول شماره ۱).

جدول ۱) توزیع فراوانی تحقیقات مصرف تلفن همراه در ایران بر حسب سال چاپ مقاله به تعداد و درصد

نشر چاپ	تعداد	درصد	سال چاپ	تعداد	درصد
۱۳۸۵	۳	۳	۱۳۹۳	۷	۶
۱۳۸۶	۰	۰	۱۳۹۴	۱۱	۹
۱۳۸۷	۲	۳	۱۳۹۵	۲۰	۱۶
۱۳۸۸	۳	۲	۱۳۹۶	۸	۷
۱۳۸۹	۱	۱	۱۳۹۷	۲۱	۱۷
۱۳۹۰	۸	۷	۱۳۹۸	۹	۷
۱۳۹۱	۱۲	۱۰	۱۳۹۹	۶	۵
۱۳۹۲	۱۰	۸	جمع کل	۱۲۱	۱۰۰

۵-۲- گرایشهای پژوهشی تحقیقات مصرف تلفن همراه در ایران

۱) کلیات مصرف و استفاده تلفن همراه در ایران (شامل ۱۰ مقاله):

- * ذکایی و ولی زاده (۱۳۸۸) "فرهنگ جوانان و تلفن همراه"
- * عاملی (۱۳۸۵) "فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت"
- * موسوی (۱۳۹۰) "بررسی نگرش به تلفن همراه در بانوان ساکن تهران"
- * منطقی و دین پرور (۱۳۹۱) "شکل‌گیری هویت پنهان در کاربران تلفن همراه و اینترنت"
- * قدمی (۱۳۹۱) "فرصت‌ها و تهدیدهای استفاده از تلفن همراه در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه"
- * قلی‌پور و شهریاری (۱۳۹۲) "جامعه‌شناسی سیاسی موبایل: تاثیر تلفن همراه بر زندگی سیاسی"
- * مقصودی و پورنصیری (۱۳۹۴) "تحلیل محتوای پیامک‌های تلفن همراه دانشجویان دانشگاه‌های شهر آستارا و تالش"
- * نصیری و بختیاری (۱۳۹۴ و ۱۳۹۵) "آسیب‌شناسی تلفن همراه بر خانواده"
- * یحیی زاده، فلاحي خشک‌ناب، نوروزی و دالوندی (۱۳۹۵) "بررسی شیوع اعتیاد به تلفن هوشمند در بین دانشجویان پرستاری در دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران"
- * سلیمانی، محمدی آریا، فلاخزاده ابرقوئی و فلاخزاده ابرقوئی (۱۳۹۶) "تلفن همراه؛ چالش نوین زندگی"

۲) وضعیت مصرف تلفن همراه در ایران (شامل ۲۱ مقاله):

الف) ابزارهای سنجش مصرف تلفن همراه در ایران (شامل ۴ مقاله):

* گل محمدیان و یاسمی نژاد (۱۳۹۰) "هنجاریابی، روایی و پایایی مقیاس استفاده آسیب زا از تلفن همراه COS در دانشجویان"
* شایقین، رسول زاده طباطبایی، رحیمی و پریان (۱۳۹۱) "ارزش یابی روان سنجی مقیاس مشکلات استفاده از تلفن همراه"
* سواری (۱۳۹۳) "ساخت و اعتباریابی پرسشنامه اعتیاد به تلفن همراه" (در بین دانش آموزان دختر و پسر سوم مقطع متوسطه شهر اهواز)

* آزادمنش، احدی، دلاور و منشئی (۱۳۹۶) "ساخت و اعتباریابی مقیاس افتراق معنایی معنا و مفهوم تلفن همراه"

ب) الگوهای مصرف و استفاده تلفن همراه در ایران (شامل ۱۷ مقاله):

* کوثری، جوادی یگانه و خیرخواه (۱۳۸۵) "کاربردهای تلفن همراه برای کاربران ایرانی (با تأکید بر نظریه استفاده و خوشنودی)"

* معیدفر و گنجی (۱۳۸۷) "تحلیلی بر کاربردهای تلفن همراه در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر تهران"
* منطقی (۱۳۸۹) "بررسی چگونگی کاربری دختران و پسران دانشجو از امکانات جانبی تلفن همراه" (دانشجویان دانشگاه تربیت معلم)

* کوثری، عرفانی حسین پور و عموری (۱۳۹۰) "الگوهای کاربری تلفن همراه در میان جوانان ایرانی؛ کارکردها و کژکارکردها در زندگی روزمره"

* باقیانی مقدم و شهبازی (۱۳۹۰) "الگوی استفاده از تلفن همراه در بین دانشجویان دختر و پسر ساکن در خوابگاه های دانشگاه علوم پزشکی یزد"

* عابدینی و عشرت زمانی (۱۳۹۱) "بررسی انگیزه، میزان و نوع استفاده از تلفن همراه در دانشجویان"

* فرقانی و بدیعی (۱۳۹۴) "فرآیند اهلی سازی تکنولوژی رسانه ای: تجربه زیسته جوانان ایرانی در پذیرش تلفن همراه هوشمند"

* عرفانی حسین پور و منتظر قائم (۱۳۹۴) "مصرف تلفن همراه توسط نوجوانان: آسیب شناسی و روش های فرهنگی و فنی مقابله"

* حیمی، کرمانی، علی حسینی و مشکینی (۱۳۹۵) "رابطه استفاده از تلفن همراه هوشمند و شکاف دیجیتالی در شهر تهران"

* مختاری و ملک احمدی (۱۳۹۶) "پدیدارشناسی تجربه کاربران از موبایلی شدن روابط"

* رضوی زاده، پرند و رحمتی نجار کلایی (۱۳۹۶) "آسیب شناسی به کارگیری تلفن همراه در دانشجویان نظامی از دیدگاه متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات: یک مطالعه تحلیل مضمون"

* اکبری، مجدی وحیدری (۱۳۹۷) "فردگرایی در بازی های تلفن همراه: یک تحلیل نشانه شناختی"

* قرشی، لری پور و لطفی پور رفسنجانی (۱۳۹۷) "میزان دسترسی به تلفن همراه و شیوع استفاده از آن برای تبادل مفاهیم

جنسی در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر رفسنجان، سال ۱۳۹۴"

* منصوری شاد، دلاور و مظفری (۱۳۹۷) "بررسی میزان و نوع استفاده از پیام رسان های تلفن همراه هوشمند نزد زنان خانه دار تهران"

* عباس زاده و عدلی پور (۱۳۹۷) "بازسازی معنایی شبکه های اجتماعی موبایلی در زندگی روزمره جوانان ایرانی"

* عبداللهیان و زهرایی (۱۳۹۷) "مطالعه میزان سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی ایستاگرام"

* ممشلی، بارانی، حجتی، آغازی و حکمتی پور (۱۳۹۸) "بررسی میزان اعتیاد به اینترنت و آسیب های ناشی از

تلفن همراه در دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد علی آباد کتول ۱۳۹۵"

۳) پیشایندهای مصرف تلفن همراه در ایران:

نتایج نهایی تحقیق بیانگران بوده که ۳۷ پژوهش (۴۱ متغیر) به جنبه های گوناگون "پیشایندهای مصرف تلفن همراه" پرداخته اند. پیشایندهای مصرف تلفن همراه شامل موضوعات پنج گانه اصلی عوامل شخصیتی و رفتاری، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و رسانه ای بوده اند. یافته های پژوهش بر اساس موضوعات فرعی، بازگو کننده آن بوده که بیشترین پیشایندهای استفاده تلفن همراه هوشمند اختصاص به موارد ذیل داشته اند:

* سلامت روانی (هر کدام ۶ مقاله):

یاسمی نژاد، گل محمدیان و یوسفی (۱۳۹۱) "رابطه سلامت عمومی و استفاده آسیب زا از تلفن همراه در دانشجویان"

سواری (۱۳۹۲) "بررسی رابطه سلامت روانی و روابط خانوادگی با اعتیاد به تلفن همراه"

بابادی عکاشه، عشرت زمانی، عابدینی، اکبری و هدایتی (۱۳۹۳) "ارتباط سلامت روان با سطوح اعتیاد به تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه‌های شهرکرد"

عشرت زمانی، بابادی عکاشه و عابدینی (۱۳۹۵) "پیش بینی رفتارهای وابستگی به تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه های شهرکرد با توجه به خصوصیات جمعیت شناختی و روان شناختی آنان"

سلیمانی، سعدی پور و اسدزاده (۱۳۹۵) "رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی و سلامت روان دانش آموزان"

عظیمی، شهنی بیلاق و گراوند (۱۳۹۸) "چالش های زندگی هوشمند: نقش بهزیستی روانشناختی و سلامت روانی در پیش بینی اعتیاد به تلفن همراه نوجوانان"

*احساس تنهایی (۵ مقاله):

نادری و حق شناس (۱۳۸۸) "رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان"

جنابادی (۱۳۹۵) "تعیین ارتباط احساس تنهایی و حمایت اجتماعی با اعتیاد به تلفن همراه در دانش آموزان"

رشیدی، جعفری، حجت خواه، محمدی، محبوبی، زاهدی مهر و وباغبانی (۱۳۹۴) "ارتباط ویژگی های شخصیتی، احساس

تنهایی و سبک های هویتی با وابستگی به تلفن همراه در دانش آموزان : ۱۳۹۳"

نریمانی و رنجبر (۱۳۹۵) "نقش احساس تنهایی و انسجام خانوادگی در گرایش نوجوانان به استفاده آسیب زای تلفن همراه (

مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان محمودآباد"

سلیمانی، سعدی پور و اسدزاده (۱۳۹۵) "رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری

تحصیلی، احساس تنهایی و سلامت روان دانش آموزان"

*ویژگی های شخصیتی (۴ مقاله):

یاسمی نژاد و گل محمدیان (۱۳۹۰) "بررسی رابطه پنج عامل نیرومند شخصیت و استفاده آسیب زا از تلفن همراه در

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی دزفول"

عشرت زمانی، شهریار نیستانی، عابدینی (۱۳۹۱) "رابطه بین میزان و نوع استفاده از تلفن همراه و صفات شخصیتی

دانشجویان"

راموز، هنری، مرادی و طباطبایی (۱۳۹۲) "رابطه بین بهره گیری از تلفن همراه و ویژگیهای شخصیتی دانشجویان تربیت

بدنی و علوم ورزشی"

رشیدی، جعفری، حجت خواه، محمدی، محبوبی، زاهدی مهر و باغبانی (۱۳۹۴) "ارتباط ویژگی های شخصیتی، احساس

تنهایی و سبک های هویتی با وابستگی به تلفن همراه در دانش آموزان : ۱۳۹۳"

علاوه بر آنها هر کدام از عوامل اصلی پنج گانه مورد نظر به تفکیک هر کدام دارای یک متغیر به عنوان پیشایندهای استفاده

آسیب زای تلفن همراه و یا استفاده از تلفن همراه مورد بررسی قرار گرفته شده اند که عبارتند از:

*عوامل اجتماعی:

سرمایه های سه گانه (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) : موسوی وشفیق (۱۳۹۵) "اعتیاد به موبایل در جوانان تهرانی: یک

بررسی جامعه شناختی"

متغیرهای نگرشی، رفتاری و وضعیتی: افخمی و سلسله (۱۳۹۲) "مصرف اعتیادآور تلفن همراه" در میان کاربران

ایرانی(شهروندان شهرکرج)

طبقه اجتماعی: ذائر و فردی (۱۳۹۵) "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر کاربرد تلفن همراه در میان نوجوانان (۱۱-۱۴

سال) شهر تهران"

حمایت اجتماعی : جنابادی (۱۳۹۵) "تعیین ارتباط احساس تنهایی و حمایت اجتماعی با اعتیاد به تلفن همراه در

دانش آموزان"

دینداری: حسینی پاکدهی، حاج محمدی (۱۳۹۰) "نوجوانان و تلفن همراه"

و مقابله دینی: عسکری زاده، پورمیرزایی و حاج محمدی (۱۳۹۵) "سبک های پردازش هویت و اعتیاد به تلفن همراه: نقش

واسطه مقابله ی مذهبی"

*عوامل خانوادگی:

کاهش روابط عاطفی با خانواده، فضای درونی خانواده: حسینی پاکدهی، حاج محمدی (۱۳۹۰) "نوجوانان و تلفن همراه"

کاهش انسجام خانوادگی: نریمانی و رنجبر (۱۳۹۵) "نقش احساس تنهایی و انسجام خانوادگی در گرایش نوجوانان به

استفاده آسیب زا از تلفن همراه (مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان محمودآباد"

سواری (۱۳۹۲) " بررسی رابطه سلامت روانی و روابط خانوادگی با اعتیاد به تلفن همراه " مهدی زاده، طالبی تماجانی (۱۳۹۴) " بررسی فضای عاطفی و کنترل والدین بر کاربردهای تلفن همراه در بین نوجوانان شهر تهران "

فرنام و قنبرپورگنججاری (۱۳۹۹) " نقش ابعاد الگوهای ارتباط خانواده و ابعاد جو روانی - اجتماعی کلاس درس در اعتیاد به شبکه های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر زاهدان "

*عوامل آموزشی:

موفقیت تحصیلی و افت تحصیلی: ذائر و فردی (۱۳۹۵) " بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر کاربرد تلفن همراه در میان نوجوانان (۱۱-۱۴ سال) شهر تهران

سلیمانی، سعدی پور و اسدزاده (۱۳۹۵) " رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی و سلامت روان دانش آموزان "

فرنام و قنبرپورگنججاری (۱۳۹۹) " نقش ابعاد الگوهای ارتباط خانواده و ابعاد جو روانی - اجتماعی کلاس درس در اعتیاد به شبکه های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر زاهدان "

*عوامل رفتاری:

عسکری و دلاور (۱۳۹۶) " بررسی رابطه میان الگوی مصرف موبایل و احساس بی موبایل هراسی در میان کاربران تلفن همراه کلانشهر تهران "

پوررضوی، اله وردی پور و توپچیان (۱۳۹۴) " تعیین پیش بینی کنندگی خود تنظیمی و خود کنترلی بر استفاده افراطی از تلفن همراه توسط دانشجویان دانشگاههای شهر تبریز

ایعادی، عباسی، پیرانی، تقوایی و پیرانی (۱۳۹۵) " رابطه کنترل عواطف و تحمل پریشانی با استفاده آسیب زا از تلفن همراه در میان دانشجویان "

اللهیاری، حیدری و ژیان (۱۳۹۴) " نیمرخ سبک های دلبستگی، اعتیاد به تلفن همراه و نحوه استفاده از آن در دانشجویان " بابایی، عزیزی و گلچوبی (۱۳۹۳) " بررسی سبک های دلبستگی و هیجان خواهی به عنوان پیش بین های وابستگی به تلفن همراه در بین نوجوانان "

خزاعی، سعادت جو، شبانی، صنوبری و بازیان (۱۳۹۲) " بررسی شیوع وابستگی به موبایل و ارتباط آن با عزت نفس دانشجویان "

عسکری زاده، پورمیرزایی وحاج محمدی (۱۳۹۵) " سبک های پردازش هویت و اعتیاد به تلفن همراه: نقش واسطه ی مقابله مذهبی "

خزاعی، شریف زاده، جاهدسراوانی، خزاعی و هدایتی (۱۳۹۲) " بررسی رابطه هوش هیجانی و وابستگی به تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند "

نادری و حق شناس (۱۳۸۸) " رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان " زنجانی، مقبلی هنزایی و محسن آبادی (۱۳۹۷) " رابطه بین افسردگی، تحمل پریشانی و مشکل در تنظیم هیجان با اعتیاد به استفاده از تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه کاشان "

حبیبی، قبادزاده، محمدی و مهدی زاده (۱۳۹۷) " نقش فشار اجتماعی و هوش هیجانی در پیش بینی رفتارهای اعتیادآور به تلفن همراه در دانش آموزان مقطع متوسطه

عظیمی، شهنی بیلاق و گراوند (۱۳۹۸) " چالش های زندگی هوشمند: نقش بهزیستی روانشناختی و سلامت روانی در پیش بینی اعتیاد به تلفن همراه نوجوانان "

فلاح، علیزاده، قنبری و زمانی پور (۱۳۹۸) " افسردگی، ترس از جاماندن و پراکندگی هویت: اعتیاد به تلفن همراه در نوجوانان "

رستمی نسب دولت آباد، احسان پور، محمدخانی، شریعتمدار طهرانی و باقری مهیاری (۱۳۹۸) " بررسی نقش سبک زندگی اسلامی در رابطه ی بین تنظیم شناختی-هیجانی و وابستگی به تلفن همراه در دختران نوجوان شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ "

زارعی (۱۳۹۹) " نقش واسطه‌ای نشانگان افسردگی و اضطراب در رابطه بین استرس ادراک شده و استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه در بین دانشجویان پرستاری "

*عوامل فناورانه (رسانه ای) (۳ مقاله) :

امیرکاظمی، راستگو و احمدآبادی (۱۳۹۹) " پیش‌بینی وابستگی به شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه از طریق اهداف استفاده از شبکه‌ها (پژوهشی در میان دانشجویان دانشگاه های منطقه ۹ کشور) "

حق پرست، قیومی و امیرحسینی (۱۳۹۷) "رابطه سرمایه و سلامت اجتماعی و سواد رسانه ای با کاهش آسیب های اخلاقی در شبکه اجتماعی اینستاگرم"

دلاور و عسکری (۱۳۹۵) "بررسی مولفه های موثر بر استفاده بهینه از تلفن همراه در راستای تعدیل آسیب های اجتماعی"

۴) پساندهای مصرف تلفن همراه در ایران:

نتایج نهایی تحقیق بیانگران بوده که ۵۳ پژوهش (۴۱ متغیر) به جنبه های گوناگون "پساندهای مصرف تلفن همراه" پرداخته اند. بیشترین پساندهای مصرف تلفن همراه عبارتند از:

* سبک زندگی (۸ مقاله):

سعیدی (۱۳۸۵) "اثرات ارتباط پایدار بر رفتار مصرف کننده: مطالعه ی موردی استفاده کنندگان موبایل در ایران"
کلاتنری و حسنی (۱۳۸۷) "رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان"
رحمتی و بخشی (۱۳۹۴) "سبک زندگی و الگوی مصرف (مورد مطالعه: تلفن همراه)" در بین دانشجویان دانشگاه دولتی و علوم پزشکی شهرکرد

کرمانی (۱۳۹۵) "سنجش تأثیر استفاده از تلفن همراه هوشمند بر سبک زندگی کاربران ایرانی"
کرمانی (۱۳۹۵) "توصیف و سنجش سبک زندگی اسلامی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان و شناسایی عوامل موثر بر آن"

حسینایی، فرنوش، زارع و باهنر (۱۳۹۷) "رابطه بین سبک زندگی و استفاده آسیب زا از فناوری های ارتباطی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه های آزاد اسلامی شهر تهران"

فرقانی و مهاجری (۱۳۹۷) "رابطه بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان"
سعادت سیرت و فرقانی (۱۳۹۹) "شکل گیری سبک زندگی نوین در الگوپذیری جوانان از شبکه های اجتماعی موبایل محور"

* عملکرد و موفقیت تحصیلی (۷ مقاله):

شهبازی، باقیانی مقدم، محمدلو، مطلق، مسعودی بروجنی (۱۳۹۲) "ارزیابی تأثیر تلفن همراه بر عملکرد اجتماعی-آموزشی دانشجویان شهر یزد"

عطادخت، حمیدی فر و محمدی (۱۳۹۳) "استفاده آسیب زا و نوع کاربری تلفن همراه در دانش آموزان دبیرستانی (شهر خلخال) و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و انگیزش پیشرفت"

سیاح برگرد، اولی، حسینی آهنگری، معاشی و حیدری (۱۳۹۵) "بررسی رابطه ی میزان استفاده از تلفن همراه با سلامت روان و موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی"

صدوقی، محمدصالحی (۱۳۹۶) "رابطه استفاده آسیب زا از تلفن همراه با عملکرد تحصیلی دانشجویان: نقش واسطه ای کیفیت خواب"

اکبری، شکوهی و اکبری گلزار (۱۳۹۷) "اعتیاد به شبکه های اجتماعی موبایلی و عملکرد تحصیلی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)"

صمدییک، ولی زاده کاکاوندی، نوری، صارمیان و بیرجندی (۱۳۹۷) "رابطه بین وابستگی به تلفن همراه با ویژگی های تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان"

زارع، جباری فر وبرزگرفروبی (۱۳۹۸) "بررسی رابطه بین میزان و نحوه استفاده از تلفن همراه با انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی در بین دانش آموزان دختر پایه نهم شهرستان یزد"

*افزایش ارتباطات اجتماعی (۳ مقاله):

جوادی یگانه، کوثری و خیر خواه (۱۳۹۱) "تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت های جنسیتی"

مهدی زاده و خیلا (۱۳۹۲) "تلفن همراه و روابط اجتماعی"

مهدیزاده و خوشنام (۱۳۹۳) "تلفن همراه و رفتارهای ارتباطی دانشجویان دانشگاه های شهر یزد"

*کاهش بهداشت روانی (۳ مقاله):

صحبایی، شکری، دائمی و پورزادی (۱۳۹۵) "الگوی استفاده از تلفن همراه و ارتباط آن با وضعیت روانی دانشجویان دانشگاه های تهران"

سیاح برگرد، اولی، حسینی آهنگری، معاشی و حیدری (۱۳۹۵) "بررسی رابطه ی میزان استفاده از تلفن همراه با سلامت روان و موفقیت تحصیلی در دانشجویان پزشکی"

حسینایی، فرنوش، زارع و باهنر (۱۳۹۷) " رابطه بین سبک زندگی و استفاده آسیب زا از فناوری های ارتباطی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه های آزاد اسلامی شهر تهران "

* تغییرات کیفیت زندگی (۲ مقاله):

گل محمدیان، یاسمی نژاد و نادری (۱۳۹۲) " رابطه استفاده مفرط از تلفن همراه با ابعاد کیفیت زندگی در دانشجویان " دانشگاه آزاد اسلامی دزفول "

یوشی، سید خامشی، رضایی، باقیان زاچی و کریمیان کاکلکی (۱۳۹۸) " ارتباط کیفیت زندگی و استفاده از تلفن همراه هوشمند در سالمندان "

* افزایش تعاملات بین فردی (۲ مقاله):

کوثری، جوادی یگانه و خیرخواه (۱۳۹۱) " تلفن همراه و تاثیر آن در ارتباطات میان فردی جوانان دانشجو (مطالعه دانشجویان دانشگاه های تهران) "

هاشمی (۱۳۹۳) " واکاوی نقش تلفن همراه در تعاملات میان فردی و اجتماعی جوانان "

* احساس تنهایی (۲ مقاله):

منصوریان، صلحی، ادب و لطیفی (۱۳۹۳) " رابطه وابستگی به تلفن همراه با احساس تنهایی و حمایت اجتماعی در دانشجویان "

نوروزی پرشکوه، میرهادیان، امامی سیگارودی، کاظم نژاد لیلی و حسن دوست (۱۳۹۵) " احساس تنهایی و نو آسیب های اجتماعی در دانش آموزان دبیرستانی (شهر رشت) "

* هویت شخصی مدرن (۲ مقاله):

احمدی، مهدی زاده و عقیلی (۱۳۸۸) " تاثیر استفاده از تلفن همراه بر شکل گیری هویت شخصی مدرن در میان نوجوانان و جوانان شهر تهران "

فرامرزیانی و جعفری (۱۳۹۹) " نقش شبکه های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل "

* کاهش انگیزش پیشرفت (۲ مقاله):

عطادخت، حمیدی فر و محمدی (۱۳۹۳) " استفاده آسیب زا و نوع کاربری تلفن همراه در دانش آموزان دبیرستانی (شهر خلخال) و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و انگیزش پیشرفت "

زارع، جباری فر و برزگر بفرویی (۱۳۹۸) " بررسی رابطه بین میزان و نحوه استفاده از تلفن همراه با انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی در بین دانش آموزان دختر پایه نهم شهرستان یزد "

* اثرات عمومی و آموزشی (۲ مقاله):

بیران و اخوان طباطبایی (۱۳۹۰) " بررسی نقش و تاثیرات استفاده از تلفن همراه بر دختران دانش آموز دبیرستانی " (منطقه یک شهر تهران)

دادگران و آزاداندیش (۱۳۹۲) " بررسی آثار اجتماعی و فرهنگی تلفن همراه بر دانش آموزان دختر مقطع متوسطه (شهرستان اراک) "

مابقی تحقیقات (۱۴ عنوان) هر کدام به یک پسایند پرداخته اند که در شش دسته اصلی قابل تفکیک بوده اند:

* اثرات اجتماعی:

موسوی و جمالی (۱۳۹۰) " تجزیه و تحلیل رابطه میان استفاده از موبایل و جامعه پذیری مدرسه ای با تاکید بر دانش آموزان دبیرستانی شهرستان کوهدشت لرستان "

منصوریان، صلحی، ادب و لطیفی (۱۳۹۳) " رابطه وابستگی به تلفن همراه با احساس تنهایی و حمایت اجتماعی در دانشجویان "

بهمنی و محمدی شکبیا (۱۳۹۴) " سبک های نوین ارتباطات انسانی در فضای مجازی، فرصت ها و تهدیدهای شبکه های اجتماعی موبایلی "

پورمودت و کجیاف (۱۳۹۵) " بررسی اضطراب اجتماعی در دانش آموزان استفاده کننده از اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی "

آقایاری هیر ، محمدپور و جعفری (۱۳۹۵) " بررسی ضریب نفوذ شبکه های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز) "

بصیریان چهارمی، عبدالحسینی و بردبار (۱۳۹۵) " رسانه های اجتماعی و مدیریت بحران نقش تلفن های همراه هوشمند در کنشگری اجتماعی "

شریفی و شهرستانی (۱۳۹۶) "بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی موبایلی (تلگرام) با رفتار و اخلاق اجتماعی کاربران با رویکرد دینی"

علیخواه، کوهستانی و واقعه دشتی (۱۳۹۶) "نقش شبکه های اجتماعی موبایلی در زندگی زنان (مطالعه موردی: شهر رشت)"

زینلی، سلطانی فر و مظفری (۱۳۹۷) "بررسی نقش شبکه های اجتماعی موبایلی بر توسعه مشارکت اجتماعی"
آهنگری، طحان، حسین نژاد و بناء خطیبی (۱۳۹۷) "بررسی رابطه استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه و میزان پای بندی به اعتقادات دینی دانش آموزان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر کاشمر"
سیادت، لهرایی و باقریان فر (۱۳۹۷) "تبیین مولفه های هویت اجتماعی دانشجویان بر اساس استفاده از برنامه های پیام رسان موبایلی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان)"
دادرس، فرامرزبانی، جعفری و بیابانی (۱۳۹۸) "اعتیاد به شبکه های اجتماعی موبایلی و اثرات فرهنگی و رفتاری ناشی از آن (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دوره متوسطه)"

کیهان، فرقانی و مظفری (۱۳۹۷) "نقش رسانه های اجتماعی موبایلی در شکل گیری هویت قومی دانشجویان"
***اثرات خانوادگی:**

موسوی و موسوی (۱۳۹۲) "تحلیل رابطه میان الگوی استفاده از تلفن همراه و اعتماد متقابل زناشویی"
شعبانی افارانی، کیانپور و صادقی فسایی (۱۳۹۷) "تجربه همسران از فرآیند بومی سازی تلفن همراه در زندگی مشترک: مطالعه داده بنیاد در شهر اصفهان"
عظیمی، مکتبی، گراوند و امین (۱۳۹۷) "رابطه علی سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی از طریق میانجی گری وابستگی به تلفن همراه در پرستاران شهر اهواز: ارائه یک مدل پیشنهادی"
رضایی (۱۳۹۹) "بررسی رابطه استفاده آسیب زا از تلفن همراه و اعتیاد به اینترنت با طلاق عاطفی معلمان شهر کرمانشاه"
***اثرات رفتاری:**

کلاتتری و حسنی (۱۳۸۷) "رسانه های نوین و زندگی روزمره: تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان"
خزاعی، سعادتجو، درمحمدی، سلیمانی، طوسی نیا و ملاحسن زاده (۱۳۹۱) "شیوع وابستگی به تلفن همراه و پرخاشگری نوجوانان شهر بیرجند"
مجیدایی، پیرعین الدین و کسایی (۱۳۹۴) "نقش استفاده مفرط از تلفن همراه در پیش بینی کیفیت خواب، اضطراب و افسردگی دانشجویان" (دانشگاه های خوارزمی و پیام نور کرج)
شهبازیان خونیق، شیخعلی زاده، محمدیان قریبه، رشبری دیباور، علی پور و آناهید (۱۳۹۸) "نقش تشخیصی هوش اخلاقی، ذهن آگاهی و اعتیاد به تلفن همراه در احتمال خودکشی دانشجویان"
منصوری شاد، دلاور و مظفری (۱۳۹۸) "تأثیر پیام رسانه ای ارتباطی تلفن همراه بر ویژگی های شخصیتی زنان خانه دار"

***اثرات فرهنگی(تفاوت ارزشهای بین نسلی):**

فرامرزبانی، هاشمی و فرهنگی (۱۳۹۵) "نقش استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه بر ارزش های اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان و میانسالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور)"

***اثرات آموزشی:**

شهبازیان خونیق، حسین پوربنه دیق و رهنمایی بسطام (۱۳۹۷) "بررسی نقش هوش اخلاقی و اعتیاد به تلفن همراه در اهمال کاری تحصیلی دانشجویان"

***اثرات فناورانه (رسانه ای):**

رحیمی، کرمانی، علی حسینی و مشکینی (۱۳۹۵) " رابطه استفاده از تلفن همراه هوشمند و شکاف دیجیتالی در شهر تهران"

*نکته: در یک پژوهش استفاده از تلفن همراه، به مثابه متغیر واسطه ای (آزمون تأثیر سبک دلبستگی در وابستگی در تلفن همراه و نقش آن در رضایت زناشویی) در نظر گرفته شده که در نتایج نهایی در بخش مقالات حوزه اثرات تلفن همراه محاسبه شده است:

عظیمی، مکتبی، گراوند و امین (۱۳۹۷) "رابطه علی سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی از طریق میانجی گری وابستگی به تلفن همراه در پرستاران شهر اهواز: ارائه یک مدل پیشنهادی"

بحث و نتیجه گیری

در حال حاضر استفاده از تلفن همراه هوشمند در ایران روبه افزایش است و این افزایش می تواند به تغییر در سبک زندگی افراد منجر شود. استفاده از گوشی های تلفن همراه در سال های اخیر به جزء جدایی ناپذیر زندگی تبدیل شده است. با وجود کاربردهای مفید تلفن همراه، استفاده بیش از حد و مداوم آن زمینه وابستگی و آسیب را در افراد ایجاد می نماید. مصرف تلفن همراه به مثابه یکی از مراحل زندگی اجتماعی تلقی شده و پذیرش آن در جوامع مدرن به مثابه رسانه موجب تحول در شکل و ساختار ارتباطات از حوزه ارتباطات و رسانه های جمعی به رسانه های اجتماعی و در حال حاضر ارتباطات موبایلی و هم چنین رسانه های موبایلی گردیده و این تحول علاوه بر تحول فنآورانه، نشان از ظهور و بروز ابعاد گوناگون تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر دارد. فرهنگ فراغت جوانان در ایران به سرعت تحت تاثیر فرهنگ رسانه های دیجیتال قرار گرفته است. تلفن همراه به عنوان شکل جدیدی از رسانه ارتباطی، مرزهای جدیدی را در شکل دهی به ارزش ها و هویت جوانان ایجاد کرده و علاوه بر تسهیل و تسریع برقراری ارتباط، الگوهای ارتباطی جوانان را نیز دستخوش تغییرهایی ساخته است.

با الهام از مفهوم سازی «عادت وار» و «میدان» بوردیو، می توان استدلال کرد که تلفن همراه، میدان جدیدی ایجاد کرده که جوانان در آن فرصت های بیشتری برای سرگرمی، ارتباط و استقلال عمل یافته اند و با آسان سازی و جبران برخی کاستی های حوزه عمومی، به تقویت عاملیت، فردیت و قدرت جوانان یاری رسانده است.

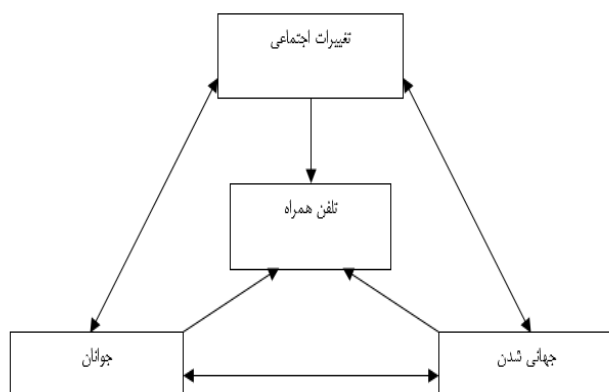
با چنین قدرت بخشی، تلفن همراه همچنان در چهارچوب تفاوت های جنسیتی و طبقاتی و نیز تفاوت های مربوط به بهره مندی از سرمایه اجتماعی عمل می کند. موبایل نه صرفاً به عنوان یک تکنولوژی جدید مخابراتی، بلکه به عنوان یک صنعت همه رسانه ای فرد مورد توجه مطالعات فرهنگی قرار می گیرد. «فردگرایی» پدیده ای است که محصول تحولات مربوط به حوزه فهم، تجربه اجتماعی و توسعه تکنولوژی های ارتباطی است که ابزار مند شدن آن با موبایل، وجوه جدیدی از فهم فردیت را باز تولید کرده است. موبایل مهمترین تکنولوژی فردی است که ضمن ایجاد " خلوت مستقل فردی " رابطه اجتماعی فرد را در یک بستر شبکه ای معنادار کرده است و می توان از آن تعبیر به "تکنولوژی همه رسانه ای فردی" نمود.

تلفن های همراه سبک زندگی ایرانیان را تغییر داده اند، به عنوان تسریع کننده بروز رفتارهایی منجر کننده عمل کرده اند، و نیز چگونه در ایجاد نوع تازه ای از رفتار مصرف کننده و ارتباطی تأثیر گذاشته اند. تلفن همراه علاوه بر تأمین نیاز ارتباطی میان فردی در حال حاضر به عنوان وسیله سرگرمی و وسیله ارتباط جمعی نیز به کار می رود و استفاده از آن معانی متعددی را برای کاربرانش دارد. تلفن همراه علاوه بر کاربردهایی نظیر تسهیل ارتباطات میان فردی به واسطه سیار بودن و همراهی هم زمانی و هم مکانی پاسخگویان، کارکردهایی چون تأمین امنیت، مد، خودابرازی، هویت، هماهنگی و سرگرمی را نیز به همراه داشته است. استفاده روز افزون و مشکل ساز از تلفن همراه، با پرخاشگری در همه سنین و هر دو جنس ارتباط دارد. علی رغم استفاده گسترده از تلفن همراه در ایران، اثرات اعتیادی و پیامدهای روانشناختی و رفتاری آن به خوبی بررسی نشده است.

کاهش میانگین سنی مصرف تلفن همراه، از جوانان به سطح نوجوانان و کودکان در ایران نشان از تحولی مهم و هم چنین ضرورتی اساسی برای بررسی و تبیین ابعاد گوناگون چگونگی، ماهیت و اثرات مختلف استفاده از تلفن همراه را دو چندان می نمایاند.

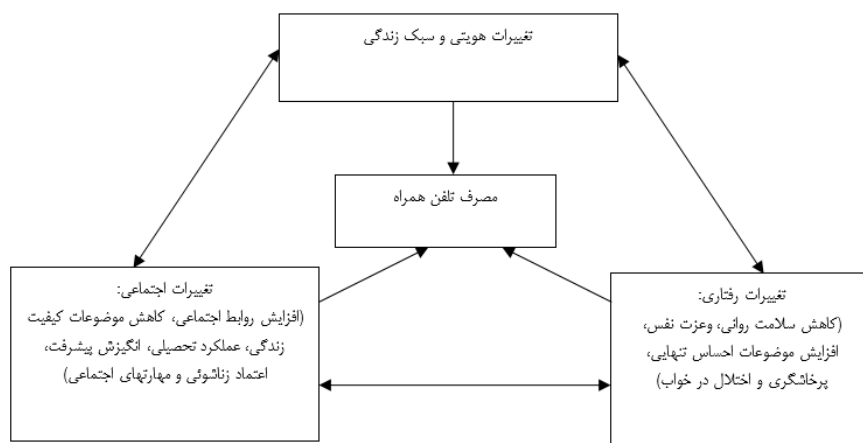
امروزه نقش و جایگاه رسانه های ارتباطی در حدی است که نمیتوان زندگی را بدون حضور آنها قابل تصور دانست. رسانه ها فقط وسیله سرگرمی نیستند؛ بلکه در بسیاری از جنبه های فعالیت اجتماعی و فردی ما دخالت و نقش دارند و کارکردهای مختلفی از جمله انتقال اطلاعات، آموزش، سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت مخاطبان را بر عهده دارند. تلفن همراه با ارائه الگو و هنجارهای خاص باعث ایجاد همنوایی در افراد میشود و با ماهیت خاصی که دارد، باعث رشد فردگرایی می شود. هر یک از کاربران با توجه به ویژگی های فردی و اجتماعی خود، استفاده خاصی از این رسانه می کنند و تحت تأثیر آن واقع می شوند.

استفاده از تلفن همراه مخصوص گروه سنی خاصی نیست و همه گروههای سنی را در بر می گیرد. استفاده جوانان ایرانی از تلفن همراه روبه گسترش می باشد و به طور گریزناپذیری، جوانان پرجمعیت ترین و پرتعدادترین گروه نسلی ایران، در مواجهه با تلفن همراه هستند. موضوع جدید جهانی شدن (خصوصاً اینترنت)، موجب بروز تغییراتی در حوزه های مختلف زندگی عموم افراد و خصوصاً جوانان در ایران گردیده و بدون توجه به این جهت گیری ها نمی توان تبیین جامعی از تاثیر موضوع مصرف تلفن همراه در ایران ارائه داد. لازمه تبیین نظری و تجربی مصرف تلفن همراه در ایران، توجه به تاثیر جهانی شدن در حوزه های مختلف نظام اجتماعی و هم چنین بررسی ابعاد گوناگون تغییرات اجتماعی ناشی از مصرف تله همراه می باشد. میزان دستیابی به تلفن همراه نیز خود، تابعی از چهار متغیر میزان مصرف تلفن همراه، نوع مصرف تلفن همراه، انگیزه و اهداف استفاده تلفن همراه و هم چنین نحوه ارائه و مدیریت خود کاربر ایرانی از تلفن همراه است. مدیریت استفاده از تلفن همراه از سوی افراد جامعه خصوصاً جوانان موجبات کاهش جنبه های آسیب شناختی تلفن همراه در قلمروهای مختلف را فراهم می کند.

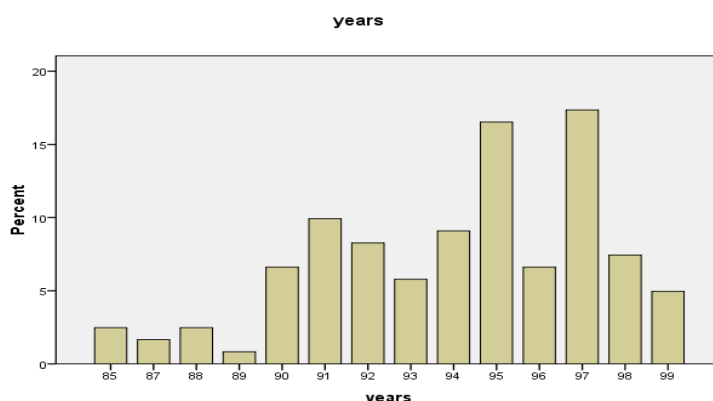


نمودار ۱) حوزه‌های سه گانه موثر در تبیین استفاده از تلفن همراه در ایران

جامعه‌شناسی تلفن همراه حوزه‌ای تازه، جوان و نوظهور و البته دارای رشد سریع و شتابان در ایران معاصر تلقی می‌شود که سعی در تبیین چگونگی و الگوهای استفاده از تلفن همراه به مثابه پدیده‌ای اجتماعی داشته و هم‌چنین به بررسی ابعاد گوناگون اثرات اجتماعی فرهنگی تلفن همراه در سطوح مختلف جامعه دارد. تحقیق حاضر متکی بر تحلیل ثانویه دریافته که در مجموع ۱۲۱ مقاله علمی پژوهشی در حوزه استفاده از تلفن همراه، شناسایی و بررسی قرار گرفته شده‌اند. نشر مقالات طی ده سال (۱۳۸۵ تا آذر ماه ۱۳۹۹) نشان از روند صعودی و افزایشی داشته است (نمودار شماره ۳).



نمودار ۲) حوزه‌های سه گانه اثرات مصرف و استفاده تلفن همراه در ایران



نمودار ۳) روند تحقیقات مصرف تلفن همراه در ایران طی سالهای ۱۳۸۵ تا آذر ماه ۱۳۹۹

گرایشهای پژوهشی تحقیقات تلفن همراه در ایران در چهار بخش اصلی طبقه‌بندی و بررسی گردیده‌اند که به ترتیب بیشترین آنها اختصاص به پسايندها (۴۴ درصد)، پسايندها (۳۰ درصد)، وضعیت (۱۷ درصد) و کلیات استفاده از تلفن همراه (۸ درصد) داشته‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲) گرایش‌های چهار گانه پژوهشی در تحقیقات تلفن همراه در ایران (طی سالهای ۱۳۸۵ تا آذرماه سال ۱۳۹۹)

گرایش‌های پژوهشی	تعداد	درصد
کلیات مصرف تلفن همراه در ایران	۱۰	۸
پیشایندهای مصرف تلفن همراه در ایران (عوامل و شرائط موثر در آن)	۳۷	۳۰
پسایندهای مصرف تلفن همراه در ایران (اثرات، پیامدها و کارکردهای آن)	۵۳	۴۴
وضعیت مصرف تلفن همراه در ایران (الگوها و ابزارهای سنجش مصرف)	۲۱	۱۷
جمع کل	۱۲۱	۱۰۰

نتایج نهایی پژوهش نشان داد که ۳۷ مقاله (۴۱ متغیر و موضوع) به ابعاد گوناگون "پیشایندهای مصرف تلفن همراه" توجه داشته اند که البته ۲۱ پژوهش با "عناوین" مربوط به جنبه های آسیب زا و اعتیاد به تلفن همراه داشته اند. پیشایندهای مصرف تلفن همراه شامل موضوعات پنج گانه اصلی عوامل شخصیتی و رفتاری، خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و رسانه ای بوده اند. یافته‌های پژوهش بر اساس موضوعات فرعی، بازگو کننده آن بوده که بیشترین پیشایندهای استفاده تلفن همراه اختصاص به سلامت روانی (۶ مقاله)، احساس تنهایی (۵ مقاله) و ویژگی های شخصیتی (۴ مقاله)، افسردگی (۳ مقاله)، سبک دلبستگی، سرمایه اجتماعی، مشکل تنظیم هیجان، هوش هیجانی، تحمل پریشانی، سبک هویتی (به طور مشترک هر کدام ۲ مقاله) داشته است. علاوه بر آنها هر کدام از عوامل اصلی چهار گانه مورد نظر به تفکیک هر کدام دارای یک متغیر به عنوان پیشایندهای استفاده تلفن همراه مورد بررسی قرار گرفته شده اند (۳۱ متغیر و موضوع) که هر کدام از آنها در یک مقاله گزارش شده است

نتایج نهایی تحقیق بیانگران بوده که ۵۳ پژوهش (۴۱ متغیر) به جنبه های گوناگون "پسایندهای مصرف تلفن همراه" پرداخته اند. البته ۱۱ مقاله به ابعاد آسیب زا و اعتیاد گونه استفاده از تلفن همراه توجه داشته اند. مصرف تلفن همراه در ایران موجب تغییرات اجتماعی در حوزه هایی مانند سبک زندگی و هویت یابی کاربران شده است. اگر چه استفاده از تلفن همراه موجب افزایش سه موضوع "تعاملات میان فردی" و "ارتباطات اجتماعی" و هم چنین "هویت شخصی مدرن" را فراهم نموده است و لیکن بیشترین کارکردهای نامناسب آن در کاهش عملکرد افراد در حوزه های روانی، رفتاری (کاهش سلامت روانی، اختلال در خواب، کاهش عزت نفس، افزایش احساس تنهایی و غیره)، خانوادگی (کاهش رضایت زناشویی و اعتماد زناشویی)، آموزشی (کاهش عملکرد تحصیلی، انگیزش پیشرفت و افزایش اهمال کاری تحصیلی)، اجتماعی (۱۳ موضوع اجتماعی) و فرهنگی (تفاوت نسلی ارزشها) گزارش شده اند. از میان پسایندهای مورد بررسی، سه موضوع به اثرات و کارکردهای مناسب مصرف تلفن همراه، دو موضوع به تغییرات ناشی از مصرف تلفن همراه (سبک زندگی و هویت)، و مابقی تحقیقات به اثرات و کارکردهای نامناسب مصرف تلفن همراه پرداخته اند.

بیشترین پسایندهای مصرف تلفن همراه اختصاص به متغیرهای سبک زندگی (۸ مقاله)، کاهش عملکرد تحصیلی (۷ مقاله)، کاهش سلامت روانی و افزایش ارتباطات اجتماعی (هر کدام ۳ مقاله)، کاهش انگیزش پیشرفت، کیفیت زندگی، هویت شخصی مدرن، احساس تنهایی و تعاملات بین فردی (به طور مشترک هر کدام ۲ مقاله) و اثرات عمومی و آموزشی (۲ مقاله) داشته اند. مابقی تحقیقات (۳۱ عنوان) هر کدام به یک پسایند پرداخته اند که در شش دسته اصلی اجتماعی، خانوادگی، رفتاری، فرهنگی، آموزشی و فناورانه (رسانه ای) قابل تفکیک بوده اند. نتایج نهایی تحلیل ثانویه تحقیقات تلفن همراه در ایران در نمودار شماره ۴ گزارش شده است.



نمودار شماره ۴) انواع چهارگانه گرایشهای پژوهشی تحقیقات مصرف تلفن همراه در ایران طی سالهای ۱۳۸۵ تا آذر ماه ۱۳۹۹ به تفکیک موضوعات اصلی و مباحث فرعی به تعداد

منابع

۱. آکسمن و یریبی و ساتو تیوونن. (۱۳۹۳). کارکردهای رسانه‌ای تلفن همراه و پیامدهای آن، ترجمه احسان موحدیان و احمد رضا شاه‌علی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها
۲. بیکر. ترز. ال. (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نائی، چاپ اول، تهران، انتشارات روش.
۳. حجت، محمدعلی. (۱۳۹۰). جوان و تلفن همراه، چاپ سوم، تهران، انتشارات جلال الدین
۴. میرسون، جورج. (۱۳۹۳). هایدگر، هابرماس و تلفن همراه، ترجمه محمود مقدس، چاپ اول، تهران، شرکت نشر افسون خیال.
۵. موسوی، سید کمال الدین. (۱۳۸۹). قدرت اجتماعی موبایل، تهران، شرکت نشر بهینه فراگیر.
۶. عاملی، سعید رضا و مهدی رنجبر. (۱۳۸۷). مطالعات تلفن همراه: زندگی در حال حرکت، تهران، انتشارات سمت.
۷. حیدری. حسین. (۱۳۹۵). اولین همایش ملی جامعه، فرهنگ و رسانه: تلفن همراه هوشمند و سبک زندگی (مجموعه مقالات)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
8. Berry, M. and Schleser, M. (2014) Mobile Media Making in the Age of Smartphones, Palgrave MacMillan, New York .
9. Brown, B., Green, N. and Harper, R. (eds) (2001) Wireless World: Social and Interactional Aspects of the Mobile Age, Springer, London .
10. Castells, M., Fernandez-Ardevol, M., Qiu, J. L., and Sey, A. (2006) Mobile Communication and Society: A Global Perspective, MIT Press, Cambridge, Mass .
11. Geser, H. (2004). Towards a sociological theory of the mobile phone. Retrieved July 12, 2005, from http://socio.ch/mobile/t_geser1.pdf.
12. Glotz, P., Bertschi, S. and Locke, C. (eds.) (2005) Thumb Culture. The Meaning of Mobile Phones in Society, Transcript, Bielefeld .

13. Goggin, G. (2006) *Cell Phone Culture: Mobile Technology in Everyday Life*, Routledge, London .
14. Goggin, G. (Ed.) (2007) *Mobile Phone Cultures*, Routledge, London .
15. Hamill, L. and Lasen, A. (eds.) (2005) *Mobile World. Past, Present and Future*, Springer .
16. Ling, R. and Pedersen, P. (eds.) (2005). *Mobile Communications: Renegotiation of the Social Sphere*, Springer, London, pp.7-22 .
17. Ito, M., Okabe, D. and Matsuda, M. (eds) (2005) *Personal, Portable, Pedestrian, Mobile Phones in Japanese Life*, MIT Press, Cambridge Mass .
18. McGuigan, Jim (2005). *Towards a sociology of The Mobile Phone.. Journal of Human Technology*, Volume 1 (1), April 2005, 45-57.
19. Katz, J. (Ed.) (2003) *Machines that Become Us: The Social Context of Personal Communication Technology*, Transaction Publishers, New Brunswick, New Jersey
20. Katz, J. (2006) *Magic in the Air: Mobile Communication and the Transformation of Social Life*, Transaction Publishers, New Jersey .
21. Katz, J. (Ed.) (2008) *Handbook of Mobile Communication Studies*, MIT Press, Cambridge, Mass .
22. Katz, J. and Aakhus, M. (eds) (2002) *Perpetual Contact: Mobile Communication, Private Talk, Public Performance*, Cambridge University Press, Cambridge .
23. Katz, J. and Aspden, P. (1996) *Mobile communications: Theories, Data and Potential Impacts. A Longitudinal Analysis of US National Surveys*, Bellcore .
24. Ling, R. (2004) *The Mobile Connection. The Cell Phone's Impact on Society*, San Francisco: Morgan Kaufmann .
25. Ling, R. (2008) *New Tech, New Ties. How Mobile Communication is Reshaping Social Cohesion*, MIT press, Cambridge, Mass .
26. Ling, R., L. Fortunati, G. Goggin, S. S. Lim, and Y. Li. (2020). *The Oxford Handbook of Mobile Communication and Society*. Oxford University Press, Oxford.
27. Ling, R. and Donner, J. (2009) *Mobile Phones and Mobile Communications: Digital Media and Society*, Polity .
28. Xiaoge, X. (2019). *Impacts of Mobile Use and Experience on Contemporary Society*. IGI Global; 1st edition
29. Xu, X. (Ed.). (2014). *Interdisciplinary Mobile Media and Communications: Social, Political, and Economic Implications*. Hershey PA: IGI Global.

بررسی مردم‌شناختی دامداری (گوسفندداری) در شهرستان نوشهر؛ مطالعه موردی کندلوس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

کد مقاله: ۶۳۳۵۲

فریبا میراسکندری^۱، فرهود جلالی^۲

چکیده

هدف از این مقاله بررسی مردم‌نگارانه یکی از شیوه‌های معیشت زندگی تاریخی مردمان کندلوس است که با توجه به تحولات بسیار زیاد شیوه‌های معیشت متأسفانه در حال افول است. در این نوشته پس از اشاره‌ای مختصر از تاریخ و جغرافیای کندلوس و معیشت و دامپروری مردم به چگونگی یاریگری و مشارکت در زمینه دامداری گوسفندان در دهه‌های گذشته می‌پردازد و در پی پاسخ به پرسش‌های زیرین است. نظام همیاری و تعاون در گذشته چگونه بوده است؟ آدمی چگونه قرن‌ها در کنار هم بر اساس قوانین نانوشته زیستند؟ نحوه خودیاری و گاهشماری در میان دامداران چگونه بوده است؟ میزان و سهم مشارکت آنان چگونه تعیین و تقسیم می‌شد؟ سود حاصله از کار جمعی را چگونه تقسیم می‌نمودند؟ جایگاه این شغل در نظام اجتماعی به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کجا قرار داشت؟ سهم زنان و فرزندان در این یاریگری به چه میزان بوده است؟ در این مقاله سعی شده است علاوه بر توصیف چگونگی زندگی چوپانان کندلوس و نظام خودیاری و مشارکت ضمن پاسخگویی به سؤالات مطروحه به برخی از زوایای پنهان زندگی آنان نیز بپردازد. روش این مطالعه روش مشاهده مشارکتی و مصاحبه بوده است و به صورت توصیفی تدوین خواهد شد.

واژگان کلیدی: عیار، تعاون و خودیاری، گاهشمار، بره دوشی، بهارسری، تاوسن سری، سری مرد، ورکاوون، کرد

۱- استادیار و عضو هیات علمی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۱- مقدمه

نظام دامداری عشایری یا نیمه کوچ نشین از کهن ترین و مهم ترین شیوه های پرورش دام در کشور بوده است. با توجه به اینکه نظام دامداری سنتی کشور اعم از روستایی و عشایری عمده ترین بخش تولید کننده گوشت قرمز در ایران به شمار می رود لذا توجه به این امر از اهمیت خاصی برخوردار است.

آدمی از دیرباز دریافته است زندگی جز به مدد مشارکت و کمک هموعان خود کاری بس دشوار است. لذا در همه دوره های زندگی بشری این تعاون به چشم می خورد. اما در دوره معاصر با گذر از جامعه سنتی جمع گرا و اشتراکی دیروزمان و با الهام از جوامع غربی که خود متأثر از نظام سرمایه داری است، به جامعه ای فردگرا و منفعت طلب مبدل گشته ایم؛ عدم استفاده از ظرفیت و پتانسیل فرهنگی ایران کهن باعث شد تا ظروف فرهنگی ما از چیزهایی که با فرهنگ ملی و بومی ما نامانوس بوده است پر شوند.

زندگی بشر از دیرباز بر پایه و اساس همیاری و تعاونی شکل گرفته بود. اما تعاونی (coopcrative) به مفهوم امروزی آن که برای تامین نیازهای اعضا و تعمیم عدالت اجتماعی شکل گرفته است. در دنیا ۱۸۰ سال و در ایران نیز نزدیک به ۹۵ سال سابقه دارد (سال نگارش این نوشته ۱۳۹۸ می باشد) در این مقال آنچه که مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد، سنت تعاون و خودیاری میان دامداران (گوسفند داران) در یک روستاست که این شیوه از زندگی را به روش سنتی از پدران خود به ارث برده اند؛

روش این مطالعه میدانی و توصیفی، تحلیلی است و ابزار این پژوهش علاوه بر مطالعات کتابخانه ای مشاهده و گفتگو با راویان بوده است؛ نگارنده در ایام کودکی و نوجوانی بسیاری از این کارها را از نزدیک مشاهده نموده است ضمن آنکه در سال ۱۳۷۱ پژوهشی با عنوان مونوگرافی دهکده کندلوس به عنوان پایان نامه مقطع کارشناسی انجام داده است.

در این مقاله علاوه بر شیوه خودیاری دامداران منطقه به گاهشماری آنان که نقش اساسی در زندگی و برنامه ریزی های روزمره آنها دارد پرداخته شد.

ثبت و ضبط فرهنگ عامیانه در ایران پیشتر از نیرنگستان صادق هدایت آغاز می شود که همان گردآوری خرافات بود اما پس از آن تا به امروز کارهای فراوانی در قالب منوگرافی ها و معرفی آداب و رسوم و فرهنگ عامه انجام شده است. متأسفانه به علت کم توجهی به رشته مردمشناسی، بسیاری از پژوهش های مردم شناختی، بنا به دلایل مختلف یا انجام نگرفته و یا بدون توجه به فرهنگ بومی ما انجام گرفته است و صد افسوس بسیاری از مهمترین دانش های بومی ما که حاصل دستاوردهای ادوار مختلف بشری بوده است مشمول فراموشی و به زیر خروارها خاک مدفون شده اند. امید است توجه به این موضوع بنیادین در سرلوحه کار دانشگاهیان و محققان این سرزمین قرار گیرد. نیک می دانیم بقول دکتر فرهادی که در مقدمه کتاب انسانشناسی یاریگری آورده است: " گرچه در زمانه ای ناپهنگام پرداختن و به نمایش گذاشتن تعاون و مشارکت و یاریگری در اوایل قرن بیست و یکم، در میانه میدان جنگ و ستیزه جویی قدرت های افسارگسیخته و تک قطبی شده جهانی و در متن نظام رقابت پرور و جنگ طلب و رفاقت ستیز سرمایه داری و نواستعماری بین الملل است".^۱ لازم به یادآوری است که این بخش از فرهنگ آنچه که در این نوشته ثبت و ضبط گردید از جمله موضوعاتی است که از دو دهه قبل تا کنون در دهکده متداول بوده و بخشهایی از آن دچار تحولات عدیده ای گردیده است. شاید خوانندگان عزیز به ذهنشان این سوال متبادر شود که دانستن این بخش از فرهنگ عامه مردم که به سرعت درحال فراموشی است چه ضرورتی دارد؟ اما به قول دکتر فرهادی دامنه بازگشت شما به گذشته هرچه بیش تر باشد امکان پرتاب هشیارانه شما به آینده های دورتر (حال های متاخرتر) بیش تر خواهد شد. عروج به آینده برای آدمیان میسر نیست چرا که زندگان الزاما و عملا و در آخرین لحظه حیاتشان نیز تنها در زمان حال و در مرز آینده اند اما می شود خردمندانه و با تجربه آموزی از گذشته دور و نزدیک بر روی نوار نقاله حال به شکل مستمر قدم های بعدی را برای زمان حال های آینده طراحی کرد. همه آینده ما همان حالهای آینده است که بلافاصله نیز به گذشته تبدیل می شود.^۲

۲- چارچوب نظری

کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظامی واجد نظم و ترتیب می دانند به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هرکدام وظیفه و کار معینی انجام می دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می کند و وظایف هرکدام به نوبه خود ضروری و اجتناب ناپذیر است چرا که به کلیت نظام و حفظ آن کمک می کند (ریترز، ۳۱، ۱۳۸۷)

۱ فرهادی، مرتضی، انسانشناسی یاریگری، ۱۳۸۸، نشر ثالث، چاپ اول، ص ۱۵
۲ فرهادی، مرتضی، انسانشناسی یاریگری، نشر ثالث، ۱۳۸۸، چاپ رهنما، صفحه ۸۴

هر جامعه‌ای ساختار درونی ویژه‌ای برای باورها و عملکردهایش دارد که بر مبنای هنجارها، رفتار فردی قالب‌ریزی می‌کند. در این پژوهش نیز سعی بر این است که ساختار درونی دآمداری بر اساس عملکردهای گروهی آن مورد بررسی قرار گیرد تا از طریق آشنایی با عناصر و اجزا موجود در هر ساخت به ساختار کلی و حاکم بر آنها دست یابیم. رادکلیف براون بر این موضوع اشاره دارد که وظیفه انسان‌شناختی تاکید بر کنش‌های فردی نیست بلکه باید از خلال این به دنبال یافتن ساختار حاکم بر آنها باشد و کلید رهیابی به این ساختارها همانا هنجارهای جامعه است. اصل وحدت کارکردی که نشان از یکپارچگی و هماهنگی همه عناصر سازنده طبقه اجتماعی دارد اصل کارکردگرایی عمومی است که می‌گوید همه چیز در داخل این کل وظیفه‌ای بر عهده دارد (فکوهی، ۶۵، ۱۳۸۶).

در این پژوهش نیز مجموعه‌ای از عناصر و نقش‌ها در میان چوپانان هر یک دارای کارکردی خاص بوده و دارای وحدت کارکردی می‌باشند. بر اساس مکتب تکاملی و تطورگرایی همانگونه که ادوارد تایلر می‌گوید که فرهنگ جامعه بشری از آغاز تا به امروز ثابت نبوده و تغییر و تحول یافته است که اصل حرکت یا پویایی اساس و زیربنای این تئوری را تشکیل می‌دهد در این پژوهش نیز تحولات مختلف فرهنگی چوپانان از کوچ‌نشینی تا به مرحله یکجا‌نشینی و ابزارهای مورد استفاده آنان، نشان از صحت نظریه تکامل گرایان است. مکتب اشاعه که در تضاد با مکتب تکاملی بود نقطه حرکت محوری این نظریه تامل بر تغییرات فرهنگی از یک سو و توجه به شباهت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. به عبارتی چرا پدیده‌های فرهنگی تغییر می‌کنند و سوال دوم آن که چرا پدیده‌های فرهنگی در فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر شباهت دارند. اشاعه‌گرایان بیشتر بر قابلیت فرهنگ‌ها در تقلید و فرهنگ‌پذیری تاکید دارند بنابراین پیش از آنکه به سراغ قوانین زایش و تطور درونی پدیده‌های فرهنگی بروند، در جستجوی قوانین حرکت و جابه‌جایی زمانی، مکانی این پدیده‌ها هستند (فکوهی، ۱۴۴، ۱۳۹۷) بر اساس مکتب اشاعه در این پژوهش شباهت‌های فراوانی در نحوه نگهداری دام و استفاده از محصولات دامی و وسایل مورد نیاز با سایر نقاط کشور و حتی جهان دارد. به طور مثال اینکه برای کره گرفتن لازم است ماست را داخل ظرفی قرار بدهیم و با حرکت مداوم و آب این کار را انجام دهیم. در مناطق مختلف این شیوه با ابزارهای متفاوت وجود دارد. لذا به نظر می‌رسد براساس مکتب اشاعه اولین بار این بخش از فرهنگ از نقاطی دیگر به این منطقه آمده است و حال به مرور زمان دستگاه کره‌گیری اگر اولین بار با پوست گوسفند بوده به مرور به ظرف سفالین و تنه درخت و یا ماشین مکانیکی تبدیل شده است.

تاریخ تعاون و همیاری به تاریخ پانهادن بشر بر روی این کره خاکی است و این تاریخ بن مایه بقای نوع آدمی است. در شروع تاریخ بشر تا مدت‌ها همکاری بین گروه‌ها به هر شکل به مراتب شدیدتر و رقابت، ستیزه و جنگ در میان آنها در حداقل بوده است. افزون بر شدت یاریگری در میان آدمیان پارینه‌سنگی و اقوام به اصطلاح ابتدایی تا عصر حاضر به نظر می‌رسد که ترکیب انواع یاریگری در میان این جوامع نیز نسبت به جوامع به اصطلاح متمدن امروز متفاوت بوده است. حدود دوازده هزار سال پیش انسانها آغاز به کشت و برداشت محصولات و اهلی کردن انواع حیوانی کرده‌اند. مدارک باستانشناختی بر این دلالت دارند که کشاورزی مختلط بر مبنای ترکیبی از گیاهان و حیوانات اهلی، پیش از شبانی تخصصی وجود داشت. کشاورزی مختلط تمهیدی چندوجهی بود که مردم را در برابر خشکسالی، کمبود برداشت، شیوع بیماری و بلاهای طبیعی دیگر محافظت می‌کرد. در جوامع غیر صنعتی، شبانی یکجانشین یا دامپروری بدون نیاز به تحرک عموماً کمیاب است در این مجامع الگوی معمول همان شبانی کوچرو است که به معنای حرکت دادن دامها از یک مرتع به مرتع دیگر بر حسب اقتضای فصل و شرایط دیگر می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

ادوارد وستر مارک Edvard Westermarck مشخصه تعاون را در تعریف جامعه به کار برده است. وی جامعه را دو دسته‌ای از مردم که به حال تعاون زندگی می‌کنند دانسته است.^۴ آلبرت گالری کلر A.G.Keller و ویلیام گراهام سمندر W.G.Sumner جامعه‌شناسان آمریکایی جامعه را به دسته‌ای از مردم که به اشتراک زندگی می‌کنند و می‌کوشند به اتفاق وسایل زندگی خویش را تامین کنند و نسل را ادامه دهند، تعریف کرده‌اند.^۵ آگبرن ونیمکف نیز جامعه را اینگونه تعریف کرده‌اند: گروه وسیع و پردوای مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک که وجوه اشتراک فراوانی دارند و برای بقا و استمرار خود همکاری می‌کنند و سازمانهای متعددی به وجود می‌آورند.^۶

۱ فرهادی، مرتضی، انسان‌شناسی جنگ، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۸

۲ بیتس، دانیل، ویلاک فرد، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۵

۳ همان منبع صفحه ۲۵۶

۴ طبیبی، حشمت... مبادی و اصول جامعه‌شناسی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة صفحه ۷۹، ۱۳۵۸

۵ همان منبع صفحه ۷۹

۶ آگبرن ونیمکف، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس ا.ج. آریانپور، تهران، دهخدا، ۱۳۴۵

پتیریم سوروگین در یک فهرست تشریحی نسبتاً مفصل که به زعم وی سبب عضویت افراد در گروه اجتماعی می‌شود، از پاره‌ای تشابهات و اشتراکات مانند اشتراک در مالکیت، مذهب، فرهنگ، اشتراک در خون و ... بالاخره از همکاری و تعاون مشترک نام می‌برد.^۱

ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۶۰) در کتاب السیاسة المدینه جوامع مدنی را نخست به دو نوع کلی فاضله (آرمانی) و غیر فاضله تقسیم می‌کند و برای جوامع غیر فاضله انواعی قائل می‌شود. اما چه در مدل آرمان شهر و چه در نوع واقعی شهرها، مبنای کار را همکاری شهروندان می‌داند.^۲

ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲) تونس در کتاب عظیم مقدمه جلد اول به مسئله همکاری می‌پردازد. ثابت و دانسته شده است که یک فرد بشر به تنهایی به کار نیازمندی‌های خود را در امر معاش نمی‌پردازد بلکه افراد یک اجتماع با یکدیگر همدستی و تعاون می‌کنند تا بتوانند وسایل معاش خود را فراهم سازند.^۳

فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار از سویی و پتانسیل فرهنگی فرهنگ باری دوست و پراخوت اسلامی و ایرانی از سوی دیگر در ازای زمان به ویژه روستاییان و کوچ‌نشینان ما را هرچه بیش‌تر به هم وابسته کرده است.^۴ در قرآن کریم در سوره مائده می‌فرماید و در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.^۵ تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و کتابهای فراوانی در دانشگاههای کشور پیرامون دآمداری، فرهنگ دآمداری و دامپروری منتشر شده است. همچنین بر اساس تحلیل و آنالیز مقالات علمی و دانشگاهی کشور، تا این لحظه ۴۰۷ مقاله در رابطه با دآمداری و دامپروری تهیه و منتشر شده است که شامل ۳۶۱ مقاله کنفرانسی و ۴۶ مقاله ژورنالی شامل ۵۰،۴۶۲ صفحه میباشد. اما در کندلوس علاوه بر تعدادی از مقالات پراکنده دو اثر جامع در زمینه مردم‌شناسی و علوم اجتماعی کندلوس انجام گرفته است؛ یکی کتاب کندلوس اثر مهندس علی اصغرجهانگیری که در سال ۱۳۶۷ تالیف و منتشر گردید. دوم پایان‌نامه "کندلوس با تکیه بر همیاری‌های سنتی" پژوهشی از نگارنده که در سال ۱۳۷۱ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته است. سایر پژوهش‌های انجام گرفته موردی بوده است. در زمینه یاریگری و مشارکت به طور خاص می‌توان به فرهنگ یاریگری در ایران و "واره" از دکتر مرتضی فرهادی و شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران از دکتر مهدی طالب اشاره کرد و اما در بسیاری از مونوگرافی‌ها و پژوهش‌های روستایی، ایلی و عشایری به موضوعات همیاری و آداب آن پرداخته شد. در زمینه دآمداری‌های سنتی شمال ایران شعر شولا^۶ از نگارنده در کندلوس و مقالاتی توسط مومن توپا ابراهیمی در منطقه کلارستاق چالوس و مقالاتی از قبیل نظام عملکرد دآمداری سنتی در جوامع نیمه کوچ‌نشین غرب در اسالم و تالش گیلان از نصرالله مولایی هشبجین، تحول اشکال دآمداری سنتی در دشت گیلان از علی پورنیکویی می‌توان اشاره کرد.

علاوه بر آن در بسیاری از مقالات با موضوعات پرورش دام و یا فرهنگ مردم مناطق مختلف اشاراتی به این نوع از دآمداری شده است که بیشتر به توصیف آنها پرداخته شد. اما در منطقه کجور کمتر به این موضوعات پرداخته شده است. و این مقاله سعی در توصیف و تحلیل این نظام خودیاری را دارد.

۴- کندلوس

این دهکده در دهستان زانوس رستاق از بخش کجور شهرستان نوشهر در استان مازندران و در دل کوهستانهای البرز واقع است. در شانزده کیلومتری جاده چالوس به تهران با طی مسافتی حدود ۴۲ کیلومتر از دوآب به طرف کوهستانهای کجور به کندلوس می‌رسید که در میان دو کوه و در مسیر رودخانه بصورت شمالی، جنوبی قرار گرفته است شکل روستا بصورت طولی است و کم‌کم در حال توسعه مسکونی آن علاوه بر شمالی و جنوبی از شرق به غرب نیز در حال توسعه می‌باشد. از شمال به روستای مونج (munj) و خوشل (xusal) و از جنوب به مراتع و ارتفاعات البرز در کوهستان نور و روستای نیچکو (جنوب شرقی) و از شرق به روستای میرکلا و گیل کلا و کوههای لمن کوه (lamanku) (کش kaš) و شمال شرقی به روستای پیده از غرب به جنگل‌ها و مراتع زانوس محدود است. این روستا در ۵۵ درجه طول شرقی ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ارتفاع ۱۴۰۰ متر از سطح دریا

۱ محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران، مولف ۱۳۶۹ صفحه ۲۰۱

۲ خوشرو، غلامعلی، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران، اطلاعات، صفحه ۱۹، ۱۳۷۴

۳ ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد اول، صفحه ۲۲۵، ۱۳۴۵

۴ فرهادی، مرتضی، انسانشناسی یاریگری، نشر ثالث، ۱۳۸۸ تهران

۵ قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۲

۶ نگارنده به زبان مازندرانی قطعه شعری با عنوان شولا را در سال ۱۳۶۵ به نظم درآورده است که در آن به زوایای مختلف یاریگری در دآمداری پرداخته شد.

واقع است. جمعیت بومی و زمستانی آن زمان نگارش، پاییز ۱۳۸۹، حدود ۶۰ نفر و جمعیت تابستانه و فصول گرم حدود ۲۰۰۰ نفر و جمعیت کندلوس در سایر نقاط حدود ۳۵۰۰ نفر می باشد.

کندلوس یکی از چهار دهکده گردشگری و بافت با ارزش و تاریخی کشور است که در فهرست آثار فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است. بر اساس آثار مکشوفه در منطقه دیارک بر اساس نظر باستان شناسان این منطقه بیش از سه هزار سال قدمت دارد. به روایت دکتر امین نعیمایی عالی، قدیمی ترین سند مکتوب مربوط به نام این دهکده که در مقاله بررسیهای تاریخی تحت عنوان هفت فرمان آمده است، فرمان ملک اسکندر بن ملک کیومرث از شاهان رویان و رستمدر در ۲۱ ربیع الثانی سال ۸۷۸ هجری قمری که سند مربوط به موقوفات ملک اسکندر برای بقعه امامزاده اسماعیل در آبادی الامل کلارستاق (سیاه بیشه) می باشد. کاتب این سند جمال الدین بن جلال املی کندلوسی است.^۱ سند دیگر که در کتاب کندلوس آقای علی اصغر جهانگیری آمده است متعلق به ۱۰۳۶ هجری قمری می باشد، برمی گردد که نام کندلوس در آن آمده است. این سند مربوط به خرید بخشی از کندلوس از گیاشاه حسین آروبیج و کیا حسین آروبیج و دخترانش به مبلغ نوزده هزار دینار تبریزی است؛^۲ اما در همین سند امضای دو شخص از بزرگان بنام مولانا عبدالله کندلوسی و ملا عبدالعلی کندلوسی وجود دارد که نشان از قدمت بیشتر ساکنان روستا است. این منطقه در گذشته دارای مکتبخانه بوده و در سال ۱۳۲۶ به همت اهالی و مدیریت احمد دانش کجوری مدرسه به شیوه جدید در آن تاسیس شد. این روستا، هنرمندان، اندیشمندان، علما و نام آورانی را در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی از گذشته تا کنون دارد که در توسعه روستا نقش بسزایی داشته اند.

علاوه بر آن داستانه و روایات مستند مشهوری مانند مینا و پلنگ، مارجان و عباس و شکوفه در این روستا وجود دارند. در سال ۱۳۶۰ یکی از اهالی بنام دکتر علی اصغر جهانگیری با احداث موزه روستایی که تنها موزه روستایی در خاورمیانه است نقشی در توسعه فرهنگی روستا و گردشگری آن ایجاد نموده است. جهانگیری علاوه بر آن به کشت گیاهان دارویی و احداث کارخانه گیاهان دارویی مبادرت ورزید و نوشتن چند اثر مکتوب از جمله کتاب کندلوس و تولید آثاری در زمینه موسیقی منطقه از دیگر فعالیت های اوست. در استمرار این فعالیت ها به همت بنیاد مسکن به منظور حفظ بافت بارزش، کوچه های دهکده سنگفرش و سقف ها به روش قدیم (لت) بازسازی شده اند. علیرغم تلاشهای دکتر جهانگیری، بنیاد مسکن و سایر اهالی متاسفانه در کندلوس توسعه مورد تصور و نیاز پیش بینی شده شکل نگرفته است که علل و بررسی دلایل آن در این مقال نمی گنجد.

مردم کندلوس آیین های مذهبی از قبیل عزاداری ایام محرم و صفر و سایر آیین ها را همچون دیگر مردمان این دیار برگزار می نمایند که پایگاه اصلی آن مسجد و رویدادهای آیینی و خیابانی است. مسجد در کندلوس توسط هیات امنایی برگزار می شود. مسجد قدیم که در حافظه ها باقیست، متعلق به دویست سال قبل بوده و به علت رشد جمعیت مسجدی با آهن و بلوک و سیمان در سالهای ۵۴-۱۳۵۳ ساخته شد و مجددا بنای مدرن دیگری با بتن و معماری جدید توسط اهالی و با همت و مدیریت چهار تا پنج نفر در سال ۱۳۸۴ ساخته شد. جشن ها و آیین های شادمانه از جمله نوروز و سایر مناسبت ها را نیز همانند بسیاری از نقاط کوهستانی جنوب البرز برگزار می نمایند. مهمترین جشن این روستا، علاوه بر نوروز، جشن فردینماشو است که حدود دو دهه در مردادماه هر سال همزمان با آغاز سال نو تبری برگزار می شود. یکی دیگر از مشارکت های اجتماعی و خودیاری در کندلوس صندوق متوفیات است که سالیانه هر فرد کاسب مبلغی را به صندوق پرداخت می کند و در روز وفات او کلیه هزینه های مراسم کفن و دفن و ختم توسط صندوق انجام می شود. معیشت اصلی مردم بومی این منطقه کشاورزی و دامداری سنتی بوده و در سالهای اخیر با توجه به بحث گردشگری، فروش محصولات کشاورزی و دامداری و اجاره دادن اتاق به گردشگران و ساخت و ساز و کارهای خدماتی مربوط به ساختمان، بخشی از معیشت آنان است. متاسفانه این روستا نیز همانند سایر نقاط این مرز و بوم برنامه ای مدون برای توسعه ندارد و الگوی توسعه به روش غرب و فراموشی فرهنگ بومی باعث شد تا به مرور، مصرف گرایی جای تولید را گرفته و بسیاری از سن کار و تولید به فراموشی سپرده شوند لازم به ذکر است در مطالعه سال ۱۳۷۱ نگارنده سنت دامداری بویژه در نگهداری گوسفند و بز از روال خوبی برخوردار بود و چیزی حدود یک هزار و پانصد راس گوسفند و بز وجود داشتند که متعلق به ۵ تا ۶ نفر چوپان و یا حشمداران بوده است. اما در زمان نگارش این مقاله (۱۳۹۸) فقط دو نفر آن هم از نسل جوان که یکی به روش سنتی و دیگری سعی در پرورش و اصلاح نژاد به شیوه جدید را دنبال می کنند و جمعا حدود سیصد و پنجاه راس گوسفند دارند. یکی، دو واحد ساختمان جهت دامداری احداث شده است که هنوز فعال نشده اند. نگارنده این سطور به خوبی می داند که اگر سعی در بازسازی و به روز کردن این آیین ها و سن نداشته باشیم همگی در حال فراموشی و نابودی است. چاره ای نیست جز آنکه دانش خود را در زمینه بومی توسعه دهیم و با الهام از فرهنگ کهن و زایشی این بوم و بر، آنچه از نیاکان خود گرفته ایم را با مطالعه بیشتر و طرحی نو به آیندگان بسپاریم. مدیریت محلی در قیل از انقلاب به صورت خانه انصاف و در بعد انقلاب در دهه اول، شوراهای انتسابی و در ادامه همچون سایر نقاط کشور به صورت شوراهای منتخب انجام می شود. حدود یک

۱ نعیمایی عالی، امین، ۵۶ ساله، اردیبهشت ۱۳۹۸، اصل این سند در دست نیست.

۲ این سند در موزه کندلوس نگهداری می شود.

دهه نیز علاوه بر شورا دهیاری نیز وجود دارد که مدیریت محلی و خدمات آن را به عهده دارند. دهیاری و شورا علاوه بر مکان مشخص دارای امکاناتی از قبیل ماشین و لودر و همچنین تعدادی مغازه که توسط شورای دوره های اخیر ساخته شده است، می باشد.

مفاهیم و واژه هایی که در این مقاله بکار رفته اند عبارتند از:

برّه (bara): نیم دایره ای که با چپر محصور می شود و گوسفندان یکی یکی از آن برای دوشیدن خارج می شوند. برای زمان یعنی وقت برّه یعنی صبح و عصر و هم برای مکان به کار می رود. تعاون: در لغت نامه دهخدا به معنی یکدیگر را یاری کردن- یاری کردن اقوام به یکدیگر و یاری به معنای اعانت، کمک، دستگیری، پیمردی، دستمردی، پشتی یارمندی، پشتیبانی، نصرت، مساعدت، عون و یاریگری به معنای یاری، امداد، اعانت و ... است.

خودیاری: گروهی است که در آن بردار کنش یاری منحنی است و نتایج کار تقریباً همزمان به همه گروه باز می گردد که در آن هر یک با نقش هایی که اجرا می کنند به خود و دیگران کمک می نمایند.^۱

سری (sēry): سرا مجموعه محل زندگی چوپانان را گویند؛

سری مرد (sēry mard): به چوپانانی که در سرا مدیریت را به عهده دارند می گویند.

عیار (ayar): اندازه گیری را گویند؛ برای اینکه بتوانند در نظام تعاونی و خودیاری سهم هر یک را تعیین نمایند، روزی خاص بر اساس یک آیین سهم شیر هر چوپان و یا دامدار مشخص می شود.

کرد (kērd): در کندلوس چوپان را کرد می نامند و به دامدارانی که گاو دارند گالش می گویند.

واره (kāra) (شیر به شیر): برای استفاده از زمان و صرفه جویی در وقت زنان سهم شیر یک روز خود را بر اساس پیمانه به یک نفر می دهند و در روزهای دیگر شیر خود را پس می گیرند، تا یکجا به گرفتن محصول اقدام نمایند.

۵- دامپروری و دامداری

دامپروری و کشاورزی عمده معیشت مردم در گذشته بوده است. دامهای اهلی موجود عبارتند از گاو، گوسفند، بز، اسب، قاطر و الاغ.

در میان این حیوانات اهلی مردم روستا بیشتر به پرورش گاو و گوسفند و بز می پرداخته اند. گاهی نیز به پرورش اسب، قاطر، الاغ به اندازه مورد نیاز اقدام می کردند و از این حیوانات و گاو نر در حمل و نقل، کشاورزی و جنگل بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت.

شیوه پرورش گاو به دو شکل متداول است: یکی بصورت دسته جمعی و به تعداد بیشتر که در بیرون از دهکده در گاوسراها نگهداری می شده اند (گالش گاو gālēšgo) و در فصل سرما به قشلاق (کوهپایه های سواحل خزر) می رفتند. دیگری خانگی (کتول katul) بوده که معمولاً اهالی هر کس در کنار خانه به نگهداری و پرورش آنها مشغول بودند. که معمولاً از سایر آبادی های همجوار در ارتفاعات کندلوس به این کار مشغول بودند. هر کس در طولیه و گاوسرای خود به تنهایی گاوها را نگهداری می کردند. و در فصل گرما (عمدتاً اوایل خردادماه) به صورت مشارکتی در مناطق ییلاقی به پرورش آنها مشغول بودند.

اما آنچه که در این مقاله به آن پرداخته می شود شیوه نگهداری و پرورش گوسفند و بز در روستای کندلوس و روستاهای همجوار است. چوپانان کندلوس گویی بیش از چند قرن به این شیوه اسکان در دهکده در فصل زمستان کوچ در فصل بهار در نزدیکی دهکده و ارتفاعات بدون خانواده مشغول فعالیت می باشند به عبارتی طولیه و آغل برای فصل زمستان در داخل دهکده است و هر کس انفرادی به نگهداری می پردازد اما در فصل گرما آغاز کار اشتراکی چوپانان بدون خانواده آغاز می شود که در ادامه به شرح بیشتر آن خواهیم پرداخت.

۶- طولیه یا آغل

چوپانان عمدتاً در جوار خانه، طولیه و کاه انبار و در برخی مواقع در زیر خانه خود طولیه یا آغل به نام کلم kelem برای نگهداری گوسفندان داشته اند و از پشت بام برای نگهداری علوفه استفاده می کردند. با نردبانی به نام کانه kate به پشت بام می رفتند. گاهی نیز طولیه ها استیجاری بوده است و در دهه های اخیر به منظور رعایت بهداشت محیط، طولیه ها و آغل ها را در جوار روستاها ساخته اند. معمولاً یک چوپان حداقل ۵۰ و حداکثر ۱۵۰ تا ۲۰۰ راس گوسفند و بز داشت. در فصل سرما هر کس گوسفند

۱ فرهادی، مرتضی، انسان شناسی یاریگری، نشر ثالث، فصل هفتم، صفحه ۳۶۹

خود را در طویله های خود نگهداری می کرد در بالای طویله ها معمولا محلی برای نگهداری علوفه بنام گاه انبار وجود داشت. علاوه بر آن در پشت بام ها و زیر شیروانی ها هم محلی برای نگهداری علوفه های آنان بوده است. در فصل پاییز و زمستان که گوسفندان در آغل نگهداری می شوند زنان و فرزندان در تمیز کردن آغل ها، آماده کردن علوفه و بعضی از کارهای دیگر به مردان کمک می نمایند. خرد کردن علف بوسیله دستگاهی بُرنده بنام خدکار *khedcar* به عهده مردان است که بیشتر در روزهای برفی که گوسفندان را بیرون نمی برند، انجام می شد و چوپانان از سپیده صبح تا هنگامه غروب، گله ها را برای چرا به مراتع محلی که آفتاب خور(خور دیم) هست، می برند. از آنجا که در فصل زمستان بره ها متولد می شوند در گوشه ای از طویله که معمولا گرمتر بود را به عنوان کرس (*kēres*) بصورت چپر با چوب جدا می کردند و بره های متولد شده را در آن نگهداری می کردند. در صورتی که بره هایی در هنگام زایمان نارساییهایی داشتند آن را به خانه خود آورده و در کنار بخاری از او نگهداری می کنند. غذای بره ها برگهای خشک شاخه های درختان بنام چرده (*čarda*) بود که در تابستان از سر شاخه های پر برگ درختان تهیه می کردند. علوفه گوسفندان معمولا جو و علف بود؛ علف ها هر ۵۰ بسته "kar" یا "rise" آن یک خروار بود که معمولا از علفزارهای خود تهیه می کردند و یا با معامله پایاپای با کره و کشک یا پول با کشاورزان معاوضه می کردند. معمولا در کنار دیوارها بوسیله سنگ و یا تخته هایی به ارتفاع ۳۰ سانتی متر از زمین را آخور برای دادن علوفه ها درست می کردند. برای دادن جو در ناوهای چوبی که از تنه درخت که بخشی از آن خالی و شبیه ناو بود استفاده می کردند. چرده ها را بر چوبی که به ارتفاع ۳۰ سانتی متر از زمین قرار داشت به نام "داهله" با طنابی می بستند تا بره ها راحت تر بخورند یا طنابی را به طول سه یا چهار متر در دو طرف می بستند و چرده را روی آن می بستند که به آن "atar" می گفتند پس از خوردن برگهای آن از سرشاخه های مانده برای گرم کردن تنور استفاده می کردند. معمولا هر چوپان دو یا چهار سگ برای نگهداری گله ها داشتند. غذای سگ "لوت" بود که با آردهای تاریخ گذشته و خراب و نانهای خشک در مقداری آب می ریختند و با حرارت آن را شبیه حلیم درست می کردند. گاهی نیز از نانهای کمی خشک شده به آنها می دادند. پس از زایمان گوسفندان معمولا در ایام نوروز علف ها در حال رویدن هستند و گوسفندان شیر بیشتری بیش از مصرف بره ها دارند. در ورودی طویله هنگام بیرون رفتن صبح به نام کلم قف *keleme* *ghalf* شیر گوسفندان را می دوشند که هم پنیر می کنند و هم با انجیر *halve* شبیه ماست درست می کنند و بره ها را با مادرشان قاطی می کنند به چرا می برند و این قاطی کردن را مار و وره یعنی مادر و بره گویند که صحنه زیبایی است که بره ها با صداهای زیاد به دنبال پیدا کردن مادرشان هستند. اما مشارکت و خودیاری چوپانان و دامداران معمولا از فصل بهار شروع و تا فصل پاییز ادامه داشت. برنامه ریزی و مبنای زمانی آنها بر اساس گاهشماری تبری انجام می گرفت. لذا برای روشن شدن موضوع به ذکر مختصری از این گاهشمار می پردازیم.

۷- گاهشمار تبری

این گاهشمار که در زمان نگارش ۱۵۳۲ سال قدمت دارد، آغاز آن به حکومت کیوس پسر کیقباد برمی گردد و ۱۳۳ سال جلوتر از سال شمسی است؛ مردم کندلوس به تقویم رسمی کشور برج و به تقویم قمری ماه و به تقویم تبری ما می گویند. در این تقویم سال به دوازده ماه سی روزه تقسیم می شود و ۵ روز بنام اندرزگاه و یا پیتک به آخر ماه اونها اضافه می شود. این مردم شب را بر روز مقدم می دارند. تقویم شمسی در انجام امور اداری و رسمی، تقویم قمری در مراسم و آیین های مذهبی و تقویم تبری در کارهای دامپروری و کشاورزی و گاه نیز بصورت مشترک کاربرد دارد. شش ساعت از سال در این تقویم محاسبه نمی شود از آنجا که در گذشته کیبسه می کردند این شش ساعت را با انجام کیبسه در هر چند سال لحاظ می کردند لذا از وقتی که دارای حکومتی مرکزی نبودند این امر به فراموشی سپرده شد در نتیجه در میان عامه مردم این شش ساعت در چند دهه اخیر محاسبه نشده است و تفاوت مختصری در مورد زمانها طی دو سه نسل بوجود آمده است یعنی به ازای هر چهارسال یک روز اختلاف بوجود می آمد. گر چه در بعضی مناطق در تقویم کیبسه را انجام می دادند یعنی به ازای هر ۵ سال به جای پیتک، شیشک می گرفتند. در این منطقه طی چند دهه اخیر شیشک محاسبه نمی شد. آغاز ماه تبری از فردینما برابر با مردادماه شمسی است. اما به نظر می رسد بعلت استفاده دو تقویم قمری و شمسی در سده اخیر این تقویم بصورت روزشمار و ماه و فصل کاربرد داشته و در هیچ نوشته ای از اسناد معاصر منطقه به سال تبری آن اشاره ای نشده است. لذا آغاز سال با فصل بهار بوده است و نام اولین ماه بهار اونما یا آبناماه است. در گذشته های دور برای کیبسه کردن یک ماه به عنوان آغاز در نظر می گرفتند و بقیه را بر اساس آن محاسبه می نمودند. احتمالا آن کیبسه، آخرین سال کیبسه بوده است. نام فصول به شرح ذیل است:

- فصل بهار (اونما *ounēmâ* - ارکما *arkēmâ* - دیما *daymâ*)
- فصل تابستان (وهونما *vahmunēmâ* - نرزمنا *nērzēmâ* - فردینما *fērdinēmâ*)
- فصل پاییز (کرچما *kērcēmâ* - خرما *xarēmâ* - تیر *tirēmâ*)
- فصل زمستان (مردالما *mērdālēmâ* - سروینما *šarvinēmâ* - میرما *mirēmâ*)؛

اونما اولین ماه بهار و برابر با اسفندماه شمسی است.^۱ مردم معتقدند که میرما(بهمن ماه) که پایان زمستان است، زمین نفس کشیده و رویش گیاهان آغاز می شود در نتیجه با فرا رسیدن اونما و رویش گیاهان کم کم گله ها را به چرا می بردند و معمولاً در این ایام که تعداد زیادی از گوسفندان زاییده اند در جلوی آغل گوسفندان دوشیده می شوند(کلم قلد: درب ورودی آغل kēlēmexald) دوشیدن گوسفندان در صبح و عصر جلوی درب طویله را گویند که در اونما انجام می شود. چوپانان با آب شدن برفها و آمدن نوروز و سرسبزی طبیعت، گوسفندان و بره ها را با هم به صحرا می برند در هر گله معمولاً چند بز وجود دارد؛ یک بز نر بنام کل (پش کل پیشاهنگ pēše kal) برای هدایت گوسفندان است. در این ایام گاهی بعضی از بره ها نیز در صحرا متولد می شوند که چوپان با خودش نگه می دارد و هنگام غروب با خود به آغل می آورد.

۸- مالکیت و انواع آن

یکی از نکات قابل توجه در این خودیاری چگونگی مالکیت هاست. در دامداری گوسفندان در کندلوس سه شیوه مالکیتی وجود دارد یا چوپان خود به اندازه کافی یعنی حدود هشتاد یا بیشتر گوسفند دارد که مقدار گله یک چوپان است. یا فرد خود تعداد گوسفند دارد و گوسفندان افراد دامدار یا ارباب را نیز بصورت مشارکتی نگه می دارد. شیوه سوم اینکه خود گوسفندی ندارد فقط برای ارباب کار می کند و بصورت قراردادی که به آن مزیر(مزدبگیر) گویند.

۹- انواع قراردادها و شیوه های نگهداری

مزیری(mēziri): یعنی مزد بگیری برای زمان معین و خاص است که قراردادی شفاهی است از یک روز تا چندماه را دربر می گیرد. سال مرد یعنی برای یک سال شمسی قرارداد می بندند که گاهی شفاهی و بیشتر مکتوب می باشد. ضمن پرداخت حقوق ثابت آذوقه و لباس چوپان نیز به عهده ارباب است. پرداخت ها نیز لزوماً ماهیانه نیست همواره مقداری از حقوق را به عنوان پیش مزد همگام با شروع کار می گیرند.

خردداشت(xerdodāšt) یا شکم وره(šēkam vara) یعنی فرد به ازای خوردن غذا و تهیه پوشاک آنها و سایر هزینه های روزمره زندگی کار می کند که معمولاً افراد نوجوان از خانواده های پرجمعیت و مستضعف به این شغل گمارده می شدند و مزد دیگری دریافت نمی کنند که در سه چهار دهه اخیر چنین شیوه ای منسوخ شده است.

چکی مالدار(čakimāldār): که معمولاً از کشاورزان و روستاییان یا چوپان که تعداد گوسفندان کمتر از یک گله را داشتند می گویند معمولاً از یک راس تا حدود بیست و سی راس گوسفند را چکی مالدار گویند در این شیوه صاحب گوسفند علفه یعنی به ازای هر گوسفند ۲ خروار علف و مقداری هم دستمزد به چوپان می دهند. چوپان نیز به ازای هر گوسفند شیرده ۲ کیلو کره به مالدار می دهد و بره ها نیز متعلق به صاحب مال است.

مال شاه: در مال شاه چوپان تعدادی گوسفند را برای مدت چند سال معین بر اساس قراردادی تحویل می گیرد. و کلیه هزینه ها و محصولات و بره ها متعلق به چوپان است در پایان قرارداد همان تعداد گوسفند را با همان مشخصات یعنی بره یکساله، دوساله یا بزرگتر به مالک آن برمی گرداند.^۲ تلفات احتمالی به عهده چوپان بوده و سالانه فقط یک کیلو کره به ازای هر گوسفند به مالک می پردازد. مال شاه به گونه ای است که سرمایه به همان میزان خواهد ماند و زیان و خسارتی نخواهد داشت به نظر می رسد این شیوه از قراردادها همانطور که از نام آنها پیداست، توسط پادشاهان متداول شده بود. بد نیست بدانیم یک چوپان در سال ۱۳۷۱ برای مدت یکسال مبلغ هفتاد هزار تومان مزد دریافت می نمود و غذا و پوشاک او نیز به عهده ارباب بوده است. در همان سال قیمت هر گوسفند ۳۵۰۰ تومان بوده است. در سال ۱۳۹۹ حقوق یکسال چوپان بدون احتساب غذا و پوشاک سالانه مبلغ بیست و چهار میلیون تومان و قیمت هر گوسفند حدود یک میلیون و پانصد هزار تا دو میلیون تومان می باشد.

۱۰- خود یاری و زندگی اشتراکی چوپانان

چوپانان حدوداً از اواسط فروردینماه(ارکما) کار اشتراکی خود را آغاز می کنند گله ها را با هم به چرا می برند. از این زمان بره ها را از گله جدا می کنند. یک نفر را از میان خود ترجیحاً نوجوان برای نگهداری بره ها انتخاب می کنند که به آن ورکاوون می گویند. مابقی همراه گله هستند.

۱ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی در بنیان گاهشماری های ایرانی نصرالله هومند و مقدمه گاهشماری تبری از نگارنده در تقویم تبری سال ۱۳۹۰ از انتشارات پارپیرار مراجعه نمایید.

۲ یعنی اگر هنگام تحویل گوسفند سیلک(بره یکساله) کاوی(بره دو ساله) و یا گوسفند جوان یا میانسال، بزرگ یا کوچک باشد در اتمام قرارداد با همان اندازه ها تحویل خواهد گرفت.

برّه دوشی (baraduši): چوپانان مکانی را معمولاً با شیب ملایم در نزدیکی دهکده در زمین‌های بایر بصورت یک نیم دایره با تکه‌های چوب و سرشاخه‌ها و تیغ محصور می‌کنند و در وسط آن فقط جای خروج یک گوسفند را باز می‌گذارند. این مکان را برّه و این ایام را برّه دوشی می‌گویند. در بالای نیم دایره چوپانان هر یک بر روی سنگی می‌نشینند و با ظرف خود جوله‌های مسی یا دیگ، گوسفند خود را می‌دوشند. لازم بیادآور است که چوپانان تبحر خاصی در شناخت گوسفندان خود دارند. و هر کس گوسفند خود را می‌شناسد. ضمن آنکه برای شناسایی بهتر و بیشتر هنگامی که بره‌ها دوماهه شدند بر گوش آنها یا داغ کردن و یا برشی علامتی ایجاد می‌کنند که به این علامت درجه می‌گویند علامت‌هایی از قبیل بریدن نوک گوش یا سوراخ در گوش چپ یا راست، ایجاد چاک و سایر علامت‌های دیگر که مخصوص هر فرد است معمولاً در هنگام دوشیدن گوسفند، بره‌ها را در نزدیکی برّه می‌آورند و نوجوانان برای مواظبت آنها می‌روند و ورکاوون برای دوشیدن گوسفند خود به برّه می‌آید. زنان با ظرف‌هایی مانند جوله (jula) و یا مرسک (mērsak)، شیر را به خانه می‌برند و در بازگشت وقتی شیرها را به دهکده می‌آورند شیر به شیر یا همان واره انجام می‌دهند یعنی هر یک از خانم‌ها شیر سهم خود را به یک نفر با پیمانه‌های مشخص قرض می‌دهند و در روزهای آتی نیز این عمل تکرار می‌شود و در صورتیکه میزان کاملاً برابر نباشد مابه‌التفاوت را با پول محاسبه و پرداخت می‌نمایند. معمولاً مقدار شیر در ظرف را بر اساس چوب خط محاسبه می‌کنند. چوب خط تکه چوبی شبیه خط کش و مدرج به اندازه‌های مختلف می‌باشد که واحدی برای اندازه‌گیری شیر بوده است. بسیاری مواقع هم هر کسی انفرادی از محصول خود بهره‌برداری می‌کند. فرآوری محصولات اعم از شیر، ماست، پنیر، لور (lur) و ... به عهده زنان است.

ورکاوون بره‌ها را شب به دهکده می‌آورد و در طول به نگه‌داری می‌کنند. اما سایر چوپانان گوسفندان را به مراتع و جنگل می‌برند و شب نیز در جنگل می‌مانند در آنجا معمولاً برای محافظت گله‌ها محیطی را با چوب و سرشاخه‌های تیغ دار به شکل دایره محصور می‌کنند این مکان را پل (pal) می‌گویند چوپانان در کنار آتش در جلوی ورودی آن می‌مانند و محل آنها را شومزل سر (šo mēnzēl sar) یعنی منزل شبانگاهی می‌نامند. شولا مهمترین سرپناه آنها در مقابل سرما و بارندگی‌های بهاری است. گوسفندان را حوالی ساعت ده صبح از کوه‌ها بر می‌گردانند و تا ساعت ۱۲ وقت دوشیدن آنهاست سپس بره‌ها را با مادرانشان قاطی می‌کنند (مار و ره mārvara) که لحظه پیداکردن مادران توسط بره‌ها با سر و صدای فراوانی همراه هست لحظات بسیار زیبا و دلنشینی است و گوسفندان و بره‌ها را با هم در همان اطراف می‌چرانند و پس از ساعاتی باز چوپانان بره‌ها را از مادرانشان جدا کرده و گوسفندان را به سمت مراتع و کوه‌ها حرکت می‌دهند. ضمناً در این ایام علاوه بر درست کردن پنیر از شیر و لور از آب پنیر، محصول دیگری بنام هلو (halve) (شبه ماست) نیز که از شیر گوسفند و مقداری انجیر یا چسبنده درختی (دارگوش) درست می‌کنند و به همین منظور مردمی که گوسفند ندارند، شیر گوسفند را بیشتر برای هلو و گهگاه برای ماست و پنیر نیز خریداری می‌کنند. چند نفر از چوپانان که در کوه و جنگل پیش گوسفندان هستند یک نفر مسئول جمع کردن هیزم و آتش و تهیه غذا می‌شود. غذایی که توسط زنان تا منطقه دوشیدن گوسفندان برای شام چوپانان آورده شد توسط کوله پشتی به نام جانطی (jānētay) با خود حمل می‌کنند. چوپانها شب‌ها به نوبت می‌خوابند و شولا (šulā) همان لحاف شب که از جنس نمط است را بر سر دارند. معمولاً هر چوپان دارای دو تا چهار سگ می‌باشد. سگ‌های گله بسیار باوفا و مراقب گوسفندان در هنگام حمله گرگ‌ها می‌باشند. کار بره دوشی حدود ده تا پانزده روز به همین منوال طول می‌کشد؛ این ایام هر کس محصول خود را شخصا بهره‌برداری می‌نماید.

بهار سری (bēhārsery): (سرای بهار) حدوداً از دهم دیماه (برابر با دهم یا دوازدهم اردیبهشت ماه) شروع می‌شود. چوپانان در بیرون دهکده در جایی که آب آشامیدنی و یا چشمه‌ای در نزدیکی آن باشد سرا و منزلگه موقتی را بنا می‌کنند که این بنا بوسیله اسکلت‌های چوبی و دور آن با شاخه‌های درختان محصور است سقف آن نیز پوشیده از لت (lat) می‌باشد معمولاً افراد ماهر و یا تجربه‌ای این بناها را می‌سازند. چوبها از جنگل بوسیله چارپاداران و با دریافت مزد آورده می‌شود. این خانه دارای دو قسمت نشیمن (mēnzēl) و محل نگهداری محصولات دامی (کرگه kērgē) است. گوشه منزل اجاقی از گل و سنگ برای پخت و پز قرار دارد. این قسمت با نمط و شولا که همان لا یا لحاف شب هست فرش شده است. در قسمت پشت یا کرگه که از همین منزل راه دارد کوزه‌های بزرگ و دیگ‌های شیر و ماست و کره نگهداری می‌شوند. کوزه‌های بزرگ را کالا (kalā) و تابع (tābe) و سنگین (sēngin) و لتر (latar) می‌گویند و دیگ بزرگ را برکر (barker) می‌نامند در قسمت جلوی ورودی منزل که آن هم دارای دربی چوبی است اجاقی بزرگ از گل و سنگ تعبیه شده است که به آن کله (kala) می‌گویند که معمولاً برای پختن شیر و یا سایر محصولات استفاده می‌شود و برکر به صورت ثابت بر روی آن قرار می‌گیرد. این ظرف بسیار بزرگ بوده و شستشوی آن در همان محل بوسیله پارچه‌ای تمیز انجام می‌گیرد و همیشه مقداری آب در آن هست. در قسمت جلوتر آن باز همان برّه یا نمیداره‌ها برای دوشیدن گوسفندان وجود دارد. در گوشه‌ای دیگر تلم (tēlēm) یا همان دستگاه چوبی کره‌گیری که از دو نیم تنه خالی درخت درست شده است، قرار دارد. در یک طرف سرا که معمولاً دارای شیب ملایمی است بصورت دایره وار و مکانی به اندازه نگهداری بره‌ها قرار دارد که به آن ورکاپل (varkāpal) یا آغل بره‌ها می‌گویند.

۱ لت: تخته‌هایی که از تنه درخت می‌گیرند و سقف خانه‌ها را برای جلوگیری از باران و برف می‌پوشانند.

چوپانان در این ایام همه گوسفندان را با هم می‌دوشند و محصول مشترک را با هم بر اساس فرمولی که متعاقبا شرح خواهیم داد تقسیم می‌کنند. چوپانان از میان خود دو نفر که معمولا مسن تر و دارای تجربه بیشتری هستند را به عنوان سری مرد(مرد سرای) یعنی مدیر گوسفند سرا انتخاب می‌کنند و یک یا دو نفر را به عنوان چوپانان بره (ورکاوون) که معمولا جوان تر هستند انتخاب می‌کنند که این سه نفر در منزل شب‌ها با هم هستند. پختن شیر، درست کردن ماست، کره گرفتن از ماست بوسیله تلم، درست کردن کشک و سایر محصولات، درست کردن نان کلوا و غذای ظهر چوپانان و همچنین تقسیم محصول و حساب و کتاب به عهده دو نفر سری مرد می‌باشد. حساب و کتاب محصول و پرداخت سهم هر یک از اعضا به عهده یکی از دو سری مرد هست. ورکاوون در کارها به آنان کمک می‌نماید و از سپیده صبح بره‌ها را به چرا می‌برد و معمولا در زمینها و مراتع اطراف دهکده از بره‌ها نگهداری می‌کند.

از میان چوپانان سه نفر همراه گوسفندان به جنگل می‌روند و در این ایام معمولا یک نفر در مرخصی به سر می‌برد و نام این مرخصی را سرجل شوری (sarjēlšuri) می‌گویند که به معنی سر و لباس شستن است به خانه هایشان برمی‌گردند. در این ایام حوالی ساعت ۹ تا ۱۰ صبح که گوسفندان از کوه برمی‌گردند ابتدا گوسفندان را می‌دوشند پس از دوشیدن یک یا دو نفر از چوپانان جوان و یا نوجوانان مواظب بره‌ها می‌باشند و چوپان بره (ورکاوون) گوسفندان را در همان نزدیکی‌ها به چرا می‌برد چوپانان که راه طولانی را هر روز از کوه طی می‌کنند در این زمان استراحت می‌کنند و پس از خوردن نهار که عمدتا برنج با شیر و ماست (گرماس پلا gērmāspēlā) است که توسط مختاباد آماده شده است. دوباره حوالی ساعت سه بعدازظهر دوباره گوسفندان را می‌دوشند.^۱ در اینجا با توجه به اینکه محصول و کار مشارکتی است یک گوسفند را سه نفر می‌دوشند. نفر اول قدری می‌دوشد سپس نفر دوم و سپس نفر سوم آخرین شیر را از گوسفند می‌گیرد. و سپس بره‌ها را با مادرانشان قاطی می‌کنند تا بره‌ها از شیر مادر بخورند و باز بعد از نیم ساعت گوسفندان را از بره‌ها جدا می‌کنند و دوباره گوسفندان را به کوه می‌برند. فاصله بین صبح و عصر که دو فاصله برای دوشیدن است را آلاشت (alāšt) گویند. چوپانان از نان کلوایی که خمیر آن با شیر درست شده و بوسیله کماچ بیج (kēmāč bij) در زیر خاکستر توسط سری مرد درست شده است را با مقداری پنیر با خود می‌برند و در جنگل کنار چشمه‌ها سبزی بنام الما (elmā) نیز وجود دارد که غذای اصلی آنهاست. نان و آذوقه چوپانان را خردنین یا خوردنی (xērdēnin) و کوله پستی آنها را جانطی (jāntay) (یعنی جان راه) گویند که معمولا از ششم گوسفند و بز درست می‌کنند.

لازم بیادآوریست خردنین که همان آرد، برنج، قند و چای است را هر کس به میزان سهم خود یعنی بر اساس مقدار شیردوشیده در روز عیار پرداخت می‌کند و سایر وسایل مورد نیاز از قبیل فانوس و نفت و هیزم با مدیریت سری مرد خریداری و به همان نسبت برای هر یک منظور می‌شود. در این ایام فراآوری محصولات توسط مردان انجام می‌شود و زنان در این ایام به سایر کارها از جمله تهیه علوفه می‌پردازند.

عیار (ayar): تقریبا پس از گذشت چند روز از این شیوه از خودیاری برای تعیین سهم محصول هر یک، روزی را به عنوان عیار یا اندازه گیری انتخاب می‌کنند این روز معمولا روز جشن و شادمانی آنان است در این روز که با حضور دامداران همه چوپانان و زنان و فرزندان و گاه خویشان آنها برگزار می‌شود، هر کس باید گوسفند خودش را بدوشد، تا مقدار محصول هر چوپان مشخص شود. لازم به یادآوری است برخی از چوپانان علاوه بر گوسفند خود که معمولا تعداد کمتری هست برای ارباب هم چوپانی گوسفندانشان را به عهده دارند که در این روز اربابان مالدار هم حضور دارند. شیوه کار بدین شرح است ابتدا همه با ذکر صلوات جوله یا ظرف مسی شیردوشی را به صورت وارونه نگه می‌دارند تا در درون ظرف آب یا شیر نباشد. سپس هر یک شروع به دوشیدن گوسفند خود می‌کنند، در پایان بوسیله چوب خط و پیمانه‌ای به نام کچه و ثلث (واحد اندازه گیری) مقدار شیر هر کس را مشخص می‌کنند و معمولا سری مرد با ابزارهایی آن را ثبت می‌کند ضمن آنکه میزان شیر هر کس چون در میان گروه مشخص می‌شد میزانها در حافظه افراد نیز خوب باقی می‌ماند بر اساس عرف و به ازای هر کچه شیر میزان سهم کره آن را تعیین می‌کنند. به ازای هر کچه شیر دو دازه یا چهار کیلو کره پرداخت می‌شود و معمولا این شیوه از تخصیص سهم محصول با مدت زمان آنها در کار مشترک بسیار دقیق است و تا زمانی که آخرین نفر هم به محصول خود برسد در بهار سری حضور دارند که معمولا دو ماه طول می‌کشد. سری مرد مسئولیت رتق و فتق امور مدیریتی از جمله پرداخت سهم هر یک را به عهده دارد. از آنجا که تعداد گوسفندان همه برابر نیست. کسی که بیشترین شیر را در این روز بدوشد باید یک بره نر را در آن روز سر ببرد تا چوپانان نوش جان کنند. لزوما تعداد گوسفندان همه به یک اندازه نیست اما بیش از همه ایثار و گذشت آنها در این امر برای خودیاری مثال زدنی است متأسفانه در دوره‌های اخیر با توجه به تاثیر تبلیغات نظام سرمایه داری و سودطلبی و مالکیت خصوصی که در تار و پود همه جامعه و مردم تنیده است بخش زندگی اشتراکی را دچار مشکل کرده است به طور مثال ملاک اصلی محاسبات سهم هر یک مقدار شیر و

۱ در اوایل در هنگام بره که بره‌ها بیشتر به شیر مادر احتیاج دارند گوسفندان را یک وعده می‌دوشند و هنگام سری که معمولا وقتی بره‌ها بزرگتر و علفخوارند دو مرحله می‌شود.

محصول آنها بود نه تعداد گوسفند و یا اگر کسی دارای بز بیشتری بود چون بز شیر زیاد و محصول کم داشت. آنچنان تأکیدی بر این سهم نداشت بلکه با باور برکت پذیری در همیاری سالها در کنار هم زندگی خوبی را برای خود مهیا می کردند. واحدهای اندازه گیری عبارتند از لتر برابر با ۴۸ کیلوگرم ۱۶ من که هر من نیز ۴ چارک است. سنگین برابر است با ۲۴ من. هر دازه ۲ کیلوگرم و برابر با ۱۲ درم است و دوازده درم برابر است با ۲۷ سیر. هر کچه ۱۶ ثلث و هر ثلث نزدیک حدود یک استکان است. سایر محصولات از جمله کشک نیز بر همین منوال تقسیم می شد. بسیاری از مواقع سری مرد بر اساس حواله های شفاهی چوپانان، کره چوپانان را به مردم می دادند و یا بحساب آنها از محصول میانه می فروختند و بجای کره پول را به ازای سهم هر کس پرداخت می کردند جالب توجه اینکه همه این محاسبات را به کمک حافظه بدون ثبت و ضبط انجام می دادند. در گذشته معمولاً سری مردها دارای یک اسب بودند که بسیاری از امور حمل و نقل از جمله تهیه هیزم برای پختن شیر و گرم کردن منزل را خود و گاهی هم از چارپاداران دهکده خریداری می نمودند. ایام بهار سری معمولاً در پایان خرداد ماه تمام می شد و با جمع کردن وسایل کوچ به ارتفاعات منطقه و مراتع تابستانه آغاز می شد.

۱۱- تاوسن سری (tâvēsēn sēry) (سرای تابستان)

حدوداً اواخر خردادماه برابر با نرزمای تبری پس از تقسیم محصول و گرم شدن هوا کار بهار سری تمام شده و گوسفندان را به ارتفاعات و مراتع می بردند. در این ایام با کوچ کردن به ارتفاعات کندلوس بنام بن پست (banēpēšt) مرتعی تابستانه کار تاوسن سری آغاز می شد. مراتع در کندلوس در قسمت جنوب دهکده و در همسایگی ارتفاعات دره نور قرار دارد. در گذشته چوپانان هر یک دارای پروانه هایی با تعداد دام مشخص در مرتعی خاص را از دولت پهلوی دریافت کرده بودند که پس از اصلاحات ارضی و هنگام خروج دام بویژه بز از جنگل انجام گرفت مرتع بن پست متعلق به چوپانان و مردم کندلوس و نیم ور و مرتع انگلیسی (anglisi) متعلق به مردم روستاهای لرگان و گیل کلا بوده است. در این منطقه سیرایی وجود دارد که تقریباً دایمی و از سنگ و گل و چوب توسط پیشینیان سالها پیش ساخته شده بود؛ از آنجا که مرتع مذکور متعلق به چوپانان سایر روستاها نیز بود با جمع بیشتری کار خودیاری را آغاز می کردند. دهم نرزمای در بن پست عیار می گرفتند و باز به همان شکل بهار سری مراسم عیار را انجام می دادند. در اینجا نیز که حدود دو تا دو ماه و نیم طول می کشید. نحوه کار و تقسیم محصول همانند بهار سری بود با این تفاوت که بره ها دیگر از مادر جدا شده بودند و گوسفندان نر را با بره ها نگهداری می کردند و دو نفر در همان مزارع دهکده بنام ورکاوون به نگهداری بره ها مشغول بودند به علت دوری مسافت چوپانان معمولاً هر پانزده تا بیست روز برای شستشوی لباس و حمام (سرچل شوری) به دهکده می آمدند و به مدت چند روز برای تهیه علوفه، چرده های بره ها، امور زناشویی و سایر کارها در دهکده می ماندند. این مرخصی به صورت گردشی و بر اساس تفاهم و نیاز هر یک انجام می گرفت و معمولاً تاوسن سری از نرزمای فردینما و تا اوایل کرچما یعنی اوایل شهریور ماه طول می کشید. معمولاً این ایام به فروش بره های نر اقدام می کردند و احتمالاً گوسفندان نازا (پرام pērâm) و پیر را می فروختند و به جای آنها بره های ماده را جایگزین می کردند. یکی از نکات مهم در تاوسن سری انتخاب سرون (sarun) بود. از میان چوپانان همراه گوسفند که معمولاً ۳ تا ۴ نفر بودند یک نفر بنام سرون یعنی مدیر انتخاب می شد و او مسئولیت چراندن گوسفندان در نیمه شب را داشت که با چراندن بیشتر بتوانند شیر بیشتری را بدوشند و به ازای این مسئولیت سرون مقدار ۵ دازه یعنی ده کیلو کره از سهم جمع به او می دادند.

۱۲- نر بخاردن (narbaxârdan)

یکی دیگر از برنامه های آیینی شادمانه چوپانان، قاطی کردن گوسفندان نر در میان گله و تلقیح آنان در پایان فردینما بود. در چنین روزی یک گوسفند نر را سر می بریدند و بصورت جمعی قیمت آن را پرداخت می کردند. علت اینکه تا قبل از این ایام نرها را قاطی گوسفندان نمی کردند یکی اینکه شیر گوسفندان با آبستن شدن کم نشود و دیگر اینکه با توجه به اینکه گوسفندان زمان آبستنی آنها شش ماه است بره ها معمولاً در آخرین ماههای زمستان متولد شوند که چرخش کار بهره برداری براساس نظام خودیاری آسانتر انجام شود.

۱۳- ورینگا (vēringâ)

پس از تقسیم محصول در پایان مردادماه مرحله تاوسن سری بپایان می رسید در تقویم تبری شهریورماه برابر با کرچما آغاز فصل پاییز است با تمام شدن تابستان به سمت دهکده کوچ می کردند. در این ایام چند روزی به بریدن پشم گوسفندان در مزارع دهکده مشغول بودند. این عمل را ورینگا (vēringâ) یعنی بریدن پشم و اصطلاحاً به مکان آن نیز می گویند. نحوه بریدن پشم

ورینگا بدین شکل است: ابتدا گوسفندان را داخل حوضچه‌ای از آب قرار می‌دهند تا گرد و غبار از پشم آنها برداشته شود و پس از آنکه گوسفندان خشک می‌شدند پشم آنها را با قیچی بزرگی بنام دارت می‌بریدند. این عمل را به کمک هم انجام می‌دادند و در این روز هم روز شادمانه و با حضور خانواده و صرف غذای خوب انجام می‌گرفت.

۱۴- پاییز کو (paizku)

پس از بریدن پشم گوسفندان از آنجا که در این ایام شیر دادن دام‌ها کم و رو به پایان است در این ایام باز هر کس جداگانه به دوشیدن بز و گوسفندان خود اقدام می‌کنند و عملاً کار خودیاری برای گرفتن محصول بپایان می‌رسد و چوپانان در دسته‌های سه یا چهارنفره مجدداً پس از تراشیدن پشم‌ها (ورینگا) دوباره به مراتع و ارتفاعات باز می‌گردند که بیشتر بصورت متحرک و در مناطق مختلف به نگهداری گوسفند می‌پردازند و دوباره مانند فصل بهار در کوه‌ها مکانی را برای ماندن شب انتخاب می‌کنند که معمولاً در میان دو کوه و صخره و یا در حواشی جنگل مستقر می‌شدند یکی از مکانها در پاییز کوه صخره مه‌آلود بود. اصطلاحاً این ایام را پاییز کو (کوه پاییزی) می‌گفتند و تا آمدن سرما و بارش برف و باران در حواشی جنگل بسر می‌بردند، عمده غذای آنان از شیر بز تهیه می‌شد، هر کسی که به مرخصی می‌آمد از دهکده نان و غذای چندروزه را با خود می‌برد و هر سه چهار روز یک نفر در مرخصی بود. این مدت نیز کوتاه و حدود یک ماه تا چهل و پنج روز طول می‌کشید و سپس با سرد شدن هوا و آمدن برف و باران زمستانی در ارتفاعات به دهکده برمی‌گشتند و این مرحله پایان کار مشارکتی بوده و چوپانان کار خود را مجدداً بصورت انفرادی آغاز می‌کردند. دوباره با سرمای زمستانه گوسفندان را به آغل می‌برند و روزها گاهی در مزارع اجاره‌ای می‌چرانند.

نتیجه‌گیری

بیش از هر چیز نتیجه می‌گیریم که جوامع بشری قرن‌ها در کنار هم بصورت مسالمت آمیز می‌زیستند و برای اداره امور زندگی اجتماعی خود قوانین نانوشته‌ای (عرف) داشته‌اند که کاملاً منطبق با نیازهای اجتماعی آنان بوده است. در این مجموعه علاوه بر رعایت شیخوخت و احترام به بزرگ‌ترها به مسئله تخصصی و مدیریت توجه زیادی می‌شده است. زنان و کودکان در این نوع زندگی سهم بسزایی داشتند و کار بر اساس نظام اشتراکی انجام می‌گرفت. استفاده بهینه از وقت و انرژی و کاهش هزینه‌ها توسط زنان در شیرواره‌ها بخوبی مشاهده می‌شود. همچنین می‌آموزیم بشر همواره توانسته است بر اساس آنچه در طبیعت وجود دارد با رعایت حریم و حرمت آن قرن‌ها با کمترین آزار به طبیعت، زندگی کند. در نظام اقتصادی تعاونی و انگیزه‌ها نیازهای آدمی در این قوانین نانوشته به زیبایی توجه شده بود و نسبت‌های آن بسیار درست محاسبه می‌گردید چرخه نظام تولید و توزیع و مصرف به درستی طراحی شده بود... تقسیم کار و رعایت حقوق هر یک از آنان در خودیاری و مشارکت بخوبی دیده شده است. آنجا که بعثت مسئولیت بیشتر به سرون مقدار ده کیلو کره به او می‌دادند و از او مسئولیت نیز می‌خواستند یا چگونگی تقسیم کار در مراحل مختلف با رعایت توان و تخصص از یکسو و نظام تربیتی حاصل از فرهنگ ایرانی اسلامی که باعث از خود گذشتگی بین آنها می‌گردید، یکی از نکات مهم این شیوه از زندگی است. آنان بخوبی می‌دانستند محصول و مقدار دام هدف زندگی نیست بلکه با هم زیستن و خوب زیستن و مهربان بودن و منافع خود را در جمع دیدن بهترین نوع زندگی است. یکی از نکات مهم در این شیوه از زندگی تربیت آدمی بویژه آموزش نسل جوان است. آدمی می‌آموزد که سود هدف نیست؛ اقتصاد وسیله‌ای است در راه رسیدن به هدف، انسان‌هایی که دوستی و محبت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و نیازهای خود را در فرهنگ اشتراکی تامین می‌کنند به لحاظ رضایتمندی زندگی نیز این شیوه از زندگی بیش از شیوه‌های نظام سرمایه‌داری که به تنهایی در مسابقات زندگی شرکت می‌کنند رضایتمندی وجود دارد. این نوع از تربیت دستاورد بسیارخوبی برای زندگی آدمی است. امید است جوانان دیارمان با مطالعه و آشنایی هرچه بیشتر در نظام‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی این سرزمین کهن بتوانند ضمن بهره‌مندی از نکات مثبت و کاربردی فرهنگ بومی این سرزمین که حاصل قرن‌ها تجربه بشری است، برای زندگی امروز و طرح و بنیانی را برای آیندگان بنا نهند؛ گرچه ماشین مدرنیته با تابلویی متجدد و به عنوان تمدن با سرعت بسیار بالا فرهنگ و تمدن کهن ما را به گوشه‌ای رانده است و متأسفانه بسیاری از برنامه‌ریزان و روشنفکران زمانه ما حتی فرصت مطالعات بومی را نیافته‌اند و یا چنان شیفته تمدن غرب شده‌اند که بعدها به قول حافظ آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد.

اصطلاحات و واژه‌ها:

برکر (barkar): دیگ بزرگ فلزی که برای پختن شیر استفاده می‌شود.
پارس (pârs): چوبی گرد با قطر حدود ۴ تا ۵ سانتیمتر و ارتفاع ۲۰ سانتیمتر که در قسمت تحتانی تلم قرار می‌دهند و پس از گرفتن کره برای خالی کردن دوغ آن را در می‌آورند.
پتو (patu): دوغی که در کیسه قرار دهند و آب از آن رفته و کمک کم شبیه ماست شود.
پل (pal): محل تجمع بره‌ها یا گوسفندان که با چوب و تیغ درختچه‌ها محصور می‌شود.

پیتک (pitak): خمسه یا اندرزگاه که در تقویم تبری پس از اونها ۵ روز محاسبه می شود و هر روز نشان از یک فصل و یک روز هم برای همه سال است.

خدکار (xēdkar): تیغی بزرگ از آهن که حدود یک متر طول دارد و دارای یک دسته است در میان دو چوب قرار می گیرد و برای خرد کردن علوفه بکار می رود.

دارت (dârt): قیچی بزرگ برای بریدن پشم گوسفندان

دو (du): دوغ

سری (sēry): سرا

کچل (kačlez): ظرفی چوبی استوانه ای دسته دار برای گرفتن ماست و شیر از ظرف های بزرگ

کچه (kača): قاشق چوبی را گویند.

کل نمد (kēlnēmad): جلیقه ای از جنس نمد

کلک (kēlak): بزرگتر از جلیقه نمدی و شبیه جلیقه

شولا (šula): shula: سرپوش (لحاف شب) لباسی از نمط تمام قد

کلوا و کماچ (kalvâ o kēmâč): نانی گرد که از شیر درست می شود با قطری حدود سه تا چهار سانتی متر.

کله (kala): اجاق با ارتفاع حدود شصت سانتی متر از گل و سنگ که از سه طرف محصور است و یک طرف آن برای ریختن هیزم باز است.

کماچ بیج (kēmâčbij): ظرفی در دار شبیه ماهی تابه از فلز که برای پختن نان استفاده می شود.

گالش لاک (gâlēšlâk): ظرفی چوبی شبیه طشت که در آن به صورت مشترک غذا می خوردند.

لوت (lut): غذای سگ که از آرد خراب یا نان خشک با آب درست می کنند.

لور (lur): محصولی شبیه پنیر نرم شده که از آب پنیر می گیرند.

مرسک جوله (mērsak jula): جوله مسی، ظرف آب یا شیر با دهانه ای تنگتر شبیه استوانه

نو (no): ناو چوبی است گرد که جز دو طرف، بقیه قسمتها کنده و گود شده است که به عنوان ظرف غذای سگ یا ظرف جو برای گوسفندان استفاده می شود

وره (vara): بره کوچک و شیرخوار و هم یک بسته از پشم گوسفند را گویند.

نام گوسفندان بر اساس رنگ:

سیر (sir): سفید - بور (bour): سیاه - شیوا (šiva): قهوه ای کمرنگ - کتر (kētar): به رنگ کبوتر کبود - خینی (xeini): قهوه ای سیر - ونوش (vanuš): سفید با قدری سیاه - ساری (sâri): سیاه با پیشانی سفید - گسن (gēsan): گوسفند - ورکا (varkâ): بره - سیلک (saylak): بره یکسال به بالا - کاوی (kâvi): بره دو ساله - کل (kal): بز - نر (nar): گوسفند نر - چکیز (čakiz): بزغاله - کهار (kēhâr): بزغاله دو ساله - دممل (dēmmal): گوسفند با دنبه بزرگ - زل (zel): گوسفند بدون دنبه - زاگسن (zâ gēsan): گوسفندی که بره زاییده است. - پرام (pērâm): گوسفند یا گاوی که ولد ندارد و زاییده است. اوس (ose): آبستن

منابع

۱. دهخدا، علی اکبر - لغت نامه دهخدا - تهران - سازمان لغت نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - ۱۳۵۲
۲. ریتز، جرج، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر - ترجمه محسن ثلاثی - تهران - چاپ پانزدهم - نشر علمی
۳. فکوهی - ناصر - انسانشناسی شهری - تهران - نشر نی - ۱۳۸۶
۴. فکوهی - ناصر - تاریخ اندیشه و نظریه انسانشناسی - تهران - چاپ یازدهم - نشر نی
۵. محمود زمانی و علی بلوکباشی - کتاب شناسی فرهنگ عامه و مردم شناسی ایران - تهران - موسسه فرهنگی منطقه ای - ۱۳۵۰
۶. هدایت، صادق - نیرنگستان - انتشارات جاویدان - چاپ اول ۱۳۱۲ - چاپ جدید ۱۳۵۶
۷. هومند، نصرالله - گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی در بنیان گاهشماری های ایرانی - چاپ اول - انتشارات طالب آملی - ۱۳۷۶
۸. جهانگیری، علی اصغر - کندلوس - تهران - انتشارات جهانگیری - چاپ اول - ۱۳۶۷
۹. فرهادی، مرتضی - فرهنگ یاریگری در ایران - تهران نشر دانشگاهی - ۱۳۷۳
۱۰. طالب، مهدی - اصول و اندیشه های تعاونی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
۱۱. فرهادی، مرتضی - انسان شناسی یاریگری - تهران - نشر ثالث - ۱۳۸۸

۱۲. جلالی کندلوس، فرهود- مونوگرافی دهکده کندلوس استاد راهنما دکتر مهدی طالب-لیسانس- دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران-پایان نامه- سال ۱۳۷۱
۱۳. شاه حسینی، علیرضا- کوچ نشینی در دامنه های جنوبی البرز-تهران-پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران- دانشکده علوم اجتماعی-۱۳۷۹
۱۴. فرهادی، مرتضی-گونه شناسی یاریگری ها و تعاونی های سنتی در ایران-کیهان فرهنگی-س ۲-ش ۱۰- دیماه ۱۳۶۴
۱۵. فرهادی، مرتضی-آدمی گری و یاری گری: فصلنامه علوم اجتماعی ش ۱۵ و ۱۶- پاییز و زمستان ۱۳۸۱
۱۶. فرهادی، مرتضی-مردم نگاری دانش ها و فن آوری های سنتی نان شب مردم نگاران ایران- نمایه پژوهش شماره ۱۱ و ۱۲
۱۷. طالب، مهدی - شیوه های همیاری در جامعه روستایی ایران- مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت ۱۵-۱۷ شیراز-دفتر مرکزی وزارت جهاد سازندگی- مهرماه ۱۳۶۵
۱۸. مولایی هشتجین، نصرالله - نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان(اسالم و تالش) مجله فضای جغرافیایی-تابستان ۱۳۸۰
۱۹. پورنیکویی، علی - تحول اشکال دامداری سنتی در دشت گیلان- مجله جستارهای ادبی پاییز ۱۳۵۷ شماره ۱۹۵۵
۲۰. جلالی کندلوسی، فرهود-مقدمه تقویم تبری-انتشارات پارپیرار-۱۳۹۰
۲۱. زیباکلام، صادق-عقب ماندگی علوم انسانی در ایران-سالنامه اعتماد-۱۳۸۶
۲۲. متین، نعمت الله- مبانی نظری مشارکت و ضرورت های آن-جهاد-ش ۲۱۴ و ۲۱۵- بهمن و اسفند ۱۳۷۷
۲۳. جلالی، نظام- چوپان ۷۳ ساله- گفتگو برای دامداری- پرسشگر: فرهود جلالی کندلوسی- کندلوس- زمستان ۱۳۷۰
۲۴. شیخ الاسلامی، شعبان- چوپان ۷۵ ساله- گفتگو در شب نشینی- پرسشگر: فرهود جلالی کندلوسی- کندلوس- زمستان ۱۳۷۰

حروف و نشانه های فوتتیک

z	ز ذ ض ظ	a	آ (فتحه بلند)
r	ر	ē	اَ اِ اِءِ عه (فتحه کوتاه)
ž	ژ	e	اِ اِءِ
š	ش	o	اُ اُءِ
f	ف	â	آ اِ عا
γ	ق غ	u	او و عو بر وزن قو(نام پرنده)
k	ک	I	ای ی عی یی ئی
g	گ	b	ب
L	ل	P	پ
m	م	t	ت ط
n	ن	s	س ث ص
v	و	j	ج
y	ی	č	چ
Ow	ow بر وزن مَوْ mow به معنای تاک	h	ح ه
aw	أو	x	خ
bakkâ	حروف مشدد دوبار نوشته می شود مثل بَکَا	d	د

بازنمایی وضعیت اشتغال زنان در مشاغل آزاد در فیلم سینمایی طلا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

کد مقاله: ۶۳۰۸۷

حسین میرزایی^۱، عبدالله کریم زاده^۲، سمیه محمودی پیام^{۳*}

چکیده

پیشرفت تکنولوژی و مواجهه با ارزش‌های جامعه مدرن، ارزش‌های سنتی جامعه ایرانی را دچار تغییر و تحولات بسیاری کرد. همزمان با این تحولات نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان نیز در جامعه دچار تحولات عدیده گردید. این تحولات، زمینه‌ساز حضور گسترده زنان در بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی شده و همچنین چالش‌هایی را برای آنان ایجاد کرده است. سینما به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر فرهنگ و جامعه، نقش مهمی در تداوم و یا حذف چالش‌های موجود از طریق چگونگی بازنمایی وضعیت آنان دارد. از این رو، پژوهش حاضر بر اساس رویکرد نشانه‌شناختی فیسک و تحلیل بازنمایی هال در صدد است به بازنمایی وضعیت اشتغال زنان در مشاغل آزاد در فیلم سینمایی طلا بپردازد. این فیلم به عنوان یک متن فرهنگی در نظر گرفته شده است تا از طریق تحلیل نشانه‌شناختی آن به چگونگی تولید معانی فرهنگی مربوط به اشتغال زنان در مشاغل آزاد بپردازیم. بازنمایی نقش زنان و جایگاه اجتماعی آنان به عنوان عضوی مستقل و موثر در فعالیت‌های اقتصادی از جمله موارد مطرح در این فیلم است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به رغم گذشت ۴ دهه از انقلاب اسلامی، هنوز سینمای ایران در مسیر بازتولید و تثبیت کلیشه‌های جنسیتی گام برمی‌دارد.

واژگان کلیدی: زنان شاغل، مشاغل آزاد، بازنمایی رسانه‌ای، نشانه‌شناسی، سینمای ایران، فیلم طلا

۱- استادیار انسان‌شناسی فرهنگی، گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- مدرس مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

اشتغال زنان نه فقط در ایران، بلکه در سطح جهان همواره مسئله‌ای چالش برانگیز بوده و مباحثات و کشمکش‌های متعددی را در میان نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی برانگیخته است. در یک سو با دیدگاهی مواجهیم که سابقه تاریخی‌اش به دوران پیش از سرمایه‌داری بر می‌گردد. در این دیدگاه، نقش زنان در چارچوب نهاد خانواده تعریف شده است و کار بیرون از خانه پسندیده و مطلوب تلقی نمی‌شود. در سوی دیگر با دیدگاهی مواجهیم که سابقه تاریخی آن به انقلاب صنعتی، گسترش موج شهرنشینی و در نهایت سرمایه‌داری مدرن بر می‌گردد. در این دیدگاه که با الزامات گفتمانی مدنیته سازگاری دارد، به زن به چشم نیروی کار بالقوه‌ای نگریسته می‌شود که در جهان امروزی می‌تواند منشأ خلق ارزش افزوده باشد. در اشکال سنتی تولید، زنان صرفاً به کار خانگی اشتغال داشتند، اما در اشکال مدرن تولید، محل کار آنان به خارج از خانه منتقل شده است. اکنون، زنان شاغل از نظر مالی استقلال بیشتری پیدا کرده‌اند. این شرایط پیامدهایی در دگرگونی نقش‌های جنسیتی در درون خانواده به همراه داشته است.

گیدنز با اشاره به وضعیت اشتغال زنان گفته است: «در طول تاریخ، مردان و زنان در تولید و بازتولید دنیای اجتماعی پیرامون خویش نقش داشته‌اند، هم در سطح فعالیت‌های روزمره و هم در بستر تاریخ. اما ماهیت این همراهی و شراکت، و توزیع مسئولیت‌های آن در طول زمان شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. تا همین اواخر کار با مزد در کشورهای غربی عمده‌تر در قلمرو مردان بود. طی همین چند دهه گذشته این وضعیت از بیخ و بن دستخوش تغییر شده است: زنان بیشتر و بیشتری وارد نیروی کار شده‌اند. امروز بین ۳۵ و ۶۰ درصد از زنان شانزده تا شصت ساله در اکثر کشورهای اروپایی بیرون از خانه مشاغل درآمدزا دارند» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۵۶۰).

در ایران پسامشروطه نیز زنان توانستند از آموزش بهره ببرند و به تدریج وارد عرصه‌های اجتماعی شوند. این تحولات در دوره پهلوی با سرعت بیشتری جریان یافت. سیاست‌های پهلوی اول در زمینه کشف حجاب و همچنین دادن حق رأی به زنان در انقلاب سفید مقاومت‌های بیشتری در بین نیروهای اجتماعی سنت‌گرا برانگیخت. با این حال، زمینه حضور زنان در اجتماع بیش از پیش مساعد شد. این حضور پس از انقلاب اسلامی به رغم هژمونیک شدن گفتمان حجاب به مراتب بیشتر شد، ولی گفتمان مسلط جامعه پسانقلابی در دهه‌های آغازین انقلاب باعث شد که زنان همچنان به بازتولید نقش‌های سنتی همچون پرورش فرزندان، خانه‌داری و همسرمداری سوق پیدا کنند. هر چند که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نقش زنان بیش‌تر معطوف به تربیت فرزندان و کارهای مربوط به امور خانه بود و عمده کارهای بیرون از خانه به مردان اختصاص داشت، با این حال در دهه‌های بعدی و پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که گفتمان توسعه اقتصادی و سیاسی در دستور کار دولتمردان قرار گرفت، شاهد بازتعریف ارزش‌های سنتی جامعه ایرانی هستیم. حضور پررنگ زنان ایرانی در آموزش عالی و به تبع آن افزایش سطح آگاهی آنان تحولات گسترده‌ای را در جامعه و خصوصاً نقش زنان در جامعه رقم زد.

تحولات مربوط به نقش زنان در جامعه و وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی آنان در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و مورد توجه محققین علوم اجتماعی قرار گرفت. با تغییر وضعیت اجتماعی زنان و مردان در جامعه نه فقط تغییر محسوسی در قشریندگی جنسیتی اتفاق نیفتاد، بلکه زنان با مشکلات و مسائل جدیدی مواجه شدند. آنان علاوه بر نقش‌های سنتی خود در خانه با مسائل مختلفی در جامعه مواجه هستند. زنان در جامعه امروز با پیشرفت در عرصه‌های مختلف به کار در مشاغل آزاد نیز روی آورده‌اند و این مواجهه زنان با مشاغل آزاد مشکلات و مسائل متعددی برای آنان به وجود آورده است.

در دنیای امروز، رسانه‌ها از عوامل موثر در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد محسوب می‌شود. این به دلیل نقش واسطه‌گری رسانه است که نقش میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده اجتماعی دارد. محتوایی که از طریق رسانه‌ها به مردم منتقل می‌شود، در اغلب موارد به شکل دهی و جهت بخشی آگاهی، ذهنیت و هویت افراد منجر می‌شود. رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. بر این اساس بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۳۵)

از آنجایی که سینما به عنوان رسانه‌ای فراگیر و پرتأثیر در میان اقشار مختلف جامعه، همواره بر برساخت ذهنی انسان‌ها اثر گذاشته است، قدرت مرکزی و بازار سعی کرده‌اند از این ابزار برای جهت دادن به افکار عمومی و بازتولید هژمونی مورد نظر خود استفاده کنند. بازنمایی سینمایی اشتغال زنان را نیز باید در این راستا مورد تحلیل قرار داد، چرا که این بازنمایی‌ها با حذف و حاشیه‌رانی زنان به عنوان دیگری به استمرار و تشدید نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند در پژوهش حاضر در پی پروبلماتیزه کردن این وضعیت هستیم. می‌خواهیم نقش سینما در دامن زدن به این موقعیت مسئله‌مند را مورد بحث قرار دهیم و به این سوال بپردازیم که مسئله اشتغال زنان آزاد چگونه در فیلم سینمایی طلا (۱۳۹۷) روایت و بازنمایی شده است. با تمییم داده‌های به دست آمده از این فیلم می‌خواهیم به این مسئله بپردازیم که آیا سینمای ایران در جبهه زیبایی‌شناسیک تلاشی برای برون‌رفت زنان شاغل در مشاغل آزاد از این موقعیت مسئله‌مند انجام داده است؟ آیا در دهه چهارم انقلاب اسلامی که زنان ایرانی بیش از پیش در

مسیر بازتعریف نقش اجتماعی خود قرار گرفته‌اند، تغییری در نحوهٔ بازنمایی اشتغال زنان در سینمای ایران صورت گرفته است؟ یا اینکه سینمای ایران همچنان در مسیر کلیشه‌سازی، بازتولید و تثبیت کلیشه‌های جنسیتی کلاسیک گام برمی‌دارد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از یک سو در سنت مطالعات بازنمایی و از سوی دیگر در سنت مطالعات زنان قابل طبقه‌بندی است، ضرورتاً از پارادایم‌های نظری هردو سنت پژوهشی بهره خواهد برد. به‌خصوص نظریهٔ بازنمایی استوارت هال، رویکرد نشانه‌شناختی جان فیسک و نظریهٔ فمینیستی در این میان راهگشا خواهد بود. ذیلاً به خلاصه‌ای از این پارادایم‌های نظری اشاره می‌شود.

۲-۱- نظریه بازنمایی

امروزه نظریه بازنمایی در مطالعات فرهنگی و مطالعات رسانه کاربرد چشم‌گیری پیدا کرده که تا حد زیادی آن را مرهون تلاش‌های استوارت هال است. بازنمایی به طور عام به پرسش‌هایی اساسی نظیر این که چه مطالبی باید برای انعکاس انتخاب شوند و چگونه به بینندگان عرضه شوند، اشاره می‌کند. بنا به استدلال استوارت هال، «واقعیت به نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معنا است. معنا صریح و شفاف نیست و از راه بازنمایی در گذر زمان، یک دست باقی نمی‌ماند. بی‌شک جهان مستقل از بازنمایی‌ها وجود دارد اما معنادار شدن جهان در گرو بازنمایی است» (بیچرانلو ۱۳۹۰، ص ۷۴). هال بازنمایی را فرایندی در نظر می‌گیرد که معنا از طریق آن تولید شده و میان اعضای یک فرهنگ مبادله می‌شود.

در رسانه‌ها همواره با بازنمایی‌هایی که آمیخته به روابط و مناسبات قدرت‌اند مواجهیم تا آن دسته از معانی را در جامعه رجحان بخشد که کارکردشان حفظ و تداوم نابرابری‌های اجتماعی است. نابرابری‌های جنسیتی نیز یکی از اشکال این نابرابری‌ها به شمار می‌روند که در در لایه‌های پنهان نشانه‌ها توسط ایدئولوژی بازتولید می‌شود.

استوارت هال بر سه رهیافت در بازنمایی اشاره می‌کند:

رهیافت بازتابی: بر اساس این رهیافت، معنا در جهان موجود است و زبان به‌سان آئینه‌ای است که آن را به شکلی صحیح و دقیقاً منطبق با جهان بازتاب می‌دهد. بر این اساس، متون رسانه‌ای واقعیت را بازتاب می‌دهند.

رهیافت قصدمندی: به موجب این رهیافت، زبان حامل معنای منحصر به فردی است که نیت و مقصود مؤلف بوده است و حامل هدف و مقصود مؤلف است. در اینجا دوربین اراده مؤلف را بازمی‌تاباند. از منظر هال در این رویکرد زبان به امری خصوصی مبدل می‌شود.

رهیافت برساخت‌گرا: بر اساس این رهیافت، ماهیت عمومی و اجتماعی زبان بسیار حائز اهمیت است. برساخت معنا به‌واسطه‌ی نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها صورت می‌پذیرد. رهیافت برساخت‌گرا، دو رویکرد نشانه‌شناختی و گفتمانی را دربرمی‌گیرد. رویکرد نشانه‌شناختی توجه خود را به چگونگی تولید معنا توسط بازنمایی و زبان معطوف می‌کند در حالی که رویکرد گفتمانی تأثیرات و پیامدهای بازنمایی را مورد توجه قرار می‌دهد (هال ۱۹۹۷).

هال با پذیرش رویکرد سوم معتقد است که: «رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند، بلکه آن را به صورت رمز و نشانه در می‌آورند و به‌صورت نمادین و نه مبتنی بر واقعیت انعکاس می‌دهند» (هال ۱۹۹۷: ۷۲ به نقل از سلیمانی و هراتی ۱۳۹۴، ص ۱۰۱). در این چارچوب از آنجا که رسانه‌ها به ساخته شدن نظام‌های یادآوری‌کننده تعاریف کمک می‌کنند، بازنمایی‌های رسانه‌ای در شکل دادن به نگرش‌های عمومی نسبت به دیگران تأثیرگذار هستند و ذهنیت و دانش عمومی یک جامعه یا گفتمان را بر اساس تصویر انگاره‌ای که خود برمی‌سازند در قبال غیر یا غیرخودی تولید و توزیع می‌نمایند.

از منظر هال دو استراتژی کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی (یا بدیهی‌نمایی) در مسیر بازنمایی توسط رسانه‌ها انجام می‌گیرند. کارکرد کلیشه‌سازی تقلیل یک پدیده یا موضوع پیچیده و چندلایه را به چند خصیصه یا ویژگی ساده، منفی و قابل فهم است تا در نهایت این خصایص را ابدی، ثابت و اغراق‌آمیز در نظر گیرد. همچنین ویژگی‌های بهنجار را از ویژگی‌های نابهنجار جدا می‌کند و سپس آنچه را که درون بخش بهنجار قرار نگیرد و ضد خود باشد، طرد می‌کند.

۲-۲- پارادایم نظری فمینیستی

فمینیسم به آرا و افکاری اشاره دارد که زنان برای تغییر خود آگاهی‌شان و تغییر در جامعه به وجود آورده‌اند. زنان در حیات اجتماعی بر اساس نگرش فمینیستی گروه اجتماعی ستم‌دیده به حساب می‌آیند. فمینیست‌ها مدعی‌اند که روابط میان مردان و زنان در حوزه‌های کار، سیاست، خانواده و سکس، الگوی نابرابری جنسی را بازتاب می‌دهند. نظریه‌های فمینیستی یک دست نیستند و طیف گسترده‌ای از گرایش‌ها و نظریات همچون مارکسیسم، فمینیسم لیبرالی، فمینیسم محافظه‌کار، فمینیسم سوسیالیستی و ... را شامل می‌شود.

فمینیسم لیبرال شاخه‌ای از نظریات فمینیستی است که به تبیین نابرابری زنان در جامعه می‌پردازد. آن‌ها تبعیض جنسی را علت نابرابری جنسی می‌دانند. جرج ریتز در کتاب *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* با تکیه بر تبعیض جنسی بیان می‌کند که همین تبعیض جنسی زنان را از کودکی محدود و علیل می‌کند تا نقش‌هایی را در بزرگسالی فرا گیرند که آن‌ها را از انسانیت کامل محروم می‌کند. این محرومیت برخاسته از تبعیض جنسی به باور ریتز آن‌ها را به موجودات کودن، وابسته و ناخودآگاه افسرده‌ای تبدیل می‌سازد؛ در واقع به اعتقاد ریتز: «همین نقش‌های خاص جنسی‌اند که با قید و بندها و شرایط ویژه‌ای که بر زنان تحمیل می‌کنند، از آن‌ها یک‌چنین موجوداتی به وجود می‌آورند.» (ریتز، ۱۳۹۸: ۴۷۵)

نظریه پردازان فمینیستی معتقد هستند که جنسیت به گونه‌ای عمیق در روابط اجتماعی نهفته و نهادینه شده و روابط ساختاری و رابطه بین مردان و زنان را تعریف می‌نماید.

فمینیست‌های مارکسیست، بر اساس آرای انگلس و مارکس معتقدند که انقیاد زنان از تنظیم‌های اجتماعی در جامعه سرچشمه می‌گیرد و ارتباطی به ماهیت زیست‌شناختی آنان ندارد. به عبارت دیگر، آنان بر پایه نظریه تضاد اجتماعی معتقدند که جنسیت یک سیستم ساختاری است که به برخی قدرت و امتیاز می‌دهد و بقیه را از امتیاز و قدرت محروم می‌کند. از نظر فمینیست‌های مارکسیست این سیستم ساختاری غالباً مردسالار است و چنین ساختاری، نهاد بنیادی همه جوامع بشری است و بر این اساس همواره مشروعیت خود را بازتولید و تثبیت کرده است.

«فمینیست‌ها بر این باورند که رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون با ساخت و ارائه ایماژهای اصلی از زنانگی و مردانگی، فعالانه در گفتمان نمادین جنسیت که ریشه در روابط قدرت دارد، سهیم هستند. از نظر فمینیست‌ها تصویر فرهنگی زنان در رسانه‌های جمعی در جهت حمایت و تداوم تقسیم کار جنسی و همچنین تقویت مفاهیم پذیرفته شده درباره زنانگی و مردانگی به کار می‌رود. در واقع «رسانه‌ها با فناسازی نمادین زنان به ما می‌گویند که زنان باید در نقش همسر، مادر و کدبانو و غیره ظاهر شوند و در یک جامعه پدرسالارانه سرنوشت زنان به جز این نیست. بازتولید فرهنگی، نحوه ایفای این نقش‌ها را به زنان می‌آموزد و سعی می‌کند آن‌ها را در نظر زنان طبیعی جلوه دهد. فمینیست‌ها تأکید دارند که رسانه‌های جمعی، نقش بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی و تصورات رایج در مورد زنان را برعهده دارند. عمدتاً در این بازنمایی‌ها صفات مثبت به مردان و صفات منفی نیز به زنان الصاق می‌گردد (کولومبورگ، ۱۳۸۷).

دسته دیگری از فمینیست‌ها به ستمگری جنسی معتقدند. به عقیده این دسته، موقعیت و جایگاه زنان پیامد مستقیم رابطه میان زنان و مردان است. رابطه‌ای که طی آن، مردان منافع عینی و بنیادی در نظارت، سوءاستفاده، انقیاد و سرکوبی زنان را از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان، بر آورده می‌سازند. از دید این گروه از فمینیست‌ها، موقعیت زنان به گونه‌ای است که در چارچوب آن، زنان تحت نظارت، مورد سوء استفاده، انقیاد و ستم مردان قرار می‌گیرند. این الگوی ستمگری که مردسالاری خوانده می‌شود به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین شده و یک ساختار تسلط بنیادی تشکیل داده است. به اعتقاد بیشتر نظریه پردازان ستمگری جنسی، تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسی فرآورده‌ها و محصولات مرد سالاری‌اند.

فمینیست‌های سوسیالیست دسته‌ای دیگر از نظریه پردازان فمینیستی هستند. آن‌ها در تلاشند تا با ادغام نظریه‌های فمینیستی، قدمی رو به جلو بردارند. هدف اصلی فمینیست‌های سوسیالیست ادغام دو اندیشه فمینیستی مارکسیستی و تفکر فمینیستی رادیکال است که به عقیده آن‌ها گسترده‌ترین و با ارزش‌ترین سنت فمینیستی می‌باشد. این برنامه ادغام نظریات به دو صورت است. دسته اول نظریه پردازان می‌کوشند تا ویژگی‌های اشتراک و افتراق تجربه زنان از تابعیت را ترسیم کنند؛ اصطلاحی که پدر سالاری نامیده می‌شود.

گونه دوم فمینیسم سوسیالیستی بر آن است تا همه صورت‌های ستمگری اجتماعی را توصیف و تبیین کند. این دسته از نظریه پردازان به سلسله مراتب طبقاتی و جنسی به عنوان مبنایی برای تحقیق درباره نظام‌های ستمگری مبتنی بر طبقه و جنسیت و نیز نژاد، قومیت، سن، ترجیح جنسی و جایگاه یک ملت در سلسله مراتب جهانی استفاده می‌کنند (ریتز، ۱۳۹۸: ۴۸۲).

نظریات فمینیستی به بررسی رسانه‌ها و سینما نیز پرداخته‌اند. نحوه بازنمایی رسانه‌ها از زنان و مردان در نظریات فمینیستی نقش مهمی را ایفا کرده است. دیدگاه‌های فمینیستی در رسانه‌ها در قالب کلی به نقد و بررسی نحوه بازنمایی زنان در فرهنگ عمومی و رسانه‌های جمعی می‌پردازد. در این زمینه می‌توان از دو شاخه فمینیسم که در رسانه‌ها اهمیت بیشتری را دارا می‌باشند استفاده کرد. نظریات لیبرال و سوسیالیستی فمینیستی، با بررسی رسانه‌ها، آن را ابزار اصلی انتقال ارزش‌های موجود در جامعه معرفی می‌کنند.

از نظر فمینیست‌ها، کاربرد تصاویر فرهنگی زنان در رسانه‌های جمعی در جهت تداوم تقویت مفاهیم پذیرفته شده پیرامون زنانگی و مردانگی و تداوم تقسیم کار به کار می‌رود. بر اساس این فرضیه، رسانه‌های جمعی ارزش‌های حاکم بر هر جامعه را منعکس می‌کند. (استریناتی، ۱۳۸۰: ۲۴۲) بازنمایی در رسانه به این معنا بوده است که مردان و زنان در رسانه‌های جمعی به گونه‌ای بازنمایی شده‌اند که با نقش‌های کلیشه‌ای فرهنگی که در جهت بازسازی نقش‌های جنسیتی بکار می‌روند سازگاری دارند (استریناتی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

تئوری فمینیستی فیلم، شاخه‌ای دیگر از بررسی رسانه‌ها از نگاه فمینیستی است که در واکنش به سینمای هالیوود شکل گرفت. استدلال اصلی نظریه آنان این است که سینمای غرب به ویژه سینمای تجاری هالیوود نگاه مردانه را نسبت به زن بازتولید می‌کند (زندى، ۱۳۸۲: ۴۶). تئوری فمینیستی فیلم تلاش می‌کند که تفاوت‌های جنسی را از دیدگاه زنان نشان دهد و نوعی بررسی انتقادی را در زمینه رابطه نامتوازن قدرت بین زن و مرد نشان دهد (زندى، ۱۳۸۲: ۴۵). بر اساس این نظریه، سینما قادر است از طریق القای ارزش‌های حاکم بر جامعه، تأثیرات سیاسی و فرهنگی و اخلاقی بر بیننده گذاشته و حتی نگاه مخاطب به زن را تغییر دهد. لورا مالوی از مدعیان نظریه فمینیستی معتقد است که فیلم نشان دهنده جامعه است و جامعه بر درک ما از فیلم تأثیر می‌گذارد.

دیالکتیک فمینیستی که از جامعه‌شناسی فیمینیستی و تجارب روزانه زنان بهره می‌گیرد خواستار نوعی بازسازی در عملکرد اجتماعی هستند، بر این اساس آن‌ها تلاش می‌کنند تا جهان و جامعه را از دیدگاه زنان بنگرند و راهکارهایی را برای دستیابی به تعادل در جامعه و رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه نمایند.

۳- مطالعات پیشین

بررسی پیشینه ادبیات نشان می‌دهد که روایت‌پذیر و رؤیت‌پذیر کردن موقعیت مسئله‌مند اشتغال زنان در سینمای پیشانقلاب و پسانقلاب ایران یکی از دغدغه‌ها و پروژه‌های سینمای ایران بوده است و بر این اساس، تعدادی از محققان ایرانی این مسئله را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند. البته در مورد موضوع مورد پژوهش و بازنمایی وضعیت اشتغال زنان شاغل در مشاغل آزاد تا کنون پژوهشی نظام‌مند انجام نشده است.

همتی (۱۳۷۹) در پایان نامه‌ای تحت عنوان «بازنمایی مشاغل زنان در سینمای ایران» با تحلیل محتوای فیلم‌های تولید شده در دوره پیش از انقلاب و پس از انقلاب به واکاوی نقش‌های زنان در زمینه اشتغال پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره نخست (۱۳۰۹-۱۳۱۶)، نقش زنان در سینمای ایران در راستای ترویج کشف حجاب بوده است. در دوره دوم (۱۳۲۷-۱۳۳۸)، نقش عمده زنان در فیلم‌ها شامل آوازخوانی در کاباره‌ها، نطافت، مستخدمی، کلفت و رقاصی بوده است. در دوره سوم (۱۳۳۹-۱۳۴۸)، شاهد حضور زنان در غالب نقش‌هایی همچون روسپی، زنان آسیب‌دیده و خیابانی، جیب بر و ... هستیم. در دوره چهارم (۱۳۴۹-۱۳۵۷)، شاهد ظهور موج نوی سینمای ایران هستیم که طی آن عمدتاً زنان مظلوم و عاجز دستاویز نزاع در فیلم‌ها هستند. دوره پنجم که فیلم‌های دو دهه اول انقلاب را در بر می‌گیرد بیشتر زنان را در نقش‌های حاشیه‌ای و منفعل می‌بینیم. سلطانی و فرامرزی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «مابیش جنسیت در سینمای ایران» با روش تحلیل محتوا و با استفاده از نظریه نمایشی گافمن، فیلم‌های ایرانی تولید شده از زمان پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۸۳ را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در فیلم‌های مزبور هنجارهای سنتی گفتمان مردسالاری از طریق کم ارزش و فرودست جلوه دادن زنان بازتولید شده است.

کسرائی و مهرورزی (۱۳۹۶) با ترکیب دو روش نشانه‌شناسی فیسک و تحلیل روایت بارت در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی نقش اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب ایران: مطالعه موردی دو فیلم به حبه قند و فروشنده» به واکاوی ایدئولوژی‌های پنهان در پشت این بازنمایی‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که بازنمایی زنان در فیلم‌های مزبور به تحکیم و تثبیت کلیشه‌های جنسیتی در جامعه منجر شده است، به‌طوری که در هر دو فیلم مردان شخصیت‌هایی فعال و خردمند و زنان شخصیت‌هایی منفعل و احساساتی معرفی شده‌اند. همچنین در هر دو فیلم نقش سنت در تصمیم‌گیری‌های فردی پررنگ است. با توجه به اینکه پژوهش‌های موجود صرفاً بر دهه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و یا دوره قبل از انقلاب متمرکز بوده‌اند، در مورد اینکه آیا سینمای ایران در دهه‌های اخیر در بازنمایی مسئله اشتغال زنان دستخوش تغییر واقع شده است یا نه هیچ داده‌ای در دست نیست. لذا، پژوهش حاضر برآنست تا این خلأ موجود را پر کند و فیلم طلا (۱۳۹۷) را به عنوان نماینده دهه‌های اخیر در بازنمایی مسئله اشتغال زنان مورد واکاوی قرار دهد.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش کیفی است که در آن از تحلیل نشانه‌شناسی استفاده شده است. در این پژوهش فیلم سینمایی طلا به عنوان متن فرهنگی در نظر گرفته شده و نحوه تولید معانی فرهنگی مربوط به اشتغال زنان در مشاغل آزاد بر اساس این فیلم مورد بحث قرار گرفته است. از لحاظ هستی‌شناختی، پژوهش حاضر بر ساخت‌گرا بوده و معتقد است که واقعیت اجتماعی توسط کنشگران تولید و بازتولید می‌شود. از منظر معرفت‌شناسی نیز پژوهش حاضر جزو معرفت‌شناسی‌های ذهنیت‌گرا محسوب می‌شود. در پرتو این بینش معرفتی و رویکرد نظری اتخاذ شده، نحوه تولید و بازتولید واقعیت اجتماعی زنان ایرانی در این فیلم واکاوی شده است. واحد تحلیل ما سکانس‌هایی است که دلالت گفتمانی دارند. بر این اساس، سکانس‌های دلالت‌مند از منظر

گفتمان جنسیت استخراج شده و به عنوان دال‌های مرکزی یا شناور از نظر شکلی و محتوایی در چارچوب رویکرد فیسک و هال مورد تحلیل انتقادی قرار گرفته است.

رویکرد فیسک دارای سطوح زیر است:

تحلیل نشانه‌ها: در این سطح، انواع نشانه‌ها، شیوه‌های گوناگون انتقال معنا و شیوه برقراری ارتباط با افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

تحلیل رموزها: در این سطح، انواع رموزگان‌های به کار رفته در دنیای متن مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تحلیل فرهنگ: در این سطح، واقعیت فرهنگی تولید و یا بازتولید شده در دنیای گفتمانی متن مورد خوانش منتقد قرار می‌گیرد.

از نظر فیسک، واقعیت پیشاپیش رمزگذاری شده است و فقط به وسیله رموزگان فرهنگی است که می‌توانیم واقعیت را درک کنیم. او رموزهای اجتماعی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

واقعیت (رمز فنی): سطح نخست که بیشتر رموزها در این سطح قرار می‌گیرند. از جمله آن‌ها می‌توان به لباس، ظواهر چیزها، رفتار، گفتار و ... اشاره کرد. به عبارتی ادراک ما از افراد و امور مختلف بر اساس ظاهرشان و مبتنی بر رموزهای متداول در فرهنگ‌مان شکل می‌گیرد.

بازنمایی: در این سطح رموزگان‌های فنی معناسازی می‌کنند. در فیلم‌های سینمایی این رموزگان عبارتند از: نورپردازی، صدابرداری، موسیقی، تدوین و ... در این سطح رموزهای اجتماعی قرار دارند که بازنمایی عناصر دیگر هستند و روایت، کشمکش، شخصیت، گفتگو و ... را شکل می‌دهند.

ایدئولوژی (رمز ایدئولوژیک): رموزهای فنی و اجتماعی را در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌دهد. از نظر فیسک مجموعه رموزهایی که برای انتقال معنا به بیننده استفاده می‌شود، کاملاً در رموزهای ایدئولوژیک جای گرفته‌اند که خود حکم نشانه را دارند. برخی از این رموزها عبارت‌اند: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و ... « (استریانی ۱۳۸۸، ۱۲۷).

فیسک معتقد است که سوژه محصول فرهنگ و ایدئولوژی است. نظریه‌های مربوط به سوژه، معطوف به تجربه‌های مشترک مردم در هر جامعه است و این تجربه‌ها را موثرترین روش توضیح این‌که (فکر می‌کنیم) چه کسی هستیم، می‌داند. در مقابل، فردیت، بر تفاوت‌های بین مردم تمرکز دارد و این تفاوت‌ها را طبیعی می‌داند. بنابراین سوژه بر ساخته‌ای اجتماعی است، نه طبیعی. کسی که به لحاظ زیست‌شناختی زن است می‌تواند ذهنیتی مردانه داشته باشد.

۵- پیکره پژوهش

جدول ۱- شناسنامه فیلم سینمایی طلا

شناسنامه فیلم سینمایی طلا				
نویسنده/کارگردان	بازیگران	تاریخ انتشار	درجه سنی	افتخارات
پرویز شهبازی	نگار جواهریان، همون سیدی، طناز طباطبایی، مهرداد صدیقیان، احترام برومند، هدی زین العابدین و...	۱۳۹۷	۱۳+	نامزد سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه و صدابرداری در ۳۷مین جشنواره فجر
پیرنگ فیلم: داستان فیلم درباره چهار جوان به نام‌های منصور، رضا، دریا و لیلا است. منصور، رضا و لیلا در صدد برپایی یک کسب و کار مستقل، در حوزه غذایی و با محوریت فروش سوپ و سالاد هستند. دریا که دوست دختر منصور محسوب می‌شود به او نیز در برپایی این کسب و کار کمک می‌کند. در برپایی این کسب و کار مستقل هر یک از این افراد با مشکلاتی متعدد مواجه می‌شوند که آن‌ها را با یک‌دیگر مرتبط می‌سازد.				

۵-۱- واکنش‌های ملی

فیلم سینمایی طلا که در بهمن ۱۳۹۷ در جشنواره فیلم فجر اکران شد، با نقدها و بررسی‌های متفاوتی رو به رو شد. این فیلم که به دلیل شیوع ویروس کرونا، از اولین فیلم‌های داوطلب اکران اینترنتی بود، در اردیبهشت ۱۳۹۹ از طریق پلتفرم‌های ایرانی اکران شد. در سایت فیلیمو میزان رضایت مخاطبان از ۱۰۰ درصد، ۸۵ درصد بوده و ۳۹۲۱۱ نفر در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند.

جدول ۲- بخشی از نقدهای موجود فیلم سینمایی طلا

نام وب سایت یا فرد منتقد	نقد فیلم
سایت سینمایی زومجی در مطلبی با عنوان «نقد فیلم طلا»	«طلا» با شروع اعتراضی کارگران بیکار شده کارخانه‌ای آغاز می‌شود که در آن منصور به حق خواهی برادر از کار بیکار شده‌اش استعفا می‌دهد. فیلم از ابتدا بدون قضاوت، نصیحت یا ملامت مشکلات نسل جوان را بازتاب می‌دهد. بازتابی بدون اعوجاج و سهل و ممتنع که در سادگی بیرونی خود هزارتوی درونی دارد. می‌توان بدون کالبدشکافی اثر و موشکافی دقیق به مانند یک کل به اثر نگاه کرد چرا که توفیق و یگانگی این فیلم در سادگی و کلیت منسجم‌اش است که باعث خلق فضایی شده که جایگاه ویژه‌ای دارد. نگرستن این ویژگی شاید با یکبار دیدن فیلم حاصل نشود. فروپاشی نسل جدید و فریاد نشنیده آن‌ها و خفگی اجباری را می‌توان در معادل‌های عینی فیلم یافت. موتیف بسته شدن درها بسوی آن‌ها در فیلم و سکوت ناگزیر شخصیت‌ها در تصادم با پیشامدهای تحمیل شده، بسامدی نافرجام را رقم می‌زند.
مشرق نیز در مطلبی با عنوان «چرا فیلم طلا توهین آمیز است؟»	از طرفی دریا به چه دلیل درونی‌ی بارداریش را حتی برای منصور (که شوهرش نیست اما بچه از اوست!!) کتمان میکند؟ این میزان بی مسئولیتی پدرش در حسابرسی پول‌ها و نظارت بر دخترش چطور این میزان سمبل می‌شود که نمی‌فهمیم آیا منصور در قتل وی دست داشته است و یا پدر از باز بودن درب انبارش سکتی کرده است... از آنطرف پدر بزرگ مذبح خانواده چطور متوجه پرونده قتل فرزندش شده است؟- هویت و کنشش چه قدر تاثیرگذار است؟- بیننده خود می‌بیند که دریا این پیشنهاد مضحک و مسخره را به منصور می‌دهد - و با احتساب اینکه قرار بوده مراقب منصور باشد، اما مخاطب صرفاً نشستن و چت کردن او را می‌بیند. در نهایت نیز بیننده وقتی پدر بزرگ مفلوک، بی‌هویت و مضحک قصه-که صدایش اصلاً ملموس نمیشود-فرضیه قتل پدرش-که اصلاً برای شناسا نشده است) را مطرح میکند. و حال دریا یک گریه مغموم و درون ریز می‌کند-چرا؟! راستش فکر می‌کنم فیلم خیلی ضعیفه. گرفتن مغازه و راه انداختن رستوران خیلی سریع در طول فیلم فراموش میشه و شخصیت‌ها کاملاً به دور از واقعیت به هم می‌پرن و همه بهانه ای غیر منطقی برای رسیدن به اون به اصطلاح جرم پایانی فیلم می‌شه که بهانه نهایی اون هم نجات دادن طلاست
نقد یکی از مخاطبان به نام iliad	

۲-۵- نشانه‌شناسی وضعیت ظاهری بازیگران زن

پوشش به کار رفته بازیگران زن مطابق با معیارهای روز جامعه است. زنان در این فیلم از پوشش مانتو استفاده می‌کنند. بازیگران زن اصلی فیلم دریا و لیلا مانتوی جلو باز و شلوار لی پوشیده‌اند. همچنین بازیگران زن نمایش داده شده در این فیلم از آرایشی حداقلی برخوردارند. البته چهره دریا به علت بیماری تالاسمی، بخ و بی‌روح به تصویر کشیده شده است و آرایش به کار رفته برای صورت دریا سعی در ترسیم وضعیت بیماری او دارد.

۳-۵- تحلیل سکانس‌ها

فیلم طلا، گستره‌ای از مشاغل مختلف را در بردارد. هر چند موضوع اصلی فیلم درباره چهار جوان و برپایی یک کسب و کار مستقل است، اما با مردان و زنان متفاوت در شغل‌های متفاوتی مواجه هستیم. زنان در این فیلم در مشاغل مختلفی مشغول به کار هستند. زنان نوازنده در کافه، زن مسئول خرید در شرکت دارویی، زن پرستار، زن کارگر، زن صراف از جمله مشاغلی هستند که زنان در این فیلم به عهده دارند. در کنار روایت اصلی فیلم که مربوط به اشتغال زنان است، شاهد روایت‌هایی فرعی از زندگی آنان هستیم از جمله طلاق، بارداری و سقط، خیانت و دزدی و فرار از کشور. در پژوهش حاضر ده سکانس از فیلم را برای تحلیل انتخاب کرده‌ایم.

۴-۵- سکانس اول

اولین سکانس منتخب مربوط به دقیقه ۶ است. در این سکانس، دریا که ظاهراً رابطه‌ای دوستانه با منصور دارد و با او محرم است سوار ماشین او شده است و منصور نیز فردی را به عنوان مسافر سوار کرده است. البته در طول فیلم مشخص نشده است که محرمیت به چه صورتی است، اما در ادامه فیلم متوجه می‌شویم که رابطه بین منصور و دریا، رابطه‌ای پنهانی است. بعد از پیاده شدن مسافر، دریا شیشه را پایین می‌دهد تا مسافر کرایه را بدهد. مسافر در حین دادن کرایه، با چشم‌هایش به دریا نگاه می‌کند. دریا سرش را پایین می‌اندازد و چیزی نمی‌گوید. منصور با مسافر دعوا می‌کند.

دریا در فیلم طلا، فردی عاشق منصور و حامی منصور بازنمایی شده است. این موضوع به طور کلی به ضعف زنان اشاره ندارد و مخاطب این حمایت را به عنوان ضعف دریا تلقی نمی‌کند. با دقت نظر در اولین سکانس اما می‌توان مشاهده کرد که دریا به عنوان یک زن در مقابل این آزار در محیط جامعه نمی‌تواند کنش موثری انجام دهد. در طول این سکانس نیز به این موضوع اشاره

شده است. مسافر در حین دادن کرایه به منصور به دریا نگاه می‌کند. دریا سرش را پایین می‌اندازد. منصور به مسافر نگاه می‌کند و می‌گوید: به چی نگاه می‌کنی؟

مسافر: نگاه می‌کنم دیگه! مگه چیه؟

منصور: گوه می‌خوری داری نگاه می‌کنی.

مسافر: فازت چیه بابا؟

منصور: خفه شو، فازت چیه، فازت چیه؟ میام پایینا.

دعوا تمام می‌شود. بعد از این سکانس منصور از دریا می‌پرسد که چرا چیزی نمی‌گوید و دریا می‌خندد. در طول این سکانس نیز دریا واکنشی نشان نداده و سکوت کرده بود. بر اساس نظریه بازنمایی هال، زن در این فیلم در برابر نگاهی توأم با آزار در محیط جامعه و در وسایل نقلیه سکوت می‌کند و جز سکوت نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

۵-۵- سکانس دوم

در این سکانس که در یک کافه اتفاق می‌افتد، چهار شخصیت اصلی فیلم در یک کافه حضور دارند و منتظر شروع بازی ایران در جام جهانی هستند. زنان و مردان دیگری نیز در کافه حضور دارند و صدای تشویق‌هایشان شنیده می‌شود. در این سکانس، لیلا پیشنهاد یک بیزینس مستقل را می‌دهد. رضا در ابتدا به او می‌گوید که بارها نیز این حرف را گفته است، اما کاری انجام نداده است. با همفکری هم‌دیگر، منصور تصمیم می‌گیرد ماشینش را بفروشد. لیلا نیز پس‌انداز خود را از بانک خارج می‌کند. رضا نیز از پدرش پول می‌گیرد و دریا نیز می‌گوید که نمی‌تواند به دلیل مخالفت پدرش مشارکت کند. در نهایت، لیلا، رضا و منصور تصمیم به شراکت می‌گیرند.

لیلا در این فیلم به عنوان زنی مستقل به تصویر کشیده شده است که مسئول خرید در یک شرکت دارویی است. موضوعی که به بازنمایی استقلال زنان در زمینه مالی و اجتماعی می‌پردازد. با این وجود، دریا به رغم مستقل بودن از نظر مالی و کار در صرافی پدرش، به این دلیل که پدرش مخالف است نمی‌تواند در کار مشارکت کند، اما تلاش می‌کند تا از منصور حمایت کند.

۵-۶- سکانس سوم

لیلا می‌خواهد برای دادن کرایه پیش مغازه مقداری پول از شرکت بردارد و به مدت محدود به منصور بدهد و منصور در مدت زمان کوتاه به او برگرداند. منصور قبول نمی‌کند. دریا به او اصرار می‌کند. منصور به دلیل اصرار او قبول می‌کند، اما می‌گوید پولی ندارد و مسئولیت این کار را بر عهده می‌گیرد.

رابطه دریا و منصور به طور مشخص بیان نشده است. هر چند رابطه‌ای عاشقانه میان منصور و دریا در جریان است، بی‌اطلاعی خانواده دریا از وجود منصور می‌تواند این مفهوم را برساند که رابطه بین منصور و دریا رابطه دوست-دختر-دوست پسر بوده است. در فیلم البته یک بار در مکالمه میان لیلا و دریا، لیلا به او می‌گوید که شما با هم محرم هستید. در واقع از رهیافت بازتابی نظریه بازنمایی این مطلب به مخاطب القا می‌شود که دریا، صیغه منصور است. در این سکانس دریا به لیلا می‌گوید که زمانی که وام را بگیرند، پول را بر می‌گرداند اما منصور قبول نمی‌کند:

لیلا: ولی دریا برای یه مدتی محدود می‌تونم پول را بردارم. بفهمند دردسر میشه

دریا: من وضعم عالیه

منصور خطاب به لیلا: داستان بشه با توه‌ها. من اصلا در جریان هیچی نیستم.

دریا خطاب به منصور: باشه با منه، باشه

به نظر می‌رسد شخصیت دریا در فیلم به عنوان حامی عاطفی منصور بازنمایی شده است. این موضوع مشکلی خاص را بازنمایی نمی‌کند. اما شخصیت دریا در این فیلم برای کسب و کار منصور تلاش می‌کند، اما منصور در این‌جا مسئولیتی را قبول نمی‌کند و دریا را در صورت بروز مشکل مقصر می‌داند. دریا در مقابل این کنش، کنشی موثر نشان نمی‌دهد و تنها به حمایت عاطفی در مسیر منصور می‌پردازد و تلاشی برای برقراری یک حمایت دو طرفه از جانب هیچ‌کدام صورت نمی‌گیرد، دریا از واکنش منصور در این زمینه ناراحت می‌شود و با حالتی ناراحت مسئولیت کار را قبول می‌کند.

۵-۷- سکانس چهارم

سکانس با اجاره مغازه توسط چهار جوان و بازکردن درب مغازه توسط لیلا آغاز می‌شود. هر کدام از چهار جوان فیلم در حال صحبت کردن درباره نمای داخلی مغازه هستند. رضا به لیلا می‌گوید که او باید پول بشمارد، منظور رضا از این حرف این است که در کارشان به سوددهی برسند. لیلا ایشالا می‌گوید و منصور می‌گوید پول در نیاریم بیچاره میشیم. به یکی بدهی سنگین دارم باید تسویه کنیم.

منصور در این سکانس به شوخی می‌گوید اگر پول در نیابند، بیچاره می‌شود و باید کاسه گدایی دستش بگیرد در غیر این صورت، نمی‌تواند پولی به لیلا بدهد. لیلا با خنده‌ای ناشی از عصبانیت می‌گوید:

چی شده؟ تو یعنی وایستی اینجا به سود برسه؟ بعد بیایی پول من رو بدی؟
دریا خطاب به لیلا می‌گوید: نه بابا چی می‌گی، شوخی می‌کنه.
لیلا: من سخته می‌کنم.

در این سکانس، زن در موقعیت شریک، فردی منفعل ترسیم شده است. منصور به عنوان یکی از شریک‌های زن در برابر بدهی خود به لیلا مسئولانه عمل نمی‌کند و با خنده حرف می‌زند. در مقابل لیلا هر چند می‌خندد اما در برابر این حرف می‌گوید که سخته می‌کند. با این همه منصور جوابی نمی‌دهد و می‌خندد. دریا برای آرام کردن لیلا می‌گوید که منصور شوخی می‌کند. رضا نیز بدون پرداخت به موضوع سعی در فیصله دادن ماجرا دارد. در بازنمایی این صحنه به نظر می‌رسد که زن در کار مشترک در جایگاه و مرتبه دوم قرار دارد و همکاری متقابلی بین مرد و زن در کار مشترک وجود ندارد.

۵-۸- سکانس پنجم

در این سکانس، منصور که با کمک دریا و به وسیله پس‌انداز او که به دلار است به صرافی محل کار دریا می‌رود که پول‌ها را پنج کند. دریا پول‌ها را از او تحویل می‌گیرد. همزمان پدر دریا وارد کادر می‌شود و از دریا در مورد برگه ضمانت نامه وام در حضور مشتری سوال می‌پرسد. دریا بعد از چند پاسخ و جواب کوتاه به پدر می‌گوید که بعدا با او صحبت می‌کند. در انتها نیز روی پاکت نامه برای منصور می‌نویسد که ضمانت را از طریق پدر بزرگش امضا می‌کند.

در این سکانس نیز همانند سکانس قبلی شاهد متزلزل بودن جایگاه و استقلال زن در شغل آزاد هستیم. دریا هر چند که در صرافی محل پدرش کار می‌کند و به واسطه کار در صرافی باید مستقل باشد، اما پدر دریا در جلوی مشتری او را مجبور به پاسخگویی درباره برگه ضمانت وام می‌کند. دریا ابتدا می‌گوید که برای دوستش است، اما با توجه به قانع نشدن پدرش به او می‌گوید که بعدا برای او توضیح می‌دهد. در بازنمایی وضعیت اشتغال زنان شاغل در این سکانس می‌توان گفت که لیلا و دریا هر دو به رغم استقلال مالی در تلاش برای یک شغل آزاد جایگاه متزلزلی دارند و از استقلال در جایگاه و محل کارشان برخوردار نیستند.

۵-۹- سکانس پنجم

در این سکانس، دریا از طریق پزشک متوجه می‌شود که رابطه‌اش با منصور به بارداری ناخواسته منجر شده است. دریا با وجود آگاهی از این واقعه به منصور اطلاع نمی‌دهد. به سراغ لیلا می‌رود و با او صحبت می‌کند. لیلا به او پیشنهاد سقط بچه را می‌دهد و دریا که بسیار مضطرب و پریشان است قبول می‌کند. در نهایت لیلا به دریا پیشنهاد می‌دهد که با یک‌دیگر سیگار بکشند. بازنمایی دریا در این سکانس در مواجهه با آگاهی از تست مثبت بارداری‌اش بخشی دیگر از مشکلات این زن شاغل را در رابطه عاطفی با منصور نشان می‌دهد. بارداری ناخواسته هر چند نتیجه رابطه عاطفی منصور و دریا بوده، اما دریا سعی می‌کند اضطراب و تشویش خود را پنهان کند و به منصور چیزی نگوید. او در حالی که مضطرب و پریشان است به سراغ لیلا می‌رود. لیلا با مشاهده او می‌گوید:

عزیزم. دستت چرا اینقدر یخ کرده؟ بشین. چیزی نشده که. به منصور گفتی؟
دریا: نه

لیلا: نمی‌خواد بگی

دریا: آلاں نمی‌خوام بگم

لیلا: شما که محرمین به هم. ببین من یکی از دوستان این کارو کرده. تلفن طرف رو ازش می‌گیرم وصلش می‌کنم بهت. پیشنهاد سقط بچه توسط لیلا به دریا داده می‌شود. بر اساس رهیافت قصدمندی هال، کارگردان با اثر خود قصد دارد اضطراب و پریشانی دریا را در این اتفاق ناخواسته نشان دهد. همچنین نشان می‌دهد که به رغم حمایت دریا از منصور این حمایت دو طرفه نبوده و در مواجهه با این اتفاق منجر به تزلزل روحی دریا می‌شود.

۵-۱۰- سکانس ششم

در این سکانس، لیلا مضطرب و نگران از زمان برگرداندن پولی که از شرکت برداشته است به مغازه می‌رود تا منصور را ببیند. او از منصور پول طلب می‌کند، اما منصور می‌گوید پولی ندارد و نمی‌داند چه زمانی می‌تواند به او پول بدهد و به سمت دستشویی می‌رود. لیلا که بغض کرده و ناراحت است با او صحبت می‌کند. منصور عصبانی می‌شود و به او فحش می‌دهد. رضا در حمایت از لیلا با منصور دعوای کلامی می‌کند و منصور قهر می‌کند.

لیلا در این سکانس شخصیتی مضطرب و نگران بازنمایی شده است. لیلا می‌ترسد شرکت متوجه کار او بشود و می‌خواهد ماجرا هر چه زودتر فیصله پیدا کند. او به منصور می‌گوید:

من نگفتم آبرو و حیثیتم میره باید بذارم سر جاش؟ خب نامردیه دیگه.

منصور: چی میگی تو زر می‌زنی؟ چته؟

لیلا: زر خودت میزنی چه طرز حرف زدن؟

منصور: اصلا پول دارم نمیدم چی میگی؟ گردنم کلفته.

لیلا: تو بیجا کردی میخواستی پولم رو پس ندی ازم پول گرفتی؟

منصور: میام میزنم میترکونمتا

لیلا: جرات داری روم دست بلند کن.

رضا: لات بازی در نیار

در این سکانس به نظر می‌رسد لیلا به عنوان شخصی ضعیف ترسیم شده است. لیلا به عنوان شریک این مغازه نمی‌تواند مطالبه به حق خود را دریافت نماید و از طرفی دیگر منصور به جای عذرخواهی به او فحش داده و او را تهدید به کتک کاری می‌کند. منصور در این سکانس، شخصیتی قلدر است که قصد ندارد بدهی خود را به زن بدهد. او مردانگی خود را به رخ زن کشیده و به او فحش می‌دهد و لیلا نیز به دلیل ناتوانی نمی‌تواند با او برخورد کند.

۵-۱۱- سکانس هفتم

در این سکانس، منصور که برادرش از الهام جدا شده است و به گونه‌ای غیر قراردادی حضانت دختر آن‌ها طلا به عهده اوست فردی را اجیر می‌کند تا الهام همسر برادرش را تعقیب کند. منصور به گفته برادرش احتمال می‌دهد که الهام دوست پسر دارد. او پس از دریافت لوکیشن از فردی که او را اجیر کرده بود به پلیس می‌رود و درخواست مامور می‌کند و می‌گوید که قصد دارد مچ زن شوهردار را بگیرد. او پس از مراجعه همراه با پلیس متوجه می‌شود که الهام کارگری می‌کند و صاحبخانه نیز پس از دیدن پلیس الهام را از کار خانه خود برکنار می‌کند.

الهام، مادر طلا در این فیلم دلیل عدم حضانت بچه را در دادگاه مخالفت پدر و مادرش عنوان می‌کند. الهام در این فیلم به عنوان زنی بازنمایی شده است که در حال طی مراحل طلاق خود است و با مشکلاتی در این راه از قبیل مهریه و ناتوانی در حضانت فرزند مواجه است. الهام پس از مواجه با پلیس، در آن وضعیت ناراحت می‌شود. صاحبخانه نیز با دیدن این وضعیت در همان حالت به الهام می‌گوید که قرار آن‌ها پلیس نبوده و او را از کار برکنار می‌کند. الهام، در نقش یک زن کارگر که طلاق گرفته است با مشکلات روحی، عاطفی و مالی بسیاری مواجه است و از طرف جامعه طرد شده است.

۵-۱۲- سکانس هشتم

دریا و منصور با یک دیگر در مورد طلب لیلا بحث می‌کنند. منصور عصبانی است و با دریا دعوا می‌کند. دریا نیز سعی می‌کند که مشکل را حل کند. او می‌گوید که موضوع را حل می‌کند. او سپس جواب تلفن لیلا را به تندی می‌دهد و گوشی را روی او قطع می‌کند. در نهایت او به منصور پیشنهاد می‌دهد که به انبار پدرش را که در آن دلار ذخیره کرده است برود و مبلغ ۱۰ هزار دلار بردارد تا بدهی لیلا را بدهد.

دریا سعی می‌کند که بحران به وجود آمده را تحمل کند و آن را به شکلی رفع کند. منصور اما در بازنمایی این سکانس تمایلی به همکاری با لیلا و رضا ندارد و ابتدا پیشنهاد دریا را قبول نمی‌کند اما با اصرار دریا تصمیم می‌گیرد که آن کار را انجام دهد. بازنمایی عاطفی لیلا حالا به صورت افراطی نمایش داده می‌شود. این بازنمایی از نقاط ضعف شخصیت زنان در فیلم قلمداد می‌شود و حمایت افراطی دریا، خود او و خانواده‌اش را نیز درگیر مشکلات می‌کند.

۵-۱۳- سکانس نهم

لیلا طلب خود را از دریا گرفته است و به محل کارش می‌برد تا آن را برگرداند. همزمان با بازگشت دوباره‌اش گوشی مخصوص اتاقتش زنگ می‌خورد. هنگام جواب دادن به گوشی رییس شرکت از او گوشی را می‌گیرد و از او درباره پول سوال می‌کند. لیلا می‌گوید که به عنوان مسئول خرید پیش‌بینی کرده است و دلار تهیه کرده او دلار به رییس شرکت می‌دهد. رییس متوجه اشتباه خود می‌شود اما پلیس به دفتر لیلا می‌آید و لیلا متوجه می‌شود که پلیس‌ها را رییس شرکت به محل آورده است.

در بازنمایی لیلا در این سکانس، پلیس به رییس شرکت می‌گوید:

سلام تماس گرفته بودید با پلیس؟

رییس شرکت (آقای کریمی): به سوتفاهم کوچیک بود. حل شده سر کار.

لیلا متعجب است. پلیس می‌گوید: یعنی شکایتی ندارید؟

آقای کریمی: نه. دست شما درد نکنه.

لیلا: آقای کریمی سوتفاهم بود. بعد ده سال که دارم اینجا کار می‌کنم شما دارید تهمت دزدی به من می‌زنید رسماً.

آقای کریمی: من معذرت می‌خواهم.

در بازنمایی این سکانس به نظر می‌رسد لیلا به مدت ده سال در شرکت مشغول به کار بوده است و از نظر مالی و اجتماعی فردی صادق و پاک بوده است اما با این وجود، رییس شرکت در اولین مواجه با مشکل به جای پیگیری مسئله از خود شخص به

پلیس زنگ می‌زند تا آن‌ها ماجرا را حل کنند. در واقع، رئیس شرکت به شخصیت زن در محل کار بی اعتماد است. به رغم عذرخواهی آقای کریمی از لیلا، اما همچنان او انتظار دارد که لیلا در محل کار بکند. او در انتها می‌گوید: اما شما برای هفته بعد باید به چین بروی. بلیط داری. در واقع آقای کریمی پس از پذیرش اشتباه خود همچنان از رابطه زیردست و رئیس با لیلا برخورد می‌کند.

۵-۱۴-سکانس دهم

پس از آن‌که دریا متوجه می‌شود که پدر او بر اثر سکتة فوت نکرده است و به دست منصور مرده است به نزد منصور می‌رود تا او را فراری دهد. او همچنین به وسیله پدربزرگش متوجه می‌شود که پدرش ۴۰۰ هزار دلار در انبار ذخیره داشته است. منصور نیز همه آن پول را برداشته است. او در حال کمک به منصور کیف او را بررسی می‌کند و متوجه می‌شود که قتل پدرش و برداشتن باقی پول‌ها کار منصور بوده است. منصور نیز به او می‌گوید هر کاری کرده است به خاطر دختر برادرش طلا بوده است. دریا نیز می‌گوید: هر کاری می‌توانی برای آن بچه بکن.

این سکانس که از دقایق پایانی فیلم انتخاب شده است بازنمایی دیگری از رابطه میان زن و مرد نشان می‌دهد. زن به رغم اعتماد به شخصیت مقابلش با دروغ و خیانت از طرف او مواجه می‌شود. با این حال واکنشی نشان نمی‌دهد و به او چیزی نمی‌گوید. این واکنش نشان‌دهنده بازنمایی انفعال زن در روابط عاطفی است. همچنین باید گفت که تاکید دریا بر انجام دادن هر کاری برای طلا می‌تواند به تصمیم او برای نگه داشتن بچه خودش اشاره کند. در سکانس بعدی نیز او تصمیم می‌گیرد بچه را نگه دارد. هر چند که با منصور درباره این موضوع سخنی به میان نیاورده است.

۵-۱۵-بازخوانی نحوه بازنمایی اشتغال زنان در فیلم طلا

بر اساس رویکرد فیسک در سطح اول واقعیت، بازنمایی ارزش‌های حاکم بر پوشش جامعه و وضعیت ظاهری متناسب به نظر می‌رسد. طرز پوشش زنان در فیلم نشان‌دهنده هماهنگی آن‌ها با جامعه است. همچنین گفتارها و رفتار زنان و مردان در جامعه نیز متناسب با واقعیت‌های اجتماعی است. در سطح دوم به نظر می‌رسد که وضعیت شکنندگی و تزلزل روحی زنان در مواقع بحرانی از قبیل بارداری ناخواسته، عدم پرداخت بدهی، مواجه با پلیس، مواجه با خیانت طرف مقابل در سکانس‌های مختلف بازنمایی شده است. همچنین، در مجموعه سکانس‌های انتخاب شده شاهد گفتمان مرد سالاری از قبیل توهین به زن، عدم اعتماد به زن، عدم اعتماد به زن در محیط کاری، عدم استقلال مالی و جایگاه زن در برخی مشاغل و همچنین مشکلاتی از قبیل خیانت و دروغ را شاهد هستیم.

بر اساس نظریه استوارت هال نیز باید گفت، که در فیلم طلا تلاش می‌شود تا ضمن بررسی داستان اصلی و روایت‌های فرعی هر کدام از شخصیت‌ها، بازنمایی از وضعیت جوانان برای برپایی شغل آزاد صورت پذیرد. در این مسیر، اشتغال زنان در این حیطه با مشکلاتی مواجه است. زنان به رغم شراکت در این مشاغل بر اثر گفتمان‌های مردسالارانه و ارزش‌های حاکم بر جامعه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. همچنین در روابط عاطفی خود به صورت متقابل از حمایت‌های عاطفی برخوردار نیستند.

نگاه خیره مرد به زن در سکانس اول انتخاب شده از دیگر دلالت‌های فرهنگی فیلم است که حاکی از آزار زنان در محیط جامعه است. از دیگر دلالت‌های فرهنگی می‌توان به پذیرش همکاری مشترک با زنان در محیط جامعه در فیلم اشاره کرد. در این فیلم رضا و منصور تصمیم به مشارکت و همکاری با لیلا را دارند. همچنین خیانت، عدم حمایت عاطفی و دروغ در روابط عاطفی از دیگر مسائلی است که زنان در این فیلم با آن مواجه هستند.

نتیجه‌گیری

با گسترش علم و ظهور مدرنیته در جامعه ایران و همچنین تغییر ساختار خانواده‌ها از رویکرد سنتی به رویکرد مدرن، نقش‌های افراد در خانواده و در جامعه نیز تغییر کرده است. زنان که در جامعه سنتی بیشتر عهده‌دار امور مربوط به خانه‌داری بودند در جامعه کنونی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. با گسترش فعالیت‌های اقتصادی در میان افراد جامعه، زنان نیز به موازات مشاغل دولتی به مشاغل آزاد روی آورده‌اند. بازنمایی وضعیت زنان شاغل در سینما می‌تواند نحوه گفتمان‌های موجود در جامعه را به تصویر بکشد. واکنش‌های مخاطبان، جوایز ملی و بین‌المللی و همچنین تحلیل سکانس‌های فیلم می‌تواند بر گفتمان رسمی و نیز پادفرهنگی جامعه در زمینه اشتغال زنان پرتوافشانی کند. در این تحقیق بر اساس رویکرد بازنمایی هال و نشانه‌شناسی فیسک به تحلیل وضعیت اشتغال زنان در مشاغل آزاد در فیلم سینمایی طلا پرداختیم.

تحلیل داده‌ها نشان داد که در نحوه بازتعریف زنان در نقش‌های اجتماعی خود در این فیلم، تغییراتی صورت گرفته است. فیلم به زنان به عنوان عضوی از جامعه نگاه مستقل دارد و زنان را نیز در امر اقتصادی همپای مردان جامعه می‌داند. در فیلم اما به رغم نشان دادن زنان و تلاش آنان برای استقلال در جامعه چنین القا می‌شود که نگاه‌های منفی به حضور اجتماعی زنان همچنان وجود دارد و آنان هنوز هم قربانی گفتمان مردسالاری هستند. بی‌اعتمادی به زنان در محل کار به رغم سابقه کاری خوب و عدم امنیت شغلی، خیانت و دروغ در روابط اقتصادی و خانوادگی، متزلزل بودن جایگاه اقتصادی زنان در جامعه و همچنین آزارهای

روحی و جسمی زنان در محیط جامعه از جمله مواردی است که در فیلم مورد بازنمایی قرار گرفته است. تقدی که بر اساس داده‌های به دست آمده از این پژوهش می‌توان مطرح کرد این است که فیلم طلا به رغم تلاش برای واژگون کردن کلیشه‌های موجود علیه زنان نتوانسته است راهکارهایی برای برون رفت از وضعیت موجود نشان دهد. در واقع، صرفاً به تثبیت کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه کمک کرده است و در همه سکانس‌های تحلیل شده شاهد تثبیت گفتمان‌های مردسالاری هستیم.

منابع

۱. استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات فرهنگ عامه. ترجمه: ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو
۲. استوری، جان (۱۳۹۷). مطالعات فرهنگی درباره‌ی فرهنگ عامه. ترجمه دکتر حسین پاینده، تهران: آگه
۳. بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۱). بازنمایی ایران و اسلام در هالیوود. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. ریتزر، جورج (۱۳۹۸). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. تهران: علمی
۵. زندی، مسعود (۱۳۸۲). «سینما و تغییرات فرهنگی در ایران بعد از خرداد ۱۳۷۶: شکل‌گیری سینمای زن و تغییرات مضامین آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۶. فیسک، جان (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات ارتباطی. ترجمه مهدی غبرایی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۷. کسرائی، محمدسالار و مهرورزی، پروشات (۱۳۹۶). «بازنمایی نقش اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب ایران (مطالعه موردی دو فیلم یه جبه قند و فروشنده)»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۰۷.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر نی
۹. مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
۱۰. همتی، هلن. (۱۳۷۹). «بازنمایی مشاغل زنان در سینمای ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی
11. Hall, Stuart (1997). "The Reproduction, In Cultural Representation and Signifying Practice", Saga Publication

تغییر ملاک‌های عشق: چالش عشق در رویارویی با مدرنیته

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

کد مقاله: ۲۸۸۶۶

اسداله بابایی فرد^۱، محمد طهماسبی نادری چگنی^۲

چکیده

در جهان قبل از انقلاب صنعتی، عشق به مثابه تابویی در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تلقی می‌شد و عامه مردم نه تنها از این حیث نمی‌توانستند عاشق شوند، بلکه درک درستی هم از عشق نداشتند. اما پس از انقلاب صنعتی به علت تغییراتی که این انقلاب به وجود آورد، سطح دستمزد افراد بالاتر رفته و در نتیجه پول برای افراد معنای خاصی پیدا کرد. نتیجه این فرایند دستیابی افراد به سطوحی از رفاه بود که خود نیز منتج به درک عشق و عاشقی شد. پس از انقلاب صنعتی و با رشد شهرنشینی فردیت و آزادی‌های فردی رشدی روزافزون به خود گرفتند، تا جایی که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جای خود را به فردیت دادند و در نهایت این فرایند اجازه عاشق شدن را به افراد می‌داد و افراد می‌توانستند برخلاف جوامع قبل از انقلاب صنعتی روابط خود را نه صرفاً بر ازدواج که بر عشق نیز بنا نهند. در این پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند سه فیلم غرور و تعصب، ولنتیان غمگین و من قبل از تو مورد بررسی و تحلیل کیفی قرار گرفته شد. نتیجه این تحلیل ادعای مبنی بر تأثیر پول و ثروت بر عاشق شدن را تأیید می‌کند، به شکلی که در دوران اولیه‌ای که عامه نیز می‌توانستند عاشق شوند عشق، یک عشق کامل است، یعنی ویژگی‌های مثلث عشق استرنبرگ را کمابیش و بدون عامل دیگری دارد. اما با فاصله گرفتن از سال‌های اولیه انقلاب صنعتی، ملاک‌های دیگری بر عاشق شدن تحمیل شدند که عبارتند از پول و جذابیت جنسی. بنابراین، برای عاشق شدن و اثبات عشق به معشوق مهمترین راه، روی آوردن به خرید انواع کالاها و خدمات است. اما در ادامه ملاک دیگری نیز بر عاشق شده افزوده می‌شود به نام جذابیت جنسی؛ یعنی فرد برای آن که عاشق شود یا افرادی را عاشق خود کند، باید از نظر جنسی جذابیتی مسحورکننده داشته باشد.

واژگان کلیدی: عشق، انقلاب صنعتی، مصرف‌گرایی، عشق مدرن، مثلث عشق، مدرنیته

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده‌ی مسئول) babaeifardm@kashanu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

۱- مقدمه

عشق مفهوم دیرینه‌ای است. شاید دیرینگی عشق به چندین هزاره هم برسد. از زمان افلاطون، فیلسوف بزرگ یونان باستان، و چه بسا قبل‌تر از او، تا به امروز بارها و بارها مفهوم عشق مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علم (فلسفه، علوم اجتماعی و به ویژه روان‌شناسی) و ادیبان و شعرای ملل مختلف قرار گرفته و موضوع و مضمون تفکرات و آثارشان را به خود اختصاص داده است. از اواخر قرن نوزدهم که سینما متولد شد عشق باز هم، به موضوعی مهم و درخور اعتنا، این بار برای فیلم‌سازها، تبدیل شد و آن را بارها از قاب دوربین‌های خود بر روی پرده نقره‌ای سینما منعکس کردند.

با توجه به اهمیتی که این برساخت اجتماعی، یعنی عشق، در سطح زندگی فردی و اجتماعی و در ابعاد مختلف این سطوح دارد، می‌تواند بر مهم‌ترین تصمیمات فرد اثر بگذارد؛ یعنی می‌تواند فرد را به طرف شخصی دیگر کشانده تا حدی که او را به عنوان همسر خود انتخاب کند، یا حتی برعکس، فروکش کردن و از بین رفتن آن می‌تواند باعث جدایی و بروز پدیده‌ای به نام طلاق شود. نتیجه عشق می‌تواند به شکل یک شکست، شکستی عاطفی، بروز یابد. شکست عشقی، مجموعه علائمی هستند که پس از پایان یافتن یک رابطه عاطفی در افراد به وجود می‌آیند. و عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف، همچون تحصیلی، اجتماعی و شغلی، را مورد تأثیر منفی خود قرار می‌دهند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). این آثار به قدری قدرتمند هستند که موجب تأثیرات منفی و شدیدی، از جمله افسردگی و احساس ناامنی شدید، می‌شوند (همان).

از طرف دیگر مدرنیته، پدیده‌ای است که سرتاسر زندگی بشر را در همه ابعاد آن و در همه نقاط زمین تحت تأثیر قرار داد و دگرگون کرده است. عشق نیز همچون سایر ابعاد زندگی بشر (نظیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ...) از این دگرگونی‌ها در امان نمانده و دستخوش تغییراتی شده است، تغییراتی که البته چندان هم در راستای اعتلای عشق نبوده است. امروزه مصرف و مصرف‌گرایی بر عشق سایه انداخته و پول به عنصری تعیین‌کننده در عاشق شدن بدل گشته است. همچنین، مدرنیته باعث شد فضای پرشور و نشاط و پراز وجدی که عشق برای عاشق و معشوق به ارمغان می‌آورد، جای خود را به رخوت و کزختی بدهد و دنیایی مغموم را برایشان به بار بیاورد و در نهایت آن را به چالش کشیده و از اصالت و خلوص خود دور کند. از این رو، هدف این پژوهش پرداختن به ملاک‌هایی است که در بستر مدرنیته متأخر برای عاشق شدن به وجود آمده است. سوال مهم و اساسی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که: «ملاک‌های عاشق شدن در دوران مدرنیته دچار چه تحولاتی شده است؟»؛ به عبارت دیگر: «مدرنیته چه تأثیری بر عشق گذاشته است؟».

۲- مبانی نظری پژوهش

در این بخش به بررسی برخی از اندیشه‌ها و نظریات متفاوتی که در باره عشق وجود دارد خواهیم پرداخت. با توجه به این که از جمله مهم‌ترین بنیان‌های نظری مطالعات فرهنگی را فمینیسم و مکاتب فمینیستی شکل می‌دهند، از این رو، ابتدا دیدگاه‌های دو نظریه‌پرداز فمینیست، به نام‌های تی‌گریس آتکینسون^۱ و شولامیث فایراستون^۲ را مطرح کرده و سپس دیدگاه‌های آنتونی گیدنز، به عنوان یک جامعه‌شناس سرشناس بریتانیایی، و همچنین دیدگاه‌های رابرت استرنبرگ، روان‌شناس آمریکایی، را به عنوان مبانی و چهارچوب نظری پژوهش ارائه می‌کنیم.

۲-۱- تی‌گریس آتکینسون

دشوار بتوان دیدگاهی افراطی‌تر از دیدگاه آتکینسون درباره عشق جنسی یافت. با این همه، مبنای اسدلال او مقدماتی است که در میان همه فمینیست‌های رادیکال مشترک است. آتکینسون درباره عشق جنسی (که از نظر وی در آینده محو خواهد شد) می‌گوید: شایع‌ترین راه که زنان برای گریز از مصائب ناشی از نقش زنانه و انکار انسانیت‌شان در پیش رو دارند، عشق روان‌پریشانه است. عشق، خیال‌پردازی خوشبختانه‌ای است که در آن قربانی، سرکوبگر ظالم خود را به ناجی خود بدل می‌کند: زن خصومت طبیعی را که نسبت به سرکوبگر خود دارد قلب ماهیت می‌کند و آن را علیه بقایای خود - یعنی آگاهی و شعورش - به کار می‌برد و طرف مقابل را برخلاف خود موجودی صاحب قدرت مطلق می‌بیند (و البته آن مرد تا کنون به هزینه آن زن در چنان مرتبه‌ای هم قرار گرفته است). جمع میان قدرت مرد، دشمنی زن با خود و امید به زندگی‌ای که خویشتن او را توجیه کند (امری که غایت مطلوب تمام موجودات زنده است) نهایتاً به شوق سوزان زن نسبت به زندگی به یغما رفته‌اش - یعنی هویت و خویشتن راستینش - می‌انجامد، و این همان توهم و تلخی ناگوار عشق است. عشق عبارت است از واکنش طبیعی زن قربانی نسبت به مرد تجاوزگر (نراقی، ۱۳۹۰: ۲).

^۱ Ti-Grace Atkinson

^۲ Shulamith Firestone

۲-۲- شولامیث فایرستون

فایرستون برای عشق سالم شرایط خاصی قائل است، که عبارت‌اند از: ۱. دوسویه بودن؛ عشق میان دو انسان هم‌تراز آنها را سرشار و پربار می‌کند... روابط عاشقانه باید متقارن باشد، یعنی مرد و زن هردو باید یکدیگر را به نحوی مشابه یا یکسان دوست داشته باشند... عشق حاصل نمی‌شود مگر آن که فرد برای خود احترام قائل باشد و شأن محبوب خود را به عنوان انسانی آزاد و برابر حرمت بنهد؛ ۲. آسیب‌پذیری، گشودگی و وابستگی متقابل؛ عاشق روحاً به سوی دیگری کامل گشوده می‌شود. در این وضعیت فرد به لحاظ عاطفی کاملاً آسیب‌پذیر می‌شود. فرد نمی‌تواند نسبت به دیگری گشوده باشد (چه رسد به گشودگی کامل)، مگر آن که برای خود احترام قائل باشد. آسیب‌پذیری یعنی این که ما درمی‌یابیم به شخص دیگری نیاز و تمایل داریم؛ همچنین بدان معناست که ما طرف مقابل را به خاطر ارزش منحصر به فردی که برای ما دارد مثل خودمان دوست داریم و قدرش را می‌دانیم. بنابراین، عشق هم خودخواهانه است و هم غیر خودخواهانه، و این وجه عشق ناشی از آن است که ما به آسیب‌پذیری خود وقوف می‌یابیم. در عشق سالم وابستگی به دیگری نه تنها اشکالی ندارد، بلکه لازم و ضروری است (نراقی، ۱۳۹۰: ۴).

۳. ایده‌آل‌سازی: زیبایی و کمال محبوب چه بسا در پس انواع نقاب‌های تدافعی چشم دیگران پنهان باشد، اما بر چشم عاشق آشکار می‌شود. فایرستون تأکید می‌ورزد که آسیب‌پذیری ناشی از عشق به عاشقان این فرصت را می‌دهد که بهترین خود را بر دیگری آشکار کنند؛ به آنها مجال می‌دهد که دست به نوعی ایده‌آل‌سازی بزنند. ایده‌آل‌سازی به معنای مبالغه در صفات محبوب نیست، بیشتر به این معناست که طرفین یکدیگر را همان طور که واقعاً هستند قدر می‌دانند... عشق می‌تواند مجالی برای رشد و تکامل مثبت شخصیت افراد نیز فراهم کند. درآمیختگی من‌ها، تبادل خودها؛ عشق میان دو انسان هم‌تراز آنها را سرشار و پربار می‌کند؛ هر یک از آنها خود را از طریق دیگری تکامل می‌بخشد؛ فرد می‌تواند به جای آن که تک و تنها باشد، و در سلول تفرّد خود و صرفاً باورها و تجربه‌های خویش محبوس بماند، در وجود دیگری مشارکت جوید، و پنجره‌ای رو به سوی جهانی دیگر بگشاید. این گشادگی می‌تواند احساس شادی و خوشبختی عاشق و معشوق را برای مه توضیح دهد: عاشقان ولو موقتاً از زیر بار تنهایی که دیگران به دوش می‌کشند، رها می‌شوند (همان: ۴).

۲-۳- آنتونی گیدنز

آنتونی گیدنز^۱، جامعه‌شناس مشهور بریتانیایی، با بررسی سیر تحول مفهوم عشق در غرب، سه دوره اصلی از صورت‌بندی عشق را در متون باختری تشخیص می‌دهد: نخست عشق شورانگیز قرون وسطایی است که از سویی با جنون و گسست از روابط عادی اجتماعی مربوط می‌شود و از سوی دیگر، در قالب عشق عرفانی به مسیح و مریم باکره، اوجی استعلائی پیدا می‌کند. این اشکال عشق اصولاً اموری اشرافی و غیرعامیانه پنداشته می‌شده است، چرا که طرف مادینه باید از تباری اشرافی می‌بود. به این ترتیب، طیف وسیعی از داستان‌های عامیانه قرون وسطایی درباره روابط عاشقانه میان شهسواران و ملکه‌ها و شاهزادگان، از این نوع عشق است. در قرن هجدهم این نوع عشق تغییر ماهیت می‌دهد که گیدنز آن را عشق رمانتیک می‌نامد. از نظر او ظهور عشق رمانتیک، صورت‌بندی مفهوم عشق را در شکلی عام و فراگیر ممکن ساخته است؛ از این رو، عشق اشرافی، استعلائی و افسانه‌وار قرون وسطی با فرا رسیدن سپیده‌دم رمانتیسم در غرب دگرگون گشت و در وضعیتی زمینی و این‌جهانی و فردی تثبیت شد. استفانی کونتز نیز در کتاب *تاریخچه ازدواج: یا عشق چطور بر ازدواج پیروز گشت* (۱۳۸۷) به شکلی دیگر این ادعای گیدنز را تصدیق می‌کند. در سومین دوره، گیدنز از عشق سیال نام می‌برد. عشق سیال، تعهد آمرانه و سخت‌گیرانه عشق رمانتیک را نقض می‌کرد و منکر ضرورت پایداری روابط صمیمانه بود. از دید گیدنز، عشق رمانتیک با وجود شعارهای آرمان‌گرایانه‌ای که درباره زیبایی و ارزشمندی زنان می‌داد، همچنان دیدگاهی مردگرایانه درباره کنش اجتماعی داشت و زنان را عملاً از دایره‌ی تصمیم‌گیری عمومی، حتی در زمینه تنظیم کنش صمیمانه با عشاق، کنار می‌گذاشت. به این ترتیب، عشق سیال را باید محصول جنبش‌های برابری‌طلب در قلمرو صمیمیت دانست (خلیل‌الهی و برج‌ساز، ۱۳۹۵: ۴-۵).

به گفته‌ی گیدنز، در نگاه نخست بدیهی می‌نماید عشق بیانگر دل‌بستگی فیزیکی و شخصی متقابلی است که دو نفر نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند و معمولاً همه ما فکر می‌کنیم که عاشق شدن از احساسات و عواطف عام انسانی ناشی می‌شود؛ بنابراین، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که زوجی که عاشق می‌شوند بخواهند زندگی مشترکی را آغاز کنند. اما در واقع عاشق شدن تجربه‌ای نیست که اکثر انسان‌ها داشته باشند. اگوست کنت جامعه‌شناس معروف فرانسوی در کتاب *نظام سیاست اثباتی* خود، عشق را بر عقل و احساس را بر ذهن برتری می‌دهد. او معتقد بود که عشق جهانی حلال همه مسائل زمانه است (شعبی، ۱۳۹۲: ۲۸). نمی‌شود درباره عشق صحبت کرد و از نظریات اندیشمندان حوزه روانشناسی چشم‌پوشی کرد. از این رو، در ذیل به برخی از معتبرترین و جامع‌ترین نظریات با رویکرد روان‌شناسانه درباره عشق اشاره خواهیم کرد.

^۱ Anthony Giddens

۲-۴- رابرت استرنبرگ

رابرت استرنبرگ^۱ روان‌شناس معاصر آمریکایی برای عشق یک مدل مثلثی در نظر می‌گیرد که شامل سه ضلع تعهد^۲، صمیمیت^۳ و اشتیاق شدید یا هوس^۴ است. عشق کامل هنگامی رخ می‌دهد که، اولاً هر سه عنصر در آن وجود داشته باشند، ثانیاً بین آن‌ها اعتدالی برقرار باشد. هرگاه این سه عنصر به صورت منفرد یا ترکیب‌های دو به دو ظاهر شوند، عشق و در نتیجه ازدواج ناشی از آن ناقص خواهد بود (استرنبرگ، ۱۹۸۶: ۱۳۵-۱۱۹). ابتدا لازم است تا مفهوم هر یک از سه عنصر یاد شده را تبیین کنیم. ۱. تعهد: شامل مسئولیت‌پذیری و وفاداری و وظیفه‌شناسی است، یعنی این که فرد تا چه حد سعی می‌کند رابطه‌اش را شاداب و باطراوت نگه دارد. تعهد یعنی به رسمیت شناخته شدن کسی توسط فرد دیگری که احساسات صادقانه و دلبستگی به وی دارد. اگر وارد تعهد با کسی می‌شویم تلاش می‌کنیم هر اقدامی را برای باور کردن رابطه انجام دهیم؛

۲. صمیمیت: یعنی نزدیکی در رابطه، اموری که زن و شوهر در آن سهیمند، اما فرد دیگری از آن‌ها خبر ندارد. صمیمیت یعنی رازها و تجربه‌های فردی و مشترک. احساس راحت بودن در کنار یار و بیان راحت عقیده‌های طرفین به همدیگر؛ ۳. اشتیاق شدید، هوس یا شهوت: مفهوم این رابطه از نامش پیداست و از نظر روان‌شناسان انرژی‌بخش رابطه زوج است. این اشتیاق در یک رابطه سالم ارزشی فراتر از یک دفع هوس دارد.

اینک به بررسی هریک از ترکیب‌های تکی و دوتایی و سه تایی در نظریه استرنبرگ می‌پردازیم.

الف) فقط صمیمیت: در چنین رابطه‌ای تعهد و جاذبه جنسی وجود ندارند و رابطه فقط بر اساس مهر و دوستی بین دو طرف است؛ از این رو، عملاً چنین رابطه‌ای برای زن و شوهر معنا ندارد. این نوع رابطه که استرنبرگ نام آن را «عشق دوستانه» نهاده است مابین دو دوست اتفاق می‌افتد.

ب) فقط اشتیاق شدید یا هوس: این رابطه عشق سودایی نام دارد و رابطه‌ای بی‌پایه و پوچ است و به سرعت از بین می‌رود. گاه به آن عشق در نگاه اول نیز می‌گویند.

پ) فقط تعهد: استرنبرگ این نوع عشق را عشق توخالی می‌نامد. در این نوع عشق، مرد یا زن علاقه‌ای به یکدیگر ندارند و فقط به خاطر احساس مسئولیتی که نسبت به زندگی خود یا فرزندان‌شان دارند به رابطه ادامه می‌دهند.

ت) تعهد و صمیمیت: این رابطه عشق مشفقانه نام دارد. در این نوع رابطه هوس وجود ندارد. این رابطه در خطر فروپاشی قرار ندارد و زن و شوهر با علاقه و محبت و مسئولیت‌پذیری به زندگی خود ادامه می‌دهند، اگرچه نسبت به هم اشتیاق جنسی ندارند. چنین رابطه‌ای معمولاً نه در زوج‌های جوان که پس از دوران میانسالی رخ می‌دهد.

ث) تعهد و هوس: این رابطه عشق کورکورانه نام دارد. این رابطه عذاب‌آور است. مانند زن و شوهری که همدیگر را دوست ندارند و رابطه عاطفی همواره بین آن‌ها سرد است، ولی هرچند یک بار به واسطه غریزه جنسی با هم آشتی می‌کنند و تمایلی کوتاه‌مدت بین آن دو شکل می‌بندد، ولی این صمیمیت به زودی از بین می‌رود و جای خود را به نفرت قبلی می‌دهد.

ج) صمیمیت و هوس: این نوع رابطه عشق رمانتیک نام دارد. چنین رابطه‌ای معمولاً بین پسران و دخترانی است که همدیگر را دوست دارند، ولی هنوز ازدواج نکرده‌اند و نمی‌دانند که آیا روزگار به آنها امکان ازدواج می‌دهد یا خیر؟

چ) صمیمیت، تعهد و اشتیاق شدید یا هوس: این رابطه عشق کامل نام دارد و از نظر استرنبرگ رابطه‌ای است که بسیاری از مردم در تلاش و آرزوی رسیدن به آن هستند. آبراهام مازلو روان‌شناس انگلیسی عشق را به دوگروه تقسیم می‌کند: یک نوع عشق، عشق خودخواهانه، تسخیری و حریص است. در این عشق نیازهای برآورده نشده فرد دخیل است، یعنی فرد دیگری را به این دلیل دوست دارد که نیازهایش را ارضا می‌کند. مازلو این عشق را عشق کمبود می‌نامد... از نظر مازلو نوع دیگر عشق، عشق وجودی است؛ عشقی بالغ و فروتن که بر اساس عشق به وجود دیگری بنا می‌شود، باز و خودمختار است، متکی به خویش است و آزادانه ارزانی می‌شود. عشق وجودی بی‌شک ارزشمندتر، بالاتر و باشکوه‌تر از عشق کمبود است (قاسمی نژاد، ۱۳۸۲: ۳). با توجه به این که از نظر نگارنده، دیدگاه استرنبرگ و نظریه مثلث عشقی او، از سایر دیدگاه‌ها کامل‌تر است. از این رو، مبنای نظری کار در این پژوهش، نظریه مثلث عشقی استرنبرگ است.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

در باب عشق پژوهش‌های زیادی صورت گرفته و به رشته تحریر درآمده است که اکثر آنها رویکردی روان‌شناسانه دارند، اما می‌توان پژوهش‌هایی هم یافت که بارویکردی جامعه‌شناسانه به تحقیق و پژوهش در باب عشق پرداخته‌اند و در ذیل به برخی از

^۱ Robert Sternberg

^۲ Commitment

^۳ Intimacy

^۴ Passion

آنها که در ایران انجام شده‌اند اشاره می‌شود. پژوهشی تحت عنوان «برساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته ایرانی: مطالعه موردی دهه ۴۰، ۶۰ و ۸۰ توسط هاله میرمیری به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی، دانشگاه علم و فرهنگ در سال ۱۳۹۰ به انجام رسیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که تعاریف و تجارب عاشقانه در هریک از دهه‌های یاد شده هر بار در پس فضای اجتماعی و سیاسی زمانه خود به تأخیر می‌افتد و تحقق نمی‌یابد و از این رو بیش از آن که بخواهد مبتنی بر تفارقات ساختار یافته شود، نظر بر شباهت‌ها دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه بستر سیاسی و اجتماعی هر دهه بر تعاریف و تجارب عاشقانه افراد تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که با وجود تفاوت‌های موجود در تعریف و تجربه هر شخص، میان هر کدام شباهت‌هایی می‌توان یافت؛ هرچند که این شباهت‌های خرد از بیان حقیقت واحد عشق عاجز باشند. در این تحقیق بیان شده است که: عشق در سال‌های بحرانی انقلاب اسلامی، بیشتر حول «شکل‌گیری یک مای جمعی» و سیاسی شکل گرفته است، در حالی که در سال‌های جنگ و ایدئولوژیک شدن فضای جامعه، بیشتر حول «نوستالژی (ما)ی از دست رفته» معنا یافته است، و در دهه‌های اخیر بیشتر به معنای «از دست رفتگی عشق» فهم می‌شود. از این رو، معنای عشق در هر یک از دهه‌های موجود به نحوی از انحاء به تعویق می‌افتد تا دهه‌های بعدی معنای آن را درک کنند. به نظر می‌رسد که این امر ناشی از آن باشد که ازدواج به مثابه تک‌نهاد پاسخگو به عشق در جامعه، فرم مناسبی برای تحقق یافتن عشق نباشد.

پژوهشی دیگر تحت عنوان «برساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته زنان: بررسی کیفی مسائل و تبعات روابط عاشقانه دختران مجرد تهرانی توسط مهران سهراب زاده و عطیه حمامی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش بر مبنای مصاحبه با مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که تقلیل‌گرایی عاطفی و اهمیت صرف رفع نیاز عاطفی به همراه اهمیت امر ازدواج می‌تواند به شکل‌گیری روابط عاطفی نابرابر و تلقی عشق به مثابه ملجائی عاطفی از دیدگاه زنان منجر شود. پژوهش دیگری با عنوان «جوانان و عشق: تأثیر زمینه‌های اجتماعی در مفهوم‌سازی روابط عاشقانه توسط مهشید صفایی (۱۳۹۰) به انجام رسیده است که طی آن به تأثیر زمینه اجتماعی در مفهوم‌سازی روابط عاشقانه از دیدگاه جوانان ۱۹ تا ۳۰ سال شهر تهران پرداخته است. این پژوهش با استفاده از رویکرد نظریه‌پردازی داده‌محور به انجام رسیده است. یافته‌های پژوهش مذکور نشان می‌دهد که دلیل گرایش زنان به روابط عاشقانه مقوله «خطر هدفمند» است، بدین معنا که با افزایش سن ازدواج، جامعه مدام بر اعتبار اجتماعی دختران از طریق ازدواج تأکید می‌کند و به همین دلیل، آنها مجبور به پذیرش خطر ورود به روابط پیش از ازدواج با هدف رسیدن به نتیجه ازدواج می‌شوند.

از دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه عشق پژوهشی است با عنوان «تغییرات گفتمان عشق در بستر تحولات اجتماعی: تحلیل گفتمان ترانه‌های پاپ دهه ۵۰ و ۸۰ توسط سمانه کهرابیانی که به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی صورت گرفته است. در این پایان‌نامه برای پاسخ به این که چه ادراکی از عشق وجود دارد متن ترانه‌های مردم‌پسند با روش تحلیل گفتمان انتقادی تجزیه و تحلیل شده است. مدل نظری استفاده شده مختصات اجتماعی عشق را به مثابه رابطه اجتماعی بیان می‌کند که عبارتند از: عشق به مثابه امری مدرن که آن را اساس ازدواج می‌داند، عشق به مثابه رابطه میان زن و مرد که از مناسبات توزیع قدرت میان آن دو تأثیر می‌پذیرد و عشق به مثابه منبعی برای لذت که نهادهای اجتماعی سعی در کنترل آن دارند. گفتمان‌های شناسایی شده عبارتند از: گفتمان نفرت و تلافی، شیفتگی و وابستگی، پشیمانی و دلجویی و لذت‌جویی و خوش‌گذرانی.

۴- دگرگونی‌های عشق در دوران مدرن

به نظر می‌رسد روزگاری عشق در میان مردم عادی جاری نبوده است، دقیقاً همان زمانی که فتودال‌ها بودند و کشاورزانی که می‌بایست تمام روز را روی زمین‌های فتودال یا ارباب خود کار کنند. دست آخر هم بابت آن همه زحمت یا مقداری آذوقه نصیب‌شان می‌شد یا مقدار بسیار اندکی پول. در آن دوران (دوران فتودالیت)، پول صرفاً برای اقشار اندکی معنا داشت، یعنی فقط فتودال‌ها، اشراف و خانواده‌های سلطنتی بودند که پول در زندگی‌شان معنایی جز تأمین حداقلی معیشت روزانه داشت. آنها از پول استفاده می‌کردند، لباس‌های نو می‌خریدند، سفر می‌کردند و به جاهای مختلف می‌رفتند، زیورآلات و اشیاء زینتی می‌خریدند و خلاصه کلام، رفاه داشتند. اما کشاورزان درست نقطه مقابل اربابان خود قرار داشتند. گاه تا سال‌ها خبری از لباس نو نبود، مسافرت و تفریح که اصلاً وقش را نداشتند و همچنین پولش را. اگر ذوق و قریحه‌ای بود، زن‌ها و دخترها می‌توانستند با یک سری اشیاء دورریختنی خرده وسایل تزیناتی درست کنند، اما به پای داشته‌های اربابان نمی‌رسید و باز هم خلاصه کلام، کشاورزان رفاه نداشتند. پس جامعه عملاً دوقطبی بود. قطبی اقلیت که پول و سرمایه و رفاه داشت، در مقابل قطب اکثریت که دقیقاً در نقطه مقابل اقلیت قرار داشتند، یعنی نه پولی، نه سرمایه‌ای و نه رفاهی. قطب اقلیت شامل اشراف و صاحبان زمین و خانواده‌های سلطنتی بودند و قطب اکثریت، توده مردمان عادی و کشاورزان. حال بدیهی به نظر می‌رسد که گروه اول به خاطر داشتن رفاه و همچنین وجود کشاورزان و خادمانی که تمامی کارها را برای‌شان انجام می‌دهند، احساس قدرت داشته باشند و همچنین بتوانند با فراغ خاطر روی به خواندن کتاب بیاورند، اشعار شعری مختلف را بخوانند و عاشق شوند.

در طرف مقابل، اما وضعیت چنین نیست. کشاورز باید تمام وقت خود را در طول روز، صرف کار بر روی زمین‌های ارباب خود کند. همان طور که قبلاً اشاره شد، کشاورز رفاه ندارد و تمام هم و غمش تأمین معاش روزانه‌اش است و سهمی هم در قدرت و روابط قدرت با بالادستی‌های خود ندارد. در پایان روز هم که خستگی طاقت‌فرسا بر او غالب شده است؛ پس دیگر جایی برای فراغت خاطر و شعر خواندن و عاشق شدن برایش باقی نمی‌ماند. اما نکته دیگری که در اینجا اشاره به آن ضروری می‌نماید این است که فتودال قدرت داشت، در حالی که کشاورز نداشت. فتودال‌ها یا همان اربابان همواره به کشاورزان توهین کرده و آنها را تحقیر می‌کردند. کشاورز در چشم فتودال خار و زبون به نظر می‌آمد و این وضعیت در ارتباط کلامی و عملی آنها نیز بازتاب می‌یافت. نتیجه این فرایند این شده بود که: «من حق عاشق شدن ندارم. عشق مختص اشراف‌زاده‌ها و فتودال‌هاست، نه ما کشاورزان». و ترس از فتودال و عواقب ناشی از خشم او که با گذر از نسل‌های متمادی نهادینه شده بود هم مانعی برای جاری شدن عشق در بین مردم عادی شده بود. تحولات سیاسی و اجتماعی، منجر به انقلاب کبیر فرانسه و سپس انقلاب صنعتی شد. مالکان زمین به صاحبان کارخانه و کشاورزان به کارگران آن کارخانه تبدیل شدند. گرچه عملاً استثمار کشاورزان سابق توسط فتودال‌های سابق در دوران جدید و در شکلی جدید ادامه یافته بود، اما اندک تغییرات (پرداخت حقوق به صورت ماهیانه ولو این که اندک بود، باعث شد تا مردم عادی نیز در سطح خودشان صاحب پول شوند، پول را بشناسند و بتوانند روی دستمزد خود به عنوان سرمایه حساب باز کنند و نه صرفاً ذخیره‌ای برای امرار معاش روزانه). کافی بود تا مردم عادی هم به سطحی (ولو این که حداقلی) از رفاه دست یابند و به خود اجازه بدهند تا درباره عشق فکر کنند و سعی بر شناختن عشق بنمایند. به عبارت دیگر، به آهستگی عشق داشت به ابژه‌ای برای مردم عادی نیز تبدیل می‌شد.

اما شاید نقطه عطف ماجرا اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم باشد، یعنی جایی که علم مدیریت به وجود آمد. چهره‌هایی همچون فردریک تیلور (۱۸۸۷)، ماکس وبر (۱۹۱۰) و ... با ارائه نظریاتی در حوزه مدیریت تحولات عظیمی در این حوزه به وجود آوردند. این نظریات و این تلاش‌ها در حوزه مدیریت باعث به وجود آمدن شغل‌ها و رده‌های شغلی شد. حالا دیگر در یک کارخانه صنعتی نه یک نفر صاحب کارخانه و تعدادی کارگر ساده، بلکه رده‌های مختلف شغلی از مدیریت عالی تا کارگر ساده و کارشناسان قسمت‌های مختلف وجود دارند. این که رده‌های شغلی، سیستم حقوق و پاداش و ... به وجود آمدند باعث شد تا رفاه در سطوح مختلفی بین مردم عادی نیز جاری شود. حالا دیگر اقشار مختلف نیروی کار، از کارگر ساده تا کارشناسان و مدیران رده‌های مختلف، هر کدام از سطحی از رفاه بهره می‌برند. این جا و در این مرحله است که توجه به شعر و کتاب و رمان و ادبیات و حتی سینما از سوی اقشار مختلف زیاد می‌شود (چون پول نه به عنوان ابزاری برای امرار معاش روزانه، بلکه به عنوان بخشی از دارایی‌ها که می‌توانند از آن بهره‌های مختلف ببرند، در دسترس مردم قرار گرفته است). از این دوران است که مردم عادی نیز عاشق می‌شوند، بدون ترس از ارباب، فتودال و صاحب کارخانه؛ آنها، بدون توهین و تحقیر، می‌توانند احساسات خود را به معشوق‌شان ابراز بکنند. اما این احساسات چه بودند؟ از چه نوع و چه جنسی بودند؟ بدون شک، آن احساسات و آن عشق، اصیل‌تر از آنچه بودند که امروزه هستند.

بعد از این که انقلاب صنعتی رخ داد، رفاه در میان مردم عادی نیز جاری شد. به دنبال آن عشق هم به میان مردم عادی آمد؛ یعنی مردم هم عاشق می‌شدند و دیگر عشق مختص اشراف‌زاده‌ها و مالکان زمین‌ها نبود. اما عشق در این دوران قطعاً اصیل بود، یعنی آن چه بود که می‌بایست. هنوز تحت تأثیر عقلانی شدن، صنعتی شدن و حتی دسیسه‌های پشت پرده سرمایه‌داری قرار نگرفته بود. یعنی، مطابق نظر استرنبرگ، مثلثی متعادل از صمیمیت، تعهد و هوس یا اشتیاق شدید بود. وقتی که پسری اظهار می‌کرد که عاشق فلان دختر شده است، در برابر آن دختر خود را مسئول می‌دید، به این معنا که در برابر او تعهد داشت، تمام سعی خود را برای شاداب و با طراوت نگه داشتن رابطه‌شان می‌کرد، وفادار و وظیفه‌شناس بود. و برعکس، دختر نیز همین شرایط را در بازی عاشقی می‌پذیرفت و عمل می‌کرد و صمیمیت بین‌شان بود، یعنی رابطه‌شان بسیار نزدیک بود؛ در اموری با یکدیگر سهیم بودند که سایر افراد از آنها بی‌خبر بودند؛ رازها و تجربه‌های فردی مشترکی با هم داشتند و دست آخر هم این اشتیاق شدید یا هوس و شهوت بود که به روابطشان انرژی می‌بخشید.

این وضعیت، یعنی عشقی اصیل: عشقی که هنوز تحت تأثیر هیچ نیرویی قرار نگرفته و از مسیر، شکل و قالب و یا ساختار ذاتی خودش خارج نشده است؛ هنوز همانی است که باید. حتی شاید از این حیث که هنوز دستخوش تغییرات نشده بتوان گفت این عشق، عشقی پاک است. پایدار است و تا پایان عمرشان، طرفین عشق را همراهی می‌کند؛ عشقی که روزگاری سهل‌تر و آسان‌تر از امروز به دست می‌آمد؛ عشقی که در گذر زمان، با مدرنیته قرن بیستمی شروع شد و با گذر از آن و دست و پنجه نرم کردن با پست‌مدرنیته قرن بیست و یکم، باز هم، همچون دوران ماقبل انقلاب صنعتی، چیزی افسانه‌ای است که فقط در داستان‌ها و رمان‌ها می‌توان یافت.

همان طور که در مقدمه بحث نیز اشاره شد، بعد از انقلاب صنعتی و به ویژه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با ظهور رشته‌های علمی جدید، نظیر مدیریت، تحول عظیمی در صنایع مختلف و همچنین در مشاغل به وجود آمد. حالا دیگر صنایع از شکل قدیمی خود که مالک کارخانه بر تعدادی کارگر نظارت می‌کرد و در نهایت دستمزدی حداقلی به آنها می‌داد، که همان فضای

استثمارگونه فتودالیت را تداعی می‌کرد، خارج شده و شکل جدیدی به خود گرفته بودند. با تلاش‌هایی که ماکس وبر و فردریک تیلور و دیگر اندیشمندان این حوزه انجام دادند، رده‌های شغلی مختلف به وجود آمدند (شاید معتبرترین تقسیم‌بندی به شکل مدیران سطح عالی، مدیران رده میانی و مدیران سطح پایین یا مدیران عملیاتی باشد). از دیگر دستاوردهای این اندیشمندان پیدایش سیستم دستمزد و پاداش و ... است که صاحبان سرمایه را مجاب کرد که برای رسیدن به سود بیشتر باید بهره‌وری کارکنان خود را افزایش دهند و یکی از راهکارهایش همین سیستم دستمزد و پاداش بر اساس میزان ساعت‌های کاری کارکنان و نوع شغلشان است. این تغییرات باعث شد تا دستمزدهایی که کارکنان و کارگران دریافت می‌کنند عادلانه‌تر و بیشتر از قبل باشد. همچنین، چون رده‌ها یا سطوح شغلی مختلفی به وجود آمد در نتیجه درآمد هر رده شغلی با دیگری تفاوت داشت. پس افراد به سطوح مختلفی از رفاه دست یافته بودند. درآمد آنها به صورت ماهانه (یا هفتگی) پرداخت می‌شد و معمولاً چیزی بیشتر از مقداری برای امرار معاش روزانه‌شان بود؛ یعنی دستمزدشان علاوه بر این که کفاف مایحتاج زندگی روزمره‌شان را می‌داد کاربردهای دیگری نیز برای‌شان داشت. آنها می‌توانستند مقداری از آن را پس‌انداز کنند، به مسافرت بروند، صرف خریدن لباس یا اشیاء زینتی کنند، به مصاحبت با دوستان‌شان در کافه‌ای دنج بپردازند، برای صرف شام به رستورانی بروند و یا این که دست آخر برای معشوقه‌شان کادویی بخرند. این که پول‌شان را در کدام یک از راه‌ها خرج کنند مهم نیست، مهم این است که پول‌شان را خرج کنند. برای سرمایه‌داری تحمل این قضیه که حقوق و دستمزدی به نیروی کارش بدهد به طوری که مقداری از آن باقی بماند سخت است؛ بنابراین باید راه حلی برای کشیدن آن مقدار پول از جیب نیروی کار پیاده‌سازی کند.

از طرفی عشق پدیده نسبتاً نوظهوری بود که جذابیت‌های فراوان داشت. عاشق خواهان جلب رضایت و توجه معشوق در بالاترین حد و اندازه بود؛ سعی بر نشان دادن و اثبات خود به معشوق داشت. پس عشق یکی از گزینه‌های مناسب بود برای سرمایه‌داری تا با مانور دادن روی آن راهی برای اجرای نقشه‌های خود بیابد. البته این کار چندان هم سخت به نظر نمی‌آمد، چرا که تاریخ راه این کار را نشان می‌داد. ولتائین یا همان روز عشق اولین حربه و دسیسه بود. البته شاید در دوران متقدم‌تر هم آیین و مراسمی برگزار می‌شد، اما در راستای بزرگداشت قدیس والتین بود. به هر حال، ابتدا هدایایی که اهدا می‌شد بین عاشق به شکل گل قرمز (که خود نماد عشق است) و کارت ولتائین بود (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹/۱۲/۲۳) اما نظام سرمایه‌داری که این ظرفیت را به خوبی درک کرد واکنشی به موقع و سریع به آن نشان داد. تولید وسایل و اشیاء مختلف، از انواع عروسک‌های کوچک و بزرگ گرفته تا قلب‌هایی از جنس‌های مختلف و بادبادک‌ها و بالن‌ها و ... و سرانجام تبلیغات گسترده که عاشقان پاک‌باخته را به خریدن آن‌ها به منظور جلب توجه معشوق ترغیب می‌کرد: عاشقی که می‌خواست به وسیله هدیه‌ای، گوشه دنج کافه‌ای یا میز شام رستورانی عشق خود را به معشوق نشان بدهد. این روند در ابتدا از سوی عاشق به معشوق بود. اما هرچه زمان می‌گذشت و اشیاء جدیدتری تولید می‌شد و آزادی بیشتری در برقراری روابط در جوامع به وجود می‌آمد، به‌خصوص آزادی در روابط، عامل بسیار تاثیرگذاری بود در فرایندی که باعث ایجاد توقع در معشوق کرد؛ یعنی حالا دیگر این معشوق است که از عاشق انتظار دارد تا عشقش را به اثبات برساند و نظرش را جلب کند (درست بر عکس حالت اول). از طرفی، راحت‌تر از گذشته از حال و احوال سایر عشاق با خبر می‌شود، حتی گهگاهی خبری داغ و محیرالعقول می‌شنود که طی آن شخصی که عاشق بود برای معشوقه خود فلان هدیه گرانبها را خریده است. بنابراین، اگر هدیه‌ای درخور برای روز ولتائین یا سالگرد تولدش تهیه نکند، او عملاً عاشق نیست و دروغ می‌گوید و فقط در ظاهر اظهار عشق می‌کند، چون اگر عاشقی واقعی بود، به هر طریق ممکن پول به دست می‌آورد تا هدیه‌ای ارزشمند برای معشوقه خود بخرد تا به وسیله آن عشق خود را نشان داده و اثبات کند. فقط از این طریق است که می‌تواند نظر و رضایت معشوق را جلب کند. این فرایند باعث پولی شدن عشق شد. حالا دیگر مثلث عشقی استرنبرگ، به چند ضلعی جدیدی تبدیل شده که بزرگترین ضلع آن را پول تشکیل می‌دهد. البته این که بخواهیم بگوییم سرمایه‌داری تماماً و با آگاهی در عشق دستکاری کرد تا به منافع خود برسد، خود جای بحثی طولانی دارد که از حوصله این پژوهش خارج است، اما قطعاً دستاورد دخالت سرمایه‌داری در عشق منتج به این نتیجه شد.

۵- بازتاب عشق در سینما

در این جا نگاهی اجمالی به چند رمان و داستان عاشقانه می‌اندازیم که بعدها به فیلم سینمایی هم تبدیل شده‌اند. در این جا قصد آن داریم تا ببینیم آثار ادبی و سینمایی چگونه وضعیت اجتماعی زمان خود را تصدیق کرده و به رشته تحریر در آورده و ثبت می‌کنند. فیلم‌هایی که بر پایه این رمان‌ها و داستان‌ها ساخته شده‌اند، به بهترین و دقیق‌ترین شکل ممکن بر ادعای ما در مورد رابطه بین رفاه و عشق صحنه می‌گذارند. قبل از شروع بحث نگاهی مختصر خواهیم داشت بر بازنمایی عشق و روابط عاشقانه در صنعت سینما و تجاری شدن پدیده عشق و عشق‌ورزی در این صنعت. از سال ۱۸۷۸م که اولین تصاویر متحرک تحت عنوان فیلم تولید شدند تا ۱۹۲۷م فیلم و سینما جنبه تجاری نداشتند، اما بعد از ۱۹۲۷م میلادی بود که به جنبه تجاری سینما پی برده شد و سینما وارد چرخه‌های تجاری شد. فیلم‌های سینمایی یکی پس از دیگری ساخته می‌شدند و در سالن‌های سینما برای عموم به

نمایش گذاشته می‌شدند. وقتی برای اولین بار صحنه‌های عاشقه دو نفر در یک فیلم سینمایی به نمایش گذاشته شد، توجه زیادی را به خود جلب کرد. این روند به شکلی فزاینده ادامه داشت تا کار به جایی رسید که اگر فیلمی حاوی صحنه‌هایی از عاشقه و برقراری رابطه جنسی نبود، چه بسا با استقبال و اقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شد. این گونه صحنه‌ها در فیلم‌ها، در کنار برخی سیاست‌ها، نظیر قانونی بودن فعالیت روسپی‌خانه‌ها که با هدف فرونشاندن نیاز جنسی افراد و کاهش مسائل و تبعات ناشی از عدم ارضای جنسی به بار می‌آمدند، و همچنین افراد سودجویی که از این ذائقه مخاطبین فیلم‌های سینمایی سوء استفاده کردند و فیلم‌هایی را تولید کردند که سراسر نمایش رابطه جنسی بودند که امروزه همه آن را با نام صنعت پورنوگرافیک می‌شناسیم، به عادی‌سازی و تابوشکنی از روابط جنسی منتهی شدند. از طرفی آزادی‌های فردی و اجتماعی‌ای که به طوری فزاینده در گذر زمان در حال افزایش بودند و افزایش اختیاری که افراد بر ابعاد مختلف رفتاری‌شان پیدا می‌کردند باعث شد تا برقراری رابطه جنسی به منظور برطرف کردن نیاز جنسی (که سابقاً توسط ازدواج صورت می‌پذیرفت)، امری عادی و بلکه حقی از حقوق هر فرد به حساب بیاید. همان گونه که پیشتر چگونگی ورود پول به مقوله عشق را توضیح دادیم، با همان سبک و سیاق این بار شهوت و نیاز جنسی است که نیروی محرکه عشق شده است؛ یعنی آتش شهوتی که با شیطنتهای سینماگران جهت افزایش درآمد جرقه خورد و سیاستمداران برای افزایش محبوبیت و مشروعیت‌شان در بین جوامع و سودجویان برای دستیابی به سود و منافع بیشتر آن را شعله‌ور کرده بودند، در پیدایش و ابراز عشق به عامل اصلی بدل گشت، عشقی که اساساً در ذات و اصالتش شهوت هم دیده می‌شد. البته این‌جا هم نمی‌توانیم بگوییم که اینها دسیسه‌هایی برای انحراف عشق از اصالت و خلوص بودند، اما دستاوردهای چیزی جز این انحراف نبود. حالا دیگر کسی عاشق دیگری نمی‌شود مگر به هر دلیل شهوتش برانگیخته شود و نیاز جنسی‌اش به حرکت درآید. اگر دو نفری که درگیر رابطه عاشقانه هستند (که پیدایش و برقراری رابطه عاشقانه‌شان به این دلیل است که برای هم جذابیت سکسی دارند، در طول رابطه متوجه این نکته شوند که برای یکدیگر (یا دست کم یکی برای طرف دیگر) جذابیت سکسی ندارند، یا به عبارت دیگر جذابیت سکسی‌شان به پایان رسیده، گویی عشق‌شان به پایان رسیده و در اسرع وقت رابطه را پایان می‌دهند. اساساً در دهه‌های اخیر، به ویژه در قرن بیست و یکم، تأثیر شهوت و برانگیختگی جنسی یا جذابیت سکسی از پول هم پیشی گرفته است.

غرور و تعصب^۱ نام فیلمی است بر پایه رمانی با همین نام به کارگردانی جو رایت^۲، و با بازیگری کیرا ناتالی^۳ به عنوان بازیگر نقش اول زن که در سال ۲۰۰۵ م ساخته شده است. موضوع این فیلم عاشقانه برگرفته و مطابق با رمانی مشهور به همین نام و به نویسندگی جین آستین^۴ در سال ۱۸۱۷ م است. در این داستان ما شاهد عشقی اصیل بین پسر (آقای بینگلی) از خانواده‌ای اشرافی و ثروتمند که شهرت فراوان دارند و دختری (جین) از خانواده‌ای دهقان هستیم. گرچه که ابتدا عمه آقای بینگلی به عنوان بزرگترین عضو خانواده با ماجرای عشق برادرزاده‌اش به دختری دهقان‌زاده و نتیجه این عشق که همانا ازدواج است مخالفت می‌کند، اما در نهایت این عشق است که پیروز عرصه مبارزه شده و به بار می‌نشیند. نکته حائز اهمیت در این داستان - که در قالب فیلم سینمایی درآمد - این است که در رابطه بین آقای بینگلی و جین که طرفین درگیر در عشق هستند، پول یا ثروت، ابدا نقشی ایفا نمی‌کند، یعنی آقای بینگلی که از خانواده‌ای اشرافی است، عاشق جین از خانواده‌ای کشاورز شده است، بدون در نظر گرفتن جایگاه اقتصادی خانواده او و بدون در نظر گرفتن این اختلاف طبقاتی که مابین‌شان وجود دارد.

در طرف مقابل هم اوضاع این چنین است، یعنی جین، بدون در نظر گرفتن شرایط مالی آقای بینگلی، و این که آقای بینگلی یکی از ثروتمندترین مردان زمانه خودش است، عاشق او می‌شود. حتی در ابتدای امر حس عاشقانه‌ای که نسبت به آقای بینگلی در وجودش احساس می‌کند را سرکوب می‌کند، با این دلیل که او مردی ثروتمند از خانواده‌ای اشراف‌زاده، و خودش دختری است از خانواده‌ای کشاورز که از ثروت و شهرت بی‌بهره مانده است. بنابراین، می‌توانیم ادعا کنیم که عشق بین این دو نفر، عشقی اصیل است که ابدا متأثر از پول، مادیات و جایگاه‌های اجتماعی خانواده‌های‌شان نیست. همچنین، به وضوح می‌توان ارکان عشقی که استرنبرگ در نظریه مثلث عشقی‌اش برشمرده (یعنی عشق اصیل) را دید. آقای بینگلی تعهد را در ایستادگی در مقابل خانواده و وفاداری و مسئولیت‌پذیری در مقابل جین به خوبی به نمایش می‌گذارد. برای خوشحالی جین هر کاری می‌کند. حتی بدون اطلاع جین مشکلات خانوادگی او را نیز برطرف می‌کند؛ همه اینها جز مسئولیت‌پذیری و وفاداری به جین و تلاش برای خوشحال کردن او نیست. همچنین، در مشاجره‌ایی که بین او و جین به وجود می‌آید، به اظهار نظر جین درباره خودش گوش می‌دهد. روابطی را با هم تجربه می‌کنند که فقط خودشان از آن مطلع هستند و این همان ضلع دوم مثلث عشق، یعنی صمیمیت است. دست آخر هم جذابیت و زیبایی ظاهری جین که در آن سکونت دارد زبان‌زد است و به طور ناخودآگاه ضلع سوم، یعنی شهوت یا

^۱ *Pride and Prejudice*

^۲ *Joe Wright*

^۳ *Keira Knightley*

^۴ *Jane Austen*

هوس یا اشتیاق شدید را، در وجود آقای بینگلی بیدار می‌کند؛ اما ابداً عشقی که به جین می‌ورزد از سر شهوت نیست. باری، با نگاهی اجمالی به فیلم سینمایی یاد شده، که بر پایه رمانی در قرن نوزدهم ساخته شده است، می‌بینیم که عشق در روزگاری نه چندان دور خالص و اصیل بوده است، حال آن که بعد از گذشت چند دهه و تغییراتی که پیشتر به آن اشاره کردیم، دیگر خبری از این اصالت در عشق نیست. در ادامه خواهیم دید که در اواخر قرن نوزدهم و ورود به قرن بیستم و بعد از، آن عشق دچار چه تحولاتی شده است.

در این جا به نگاهی اجمالی به دو فیلم عاشقانه می‌پردازیم و خواهیم دید که سینما این بار هم ادعاهای مان را در مورد رابطه بین رفاه و عشق تصدیق می‌کند. نخست، فیلمی با نام من پیش از تو^۱ (۲۰۱۶) به کارگردانی تیا شروک^۲ را بررسی می‌کنیم که بر اساس رمانی به همین نام نوشته جوجو مویز^۳ ساخته شده است. ماجرای فیلم به گونه‌ای است که به عشق بین ویل ترینر، پسر یکی از سرمایه‌داران لندن و لوییزیا کلارک دختری از طبقه پایین جامعه که پدری کارگر دارد ختم می‌شود. لوییزیا که با کار کردن خود خرج خانواده را در روزهایی که پدر بیکار است درمی‌آورد، از کار خود در کافه‌ای در اطراف لندن اخراج می‌شود. مؤسسه کارآفرینی، پرستاری از ویل ترینر جوان را که در اثر تصادف قطع نخاع شده به او پیشنهاد می‌کند. لوییزیا هم که شدیداً نیاز مالی دارد بی‌درنگ شغل جدید را می‌پذیرد. ویل ترینر پسری از خانواده‌ای متمول و ثروتمند و لوییزیا کلارک دختری زیبارو و جذاب از خانواده -ای از طبقه کارگر هستند. بعد از گذشتن مدتی از پرستاری کردن از ویل ترینر، لوییزیا کلارک که خود نامزد دارد و اتفاقاً رابطه عاشقانه‌ای هم با هم دارند را نادیده می‌گیرد و عاشق ویل ترینر می‌شود. چرا؟ چون نامزد خودش جوانی عادی مثل سایر جوانان هم طبقه خودش است. دسترسی به منابع مالی ندارد و از شهرت خانوادگی بالایی هم برخوردار نیست. اما، در طرف مقابل، ویل ترینر با وجود این که قطع نخاع شده است، به دلیل ثروت زیادی که دارد و می‌تواند نیازهای مالی لوییزیا و خانواده‌اش را برطرف کند و حتی شغلی را هم برای پدر لوییزیا فراهم می‌کند وجود دارد. او به راحتی جای عشق قبلی را پر می‌کند، چون فردی ثروتمند است. ویل ترینر هم عاشق لوییزیا می‌شود، چون لوییزیا دختری زیبا و جذاب است که می‌تواند هر تماشاگری را برانگیخته کند. ویل ترینر هم که به دلیل شرایط جسمانی‌اش در ماه‌های اخیر رابطه جنسی نداشته است، کم‌کم تحت تأثیر جذابیت لوییزیا قرار می‌گیرد. بعد از مدت کوتاهی ویل ترینر نیز احساس دل‌بستگی و عشق به لوییزیا پیدا می‌کند. در این فیلم همزمان دو عامل تأثیرگذار در عشق که باعث شدند عشق از اصالت خودش خارج شوند را مشاهده می‌کنیم.

فیلم دوم ولنتاین غمگین^۴ (۲۰۱۰) به کارگردانی درک سیانفرانس است که جلب توجه می‌کند. سیندی و دین زوجی هستند که در این فیلم عاشق یکدیگر می‌شوند. دین در دبیرستان ترک تحصیل کرده و هم اکنون کارگر یک شرکت حمل و نقل است. سیندی هم دانشجوی رشته پزشکی است که از مادر بزرگ پیر و بیمارش مراقبت می‌کند. سرتاسر این عشق با معاشقه و روابط جنسی همراه است. اصلاً شروعهش با جذابیت سکسی که طرفین برای هم دارند همراه است. رابطه داغ آنها تا مدت‌ها پس از ازدواج نیز ادامه دارد، اما کم‌کم روبه افول می‌رود، تا جایی که آنها درست در شب ولنتاین تصمیم به جدایی می‌گیرند. مدتی است که بین‌شان اختلافاتی به وجود آمده و این اختلافات باعث بروز اختلافاتی در روابط زناشویی‌شان شده است. دیگر همچون سال‌های گذشته عامل تحریک کننده‌ای برای غریزه جنسی یکدیگر به شمار نمی‌آیند. دین و سیندی، برای این که بتوانند روابطشان را ترمیم کنند و دوباره به روزهای گرم عاشقی‌شان بگردند، تصمیم می‌گیرند که تعطیلات آخر هفته‌شان را به هتلی در ساحل رفته و به تفریح و استراحت بپردازند. اما در این سفر نیز به کرات با هم جر و بحث می‌کنند. هر چقدر که تلاش می‌کنند تا بتوانند در این تعطیلات رابطه زناشویی برقرار کنند، ناکام می‌مانند. گویی دیگر جاذبه و کشش جنسی بین‌شان نیست، و در این حالت است که دیگر عشقی بین یکدیگر مشاهده نمی‌کنند. این وضعیت این برداشت را ایجاد می‌کند که عشقی که بین دین و سیندی بوده، به خاطر جذابیت‌های جنسی بوده و حال که در برقراری رابطه جنسی به مشکل برخورداند و جذابیتی از این حیث برای هم ندارند، دیگر عشقی هم مابین‌شان وجود ندارد و تصمیم می‌گیرند که به زندگی مشترک‌شان خاتمه دهند و از هم جدا شوند.

نتیجه‌گیری پژوهش

عشق برساختی اجتماعی است و مبین وجود کشش و علاقه‌مندی بین دو نفر است. طبق دیدگاه استرنبرگ، عشق کامل، و به نظر نگارندگان، عشق اصیل، دارای سه ویژگی مهم است و باید به طور همزمان و متعادل در روابط عاشقانه وجود داشته باشد. این سه ویژگی عبارتند از تعهد، صمیمیت و اشتیاق یا میل جنسی. در روزگارانی نسبتاً دور، و در جوامع سنتی، معمولاً رابطه بین دختر و پسر یا زن و مرد با ازدواج تعیین می‌شد و عشق معمولاً نوعی سرکشی و عصیان در برابر ارزش‌ها و سنت‌های جامعه تلقی می‌شد.

^۱ Me Before You

^۲ Thea Sharrock

^۳ Jojo Moyes

^۴ Blue Valentine

گرچه جریان عشق در میان طبقه اقلیت حاکم یا بالای جامعه وجود دارد، اما این جریان در میان طبقه اکثریت محکوم و یا پایین جایی نداشته و معمولاً تابویی است که در مقابل ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌ها قرار دارد و باید از آن برحذر بود. بعد از انقلاب صنعتی و تغییر شکل حیات اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف، به طور عمده‌ای فتودال‌ها به سرمایه‌داران و صاحبان کارخانجات صنعتی و کشاورزان به کارگران تبدیل شدند. حالا دیگر کارگران دارای دستمزدهای مدون و معینی بودند که سطحی از رفاه را برای‌شان به ارمغان می‌آورد. هرچه از سال‌های ابتدایی انقلاب صنعتی فاصله می‌گیریم، روند بهبودی وضعیت معیشتی کارگران روند بهتری را به خود می‌گیرد تا جایی با پیدایش رده‌های شغلی مختلف، نیروهای کار به سطوح مختلف شغلی تقسیم می‌شوند. با این کار، افراد متناسب با رده شغلی خود از حقوق و مزایای مختلفی بهره‌مند شدند و نتیجه‌اش دستیابی به سطوح بالاتری از رفاه بود. به هر میزان که رفاه مردم بالاتر می‌رفت، مصرف آثار ادبی و هنری آن‌ها نیز بالاتر می‌رفت. در این دوران شهرنشینی رشد فزاینده‌ای به خود گرفت و فردیت و آزادی‌های فردی جای خانواده و جامعه و ارزش‌ها و سنت‌های کهن را گرفتند. حالا، در عصر صنعتی و مدرن، دیگر مردم عادی نیز می‌توانند عاشق شوند و عشق دیگر تابویی در مقابل ارزش‌ها و هنجارها به حساب نمی‌آید. در این دوران، برخلاف عصر پیش از انقلاب صنعتی، روابط بین دختر و پسر یا زن و مرد دیگر و صرفاً فقط با ازدواج تعیین نمی‌شوند، بلکه عشق نیز در این روابط خودنمایی کرده و حتی می‌توان ادعا کرد که به اولویت اول در این روابط مبدل گشته است. اما نظام سرمایه‌داری که دائماً به فکر کسب سود و منفعت بیشتر و از طریق تولید و فروش هرچه بیشتر کالاها است، با به راه‌اندازی فرهنگ مصرف، یا به عبارتی دیگر، مصرف‌گرایی افراطی، از یک طرف، و خالی کردن جیب کارگران و نیروی کار خود، از طرف دیگر، ملاک و ارزشی را بر فرایند عاشق شدن تحمیل کرد.

سرمایه‌داری که از هر فرصتی برای تبلیغ و فروش کالاهايش استفاده بیشینه را می‌برد، به سراغ عشق و مناسبت‌های مرتبط با عشق رفت و مصرف‌گرایی در این بخش از زندگی افراد را نیز به ملاک و ارزش تبدیل کرد. این فرایند به قدری شدت یافت که برای اثبات عشق، الزاماً باید کالا یا خدمتی که از طرف سرمایه‌داری تولید می‌شود، خرید و مصرف شود. در واقع، معشوق، زمانی عشق عاشق را می‌پذیرد که برایش خرج شود. از کادو و هدایای ولتاین گرفته تا مناسبت‌های مختلف، نظیر روز تولد و هدایای گاه و بی‌گاه به بهانه پاس‌داشت عشق‌شان. اگر فردی به هر دلیل نتواند چنین مخارجی را متحمل شود نه تنها ادعای عشق‌اش پذیرفته نمی‌شود، بلکه به دروغ‌گویی نیز متهم می‌شود. امروز دیگر خبری از آن عشق کامل یا اصیل گذشته نیست، بلکه مدرنیته و نظام سرمایه‌داری‌اش ملاکی بر عاشق شدن افزوده که عشق با مصرف به اثبات می‌رسد. این آخر ماجرا نیست؛ دولت‌ها و سیستم‌های تحت سیطره نظام سرمایه‌داری برای بالا بردن مشروعیت و مقبولیت در بین توده‌ها، دست به اعطای آزادی‌های فردی گسترده زده‌اند. یکی از نشانه‌های آزادی فردی در مدرنیته، برقراری روابط جنسی آزاد بوده است. در جوامع مدرن قوانینی بر روابط آزاد جنسی وضع شد و فعالیت روسپی‌خانه‌ها نیز تابع قوانینی مشخص، آزاد شد. از طرفی، سینما نیز به عنوان رسانه‌ای نوظهور و محبوب، کم‌کم به نمایش صحنه‌های معاشقه و روابط جنسی روی آورد، تا جایی که اگر در فیلمی حداقلی از این صحنه‌ها وجود نداشته باشد، آن فیلم با اقبالی از طرف مخاطب مواجه نمی‌شود. مجموع این دلایل باعث شد که بعد از مصرف که بر پایه پول استوار است، جذابیت جنسی ملاکی دیگر برای عاشق شدن باشد. قابل ذکر است که جذابیت جنسی تا حد و اندازه‌ای جزء عشق هست، اما جذابیت جنسی که به ملاک عاشق شدن تبدیل شده بی‌حد و مرز بوده و اگر وجود نداشته باشد به طور کامل عشقی وجود نخواهد داشت.

به طور کلی، در این پژوهش برای اثبات ادعاهای‌مان، سه فیلم سینمایی عاشقانه را بررسی کردیم. فیلم اول با نام غرور و تعصب بود که اصالت عشق را به نمایش گذاشته بود. داستان فیلم به اوایل دوران صنعتی شدن برمی‌گردد، زمانی که ما بر این باوریم عشق ترکیبی متوازن و متعادل از سه عنصر تعهد، صمیمیت و اشتیاق شدید یا هوس است و داستان فیلم هم این ادعا را نشان می‌دهد. اساساً بعد از صنعتی شدن و تغییرات و تحولات ناشی از آن، به ویژه از اواخر قرن نوزدهم به بعد، پول در پیدایش و ابراز عشق خودنمایی کرده و به عاملی مهم در عشق‌ورزی بدل گشته است. همچنین، بعد از گذشتن زمان و گسترده‌تر شدن دستاوردهای مدرنیته، شهوت و برانگیختگی جنسی، که خود یکی از ابعاد عشق اصیل هم به شمار می‌رفت، آن‌چنان برجسته شد که پیدایش و ابراز عشق بیش از هر عامل دیگری، حتی بیشتر از پول، متأثر از آن بود. فیلم دوم با نام من پیش از تو و فیلم سوم با نام ولتاین غمگین هردو بر ادعاهای این پژوهش صحنه گذاشتند. در فیلم من قبل از تو نقش پول و توان مالی را در عاشق شدن افراد به وضوح مشاهده می‌کنیم و در فیلم ولتاین غمگین هم تأثیر و نفوذ جذابیت جنسی بر عاشق شدن و عاشق ماندن نمایانده می‌شود. با توجه به چنین شواهدی، می‌توان گفت در دوران مدرن عشق و عشق‌ورزی با چالش‌های مهمی روبه‌رو شده است: چالش عشق کامل یا اصیل با پول‌پرستی و شهوت‌ورزی، پدیده‌ای که نظام سرمایه‌دارانه هم از آن بهره‌مند شده و آن را پشتیبانی می‌کند.

منابع

۱. خلیل‌اللهی، شهلا؛ غفار برج‌ساز؛ ۱۳۹۵، بررسی عشق در خسرو و شیرین نظامی بر اساس دیدگاه‌های گیدنز، دانیو و ایوانز، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۴، شماره ۲۷.
۲. رایت، جو؛ ۲۰۰۵، غرور و تعصب (فیلم سینمایی)، کارگردان: جو رایت، نویسنده: جین آستین.
۳. سهراب زاده، مهران؛ عطیه حمادی؛ ۱۳۹۳، بر ساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته زنان: بررسی کیفی مسائل و تبعات روابط عاشقانه دختران مجرد تهران، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، سال ۶، شماره ۴.
۴. سیانفرانس، درک؛ ۲۰۱۰، ولتاین غمگین (فیلم سینمایی)، کارگردان: درک سیانفرانس، نویسندگان: درک سیانفرانس، کامی دلاوینچ و جوی کورتیس.
۵. شروک، تیا؛ ۲۰۱۶، من پیش از تو (فیلم سینمایی)، کارگردان: تیا شروک، نویسنده: جوجو مویز.
۶. شیعی، فاطمه؛ ۱۳۹۲، عشق از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تهران، نشر الکترونیکی کتاب سبز.
۷. صفایی، مهشید؛ ۱۳۹۰، جوانان و عشق: تأثیر زمینه‌های اجتماعی در مفهوم‌سازی روابط عاشقانه، مطالعات زنان، سال ۹، شماره ۲.
۸. قاسمی نژاد، افسر؛ ۱۳۸۲، عشق در روان‌شناسی، فصلنامه آموزه، سال ۴، شماره ۱۸.
۹. کهرابیان، سمانه؛ ۱۳۹۰، تغییرات گفتمان عشق در بستر تحولات اجتماعی: تحلیل گفتمان ترانه‌های پاپ دهه ۵۰ و ۸۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۰. مجد، امید؛ پروانه مجد؛ ۱۳۹۰، نظریه مثلث عشق استرنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی، زن در فرهنگ و هنر، سال ۲، شماره ۴.
۱۱. میرمیری، هاله؛ ۱۳۹۰، بر ساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته ایرانی: مطالعه موردی دهه ۴۰، ۶۰ و ۸۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و فرهنگ.
۱۲. نراقی، آرش (مترجم)؛ ۱۳۹۰، درباره آینده عشق: مقالاتی از مارتا نوسباوم، رابرت سالومون، رابرت نوزیک، لارنس تامس، آنت بایر و الیزابت راپاپورت، تهران، نشر نی.
۱۳. ویکی‌پدیا، ۱۳۹۹/۱۲/۲۳، عشق، قابل دسترس در: <https://fa.wikipedia.org/wiki>.
۱۴. یوسفی، ناصر؛ رسول عسگری؛ مجید سلیمانی؛ ۱۳۹۶، پیش‌بینی ضربه عشق و افسردگی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دارای شکست عاطفی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال ۱۸، شماره ۲.
15. Davis, Deborah; Phillip R Shaver; Michael L. Vernon; 2003, Physical, Emotional, and Behavioral Reactions to Breaking Up: The Roles of Gender, Age, Emotional Involvement, and Attachment Style, Personality and Social Psychology Bulletin, 29 (7), 871-884.
16. Sbarra, David. A; 2006, Predicting the Onset of Emotional Recovery Following Nonmarital Relationship Dissolution: Survival Analyses of Sadness and Anger, Personality and Social Psychology Bulletin, 32 (3), 298-312.
17. Sternberg, Robert Sternberg; 1986, A triangular Theory of Love, Psychological Review, 93(2), 119-135.

بازشناسی پارامترهای موثر روانشناسی محیطی بر خواست و نیاز شغلی قضات در معماری محاکم قضایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

کد مقاله: ۳۵۱۴۲

شکوه سادات اسداللهی^۱، لیلی کریمی فرد^۲، سید رضا ملجا^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلی نظام حکومتی در میان ملت‌ها آیین قضاوت و دادگستری می‌باشد. اهداف و نیازها در خصوص معماری محاکم قضایی در سه قالب کلی بیان می‌شوند. توجه به نیازهای فنی و ساختاری، نیازهای عملکردی که به نقش و عملکرد ساختمان به عنوان بستری برای فعالیتهای خاص می‌نگرد و در نهایت نیازهای رفتاری که تاثیر بنا و معماری را بر کارکنان و مراجعین در نظر می‌گیرد. این پژوهش با هدف ارزیابی اثرات طراحی محیطی مطابق با اصول روانشناسی محیطی در محاکم قضایی و بررسی خواست و نیاز قضات دادگستری در جهت بهبود و بالا بردن راندمان کاری آنها انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه میدانی از ۳۰ نفر از قضات یک مجتمع قضایی در تهران نظرخواهی شده و در نرم افزار SPSS بررسی آماری بصورت کمی انجام شد. در تحلیل صورت گرفته میزان فراوانی پارامترهای موثر بر روانشناسی محیطی محاکم قضایی بطور شاخص بیان شده است. مطابق نتایج بدست آمده آسایش صوتی در فضای محاکم و سپس آسایش حرارتی و مجهز کردن شعبات به ابزار رفاهی بالاترین ارزش را در دیدگاه پاسخ دهندگان به خود اختصاص داده اند.

واژگان کلیدی: محاکم قضایی، روانشناسی محیطی، تحلیل آماری SPSS، جایگاه قضات

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب،
asadollahi.shokouh@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

۳- قاضی دادگستری و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

۱- مقدمه

مقوله‌ی محیط و همچنین عوامل محیطی به صورت خاص، از جمله مقولاتی هستند که نقش و تاثیر بسزایی بر رفتار و روان انسان دارند. در واقع محیط بستری برای فعالیت و زندگی انسان می‌باشد و تاثیر شرایط محیطی بر انسان، اجتناب ناپذیر است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، معمولاً در گيرودار زندگی مدرن و ساختمان‌سازی و صنعتی شدن این مسئله فراموش می‌شود. عدم توجه به تاثیر شرایط محیطی بر روان و خلق و خوی انسان‌ها از عواملیست که باعث ایجاد استرس، اضطراب و عصبیت در محیط کار می‌شود. حرفه معماری به دلیل ماهیت بین رشته‌ای خود از مباحثی مانند علوم شناختی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در بطن خود بهره می‌برد، در نتیجه نه تنها محصول نهایی طراحی، بلکه فرآیند طراحی و معماری بایستی با توجه به موارد مذکور مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اهمیت شناخت کافی از موضوع طراحی، نقش تعاملی محیط فیزیکی در پیشبرد یا مانع شدن افراد و همچنین بهره جستن از این تعامل از مهم‌ترین عوامل هستند. متأسفانه تفکر ساختن برای ساختن و نه ساختن برای زیستن، فرصتی برای توجه و مطرح شدن این‌گونه مقولات را نمی‌دهد. از این رو مباحث پیش‌رو سعی در واکاوی تاثیر متقابل رفتار کارکنان محاکم قضایی (قضات) و محیط کاری با هدف شناخت مفاهیم مرتبط با روان‌شناسی محیطی و قرارگاه‌های فیزیکی و ایجاد بستری مناسب و مطلوب برای ارتقاء کیفیت روانی و فکری و در نتیجه بالا رفتن راندمان کاری را دارند.

۲- بیان مسئله

ساختمان‌های محاکم قضایی به دلیل محیط پرتنش خود دارای فضاهای با انرژی مثبتی نیستند و بعضی از ساختمان‌های محاکم قضایی برای قضات دارای فضایی درخور ایشان نیست و این مسئله به کاهش راندمان کاری و افزایش فشار روانی در محیط کار منجر می‌شود. از این رو در این پژوهش به مبحث روانشناسی محیطی و پارامترهای آن به عنوان یکی از موارد حائز اهمیت در طراحی معماری ساختمان محاکم قضایی با توجه به جایگاه قضات پرداخته شده است تا بتوان بدین وسیله در دو مقوله بررسی محیط‌های ساخته شده و دانش طراحی طراحان از این بازشناسی بهره برد.

۳- پیشینه پژوهش

با وجود برخی مطالعات صورت گرفته مرتبط با مبحث روانشناسی محیطی در معماری محاکم قضایی، تحقیقاتی که به طور اختصاصی به ارتباط میان طراحی معماری فضای داخلی و خارجی محاکم قضایی و کاربران حاضر در آن‌ها که شامل قضات، کارمندان، وکلا و متهمان و خانواده ایشان هستند پرداخته باشد، کمتر دیده شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: پورمهابادیان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی اثرات طراحی محیطی در روانشناسی محیط بر ایجاد تعادل روحی مراجعین در دادگاه‌ها و محیط‌های قضایی» با مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جایگاه روانشناسی محیط را در معماری فضاهای اداری بخصوص فضاهای پرتنش مانند محاکم قضایی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و ۴ عامل رنگ، نور و روشنایی، دید و منظر و تهویه‌ی مناسب را در کاهش استرس کارمندان یا مراجعین در محیط‌هایی چون دادگاه‌ها و مراجع قضایی موثر می‌دانند.

بلوچ شارکی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «نقش معماری دادگاه متاثر از روانشناسی محیط و معماری اسلامی» به بررسی اهمیت و تاثیر نقش معماری محاکم قضایی با توجه به تاثیر پذیری جسم و روان انسان از "فضای دادگاه" می‌پردازد. در پایان نتیجه تحقیق به صورت خلاصه بیان شده است که در فضای داخلی توجه به آرایش فضایی معناگرایانه، حفظ حریم خصوصی، استفاده از مصالح طبیعی، بکارگیری نور طبیعی، طراحی فضای نیمه بسته، شفافیت، فضای سبز و محل استراحت، راهنمای مراجعان، توجه به روانشناسی رنگ و در طراحی فضای خارجی ارائه ساختمان به عنوان نماد شهری، بکارگیری مصالح شیشه‌ای جهت بهره‌برداری از نور طبیعی، چشم انداز بیرونی، پارکینگ، رنگ و هنر و استفاده از اصول معماری اسلامی در معماری بنای قضایی مورد توجه هستند.

ضیابخش و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش روان‌شناسی محیط در طراحی محیط‌های قضایی و دادگاه» به بررسی پژوهش‌هایی پرداختند که تاثیر روانشناسی محیطی را روی محاکم قضایی ۵۰ نمونه در سراسر جهان مورد مطالعه قرار داده‌اند. به این منظور پس از مطالعه آن‌ها پرسشنامه‌ای برای گردآوری داده‌ها با هدف بهبود روانشناسی محیط معماری و کاهش عوامل استرس‌زا در فضای تنش‌زا همچون دادگاه تدوین کرده و در این راستا از روانشناسان، وکلا و معماران برای پاسخگویی به این سوالات کمک خواسته شده است. پس از آن با تهیه یک آمار توصیفی و تطبیق آن با نمونه‌های موجود نتایج را در ۱۱ مورد بیان کردند:

۱. توجه به طراحی فضاها برای نمونه استفاده از عناصر، مصالح و رنگ به گونه‌ای که آرامش را به مراجعان انتقال دهد؛

۲. استفاده از مصالح طبیعی و بومی و متناسب هر فضا؛
۳. استفاده از فضاهای مرکزی مانند حیاط مرکزی، آتریوم، نورگیرهای سقفی، بام سبز، فضاهای میان طبقه‌ای سبز؛
۴. فضاها دارای نور و تهویه طبیعی باشند مخصوصاً دادگاه‌ها؛
۵. استفاده از عناصر طبیعی مانند گیاه و آب در طراحی فضاهای داخلی؛
۶. استفاده از خطوط نرم و منحنی و پرهیز از مصالح خشن و سرد؛
۷. استفاده از سطوح شفاف نیمه باز و نیمه بسته؛
۸. جلوگیری از ایجاد ازدحام و تراکم در فضاها؛
۹. رعایت حریم شخصی افراد از جمله کارمندان و مراجعان؛
۱۰. استفاده از علائم و نمادهایی برای کاهش استرس و ایجاد اطمینان خاطر؛
۱۱. طراحی برخی فضاها برای رفع نیازهای مراجعان.

Myesa Knox Mahoney (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت رویه‌ای و رابطه قاضی و متهمان در دادگاه اختلالات روانی» به بررسی نقش عدالت رویه‌ای و رابطه قاضی و متهمان در یک دادگاه اختلالات روانی پرداخته است. این مطالعه اولین تلاش برای بررسی نقش عدالت رویه‌ای و رابطه قاضی در یک دادگاه اختلالات روانی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدالت رویه‌ای و صلاحیت روابط قاضی و افراد مورد آزمایش بر ادراک متقاضیان و تجربیات آن‌ها در این دادگاه‌های تخصصی تأثیر مثبت می‌گذارد. متهمان هرچه بیشتر احساس کنند که تحت مراقبت و برخورد عادلانه قاضی قرار دارند، احتمال درک "سختی" در آن‌ها کمتر است.

Heathcote W. Wales و همکارانش (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت رویه‌ای و نقش قاضی دادگاه بهداشت روان در کاهش تکرار جرم» بر اساس مشاهدات کیفی و داده‌های کمی در هشت دادگاه بهداشت روان (MHC) استدلال می‌کنند که کاهش مشاهده شده در تکرار جرم تا حدی ناشی از نقش قاضی در انتقال عناصر عدالت رویه‌ای است که به طور مختصر شامل: (۱) سطح بالاتری از رفتار بین فردی با متهمان که به آن‌ها عزت، احترام و صدا می‌بخشد. (۲) پاسخگویی به متهمان و حضار به طور یکسان و (۳) شفافیت برای تصمیماتی که از طریق یک روند باز مذاکره به دست آمده است. نظریه عدالت رویه‌ای پیش‌بینی می‌کند که در نتیجه متهمان تصمیمات قانونی را مشروع می‌دانند و ارزش‌ها و اهداف دادگاه را نیز از اهداف خود می‌دانند. دفتر نظارت فنی و مهندسی قوه قضائیه جهت ساماندهی و مناسب‌سازی نظام قضایی و کالبدی ساختمان‌های قضائی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد را به پیوست ضابطه شماره ۷۸۱ با عنوان «ضوابط و معیارهای طراحی معماری و طراحی داخلی ساختمان‌های قضایی» تدوین نموده و با هماهنگی امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور جهت تایید و ابلاغ به عوامل ذینفع نظام فنی و اجرایی کشور برای این معاونت ارسال شد و در نهایت براساس نظام فنی و اجرایی یکپارچه، موضوع ماده ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و آئین‌نامه استانداردهای اجرایی مصوب هیات وزیران تصویب و ابلاغ شده و از تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ لازم‌الاجرا گردید.

۴- روانشناسی محیطی

می‌توان گفت روانشناسی محیطی بیان می‌کند که چگونه رفتار، احساسات و تندرستی انسان تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد. گرامان (۱۹۷۶) روانشناسی محیط را مکمل روانشناسی عمومی فاقد محیط می‌داند و اشاره می‌کند که روانشناسی محیطی یکی از زیرمجموعه‌ها و رشته‌های تخصصی روانشناسی عمومی است. گرامان به این نتیجه می‌رسد که در روانشناسی سنتی به ابعاد محیطی-فرهنگی توجه کافی نشده است و این پدیده موجب پیدایش رشته روانشناسی محیط یا اکولوژیک شده است. جیفورد (۱۹۹۷) روانشناسی محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می‌کند. به عقیده وی، در چنین تأثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می‌کند و هم‌زمان، رفتار و تجارب وی به وسیله محیط دگرگون می‌شود.

در روانشناسی محیط، رفتار در چارچوب قرارگاه فیزیکی مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. قرارگاه فیزیکی به معنی فضای فیزیکی با اهداف کاربردی و سازمانی تعریف شده است. استفاده از مفهوم قرارگاه فیزیکی بیانگر این مهم می‌باشد که در بررسی‌های روانشناسی محیط، انسان خود یکی از عوامل تشکیل دهنده محیط محسوب می‌شود. زیرا فرض بر این است که رفتار و تجارب انسان را نمی‌توان بدون توجه به شرایط محیطی و به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد (دژدار و همکاران، ۱۳۹۱).

ساختمان محاکم قضایی به عنوان یک قرارگاه فیزیکی دارای سازمانی نظام یافته و پیچیده است. خدماتی که در چنین سازمانی ارائه می‌شود، تابع عوامل متعدد است: کیفیت خدمات ارائه شده، سیاست‌های اداری مجتمع قضایی، فلسفه و اهداف سازمان قضایی، ویژگی‌های رفتاری کارکنان (اعم از قضات و کارمندان) و مراجعین و همچنین شرایط فیزیکی و معماری محیط. آن کارکنان و نیز مراجعین می‌باید تحت نظم، مقررات و اصول پیش‌بینی شده، معیارهایی را بپذیرند و با نظام کلی همکاری کنند.

رفتار افرادی را که در چنین نظام‌های با اهمیت اجتماعی بالا قرار می‌گیرند، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تأثیر ابعاد مختلف معماری، جغرافیایی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار داد. ضمناً هر مجتمع قضایی خود شامل قرارگاه‌های کوچکتر و فرعی مانند شعبات رسیدگی و دفاتر معاونین و رئیس مجتمع و غیره می‌شود. پس برای بررسی رفتار، لازم است به تعامل ابعاد گوناگون قرارگاه‌ها در همه سطوح توجه شود.

۵- معماری محاکم قضایی

وظایف قوه قضائیه در اصل ۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین صورت بیان شده است: «اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.» که با فضای مناسب می‌توان این اصل را اجرا کرد. دادگستری در لغت به معنی اجرای عدالت و در اصطلاح حقوقی، نهادی است که شامل همه‌ی تشکیلات مربوط به رسیدگی به شکایات و تظلمات مردم می‌باشد (اصل ۱۵۹ ق.ا). ساختمان‌های دادگستری به دلیل ماهیت عملکردی و مسئولیت‌های محول شده به قوه قضائیه باید از لحاظ معماری، ظرفیت‌سنجی و امکان‌سنجی استقرار و همچنین جایگاه روانی بهره‌برداران در ارتباط با محیط پیرامون آن‌ها با نیازهای قضائی مطابقت داشته باشد. در نشریه ۷۸۱ به مبحث روانشناسی محیطی به عنوان یکی از موارد حائز اهمیت در طراحی داخلی ساختمان‌های قضایی پرداخته شده و پارامترهای آن بصورت مجزا بیان شده است. جدول ۱ عوامل موثر در طراحی داخلی معماری محاکم قضایی را برمی‌شمرد.

جدول ۱: عوامل تاثیرگذار در طراحی داخلی معماری محاکم قضایی ماخذ: (ضابطه شماره ۷۸۱، ص ۷۷-۷۹)

معماری داخلی ساختمان‌های محاکم قضایی با نوع پرونده‌ها و میزان استفاده از فضای معماری و تعداد مراجعه‌کنندگان ارتباط مستقیم دارد.	نوع دادگاه و شرایط مورد نیاز در امر قضاوت
بار محیطی و تاثیر آن بر کاربران ساختمان‌های محاکم قضایی، محیط پیرامون (دما و نور)، نورپردازی مصنوعی، رنگ، چیدمان مبلمان، مصالح پرداختی (نازک‌کاری)، سیستم‌های تاسیسات داخلی، ارگونومی، آنتروپومتری، سر و صدا، رفتار انسان در محیط، ازدحام و خلوت، مبلمان، نوع عملکرد فضا رضایت‌مندی شغلی در ارتباط با محیط فیزیکی، ارتباط در سازمان‌های کاری نوع قلمرو و جایگاه سازمانی	روانشناسی محیطی
کاهش عوامل تنش‌زا و تشنج آفرین و القاء آرامش و امنیت در طرح توجه به طراحی فضاها و استفاده از عناصر مصالح، رنگ و... به گونه‌ای که آرامش را به مراجعان انتقال دهد.	کاهش فشار عصبی در طراحی فضاها و دادگاهی
استفاده از مصالح طبیعی و بومی و مقتضی هر فضا مانند سنگ (ایجاد صلابت و اقتدار)، شیشه (شفافیت)، چوب (احساس آرامش و صمیمیت و گرما)، فلز (قدرت)، آجر (گرمی و دیر آشنایی، خاطره) تعبیه فضاها و نیمه‌باز و قابل دسترس برای پرسنل و عموم که باعث تمدد اعصاب و بهبود روند کاری آن‌ها در فضاها می‌شود.	پیشگیری از ازدحام
از طریق طراحی متناسب فضاها و استقرار مناسب آن‌ها ازدحام جمعیت را کاهش دهیم مسیرها باید خوانا باشند و در نقاط کلیدی مثل تقاطع‌ها یا سایر نقاط تصمیم‌گیری، راهنماها قرار داده شوند.	خوانایی
شکل، مقیاس و سازماندهی فضایی یک ساختمان پاسخ طراح به ضرورت‌های برنامه‌ریزی و عملکردی فضایی، ظواهر تکنولوژیکی سازه و ساختار، حقایق اقتصادی و ویژگی‌های بصری یک سبک و یا اندیشه ذهنی می‌باشد.	تاثیر اندازه و تناسبات فضا در تقسیمات داخلی
راحتی و سلامت در درجه اول و سپس فرم، رنگ و پوشش اهمیت دارند.	تاثیر تجهیزات، مبلمان و چیدمان آنها
معماری در این گونه فضاها باید بتواند بدون استفاده از سیستم‌های حفاظتی الکترونیکی، تامین کننده امنیت باشد.	تاثیر ایمنی و امنیت

قوه قضائیه یکی از سه قوه اصلی و موثر در اداره‌ی امور کشور است. کاربران محاکم قضایی (ارباب رجوع، وکلا و قضات) به لحاظ ماهیت نزاع، اختلاف، جرم و امثال آن که شرایط حساس و ویژه‌ای دارند باعث تمایز محاکم قضایی با سایر فضاها و ادارات هستند و همچنین تعدد پرونده‌های قضایی سبب می‌شود تا دیدگاهی ویژه به طراحی ساختمان‌های محاکم قضایی مطرح شود.

با توجه به تاریخچه بناهای قضایی، آنچه در گذشته به عنوان محل قضاوت وجود داشت فضاهای مذهبی و یا کاخ‌های سران کشور بودند و نمای ساختمان و ورودی آن به عنوان عناصر و نمادی شاخص و هویت‌بخش به ساختمان قضایی اهمیت داشت. امروزه با توجه به جدول زیر حوزه‌های قضایی در ایران به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

جدول ۲: تقسیم‌بندی حوزه‌های قضایی در ایران مآخذ: (نشریه ۷۸۱، ص ۲۶)

دادگاه‌های تجدیدنظر		دادگاه‌ها
دادگاه کیفری ۱	دادگاه‌های کیفری (منبع: ماده ۲۴۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲)	
دادگاه کیفری ۲		
دادگاه انقلاب		
دادگاه اطفال و نوجوانان		
دادگاه‌های نظامی		
شعب حقوقی	دادگاه‌های عمومی	
شعب جزایی		
دادگاه‌های خانواده (قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱)		
شوراهای حل اختلاف (قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴)		
دادسرای عمومی و انقلاب		
دادسرای رسیدگی به جرایم کارکنان دولت		
جرایم علیه نظام اقتصادی کشور	دادسرای ویژه جرایم امنیتی	
جرایم علیه امنیت ملی و داخلی		
دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی		
دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم رایانه‌ای		
دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم پزشکی		
دادسرای انتظامی قضات		
دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات	دادگاه عالی انتظامی قضات	دادگاه‌های اختصاصی (قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰)

جدول ۳: فضاهای مختلف یک واحد قضایی مرتبط با قضات مآخذ: (نشریه ۷۸۱، ص ۲۶)

فضاهای اصلی	فضاهای پشتیبانی	فضاهای رفاهی	فضاهای گردش
دفتر کل دادگاه	انتظامات و حفاظت	شعبه بانک	فضای گردش افقی
دفاتر و شعب دادگاه	اتاق اطلاعات	نمازخانه	فضای گردش عمودی
دفاتر و شعب بازپرسی	اتاق بازرسی	بوفه	
دفاتر و شعب دادرسی	خدمه	آبدارخانه	
اجرای احکام	اتاق نظافت	مرکز کمک‌های اولیه	
	انبار	سرویس بهداشتی	
	پارکینگ		
	تاسیسات برق و مکانیک		

جدول ۴: شاخص سطح سرانه محاکم قضایی مرتبط با قضاات ماخذ: (نشریه ۷۸۱ ص ۷۴)

شرح فضا	سرانه مبنا		توضیحات
	مترمربع	به ازای هر (نفر)	
رئیس کل یا رئیس ساختمان قضایی	۷۰	۱	مساحت با احتساب فضای استراحت می‌باشد.
رئیس دادگستری شهرستان	۵۰	۱	
رئیس دادگستری بخش	۴۵	۱	
دادستان استان	۴۵	۱	
دادستان شهرستان	۳۶	۱	
اتاق جلسات	۹۰	-	
اتاق جلسات محرمانه	۴۰	-	
قائم مقام ریاست	۶۰	۱	
معاون	۵۰	۱	
معاون دادستان	۳۰	۱	
مستشار	۲۴	۱	
قاضی (دادگاه کیفری ۱ و ۲، حقوقی، انقلاب، خانواده، دادگاه های تجدیدنظر، بازپرسی، دادرسی، کشیک)	۲۵	۱	
دادرسی علی البدل، مشاور قضایی زن، اتاق اجرای احکام	۲۰	۱	
سرویس بهداشتی	۴	۱	برای رئیس ساختمان، دادستان، هر کدام از شعبات یک چشمه

با توجه به نوع کاربران در ساختمان قضایی زون‌های عملکردی مشخصی پیش بینی شده است:

- زون عمومی: محدود به فضای باز و سبز محوطه، پارکینگ عمومی، سرسرای ورودی و لابی، فضاهای انتظار مراجعین، بخش‌های اداری مرتبط و برخی تسهیلات خدماتی و پشتیبانی‌ست.
- زون خصوصی: به صورت حفاظت شده متعلق به قضاات است.
- زون توفیقی: برای انتقال متهم از تحت نظرگاه‌های موقت به دادگاه، دسترسی جداگانه‌ای به محل پارک خودروهای خدمت می‌باشد.
- زون متداخل: قسمت‌های هم‌پوشانی زون‌ها با یکدیگر است.

۶-زون خصوصی (جایگاه قاضی)

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین شئون نظام‌های اجتماعی و حکومتی، قضا و داوری است و از آنجا که بارزترین جلوه عدالت نیز در امر قضا و داوری نمایان می‌شود، بر اهمیت و حساسیت آن افزوده گشته است. انسان موجودی اجتماعی است از این رو حیات اجتماعی برای انسان لازم و ضروری است و چون دارای طبایع و سلاطین مختلف و غریزه فزون‌خواهی است ظهور اختلاف و بروز منازعات میان ایشان بدیهی است. قضا را از آن رو قضا گفته‌اند که قاضی امور متخاصم را فیصله می‌دهد کار را تمام کرده و از آن فارغ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۴۳).

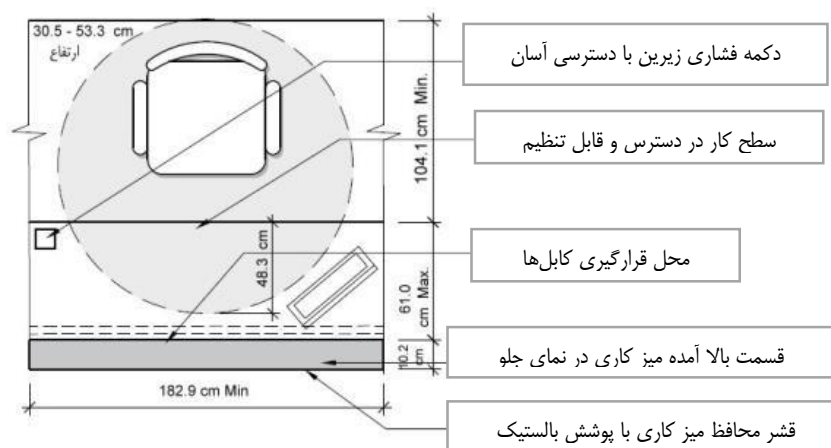
اهمیت جایگاه قاضی در اسلام بر کسی پوشیده نیست و تاکید شارع مقدس بر قداست آن امری بیهوده نیست. لزوماً یکی از وجوه آن اینست که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و روانی جامعه به رفتار قضایی قضاات برمی‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۷۷). در حدیثی آمده که قاضی در حال خشم نباید داوری کند (وسایل الشیعه، ج ۲۷، ۲۱۳)، زیرا عقل او در آن حال مغلوب نفس است و غلبه نفس انحراف از عدل را در پی دارد. بطور کلی تحقیقات در امر قضاوت نشان داده است که در کنار توانمندی علمی باید به جنبه‌های رفتاری، شخصیتی و هوش هیجانی قضاات نیز توجه داشت که پارامترهای روانشناسی محیطی می‌توانند در قرارگاه رفتاری محاکم قضایی بر رفتار و افکار قضاات و کارکنان و مراجعین تاثیر بسیار مثبتی داشته باشند.

در ادامه برخی اصول مطرح شده در نشریه ۷۸۱ در رابطه با جایگاه نشستن قضاات بیان می‌شوند:

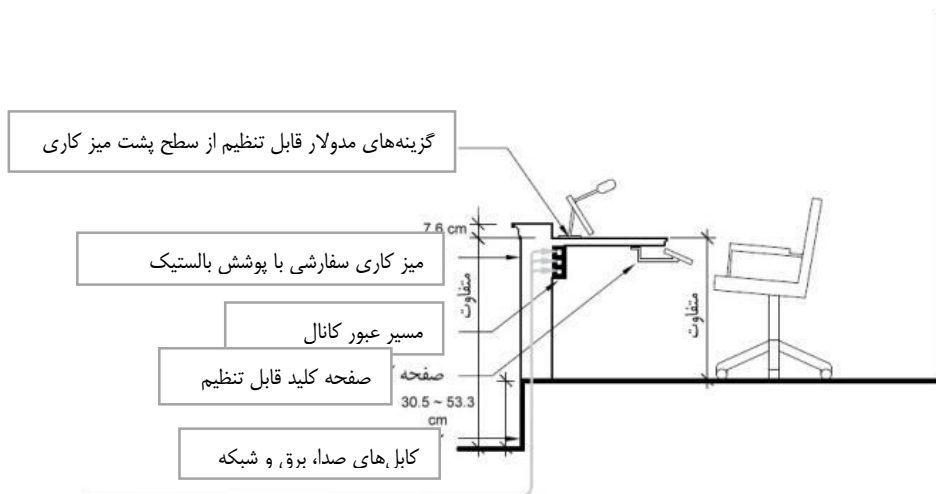
مطابق نشریه ۷۸۱ طرح جایگاه نشستن قضاات مشخص شده است. اندازه، موقعیت، ارتفاع و طرح جایگاه نشستن، نشان‌دهنده نقش قاضی به عنوان بالاترین فرد در قضاوت و کنترل کننده اصلی دادگاه است. این مکان باید به عنوان نقطه مرکزی در دادگاه طراحی شود. اندازه و ارتفاع جایگاه بایستی طوری طراحی شود که مناسب دادگاه باشد و مانع دید بخش‌های دیگر دادگاه نشود (شکل ۱ و ۲). فضای کاری بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر پهنا و حداکثر ۶۰ سانتی‌متر عمق با بالا آمدگی میز به اندازه ۸ سانتی‌متر در جلو، جهت ایجاد حریم خصوصی برای قاضی فراهم شود. این سطح برای نگهداری اسناد، پرونده‌ها و تعبیه یک مانیتور در نظر

گرفته شده است. پشت یا زیر جایگاه قفسه‌هایی مناسب برای قرار دادن کتاب نیز تعبیه شود. ایجاد فاصله حداقل ۵۰ تا ۹۰ سانتی-متر بین لبه میز قاضی و دیوار پشتش توصیه می‌شود. دیوارهای اطراف جایگاه قاضی باید به شکلی رسمی و سازگار با طرح دادگاه و متناسب با شان و جایگاه قضاوت طراحی شود (نشریه شماره ۷۸۱، ص ۹۰).

در اکثر موارد شایسته است قاضی از دری جداگانه وارد دادگاه یا از آن خارج گردد. ساختمان‌های یکپارچه که به صورت یک حجم شکل گرفته‌اند معمولاً دارای یک ورودی هستند که از ضریب امنیتی بالاتری برخوردار است ولی از لحاظ تفکیک دسترسی‌ها برای مراجعین خاص بنا شاید به خوبی عمل نکند. اهمیت ایجاد محیطی امن و ایمن باعث ایجاد ساختمانی چند لایه می‌شود که علاوه بر ایجاد ارتباط مستقیم و بی‌پیرایه با محیط پیرامونی باید در درون خود سیستم لایه‌ای محافظت کننده را برقرار نماید. در تقسیم‌بندی فضاهای گردش افقی در طبقات و گردش عمودی بین طبقات نیز تفکیک حرکت عموم و کارکنان (به ویژه قضات) در نظر گرفته می‌شود. به لحاظ امنیتی پارکینگ در نظر گرفته شده برای قضات می‌بایست قابل کنترل و تفکیک شده باشد (نشریه ۷۸۱، ص ۴۶).



شکل ۱ طرح پلان جایگاه نشستن قاضی (منبع: نشریه ۷۸۱ ص ۸۹)



شکل ۲ طرح مقطع جایگاه نشستن قاضی (منبع: نشریه ۷۸۱ ص ۹۰)

۷- بررسی فضای معماری محاکم قضایی توسط قضات در نرم افزار spss

جهت بررسی فضای معماری محاکم قضایی و دیدگاه استفاده‌کنندگان از فضا، پرسشنامه‌ای متشکل از ۳۸ پرسش دربرگیرنده- ۸ حوزه‌ی موثر بر روانشناسی محیطی تدوین و در یکی از مجتمع‌های قضایی تهران در بین ۳۰ نفر از کارکنان مجتمع قضایی (قضات) توزیع شد. تمامی اطلاعات در نرم‌افزار spss ثبت و از آن‌ها اطلاعات آماری به صورت کمی استخراج شد. مطابق اطلاعات آماری بدست آمده در spss مشخص شد که در میان پاسخ‌دهندگان ۹ نحله فکری وجود دارد. نحله و دیدگاه فکری اول ۱۲/۲۷٪ از تفکر پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده است. دیدگاه دوم ۱۲/۰۶٪، دیدگاه سوم ۱۰/۹۱٪، دیدگاه چهارم ۹/۸٪، دیدگاه پنجم ۸/۴٪، دیدگاه ششم ۸/۳٪، دیدگاه هفتم ۶/۰۳٪، دیدگاه هشتم ۵/۶۳٪ و دیدگاه نهم ۴/۷۶٪ را به خود اختصاص

داده‌اند و در مجموع ۷۸/۲۹۹٪ از پاسخ‌دهندگان از تفکر علمی خود در پاسخ به سوالات استفاده کرده‌اند. در جدول ۵ به تحلیل پارامترهای موجود در هر نحله فکری پرداخته شده است.

جدول ۵: پارامترهای معماری موثر بر نحله‌های فکری متفاوت قضات در محاکم قضایی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، ماخذ: (نگارندگان)

پارامتر معماری	دیدگاه‌های فکری پاسخ‌دهندگان
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و صدای مزاحم ساختمان‌های اطراف نیاز به نورپردازی مصنوعی در فضای دادگاه‌ها و میز کار قضات تامین نور محیطی در جهت ایجاد کیفیت بصری بکارگیری رنگ در فضای داخلی جهت ایجاد تمرکز ثبات دما و اصلاح سیستم سرمایش و گرمایش و تهویه مبلان متناسب با ارگونومی قضات و همچنین اختلاف ارتفاع جایگاه قاضی نسبت به افراد حاضر در شعبه تعبیه وسایل رفاهی در داخل شعبات تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) کنترل ورود صداهای مزاحم به شعبات طراحی معماری صحیح محاکم قضایی و ایجاد فضای معماری خوشایند جهت بالا رفتن راندمان کاری قضات	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری اول - ۱۲/۲۷٪
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و صدای مزاحم ساختمان‌های اطراف بهره‌گیری از نور طبیعی در کیفیت روشنایی فضای داخلی شعبات بهره‌گیری از سیستم سرمایش و گرمایش و تهویه هوا جهت ایجاد تمرکز و آسایش تنفسی استفاده از مبلان متناسب با ارگونومی تعبیه وسایل رفاهی در داخل شعبات تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) کنترل ورود صداهای مزاحم به شعبات استفاده از گیاه در فضای داخلی جهت ایجاد آسایش بصری و تنفسی ارتباط غیر مستقیم شعبات دادگاه‌ها و مراجعین جهت افزایش تمرکز و امنیت	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری دوم - ۱۲/۰۶٪
صداهای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) بر ایجاد اختلال در تمرکز قضات بهره‌گیری از نور طبیعی در ارتقاء کیفیت روشنایی در فضای دادگاه لحاظ کردن رنگ در فضای داخلی و مبلان بر بالا بردن کیفیت آسایش محیطی ثبات دما در شرایط آسایش انسان در جهت بالا بردن راندمان کار دادگاه بهره‌گیری از سیستم‌های سرمایش و گرمایش و سیستم تهویه هوا لحاظ کردن مبلان متناسب با ارگونومی قضات در بالا بردن راندمان کاری تعبیه وسایل رفاه مختص قضات در داخل شعبه از قبیل یخچال، چای ساز، گرمکن غذا اختصاص فضای پارکینگ اختصاصی قضات در ایجاد حس امنیت اختصاص سرویس بهداشتی مختص قضات در داخل شعبه در ایجاد امنیت	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری سوم - ۱۰/۹۱٪
بهره‌گیری از نور طبیعی در ارتقاء کیفیت روشنایی در فضای دادگاه ثبات دما در شرایط آسایش انسان در بالا بردن راندمان کار دادگاه بهره‌گیری از سیستم‌های سرمایش و گرمایش اختلاف ارتفاع جایگاه قضات نسبت به جایگاه مراجعین وجود سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) در شعبات تعبیه فضای نیمه باز مختص قضات در داخل دادگاه لحاظ کردن سالن غذاخوری در ساختمان دادگستری جهت سرویس‌دهی به قضات فضای پارکینگ اختصاصی قضات در ایجاد حس امنیت تعبیه ورودی جدا از ورودی مراجعین برای قضات تدابیر رفاهی در سالن انتظار مراجعین از قبیل (آب سردکن و آب گرم‌کن، محلی برای سرو غذا و نوشیدنی، مبلان راحت برای استراحت، سرویس بهداشتی، سیستم صوتی و تصویری جهت اطلاع‌رسانی، پارکینگ) اختصاص پارکینگ عمومی جهت مراجعین در حس رضایتمندی از عملکرد سیستم قضا و در نهایت موثر بر رفتار مراجعین در شعبات	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری چهارم - ۹/۸٪

پارامتر معماری	دیدگاه‌های فکری پاسخ‌دهندگان
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و ارتباط آن با رفت و آمد قضات صدای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) بهره‌گیری از نور طبیعی در ارتقاء کیفیت روشنایی در فضای دادگاه اختلاف ارتفاع جایگاه قضات نسبت به جایگاه مراجعین بر ایجاد نظم در دادگاه اختصاص تدابیر امنیتی در مبلمان مختص قضات بر بالا بردن امنیت کار قضات	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری پنجم - ۸/۴ %
صدای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) بهره‌گیری از نور طبیعی در ارتقاء کیفیت روشنایی در فضای دادگاه نورپردازی مصنوعی تأکیدی برای میز کار قضات تامین نور محیطی مناسب توسط نورپردازی مصنوعی ثبات دما در شرایط آسایش انسان تهویه هوا در ایجاد تمرکز و آسایش تنفسی قضات روش صحیح چیدمان مبلمان دادگاه در مدیریت موثر اختلاف ارتفاع جایگاه قضات نسبت به جایگاه مراجعین لحاظ کردن مبلمان متناسب با ارگونومی قضات اختصاص تدابیر امنیتی در مبلمان مختص قضات تعبیه وسایل رفاه مختص قضات وجود سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) در شعبات همجواری پنجره‌های شعبات در نزدیک یکدیگر و شنیده شدن صدای شعبات استفاده از گیاه در ایجاد آسایش بصری و تنفسی تعبیه فضای نیمه باز مختص قضات در داخل دادگاه طراحی معماری اصولی در کاهش ازدحام تعبیه فضای استراحت مختص قضات در فضای داخلی دادگاه لحاظ کردن سالن غذاخوری در ساختمان دادگستری جهت سرویس دهی به قضات طراحی معماری موثر بر ایجاد امنیت اختصاص فضای پارکینگ اختصاصی قضات	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری ششم - ۸/۳ %
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و ارتباط آن با رفت و آمد قضات صدای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) بهره‌گیری از نور طبیعی در ارتقاء کیفیت روشنایی تامین نور محیطی مناسب توسط نورپردازی مصنوعی استفاده از رنگ مناسب جهت ایجاد تمرکز در فضای داخلی لحاظ کردن رنگ در فضای داخلی و مبلمان بر بالا بردن کیفیت آسایش محیطی ثبات دما در شرایط آسایش انسان بهره‌گیری از سیستم‌های سرمایش و گرمایش و تهویه هوا اختلاف ارتفاع جایگاه قضات نسبت به جایگاه مراجعین اختصاص تدابیر امنیتی در مبلمان مختص قضات بر بالا بردن کیفیت کار قضات تعبیه وسایل رفاه مختص قضات وجود سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار ارتفاع بلند سقف شعبه در تامین آسایش صوتی قضات همجواری پنجره‌های شعبات و انتقال صدا در پایین آوردن حس امنیت شغلی استفاده از گیاه در ایجاد آسایش بصری و تنفسی در فضای داخلی دادگاه طراحی معماری موثر بر ایجاد امنیت اختصاص فضای پارکینگ اختصاصی قضات تعبیه ورودی جدا از ورودی مراجعین برای قضات به شعبه و ایجاد امنیت اختصاص سرویس بهداشتی مختص قضات در داخل شعبه و ایجاد امنیت تدابیر رفاهی در سالن انتظار مراجعین از قبیل (آب سردکن و آب گرم‌کن، محلی برای سرو غذا و نوشیدنی، مبلمان راحت برای استراحت، سرویس بهداشتی، سیستم صوتی و تصویری جهت اطلاع‌رسانی، پارکینگ) و در نهایت موثر بر نحوه برخورد صحیح در شعبه فضای پارکینگ عمومی جهت مراجعین در حس رضایتمندی از عملکرد سیستم قضا و در نهایت موثر بر نحوه برخورد صحیح در شعبه	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری هفتم - ۶/۰۳ %

پارامتر معماری	دیدگاه‌های فکری پاسخ‌دهندگان
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و ارتباط آن با رفت و آمد قضات صدای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) و نوع عملکرد ساختمان- های همجوار (بازار گل، دانشگاه) و ارتباط با ساختمان دادگستری اختلاف ارتفاع جایگاه قضات نسبت به جایگاه مراجعین تعبیه وسایل رفاهی مختص قضات در داخل شعبه از قبیل یخچال، چای ساز، گرمکن غذا وجود سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) در شعبات همجواری پنجره‌های شعبات و شنیده شدن صدا در پایین آوردن حس امنیت شغلی رضایت کارکنان از فضای معماری ساختمان دادگستری طراحی اصولی فضای داخلی ساختمان دادگستری تعبیه فضای نیمه باز مختص قضات در داخل دادگاه طراحی معماری اصولی در کاهش ازدحام در مقابل شعبات دادگاه تعبیه فضای استراحت مختص قضات در فضای داخلی لحاظ کردن سالن غذاخوری در ساختمان دادگستری جهت سرویس دهی به قضات طراحی معماری موثر بر ایجاد امنیت ارتباط غیرمستقیم بین دادگاه و مراجعین بر افزایش امنیت قضات ارتباط غیرمستقیم بین شعبه‌ی دادگاه و مراجعین اختصاص فضای پارکینگ اختصاصی قضات تعبیه ورودی جدا از ورودی مراجعین برای قضات به شعبه اختصاص سرویس بهداشتی مختص قضات در داخل شعبه تدابیر رفاهی در سالن انتظار مراجعین از قبیل (آب سردکن و آب گرم‌کن، محلی برای سرو غذا و نوشیدنی، مبلان راحت برای استراحت، سرویس بهداشتی، سیستم صوتی و تصویری جهت اطلاع‌رسانی، پارکینگ) اختصاص فضای پارکینگ عمومی جهت مراجعین	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری هشتم - ۵/۶۳ %
مکانیابی صحیح ساختمان دادگستری و ارتباط آن با رفت و آمد کارکنان صدای مزاحم اعم از (صدای ساختمان‌های مجاور، شعبات همجوار، سالن، راهرو) بهره‌گیری از سیستم‌های سرمایش و گرمایش و تهویه هوا در ایجاد تمرکز و آسایش تنفسی اختصاص تدابیر امنیتی در مبلان مختص قضات تعبیه وسایل رفاهی مختص قضات در داخل شعبه از قبیل یخچال، چای ساز، گرمکن غذا وجود سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار ارتفاع بلند سقف شعبه در تامین آسایش صوتی قضات همجواری پنجره‌های شعبات و شنیده شدن صدا در پایین آوردن حس امنیت شغلی رضایت قضات از فضای معماری ساختمان دادگستری در ایجاد رضایتمندی شغلی طراحی اصولی فضای داخلی ساختمان دادگستری استفاده از گیاه در ایجاد آسایش بصری و تنفسی طراحی معماری اصولی در کاهش ازدحام در مقابل شعبات دادگاه تعبیه فضای استراحت مختص قضات در فضای داخلی اختصاص فضای پارکینگ کارکنان در ایجاد حس امنیت تعبیه ورودی جدا از ورودی مراجعین برای قضات جهت ایجاد امنیت اختصاص سرویس بهداشتی مختص قضات در داخل شعبه در ایجاد امنیت تدابیر رفاهی در سالن انتظار مراجعین از قبیل (آب سردکن و آب گرم‌کن، محلی برای سرو غذا و نوشیدنی، مبلان راحت برای استراحت، سرویس بهداشتی، سیستم صوتی و تصویری جهت اطلاع‌رسانی، پارکینگ) اختصاص فضای پارکینگ عمومی جهت مراجعین در القای حس رضایتمندی از عملکرد سیستم قضا	پارامترهای مورد توجه در نحله فکری نهم - ۴/۷۶ %

جدول ۶: جمع‌بندی پارامترهای معماری ۹ نحله فکری مرتبط با قضاات در محاکم قضایی، ماخذ: (نگارندگان)

نحله فکری اول	• مکانیابی - نور - رنگ - آسایش حرارتی - ارگونومی - ابزار رفاهی - بکارگیری سیستم صوتی مناسب - آسایش صوتی - طراحی معماری اصولی ساختمان محاکم قضایی
نحله فکری دوم	• مکانیابی - نور - آسایش حرارتی - ارگونومی - ابزار رفاهی - بکارگیری سیستم صوتی مناسب - آسایش صوتی - استفاده از گیاهان در طراحی داخلی - ایجاد امنیت با دسترسی غیر مستقیم مراجعین به قضاات
نحله فکری سوم	• آسایش صوتی - نور - رنگ - آسایش حرارتی - ارگونومی - ابزار رفاهی - پارکینگ اختصاصی - سرویس بهداشتی اختصاصی
نحله فکری چهارم	• نور - آسایش حرارتی - مبلمان - آسایش صوتی - نصب سیستم صوتی مناسب - اختصاص فضای نیمه باز در شعبات - فضای استراحت در شعبات - سالن غذاخوری - پارکینگ اختصاصی - ایجاد امنیت با دسترسی غیر مستقیم مراجعین به قضاات - ابزار رفاهی - پارکینگ عمومی
نحله فکری پنجم	• مکانیابی - آسایش صوتی - نور - مبلمان
نحله فکری ششم	• آسایش صوتی - نور - آسایش حرارتی - مبلمان - ارگونومی - ابزار رفاهی - سیستم صوتی مناسب - استفاده از گیاهان - اختصاص فضای نیمه باز - طراحی مناسب معماری - اختصاص فضای استراحت در شعبات - سالن غذاخوری - پارکینگ اختصاصی
نحله فکری هفتم	• مکانیابی - آسایش صوتی - نور - رنگ - آسایش حرارتی - مبلمان - ابزار رفاهی - آسایش صوتی - گیاه - پارکینگ اختصاصی - سرویس بهداشتی اختصاصی - ابزار رفاهی مراجعین - پارکینگ عمومی
نحله فکری هشتم	• مکانیابی - آسایش صوتی - مبلمان - ابزار رفاهی - سیستم صوتی مناسب - اختصاص فضای نیمه باز - اختصاص فضای استراحت در شعبات - سالن غذاخوری - ایجاد امنیت با دسترسی غیر مستقیم مراجعین به قضاات - پارکینگ اختصاصی - سرویس بهداشتی اختصاصی - ابزار رفاهی مراجعین - پارکینگ عمومی
نحله فکری نهم	• مکانیابی - آسایش صوتی - آسایش حرارتی - مبلمان - ابزار رفاهی - استفاده از گیاهان - اختصاص فضای استراحت در شعبات - پارکینگ اختصاصی - ابزار رفاهی مراجعین - پارکینگ عمومی - ایجاد امنیت با دسترسی غیر مستقیم مراجعین به قضاات

۶- بررسی ساختار معماری محاکم قضایی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان (قضاات)

بصورت کلی می‌توان پارامترهای موثر بر معماری محاکم قضایی را به ۹ دسته تقسیم کرد. درخصوص محل استقرار ساختمان می‌توان به مواردی چون مسیر تردد قضاات اشاره کرد که از دسترسی سریع و بدون ترافیک برخوردار باشند. درموردی نیز همجواری با ساختمان‌هایی که دارای عملکردی متفاوت از ساختمان محاکم قضایی هستند باعث آلودگی صوتی، ترافیک و تردد بسیار در مسیرهای منتهی به ساختمان محاکم می‌شوند که خود عاملی منفی در دسترسی آسان به مجتمع می‌باشد. در بررسی پارامترهای موثر بر معماری محاکم قضایی، نور و رنگ به عنوان عواملی مهم قلمداد می‌شوند. نور بصورت طبیعی و مصنوعی بر کیفیت بصری محیط تأثیر بسیار دارد. نورپردازی تأکیدی بر میز کارکنان و قضاات می‌تواند آسایش بصری را به همراه داشته باشد. آسایش حرارتی در فضای محاکم نیز می‌تواند بوسیله پارامترهای سرمایش و گرمایش ایستا که توسط طراحی اقلیمی تامین می‌شوند ایجاد شود و نیز می‌توان از سرمایش و گرمایش و تهویه فعال نیز در جهت حصول به شرایط آسایش حرارتی بهره برد.

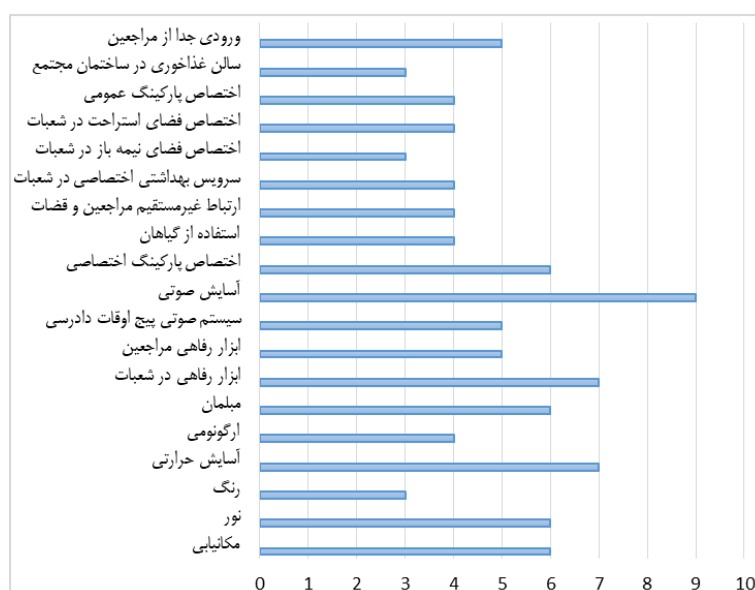
اختصاص تدابیر امنیتی در مبلمان در جهت تامین امنیت برای قضاات امری مهم در محاکم قضایی به شمار می‌رود. اختلاف ارتفاع جایگاه قضاات نسبت به حضار در برقراری نظم در زمان رسیدگی به پرونده‌ها و همچنین لحاظ کردن مبلمان متناسب با ارگونومی قضاات در بالا بردن راندمان کاری قضاات تأثیر مثبتی دارد. تعبیه وسایل رفاهی مختص کارکنان (قضاات، کارمند) در داخل شعبه از قبیل یخچال، چای ساز، گرمکن غذا در ساعات طولانی حضور در فضای کاری بسیار در افزایش راندمان کاری افراد موثر است. در بررسی آسایش صوتی باید اذعان کرد که تأثیر سروصدا در فضای راهرو و سالن انتظار بر تمرکز و راندمان کار کارکنان

(قضات، کارمند) تاثیر منفی بارزی خواهد داشت. چنان چه در بررسی آماری انجام شده بحث آسایش صوتی در تمامی نحله‌های فکری وجود داشت. با ارتفاع بلند سقف شعبه در جهت تامین آسایش صوتی کارکنان (قاضی، کارمند) می‌توان میزان فرکانس صدای برگشتی در فضا را کاهش داد و همچنین با تعبیه سیستم صوتی (پیچ اوقات دادرسی) در شعبات می‌توان از همه‌ی مراجعه‌کنندگان به سیستم قضایی در سالن انتظار و راهروها کاست. در مواردی نیز همجواری پنجره‌های شعبات در نزدیک یکدیگر و شنیده شدن صدای شعبات باعث پایین آوردن حس امنیت شغلی در کارکنان خواهد شد در نتیجه در جانی فضاها داخلی ساختمان محاکم قضایی باید به این نکته توجه کرد.

طراحی اصولی فضای داخلی ساختمان دادگستری بر میزان افزایش راندمان کاری کارکنان (قضات، کارمند) تاثیر مضاعفی خواهد داشت. مواردی همچون استفاده از عناصر طبیعی از قبیل (آب)، استفاده از گیاه در ایجاد آسایش بصری و تنفسی، تعبیه فضای نیمه باز مختص کارکنان (قاضی و کارمند به طور مجزا)، تعبیه فضای استراحت مختص کارکنان و لحاظ کردن سالن غذاخوری در ساختمان دادگستری جهت سرویس دهی به کارکنان در بالا بردن راندمان کاری افراد بسیار موثر می‌باشد. طراحی معماری اصولی همچنین باعث کاهش ازدحام در مقابل شعبات دادگاه نیز می‌شود. امنیت در فضای محاکم به عنوان نخستین عامل در درجه اهمیت در طراحی معماری محاکم قضایی بشمار می‌رود. ارتباط غیرمستقیم بین دادگاه و مراجعین، اختصاص فضای پارکینگ مختص کارکنان، تعبیه ورودی جدا از ورودی مراجعین به شعبه، اختصاص سرویس بهداشتی مختص کارکنان در داخل شعبه در ایجاد امنیت در فضای معماری محاکم باید مورد توجه قرار گیرند. تعبیه تدابیر رفاهی در سالن انتظار مراجعین از قبیل (آب سردکن و آب گرم‌کن، محلی برای سرو غذا و نوشیدنی، میلمان راحت برای استراحت، سرویس بهداشتی، سیستم صوتی و تصویری جهت اطلاع‌رسانی، پارکینگ عمومی) می‌تواند در برخورد صحیح مراجعه‌کنندگان با کارکنان در شعبه تاثیر مثبتی داشته باشد و نیز اختصاص فضای پارکینگ عمومی جهت مراجعین در ایجاد حس رضایتمندی از عملکرد سیستم قضا بسیار موثر می‌باشد.

نتیجه گیری

محیط بستر فعالیت و زندگی انسان می‌باشد و تاثیر شرایط محیطی بر انسان، اجتناب‌ناپذیر است. ساختمان محاکم قضایی به عنوان یک قرارگاه فیزیکی دارای سازمانی نظام یافته و پیچیده است و خدماتی که در چنین سازمانی ارائه می‌شود، تابع عوامل متعدد است. رفتار افرادی را که در چنین نظام‌های با اهمیت اجتماعی بالا قرار می‌گیرند، باید با در نظر گرفتن تأثیر ابعاد مختلف معماری، جغرافیایی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار داد. کارکنان و نیز مراجعین می‌باید تحت نظم، مقررات و اصول پیش‌بینی شده معیارهایی را بپذیرند و با نظام کلی همکاری کنند. مطابق نظرخواهی انجام شده توسط قضات و ثبت اطلاعات بدست آمده در نرم افزار SPSS و بررسی آماری داده‌ها میزان فراوانی پارامترهای موثر بر روانشناسی محیطی محاکم قضایی در ۹ نحله فکری ایجاد شده در قضات مجتمع قضایی در نمودار زیر مشخص می‌شود. همانطور که در بررسی نمودار پیداست آسایش صوتی در فضای محاکم از بالاترین درجه اهمیت برخوردار است و سپس آسایش حرارتی و مجهز کردن شعبات به ابزار رفاهی بالاترین ارزش را در دیدگاه پاسخ‌دهندگان به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱: بررسی آماری داده‌های استخراج شده از نرم‌افزار spss، ماخذ: (نگارندگان)

در مباحث مطرح شده سعی بر این بود که تاثیر متقابل رفتار کارکنان محاکم قضایی (قضات) و شرایط فیزیکی و معماری محیط آن با هدف شناخت مفاهیم مرتبط با روان‌شناسی محیطی و قرارگاه‌های فیزیکی در همهی سطوح و ایجاد بستری مناسب و مطلوب برای ارتقاء کیفیت روانی و فکری مورد واکاوی قرار گیرد. در کشور ما درخصوص معماری محاکم قضایی مطالعات کمی صورت گرفته و این پژوهش می‌تواند شروعی بر توجه به مبحث معماری علی‌الخصوص روانشناسی محیطی در ساختمان محاکم قضایی باشد.

منابع

۱. الوندی رضا، (۱۳۹۶)، «واکاوی محاکمه و مجازات در عصر صفوی»، فصلنامه تاریخ نو، سال هفتم، بهار ۱۳۹۶، شماره هجدهم
۲. بلوچ شارکی، ابوالحسن؛ مرادقلی، مهدی؛ بلوچ ۶-شارکی، کمال؛ دادور، غزال؛ (۱۳۹۷)، «نقش معماری دادگاه متاثر از روانشناسی محیط و معماری اسلامی»، نشریه معماری شناسی، اسفند ۱۳۹۷، شماره ۶
۳. پورمهابادیان، الهام؛ خاکیان، عاطفه، (۱۳۹۷)، «ارزیابی اثرات طراحی محیطی در روانشناسی محیط بر ایجاد تعادل روحی مراجعین در دادگاه ها و محیط های قضایی»، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، مهر ۱۳۹۹، سال سوم، شماره ۲۹
۴. جوادی آملی عبدالله، (۱۳۹۰)، ادب قضا در اسلام، قم: نشر اسراء.
۵. دژدار، امید؛ طلیسچی، غلامرضا و روحی دهکردی، رحمان، (۱۳۹۱)، «بازشناسی مفهوم قرارگاه ۶-های رفتاری مروری بر تعاریف و ویژگی ۶-های قرارگاه رفتاری با تاکید بر مرور تحلیلی متن شوگن، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار»، دوره ۱، شماره ۱
۶. دفتر نظارت فنی و مهندسی قوه قضائیه، (۱۳۹۸)، نشریه ۷۸۱ «ضوابط و معیارهای طراحی معماری و طراحی داخلی ساختمان های قضایی»
۷. ضیابخش، ندا؛ بهرامی ۶-نژاد، فاطمه، (۱۳۹۲)، «بررسی نقش روان شناسی محیط در طراحی محیط های قضایی و دادگاهی»، مطالعات حقوق خصوصی، پاییز ۱۳۹۲، سال چهل و سوم، شماره ۳
۸. محمدبن حسن بن علی، شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت.
9. Myesa Knox Mahoney, Procedural justice and the judge-probationer relationship in a co-occurring disorders court, International Journal of Law and Psychiatry 37 (2014) 260-266
10. Myesa Knox Mahoney, Procedural justice and the judge-probationer relationship in a co-occurring disorders court, International Journal of Law and Psychiatry 37 (2014) 260-266

«فمینیسم پسااستعماری و جنبش متقدم زنان در ایران» دیگری سازی و مناسبات سلطه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

کد مقاله: ۹۰۴۹۰

سارا فهیمی^۱

چکیده

نقد پسا استعماری نقدی است که ماهیت ضد استعماری و ضد امپریالیستی دارد و در آن عوامل ناهم‌زمان و نامتجانس تربیت و جنسیت که عوامل شکل‌دهنده هویت‌اند، موردبررسی قرار می‌گیرد. آنچه تا به حال «فرهنگ اقلیت‌ها» نامیده شده درواقع فرهنگ اکثریت است که از دید گروه‌ها یا جریان‌های استعماری حاکم به حاشیه رانده شده و سرکوب شده است و به‌عنوان «فرهنگ اقلیت» در درجه چندم قرار گرفته است. جنبش فمینیسم نیز درگذر زمان اشکال متفاوتی به خود گرفته است. طی دوران استعمار و پس از استقلال اقدامات و فعالیت‌ها جنبش‌های عملی و نظری در سایر نقاط جهان صورت گرفت که اینک از آن با نام «فمینیسم پسا استعماری» یاد می‌شود گرچه اصطلاح فمینیسم برای زنان در ایران واژه نوینی است اما در جنبش متقدم زنان ایران به آن استناد شده و در ادبیات مقاومتی فمینیسم به آن اشاره می‌گردد.

واژگان کلیدی: فمینیسم پسااستعماری؛ دیگری سازی؛ جنبش زنان در ایران؛ حجاب

۱- مقدمه

جنبش اجتماعی واژه ایست که از قرن ۱۱ میلادی توسط سن سیمون ابداع شد از آنجا که رویش هر جنبشی نتیجه کمبودها و خلاهایی است که در جامعه پدید آمده. گروهی برای اثبات و غالب کردن در جامعه شروع به حرکات اجتماعی می‌کنند. پسا استعمارگرایی از زمان توسعه خود در دهه ۱۹۸۰ با رشته‌های اقلیت همراه شده است. چنین حوزه‌های شناختی در طرد و حذفی است که برتری‌ها و اقتدار نظام‌های شناختی را در کانون توجه قرار می‌دهد. دانش اقلیت چون فمینیسم فرو دستان شکلی از اندیشه و فرهنگ را تجسم می‌بخشند. (Ashcroft, 1990:40). فمینیسم پسا استعماری در عمومی‌ترین شکل خود، دربرگیرنده انواع مبارزات زنان جهان سوم علیه ایدئولوژی‌های مردسالارانه حاکم است. این مبارزات متضمن اعتراض به ساختارهای قدرت محلی و مبارزه با دیدگاه‌های اروپا مداری یا نژادپرستی و همچنین فمینیسم جهان اول است (Bose, 2005:88). این گرایش فمینیستی از لحاظ مکانی و زمانی و نیز محتوایی به صورت متفاوتی ظاهر شده است. بریندا بس در مقاله ای توجه از صدای استعمارگر یا سوژه استعمار شده نخبه، به صداهایی منتقل می‌شود که غالبا از متون استعماری حذف شده‌اند (Spivak, Young 2005:203). نقد بس بر آراء و مواضع نویسندگان جهان سوم (پسا استعماری) با بررسی مطالعات فرودستان همراه است. اصطلاح «فرو دست» از «در حاشیه های تاریخ» گروه‌های اجتماعی فرو دست، /تونیو گرامشی گرفته شده است. گرامشی واژه فرو دست را در توصیف طبقه اجتماعی معینی که در حاشیه قرار گرفته است، بکار می برد و اسپیواک در کاربرد مفهوم «فرو دست» همچنین از «گروه مطالعات فرو دستان» نیز متأثر است. گروهی که هدفش نوشتن تاریخ فرو دستان با هدف مشارکت مردمی بود. بی شک امروزه جنبش زنان در ایران در گفتمان برابری خواهی از بستر تجربه زیسته آنان در طول تاریخ نشئت گرفته و جایگاهی قابل توجه رادر فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران اخذ کرده است. جنبش زنان در ایران از مشروطه به بعد طی سالهای متوالی در حلقه هایی آشکار و مخفی، کنشهای خیابانی و شیوه هایی از اعتراضات مدنی را علیه تبعیض برپا کرده و از آن استفاده فراوان برده اند.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- جنسیت در آرای فمینیسم پسا استعماری

چاندرا موهانتی شیوه‌هایی را توضیح می‌دهد که طی آن دانش فمینیستی غربی، زنان جهان سوم را به مثابه گروهی نامتجانس تلقی می‌کند و در نهایت می‌خواهد این را بگوید که: گفتمان فمینیستی غربی، هم می‌تواند قوم‌مدارانه باشد و هم در برخی موارد می‌تواند نشان دهد که این گفتمان، شکلی از گفتمان استعماری است. تریچر معتقد است علاقه زن سفید به زن جهان سوم، با این فرض که این زنان تحت سرکوب مردان زمینه فرهنگیشان می‌باشند پس نیازمند حمایت از سوی نیروهای مدرنیته‌اند، علاقه‌ای از سر برابری و انسان‌دوستی نیست؛ زیرا این فرض بر آن است که گویا زنان اروپایی و آمریکایی دارای امنیت و آزادی‌اند و نیازی به مبارزه با روابط نابرابر قدرت ندارند؛ فرضی که آشکارا از موقعیت فرادست طراحی شده است.

چنانکه دیدیم نقد فمینیستی و همچنین نقد مطالعات فمینیستی از جمله قلمروهای مطالعات پسااستعماری است. فمینیسم پسااستعماری مستلزم (و متضمن) مبارزه زنان با ساختار اقتدار و ساختار قدرت مردسالارانه جهان سوم و مبارزه علیه ساختارهای قدرت تضعیف‌کننده زنان و نیز علیه ارزش‌هایی است که مردان، زنان و دیگر فمینیست‌ها بر مبنای عقاید اروپامدارانه یا نژادپرستانه ایجاد کرده‌اند؛ بنابراین زنان می‌توانند به صورت آشکار مورد ستمی مضاعف قرار گیرند و همچون روایت قانون «ناچراند برای اسکان در جهان ساخته‌شده، برای دیگران مبارزه کنند». سختی و دشواری‌های سکنی گزیدن در جهان دیگران، برای زنان حالتی مضاعف به خود می‌گیرد؛ زیرا او هم زن است و هم استعمارشده.

در اواسط قرن نوزدهم «الیزابت کادی استون» و «لوزان بی آنتونی» موفق به تأسیس انجمن حق رأی زنان شدند. در موج آخر فمینیسم، فمینیست‌هایی چون «شوالتر»، «گیلبرت» و غیره در جست‌وجوی یافتن زبان متعلق به زنان‌اند. در دوران معاصر، منتقدان پسا فمینیستی چون «لوسی ایریگاری»، «هلن سیزو» و «جولیا کریستوا» دغدغه فمینیست‌های پیشین را به حوزه فلسفه، روانکاوی، زبان‌شناسی و سیاست رادیکال بسط داده و به طور اساسی فرضیاتی را مورد پرسش قرار داده‌اند که جوامع مردسالار بر اساس آن‌ها شکل گرفته‌اند. به بیان «بیل اشکرافت» نظریه پرداز پسااستعماری، موازنه همگنی بین فرضیه فمینیستی و پسااستعماری برقرار است. هر دو قصد دارند به حاشیه رانده‌شدگان را به جایگاه غالب برسانند. می‌توان بیان کرد که دیگربودگی و به حاشیه رانده شدگی، صدای خاموش شده زن ایرانی را در وضعیت مرکز قرار می‌دهد. هر دو نظریه فمینیسم و پسااستعمارگرایی، غلبه و برتری سیستم غالب را تأیید می‌کنند و نیاز و جست‌وجو برای براندازی آن، به نحو نسبی، اما آشکار ترسیم شده است؛ زیرا نقد ملی پسااستعماری درصدد براندازی ساختارهای غلبه و جایگزینی سنت‌های زنانه به جای کانون مردمحور جامعه بوده است.

در سال ۱۹۸۸ «هولست پیرسون» و «روتر فورد» مجموعه‌ای با عنوان *دوباره/استعمارشدن* ارائه کردند که می‌توان موقعیت مشابه آن را مشاهده کرد. دیدگاه‌های فمینیستی در نقد پسااستعماری به نحو قابل‌تأملی در این رویکرد قابل تعمیم است. درواقع

استراتژی اخیر فمینیستی در نقد پسااستعماری از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است و آن را برجسته می‌سازند. به طور خلاصه در ترسیم و مصور کردن قاجاریان می‌توان دیگربودگی، به حاشیه رانده‌شدگی و صدای خاموش را به‌عنوان شاخص‌هایی در نظر گرفت که آن‌ها را در وضعیت مشابهی قرار می‌دهد؛ علاوه بر آن، فمینیسم و پسااستعمارگرایی غلبه و برتری سیستم غالب را رد کرده و در جست‌وجوی براندازی آن‌ها بر آمده‌اند.

۲-۲- آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟

«گایا تری چاکراوورتی اسپیواک» فمینیست و مارکسیست هندی در مقاله *آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟* بر نقش روشنفکران رادیکال غربی بیش از مورخ فرودست به‌مثابه سخنگو یا وکیل گروه‌های تحت ستم یا تضعیف‌شده تمرکز می‌کند. او می‌گوید: «درحالی‌که این متفکران در مبانی نظری، نقد رادیکال سوژه انسان‌گرایی غربی را پیشنهاد می‌دهند، تعریف آن‌ها از کنش سیاسی به نحوی کارآمد فقط سوژه غربی را به‌مثابه سوژه اصلی در مرکز قرار می‌دهد در میان پدرسالاری و امپریالیسم و در میان صورت‌بندی ابژه، چهره زن فرودست ناپدید می‌شود، نه در عدمی بکر که در نوسانی خشونت‌آمیز. نوسانی که همان تصویرسازی نابجای زن جهان‌سومی است که میان سنت و مدرنیته گرفتار مانده است» (spivak:1985,306). زنان مستعمرات دوجندان بی‌صدا شده‌اند و تحت ستم و سرکوب مضاعفی قرار دارند یک‌بار از سوی نظام مردسالار اجتماع خود و بار دیگر از طریق استعمار اروپا محور. اسپیواک درباره تاریخ و تاریخ زنان، بر ما آشکار می‌کند که چگونه مراحل تکامل تاریخی فمینیسم در غرب را برحسب دست‌یابی زنان به فردگرایی تعریف کنیم؛ و اسپیواک آن را ایدئولوژی فعال امپریالیسم می‌داند که گستره گفتمانی را فراهم می‌آورد. (شاهمیری ۱۳۸۷:۱۴۱) وی درکل کمتر بر فرایند بازبینی و بازخوانی تاریخی استعمار به معنای دقیق کلمه متمرکز است و بیشتر دل مشغول نقد اشکال استعمار نو در فضای فرهنگی معاصر است. بنابر این تمرکز او بیشتر بر امپریالیسم جدید است تا شکل تاریخی محدود تر استعمار. (همان: ۱۴۷) هدف او مقابله با بازنمایی‌ها و روایت پردازی‌های تاریخی است. مطابق آنچه ادواردسعید اعلام می‌دارد که شرق محصول باز نمایی غرب است، اسپیواک نیز در صدد ایجاد روایت جدیدی است از اینکه چگونه جهان سوم به‌مثابه باز نمایی یا به‌مثابه مجموعه بازنمایی‌ها، هم برای غرب و هم برای فرهنگ شرق به‌عنوان موضوع بازنمایی خلق می‌شود. اسپیواک بر امکان بازیابی صداهای بدیل در بطن گفتمان‌هایی که در ظاهر متن‌های ساده استعماری اند متمرکز است.

نقد اسپیواک به مطالعات فرو دستان این است که این مطالعات در صدد احیای تاریخی آگاهی فرو دستان است. چرا که در نهایت به قوم مداری وارونه می‌انجامد و در فمینیسم نیز اگر دوگانگی مرد/زن، چنانکه اکنون وجود دارد، وارونه شود، در آن صورت به تقابل پیچیده دیگری خواهد انجامید؛ اما در تحلیل نهایی سرشت زن همچنان بر اساس مناسبات تقابلی زن/مرد تعین می‌شود. (mohanty.1984:61) از این رو اسپیواک کسانی را که به دلیل نوستالژی فرهنگ گمشده یا سرکوب‌شده به موضع بومی گرا متوسل می‌شوند، احتمال بازیابی اصل گمشده‌ای را به شکل کامل آرمانی می‌کنند، بدون توجه به اینکه این واقعیت که خود تصویر این اصل گمشده یا همان دیگری سرکوب‌شده از سوی استعمارگر، براساس تصویر ذهنی همان استعمارگر ساخته شده است. بنا بر این استعمارزده تصویر پردازی غربی در باره جامعه او را که حال به صورت جامعه گمشده دیگری به نام «جهان سوم» فرا فکنی می‌شود را باز تولید می‌کند. اسپیواک معتقد است: همه این استدلال‌ها، خواه از سوی استعمارگر و خواه از سوی استعمار شده، هنوز هم بر واژگان ساخته استعمارگر استوار است (spivak.1985:132). از نظر اسپیواک، مساله این نیست که زن جهان سوم نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه سخن بگوید بلکه این است که او فاقد موقعیت بیان است «هیچ فضایی نیست که در آنجا سوژه فرودست جنسی بتواند سخن بگوید». او هیچ موقعیتی ندارد، همه به جای او سخن می‌گویند. همچنان که او به گونه‌ای بی‌وقفه به‌عنوان ابژه پدرسالاری یا امپریالیسم بازنویسی می‌شود. بنا براین طبق نظر اسپیواک، تاریخ نگار مطالعات فرودستان با مفروضات پنهان موضوع مورد نقد خودش همدست باقی می‌ماند. به باور او هرچند سوژه‌ای خاص و نخبه ممکن است سوژه‌ای باشد که صدای او نزدیکی بیشتری با تصورات استعماری در باره «دیگری» دارد، باید تاکید کرد که سوژه فرودست استعمار شده غالباً از متون استعمار گرایانه حذف شده است.

سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم (۱۹۴۹) اعلام می‌دارد: کسی زن متولد نمی‌شود بلکه به زن تبدیل می‌شود. این نگرش یادآور دغدغه ادواردسعید است که استدلال می‌کند، شرقی وجود ندارد، شرقی می‌شود و گر نه در ذات خود شرقی کلیشه رایج نیست؛ یعنی تصویری که از شرق وزن وجود دارد، ساخته و پرداخته ذهن غرب و جامعه مردسالار گفتمان‌های غالب هستند. «بیل اشکرافت» (۱۹۴۶) در کتاب خود (مطالعات پسا استعمارگرایی) اینگونه بیان میدارد موازنه همگنی بین فرضیه فمینیستی و پسااستعماری برقرار است. هردو قصد دارند به حاشیه رانده شدگان را به جایگاه غالب برسانند. می‌توان بیان نمود دیگربودگی و به حاشیه رانده شدگی، صدای خاموش شده زن فرودست را، در وضعیت مرکز قرار می‌دهد. در مرکز قرار دادن حاشیه و توجه به سوژه نادیده انگاشته شده محصول تأثیرات جنبش پسا ساختارگرایی بر مطالعات پسااستعماری است ازین رو متفکران پسا استعماری با وام‌گیری از نظریات پسا ساختار گرایانه که حاشیه را مهمتر از متن و مرکز می‌داند سوژه حاشیه‌ای را در مرکز مطالعات خود قرار می‌

دهند. هردو نظریه فمینیسم و پسااستعمارگرایی، غلبه و برتری سیستم غالب را تأیید می‌کند چرا که نقد ملی پسااستعماری درصدد براندازی ساختارهای غلبه و جایگزینی سنت‌های زنانه به جای کانون مردمحور جامعه بوده‌اند.

۲-۳- مونث شرقی و صورت بندی فرودستان

در سال‌های نخستین سده بیستم، مفهوم زن در برداشت، بسیار مورد مناقشه و حاکی از ابهام معنایی بود در برداشت‌های سنتی که از زنانگی ریشه می‌گیرد، مفهوم زن مفعول تلقی شده و مادون مرد خود را تعریف می‌کند که برآورد این مهم برگرفته از مفهوم سنتی زن برای تحکیم فرادست و جزء لاینفک وجود سیاسی‌اش بود. پسا استعمار گرایی و پس‌از آن کاربرد کلمه زن در این دامنه نظری بسیار پرابهام است. جنس مونث، این ابهام معنایی راموگد می‌کند. این ابهام، خود در احاطه ابهام سیاسی مضاعفی قرار می‌گیرد و این مه آلودگی و مبهم بودن چندگانه انتخاب یک مقصود از جایگاه زن شرقی را در بحثی نظری سخت می‌کند. زنان در یک فضای سیاسی در پیوند با سیاست ملی گرایانه قرار نداشتند. ابهام معنای زن جوهر مفهومی متعارضی را به ذهن متبادری کند. آن چه در مدرنیته به ظهور رسیده بود و در گفتار اندیشه سیاسی و مذهبی در جو مدرن جهانی دیده می‌شود، به زنان مشروعیتی می‌بخشید که در دهه‌های بعد به پیروزی مشارکت آنان در سپهر عمومی و پیروزی گفتار آنان منجر می‌شد. فمینیسم پسا استعماری به صورت بندی پاره ای موارد و در ارتباط به طبقه فرودست توجه ویژه ای نشان می‌دهد همچون وابستگی فعالانه و منفعلانه به صورت بندی حاکم و همینطور صورت بندی فرودستان برای تأکید بر حقوق روانی و فردی و اجتماعی آنان. ازسویی زنان ممکن است در جامعه به اعتبار تعدادشان در اکثریت باشند اما چنانچه ساختارهای قدرت حاکم و نظامهای دلالنگر یک جامعه و یا فرهنگ علائق و منافع آن‌ها را به حاشیه رانده باشد، به نحوی که آن‌ها به لحاظ اجتماعی در جایگاه فرودست قرار گیرند، در حکم اقلیت به شمار می‌آیند و ازین سوبه حاشیه رانده‌شده گان و زنان فرودست در جایگاه خود بیش از همه در سایه قرار گرفته‌اند. پرسشی آشکار مطرح است که چرا زن شرق به شکل سوژه‌های مشارکت جو، فعال نبوده و تنها به عنوان موضوعات منفعل و شی‌واره سوژه استعمار مطرح اند؟ مطالعات پسا استعماری مدعی است کل قلمرو علوم انسانی و تاریخ به تباهی کشیده شده است و طبیعی است زن محبوس در تاریخی سیاست زده، نیاز خود را انکار و بهره برداری از خود و سلطه ای که بر او سایه افکنده است را پنهان نماید. زبان، این بار معنایی در سوژه استعماری، زبانی جنسیت محور بوده وزن ستیزی طرحی کلی از سرشت جنسیت یافته زندگی عمومی است. درست، مردانگی انحصار طلبانه ای را شکل می‌داد که با حضور زنان، پررنگ تر دیده می‌شد. زنان در کنار ثروت، جزئی از دارایی مستعمره بوده اند و زن شرقی را در فرآیند نوزایی اش به سرشتی مردانه تبدیل می‌شد. سیاست باز نمایی و قوم محورانه، هویت زنان را از اساس تغییر می‌دهد. «کیت میل» نویسنده و مبارز آمریکایی (۱۹۷۰) سیاست جنسی و مستعمره سازی در مرد سالاری معاصر را خاطر نشان کرده و می‌گوید این مستعمره سازی از طریق درونی سازی ارزشهای مردانه در زنان عمل می‌کند و سیاست جنسی مبتنی بر زن ستیزی هم به طور نهادی و هم فردی منجر به سرکوب زنان می‌شود؛ و بدین سان مونث فرودست در مجتمعی سراسر مردانه، در شکل ابژه‌ای مسخ شده منفعل باقی می‌ماند.

۲-۴- دیگری سازی و برداشت‌های موجود

اگرچه درست است که پیوند نظریه فمینیسم و پسا استعماری امکان شنیده شدن صدا و حضور سوژه‌های به حاشیه رانده‌شده را فراهم می‌کند اما تقابلی که گفتمان غرب در باره شرق می‌سازد الگویی را به ذهن متبادر می‌سازد که همان دو گانگی مرد و زن است که در پیوند با امپریالیسم تعریف می‌گردد. امپریالیسمی که در جستجوی نفوذ و تحمیل اراده و استعمار خود بر کشوری دیگر است. قانون با الهام از این سخن استعمارزده را در جایگاه «دیگری» ای که نمی‌تواند نقش خود را بر عهده بگیرد ترسیم می‌کند. زن و مرد نیز در هردو گفتمان، از زبان موروئی خود، آیت‌هایی را به اشتراک دارند؛ و از زمانی که سیمون دوبووار مفهوم «دیگری» را برای بیان عدم توازن قدرت میان مرد و زن به کار برد نقش مهمی در نقد فمینیسم پسا استعماری ایفا کرده است و این حضور صرف از زنان، بسیار پررنگ تر از حضور آن‌ها در عصری دیگر است.

«درست است که نظام استعماری به نسبت در برخورد با زنان بسیار متفاوت از مردان عمل کرده و در حق زنان، ستم و تبعیض مضاعف را روا داشته است و زنان در مقام سوژه‌های استعماری هم سوژه تبعیض عمومی بوده‌اند و هم در حکم سوژه تبعیض خاص، بنابر این جای آن دارد که این مساله در تمامی تحلیل‌های ستم استعماری لحاظ شود. حتی حرکت‌های پسا استقلال در ملی گرایی ضد استعماری از اینگونه سوگیری جنسی رها نیستند. تا حدی که ساختارهای سنتی و پیشا استعماری به شدت متاثر از سوگیری‌های مردانه هستند و زنان بومی را به غلط به مثابه انسانهای انزوا گزین و مطیع باز نمایی می‌کنند» (Ashcroft, 2007, 93).

4. در این گفتمان زن به مثابه «دیگری» به حاشیه می‌رود. اسپیواک بیان می‌دارد که چگونه برچسبی مانند «جهان سوم» یا زن «جهان سومی»، تمایل مردم جهان اول را به یک «دیگری» مهارشده نشان می‌دهد و مغفول ماندن جنبشی آزادی خواهانه رادر حیات زیستی ایشان را به تصویر می‌کشد؛ و در نهایت اذعان می‌دارد جهان روشنفکرانه غرب برای ارضای خود به سوگیری جنسیتی و به یک «دیگری» نیاز دارد.

دیگری سازی فرایندی دیالکتیکی است. استعمار یا «دیگری بزرگ» همزمان با تولید «دیگری کوچک» (زن جهان سوم) به مثابه سوژه بر ساخته می‌شود. استعمارگر نیز چون انسانهای دیگر دارای هویت مستقل و متکی به خود نیست او هویتش را از طریق تعامل با استعمارزده شکل می‌دهد. از دیگر سو مستعمره در این تغییر و تشتت از خود پرسش می‌کند: من کیستم؟ تا کجا دیگری است و از کجا من؟ ماهیت نبرد برای رسانیدن من به دیگری تا کجا امتداد می‌یابد؟ در مقابل دیگری باید خودی جعل شود که این خود بودن را را می‌شد از طریق کاربردهای متمایز کننده فرهنگی به دست آورد. درست است ساخته شدن این خود جعلی به او توان مقابله با استعمار را می‌دهد و گفتمان فمینیستی از این امر پرده بر می‌دارد که از موقعیت ابژه وار که منتظر کشف نگاه دیگری است را به موقعیت سوژه می‌رساند و حضور دیگری در غیاب دیگری است که معنا می‌یابد و به نحوی درونی می‌گردد که به برون احتیاجی ندارد و هر دیگری در بطن این مبارزات خود قسمی از این تعدد فردیت است که خواهان یکی شدن خود با دیگری به بهای بقا است. بقایی که فریادهای خاموش جنبشی برابر طلبانه را به صدایی کر کننده بدل می‌سازد.

۲-۵- استعمار و جنبش زنان در آینه تاریخ

منطقه ایران و خاور میانه با موقعیت ژئوپولیتیکی مناسب، همواره مورد توجه ابر قدرت‌ها بوده است تا بتواند با دستیابی و تسلط به این منطقه فعالیت‌های ایران را در برابر خود خنثی کرده و از طرفی ابر قدرت بودن خود را به نمایش بگذارد. ایران در طول دوره توسعه استعمار در قرن نوزدهم مستعمره شد و در حوزه نفوذ و نظارت دو قدرت بزرگ خارجی، بریتانیا و روسیه تزاری قرار داشت. روسیه در پی تجاوز ایران و بریتانیا به دنبال تسلط بر ایران و خلیج فارس بودند. در طول دوره استعمار ارو پای، پرتغالی‌ها نیز در خلیج فارس ظاهر شدند و جزیره هرمز، بخش مهمی از سرزمین اصلی ایران را تصرف کردند و بریتانیا نیز در جستجوی روابط تجاری در منطقه بود. ایران تا سطح نیمه مستعمره تنزل یافته بود و برای واگذاری امتیاز تا حد زیادی تحت فشار کارگزاران خارجی قرار داشت و قادر به حمایت از بازارهای خود در برابر رقبای خارجی نبود. بین سالهای (۱۳۰۳-۱۳۱۸) خارجی‌ها برای دریافت امتیاز، در ازای برتری و توفیق سیاسی خود باهم رقابت شدیدی داشتند بریتانیا و روسیه با مشاهده رشد نیروهای جدید ناسیونالیست برای حفظ منابع خود، دست به توافقی زدند که به قرار داد ۱۹۰۷ روس و انگلیس مشهور شد. در این توافق نامه به ظاهر استقلال ایران تضمین شده بود اما فی الواقع دست آویزی بود برای تقسیم دو کشور به منطقه نفوذ روسیه و بریتانیا. (جی واردرنه ۱۳۹۲: ۱۰۳) علاوه بر این دو استعمارگر پیر تاریخ که پنجه استعماری خود را بر گلولی ایران می‌فشردند، دول دیگر منجمله آمریکا و فرانسه در زمان سلطنت ناصر الدین شاه برای تثبیت جای پا در مستعمره، مسیونرهای مذهبی را به ایران بازگرداندند. این نمایندگان و سیاحان اروپایی در پی آموختن چندین زبان موفق به تسلط در مستعمره شدند تا با تمرکز بر فرهنگ آنان توان مقابله از آنان را باز پس گیرند.

شرکت زنان در تظاهرات سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۰ پس از تجاوز روسها به شمال ایران اهمیت ویژه ای دارد چرا که آنان تظاهرات را مستقلاً برنامه ریزی کرده و شور و حرارتی انقلابی را در این دوره از بحران ثبت نمودند. فی الواقع اختلاف قدرت جسمانی میان زن و مرد که در طی سالیان دراز در اثر کوتاه شدن دست زن از تولید پیدا شده بود در حال اضمحلال بود. (ناهدی: ۱۳۶۰: ۳) با این مقدمه همچون بسیاری از بخش‌های آسیا و دنیای عرب، ایران عصر استعمار، به جنبش مشروطیت پیوست که با افزایش آگاهی و نگرش ناسیونالیستی فرو دستان همراه بود. «زنان، نویسندگان و شاعران اوایل قرن بیستم، نگره ای که زن ایرانی را همچو بازیگران زیبا، مار یا اژدها به تصویر می‌کشیدند، در این دوران مردود شمرند و با توجه به مضامین برابری و آزادی، تعدد زوجات و حجاب را مورد انتقاد قرار دادند و در نا آرامی‌های مشروطه خواهی به اعتراضات خیابانی پیوستند» (جی واردرنه: ۱۱۱) جنبش مشروطه ایران در سال ۱۲۸۵ از نخستین جنبشهای توسعه گرای سیاسی و اجتماعی شرقی در نخستین سالهای قرن بیستم بود هدف این جنبش محدود کردن شیوه سنتی حکومت، نفی استبداد سیاسی و حکومت قانون بود. همان شیوه ای که در آن شاه در زمین بدون هیچ محدودیت و ممنوعیتی بر رعایایش فرمانروایی می‌کرد. این جنبش مقدمه ای شد بر شیوه حکومت مشروطه که در آن مردم به عنوان جانشینان خداوند بر زمین حاکمیت می‌یافتند و نمایندگان آنان قوانین و بودجه‌ها و قراردادهای خارجی ووزرای دولت را تصویب و تأیید یا رد می‌کردند (ابراهامیان، ۱۳۷۶)

شرکت زنان در جنبش‌های ضد استعماری جهان و فریاد آزادی خواهانه اشان و اعتراض علیه ستم مضاعف جنسی شان تاثیر زیادی بر زنان ایرانی باقی گذارد تا جایی که به گفته دیپلمات فرانسوی در عصر مشروطه زنی نبود که خواب مشروطه و رهایی زنان از نظام سرکوب استعمار را نبیند. روزنامه‌ها در بیداری زنان نقش موثری داشتند و زنان آگاه و مبارز برای با سواد کردن همجنسان خود به تکاپو افتادند. (ناهدی: ۷) مبارزات زنان این زمان و بهره گیری از فرهنگ ضد سلطه دیگر کشورهای غربی با وجهی سلبی و ایجابی نیز همراه بود «به عنوان مثال توراچ السلطنه با توجه به وضعیت نکبت بار زنان در آن زمان می‌نویسد: زنان ایران از انسان جدا شده‌اند و در کنار وحوش نا امیدانه در پستو زندگی می‌کنند. این جماعت یا از دور تماشا می‌کنند یا در روزنامه‌ها مبارزات شما را می‌خوانند که چه آسان در پی حق رای هستید ای کاش به زنان مغرب زمین می‌گفتم: وقتی شما غرق در سعادت و شرافت از حقوق خود دفاع می‌کنید و فاتحانه به مقصود خود می‌رسید نظری هم به گوشه ایران افکنید و مخلوقات را ببینید که

چگونه در زنجیر اسارت اند.» (آدمیت: ۱۵۷) زنان بایستی زنجیر سنن و قوانین استعماری و فتو دالی را می گسستند. «آنان در نهایت برای نخستین بار در تاریخ دست به اسلحه بردند و علیه ستم پیشگان داخلی و استعمار گرایان خارجی به موازات نا برابری به جنگ مسلحانه دست زدند» (طاهرزاده بهزاد: ۸۴) چنین رخدادهایی عمق انقلاب مردم و ژرفای کینه فقرای به سطوح آمده را از سرمایه داران و استعمارگران و فتودالها به خوبی نشان می دهد. « اتحادیه زیر زمینی نسوان » طی نامه ای به روزنامه ندای وطن از نمایندگان ملت خواست به این بی سر و سامانی خاتمه دهند و اگر از عهده آن بر نمی آیند کار مملکت را به دست زنان بسپارند. (ندای وطن، ۷۰)

هرچند پس از جنگ دوم جهانی مساله رهایی جنبش زنان به رکود انجامید و هیچ حکومتی در پی طرح مساله فرودستی زنان نبود و با تمام مقاومتها به علت محبوس ماندن در تنگنای ساختار استعماری بر فرودستی اشان تاکید و تداوم مضاعف بخشیده می شد. عملا نهضت رهایی زنان در تاریخ ایران و سایر کشورهای مستعمره نادیده گرفته شد، چرا که عوامل مهمی در تغییرات اجتماعی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم وجود داشته و گستره مشارکت زنان در جنبشهای اجتماعی و سیاسی آن دوران و پیدایش تشکیلات خود جوش زنان تنها زیر نگاه دیگری شناخته می شد. (جی واردنه: ۴۱۶) اولین تجربه های فمینیستی زنان ایران کوتاه مدت بود و اقدامات آزادی خواهانه جنبش فرودستان ایران در کنار سیاست های نا مطلوب و سرکوب گرایانه حاکمان وقت نتیجه دراز مدتی را به همراه نیاورد. زنانی که در مبارزات آزادی خواهانه فعالیت داشتند چندان مورد توجه قرار نگرفتند، چرا که توصیف زن فرودست با تجزیه و تحلیل داده ها در مقوله ای که شرق شناسی خوانده شد قرار می گرفت(همان) «شرقی شرق میشود» یعنی نشان دادن «دیگری» از درون منشور نگرشهای خاص.

نگاه خیره -دوسویه گی حجاب

هیچ چیز بیش از حجاب مظهر تفاوت میان دنیای اسلام با دنیای غرب نیست. در طول تاریخ، پوشش های معدودی معانی و مفاهیمی سیاسی به خود گرفته اند هیچ کس نمی تواند حجاب را بی طرفانه و بی غرض مطالعه کند که درواقع باز نمایی کلیشه ای اروپاییان و بورژوازی از شرق دوران استعمار است؛ چیزی که ادوارد سعید در «شرق شناسی» بدان می پرداخت. در اوایل قرن بیستم مسئله حجاب توجه استعمار گرایانی را به خود معطوف کرد که سعی داشتند جوامع اسلامی را از شکل مذهبی آن خارج سازند و جنگ علیه حجاب را با دست نشانندگان خود با کشف حجاب اجباری آغاز کنند. به نوعی استعمارگر در این تصور است که که زن شرقی را باید غرب روشنفکر از وضعیت تاریخی درونی شده نجات دهد. غرب عریان، از زنان می خواهد به نشانه تمدن پوشش خود را کنار بگذارد خواه مایل به این کار باشند یا نباشند. مداخله دولت استعمارگر بر ضد چنین رسوم اجتماعی که زنان را تحت فشار قرار می داد، بدین معنا معرفی می گردید که که هر جا دولت استعمار گر به نفع ظاهری زنان مداخله میکند، دلیلی انسان دوستانه دارد. در برخی مواقع این اقدامات همزمان همچون اشکال کنترل استعمارگری عمل می کرد. اغلب صاحبان قدرت استعمارگر با این مداخلات موافق بودند زیرا از دید آنان شیوه ای بود برای تغییر ارزشهای جوامعی که سنتهای آنان در برابر حکومت استعمار گران مقاومت می ورزید. فرانتس فانون در کتاب خود (دوزخیان زمین) می گوید: «زن محبیه که می تواند ببیند بی آنکه دیده شود، استعمار گران را با شکست مواجه می سازد.» (فانون به نقل از یانگ ۱۳۹۱: ۱۰۴)

باید اذعان داشت، مبارزات آزاد اندیشانه جنبش متقدم زنان ایران سبب گشت فمینیسم پسا استعماری در گستره ای وسیع در کشورهای مسلمان مساله حجاب را به سرکوب زنان پیوند زده و سعی نماید کشف حجاب را در بسته مدر نیته اعمال شده از طرف استعمار گران که با عنوان متمدن سازی سعی در تزریق آن به جوامع استعمار شده را داشت جای دهند. ممکن است این گونه تصور شود خیلی از اصلاحات پسا استعماری بر توده زنان تاثیری نداشت با این حال « ایدئولوژی که پشتیبان زنان از قیود کهن بود اجازه رهایی را به زنان داد تا به شکلی نوین مورد استثمار قرار بگیرند استعماری که خود مورد تایید بورژوازی بود؛ به بیان دیگر هر فرمانی که تمایل به رهایی زنان از قیود کهن داشت به دلیل ایدئولوژی دیر پای سرمایه داری بود.» (جی واردنه: ۴۱۴) «بورژوازی نمی توانست چرخ تاریخ را به عقب باز گرداند و در پی تزویر و ریا زنان را در نظام سلطه ساکن نگاه می داشت. ایدئولوژی استعمار، شعار جدید «برابر اما متفاوت» را در مورد زن و مرد جعل نمود. این فرمول، در برخی از ایدئولوژیهای نظام سرمایه داری آمریکا در باب سیاهان نیز وجود داشت تا تبعیض استعمارگر و استعمار شده را محیلانه توجیه کنند» (ناهد: ۵) عکس العمل این جوامع در برابر اعمال فرهنگ بیگانه با تاکید روی فرهنگ آنان که نوعی سرکوب است همراه شد و پاسخ به این مطالبات دیرینه فرهنگی - مذهبی، برای ملغی کردن مضرات اجتماعی در اوایل قرن بیستم و دوران مشروطه با استمرار دادن به موقعیت فرو دستی آنان بود که انجام می پذیرفت.

«حرکت عامی که از سوی زنان ایرانی در برابر حجاب صورت گرفته است در ابتدا مبتنی بود بر ساختار سنتی مردسالارانه در ایران. در این ساختار حفظ حجاب زن پیوند وثیقی داشت با ماندن زن در خانه و دیده نشدن و در نتیجه، دور ماندن از زیست اجتماعی؛ اما خواست زنان این است که در مسایل حقوقی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه مشارکت داشته باشند و در واکنش به این دیدگاه مردسالارانه، زنان حجاب را به عنوان یک مسئله نگاه کردند. البته این نگاه بومی زنان به حجاب و دوری از

زیست اجتماعی با نگاه جامعه‌ی سرمایه‌داری به برداشتن حجاب، براین اساس که همه چیز، از جمله بدن زن برایش به مثابه‌ی کالا است و باید از آن بهره‌برداری کرد، تفاوت دارد. برآیند تلاش‌های زنان و مقاومت نیروهایی با ذهن مردسالاری سنتی در انقلاب ایران خود را نمایان ساخت و به صورت روسری تحقق یافت. بدین سان زنان توانستند در فضاهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی نقش‌آفرینی کنند. از نظر بسیاری از زنان ایرانی همچنان مشکلات حقوقی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جلودار حضور موثر و مشارکت آزاد زنان در عرصه‌ها مختلف حیات جمعی جامعه‌ی ایرانی است و در بسیاری موارد چشم‌اندازی که ترسیم می‌کنند با الگوهای غربی همپوشانی دارد، اما به رغم موانع ساختاری، همچنان جنبش زنان زنده است و بر رهایی پامی‌فشرد^۱»

نتیجه‌گیری

دیدگاه پسا استعمار گرایی با این فرض آغاز می‌گردد که سیاست جهان‌سومی بدون حضور زنان وجود ندارد و بسیاری از عناصر و اجزای سیاست پسا استعمارگری را زنان تعیین می‌کنند و در چارچوب این سیاست، جنسیت یکی از شرایط قدرت بخش آن را تشکیل می‌دهد. ایدئولوژی استعمارگری به شیوه‌ای متناقض می‌توانست اشکال جدیدی از آزادی و جنبش برابر طلبانه زنان ایران را به آنان ارائه کند. این جنبش نوپا و تازه نفس، در ارتباط بین سیاست استعماری و ملی‌گرایی ضد استعماری در وضعیت دو گانه‌ای قرار گرفت و در مبارزات با میراث استعمارگری بارها به وارد کردن ایده‌های غربی متهم شد. مفاهیم اجتماعی پیش از سرمایه‌داری نقش زنان را به انحای مختلف شکل دادند. اصلاحات پایه‌ای که در برگزیده‌های زنان فرودست، از انواع مختلف محدودیت‌های اجتماعی پیش سرمایه‌داری، اعطای حق تحرک و بیرون آوردنشان از انزوا و گوشه‌نشینی و مشارکت در امور سیاسی‌شان بود، با این استراتژی‌ها و ایدئولوژی‌ها انطباق داشت. از دیگر سو همانطور که گفته شد، حجاب یا گوشه‌نشینی زنان در خانه در صورتی رخ میداد که نظام پدرسالارانه هر فرمان یا قانونی را که تمایل به رهاشدن زنان از انقیاد مردان در نوع سنتی داشت به خاطر ایدئولوژی سرمایه‌داری چندان موثر باقی نمی‌گذاشت.

«رشد سرمایه‌داری توانست برخی از قیود فرودستی زنان را در همه طبقات اجتماعی سست کند و به آن‌ها اندکی آموزش و تحرک داده و آنان را به کنش در محیط اجتماعی وا دارد با این حال آن‌ها را همچنان در نظامی پدر سالارانه و در مختصات استعمار و استیلا مسخ شده باقی نهاد؛ مفهوم زن نوین که نظریه پردازان بسیاری از این کشورها ابراز کردند شهادی بر این مدعاست. نظام سلطه وابستگی زنان به آنان را تشدید کرده است. این محدودیت موجب برانگیختگی معدودی از زنان به تردید در باب نقش استعمار و سرمایه‌داری شد. اگر سرمایه‌داری دیگر زنان فرودست جهان سوم را وارد محیط اجتماعی ولو اندک کرد، ناسیونالیسم زنان ایران را به مشارکت در زندگی سیاسی جامعه خود سوق داد(جی واردنه: ۴۱۴) فمینیسم پسا استعماری، خود در مقام عملگرایی بیشتر بر بردارنده جنبش‌های مردمی است تا سیاستی حزبی. این حالت بیشتر با کاهش علاقه‌امروزی به احزاب سیاسی و سازمانهای حزبی، در سطح ملی ارتباط پیدا می‌کند تا به سیاستی پسا استعمار گرایانه که از مداخله در فضای سنتی سیاست پرهیز می‌کند. (یانگ ۱۳۹۱: ۱۳۶) مبارزات زنان در تاریخ ایران نیز از این امر پیروی نموده و اگرچه نقشی تعیین کننده در بیرون کشیدن زنان از محیط خانوادگی سنتی به محیط عمومی و سیاسی داشت اما زنان عملاً به مکان مالوف خود در نظام پسا استعماری رانده شدند. جنبش زنان و فرودستان در این عصر در چارچوبی حرکت میکرد که «دیگری بزرگ» مقرر میداشت. به بیانی دیگر، تاریخی که به این ترتیب آشکار می‌شد تاریخی بود که تنها توسط تنها بازی گردانان آن ترسیم شده بود.

منابع

۱. اسپواک، گایتری. ۱۳۸۲، تاملات پراکنده درباب مسئله مطالعات فرهنگی، ترجمه نیماملک محمدی و شهریار وقفی پور، تهران: نشر تلخون.
۲. آبراهامیان، پروانه. ۱۳۷۶. مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی در ایران، سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر شیرازه.
۳. بشیریه، حسین. ۱۳۷۹، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
۴. جای واردنه، کوماری ۱۳۹۲، بیدار زنی و ملی‌گرایی در جهان سوم، شهلا طهماسبی، تهران، نشر ژرف.
۵. ساعی، احمد. ۱۳۸۷، "مقدمه‌ای بر نظریه و نقد پسااستعماری"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره ۷۳، پاییز.
۶. -شاهمیری، آزاده. ۱۳۸۹، نظریه و نقد پسااستعماری (زیر نظر فرزانه سجودی)، تهران، نشر علم.
۷. شیرزادی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره پنجم.
۸. عباسی، مسلم و آریایی نیا، مسعود. ۱۳۸۸، دیرینه‌شناسی علوم انسانی در گفتار پسااستعماری، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.

۹. کریمی، جلیل. ۱۳۸۸، گفتن استعماری و مطالعات پسا استعماری (تحلیل گفتن و مطالعات کرد شناسی)، پایان نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۱۰. ندای وطن. سال اول شماره ۷۰
۱۱. ناهید، عبدالحسین، ۱۳۶۰ زنان ایران در جنبش مشروطه - تبریز
۱۲. ناطق، هما، کتاب جمعه شماره ۳۰، سال اول ۱۳۵۸
۱۳. طاهرزاده بهزاد، کریم، ۱۳۳۴ قیام آذربایجان در انقلاب مشروطه، تهران
۱۴. آدمیت، فریدون، ۱۳۵۸، افکار اجتماعی و سیاسی دوران قاجار با همکاری هما ناطق
15. Ashcroft, B., 2003. Post- Colonial Studies: The key concept, London, Routledge.
16. Ashcroft, B, et all., 2002. The Post -Colonial Studies, Reader, London, Routledge
17. Amalia, Sa ar., 2005. Post- Colonial Feminism, The Politics of Identification, and The Liberal Borgain: University of Hifa.
18. Bose, B (2005). post - colonial feminism: nation, gender and sexualities India, in feminist theory, vol 6(1): 81-97, sage.
19. Kuamary Jay wardena (1986) feminism and nationalism, London, Zed book
20. Harington, A., 2004, Art And Social Theory, First published by Polity Press Ltd, UK.
21. Lughod, L. A., 2001. Orientalism And Middle East by Feminist Study Inc.
22. Macay P., 2000. The Dictionary of Critical Theory, Penguin Books. [بی جا] ,
23. Mohanty, C. T., 1984. Under Western Eyes: feminist scholarship and Colonial Discours, Boundary 2, 12, 333-58.
24. Mohanty, C. T., 1988. Feminist Review, No. 30, 61-88. [بی جا] , [بی نا]
25. Mookherjee, M., 2005. Affective Citizenship: Feminism, Post-Colonialism And The Politics of Recognition, Spire, Keel University, Keel, UK.
26. Racine L., [بی تا] , The Impact of Race, Gender and class in Post-colonial Feminist, Vol. 3, Nunero/Vol. 3/Issue, Aporia.
27. Spivak, G. C., 1985. "Can the Subaltern Speak? Speculation on widow Sacrifice "wedge, 7/8 120-3: 64-69, London, New..
28. Treacher, A., 2005. On Post-colonial Subjectivity, the Group Analytic Society (London).
29. young, R. G, post colonialism a very short introduction, 2003

بررسی میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

فاطمه کارگر^۱، نسرين کرمی زه^۲، فاطمه کریمی^۳،
مهرانگیز کریمی نیا^۴

چکیده

یکی از نیازهای اساسی جامعه بشری نیاز به تعلیم و تربیت است که در حال حاضر این رسالت خطیر را قشر عظیمی از زنان و مردان بر عهده دارند. با پیشرفت همه جانبه علم و تکنولوژی در تمامی عرصه‌ها؛ توقع افزایش رفاه، آسایش و رضایت از زندگی یکی از مولفه‌های اصلی افراد محسوب می‌شود. در این میان رضایت شغلی یکی از مولفه‌های بسیار مهمی است که تاثیر بسزایی در موفقیت شغلی دارد. رضایت شغلی باعث افزایش کارایی و نیز آرامش روحی و روانی افراد می‌گردد. آموزش و پرورش به عنوان نهاد رسمی تعلیم و تربیت که در میان سایر نهادها بیشترین نیروی انسانی را به خود اختصاص داده، عهده دار تعلیم و تربیت قشر عظیمی از نوجوانان و جوانان است. آموزش و پرورش در این عرصه همانند سایر نهادها تلاش می‌کند تا ابتدا کارکنانی توانمند، دارای بهره‌وری بالا، متعهد و بالنگیزه را پرورش دهد تا زمینه رشد فراگیرانش در فرایند یاددهی و یادگیری مهیا شود. رضایت شغلی می‌تواند رضایت از زندگی افراد را افزایش دهد و وسیله رسیدن به مقصود را فراهم سازد. هدف این پژوهش بررسی میزان رضایت شغلی بین زنان و مردان مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج است. روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش تمام زنان و مردان شاغل در مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ است؛ به لحاظ کثرت جامعه هدف، افراد مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری علمی تصادفی ساده انتخاب شده است. سپس پژوهش در جمعیت نمونه صورت گرفت؛ آنگاه نتایج پژوهش در جمعیت کل تعمیم داده شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است.

واژگان کلیدی: رضایت شغلی، معلمان، متوسطه اول، یادگیری، پیشرفت

۱- کارشناس ارشد علوم اقتصادی، kargar1097f@mihanmail.org

۲- کارشناس علوم اجتماعی

۳- کارشناس آموزش ابتدایی

۴- کارشناس زبان و ادبیات فارسی

با وجود این که از پیشرفت علم و تکنولوژی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد؛ پیشرفت همه‌جانبه علم و تکنولوژی، باعث توقع افزایش رفاه، آسایش و رضایت از زندگی بطور چشمگیری شده است. در عین حال در عصر کنونی، جامعه بشری چنان درگیر مشکلاتی است که شاید بتوان گفت این پریشان احوالی و غرق در دنیای ماشینی شدن، نتیجه دور شدن او از هدف و غایت اصلی زندگی و داشتن دغدغه‌هایی است که به درستی تعریف نشده‌اند.

در چنین شرایطی، حضور پررنگ سازمان‌های آموزشی در کشورمان است که می‌تواند با توجه به اهداف عالیه، سند چشم‌انداز و نقشه راه، با هدایت و برانگیختن نیروهای انسانی خود بر اساس اعتقادات، باورها و ارزش‌های انسانی شرایطی را فراهم سازد تا ابتدا کارکنانی توانمند، دارای بهره‌وری بالا، متعهد و باانگیزه را تربیت و پرورش دهند؛ آنگاه این نیروی تربیت یافته؛ خود، عهده‌دار تعلیم و تربیت نسل‌های بعدی باشند. «تعلیم و تربیت یکی از نیازهای اساسی و دغدغه دیرین تمام جوامع بشری بوده است. در اکثر جوامع، حتی دورافتاده‌ترین قبایل و گروه‌های اجتماعی کوچک، در سراسر این کره خاکی، برای تامین این نیاز ضروری زندگی اجتماعی حساسیت به خرج می‌دادند. چرا که این اشرف مخلوقات، تنها با آموزش است که می‌تواند مشکلات خود را مرتفع نماید و این ویژگی، وجه تمایز انسان با سایر موجودات است. ویژگی دیگری که نشان ارجحیت انسان بر سایر جانوران محسوب می‌شود این است که؛ می‌تواند از طریق آموزش، دانش و مهارت خود را به آیندگان انتقال دهد.» (بیرقی فرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴)

«رضایت شغلی یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت شغلی است. رضایت شغلی عاملی است که سبب افزایش کارایی و نیز احساس رضایت فردی می‌گردد. اکثر صاحب‌نظران در خصوص ارتباط رضایت شغلی با عوامل روانی و اجتماعی اشتراک نظر دارند و معتقدند اگر شغل مورد نظر لذت مطلوب را برای فرد تامین نماید در این حالت فرد از شغلش راضی است (پرهیزکار، ۱۳۷۳). ترکیب معینی از عوامل گوناگون چه درونی مانند احساس لذت از انجام کار و چه بیرونی مانند حقوق و مزایا، و روابط محیط کاری سبب می‌گردد که فرد از شغلش راضی باشد. پایین بودن رضایت شغلی را با تعدادی علائم بالقوه آسیب‌رسان مرتبط دانسته‌اند (کول و فریمن، ۱۹۹۷). براون و همکاران (۱۹۹۸) خاطر نشان می‌کنند که رضایت شغلی به منظور تضمین ارائه خدمات با کیفیت مطلوب به دانش‌آموزان ضروری است. سطح رضایت شغلی بر اجرای موثر کار فرد تاثیر دارد (باچراچ و همکاران ۱۹۹۰؛ ما و همکاران، ۱۹۹۹؛ اسپکتور، ۱۹۹۷). مطالعات نشان می‌دهند که رضایت شغلی در سلامت جسمی و روانی فرد تاثیر دارد (کول و فریمن، ۱۹۹۷؛ دو چام و همکاران، ۲۰۰۰؛ پاگلیسی، ۱۹۹۹)، و عدم رضایت شغلی با استرس و خستگی مرتبط است (لوبان و همکاران، ۱۹۹۸؛ مارتین و همکاران، ۱۹۹۸؛ ول پین و همکاران، ۱۹۹۱)» (کلدی و عسکری، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

«رضایت شغلی از عوامل مهم موفقیت شغلی است که موجب کارایی بیشتر و احساس رضایت فرد از خویش می‌شود. افرادی که از شغل خود رضایت دارند، کارایی بیشتری داشته و به احتمال بیشتری در شغل خود می‌مانند. (دیمگلو و همکاران، ۲۰۰۵) در مقابل، نارضایتی شغلی عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی برای استعفا و غیبت از کار است که کارآمدی سازمان را نیز کاهش می‌دهند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱). از دیدگاه هاپاک (۱۹۳۵) رضایت شغلی مفهومی پیچیده و چند بعدی است که با عوامل روانی، جسمانی و عاطفی ارتباط دارد؛ در همین مورد گینزبرگ (۱۹۵۱) به دو نوع رضایت شغلی اشاره می‌کند: نخست، رضایت درونی که از دو منبع حاصل می‌گردد (احساس لذتی که از اشتغال به کار و فعالیت عاید فرد می‌شود و لذتی که بر اثر مشاهده، پیشرفت و انجام برخی مسئولیت‌های اجتماعی و بروز توانایی‌ها و رغبت‌ها به انسان دست می‌دهد). دوم، رضایت بیرونی که با اشتغال و محیط کار ارتباط دارد و هر لحظه در حال تغییر است» (جمالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶).

اهمیت نقش معلم در نظام آموزش و پرورش از این نظر است که عمده‌ترین و موثرترین ارتباط را با فراگیران دارد و هرگونه رفتار و نگرش او می‌تواند بر رفتار فراگیران تاثیر بسزایی داشته باشد. رضایت شغلی یکی از عواملی است که در نحوه رفتار و عملکرد کارکنان موثر است. در مطالعات رفتار سازمانی ثابت شده است که رضایت شغلی با عواملی مانند غیبت، استعفا، اخراج، بیماری‌های جسمی و روانی کارکنان رابطه منفی دارد (عباسی، ۱۳۷۰؛ به نقل از نظریور صمصامی، ۱۳۸۵).

یکی از علل توجه به رضایت شغلی معلمان این است که نارضایتی از شغل به نوعی موجب بروز مشکلاتی در آنان می‌شود. این امر نه تنها موجب گسیختگی روند آموزش و پرورش می‌شود بلکه تاثیر نامطلوب در یادگیری دانش‌آموزان دارد و در نهایت زبانهای غیرقابل جبرانی به آموزش و پرورش وارد می‌کند، زیرا که معلم نقش مهم و اساسی در فرایند یادگیری و کیفیت آموزشی دارد از طرف دیگر رضایت شغلی آنان نقش مهمی در رشد شخصیت آنها نیز دارد.

رضایت شغلی می‌تواند رضایت از زندگی افراد را افزایش دهد و وسیله رسیدن به مقصود را فراهم سازد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد نحوه عملکرد مردان و زنان در مشاغل یکسان متفاوت بوده است. انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای این دو گروه نیز متفاوت است. بنابراین این تفاوت می‌تواند دارای درجات، شدت و ضعف از نظر شغلی باشد. این نوشتار با محور قرار دادن این فرض مطرح شده در خصوص اینکه رضایت شغلی می‌تواند رضایت از زندگی افراد را افزایش دهد؛ به بررسی میزان رضایت شغلی بین زنان و

مردان شاغل در مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج استان کرمان پرداخته است. پس این پژوهش در امتداد این پرسش آغازین که: آیا عوامل و وضعیت موجود در جلب رضایت شغلی معلمان مرد موثر است یا در جلب رضایت معلمان زن؟ ادامه خواهد داشت.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه یکی از مولفه‌های مهمی که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است و در بررسی میزان و کیفیت آن نیز تحقیقات فراوانی صورت گرفته، رضایت شغلی است. «در زمینه رضایت شغلی معلمان و عوامل موثر بر آن، می‌توان به پژوهش‌هایی که توسط برخی پژوهشگران نیز انجام شده اشاره کرد (جهانی، ۱۳۶۸؛ شریعت‌نیا، ۱۳۷۳؛ حسینی لرگانی، ۱۳۷۶؛ مهربانی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۸۰)» (کلدی و عسگری، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۶). محققان بیان می‌کنند که تشویق در محیط کار می‌تواند منجر به مزایا و منافع از قبیل افزایش خلاقیت، افزایش صداقت و اعتماد، افزایش حس تکامل شخصی، افزایش تعهد سازمانی، بهبود نگرش‌های شغلی کارکنان همچون افزایش رضایت شغلی، مشارکت شغلی و نیز کاهش نیت ترک محیط کار، افزایش اخلاق و وجدان کاری، انگیزش بیشتر و نیز عملکرد و بهره‌وری بالاتر شود (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). در این میان بدون شک موضوع رضایت شغلی معلمان از جهات مختلف قابل تامل است. از جهتی رضایت شغلی معلمان می‌تواند پاره‌ای از مشکلاتی را که گریبانگیر جامعه و آموزش و پرورش است کاهش دهد. چرا که این رضایت باعث می‌شود معلم با دغدغه کمتری در کلاس درس حاضر شود؛ با آرامش خاطر بیشتری تدریس خود را انجام دهد. یقیناً تدریس مطلوب موجب تغییر در کیفیت آموزش می‌شود؛ نتیجه تغییر در کیفیت آموزش، تربیت و پرورش دانش‌آموزانی است که آرمان جامعه و وزارت آموزش و پرورش است. آنچه ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌کند این است که آگاهی از میزان رضایت شغلی معلمان به مدیران پایه و میانی کمک می‌کند در برنامه‌ریزی‌های آتی خود به عوامل دخیل و موثر در رضایت شغلی معلمان توجه بیشتری نموده و در صدد تقویت آن عوامل برآیند.

۳- هدف کلی تحقیق

هدف کلی این پژوهش بررسی میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ است.

۴- پرسش‌های پژوهش

سوالات پژوهشی که در این پژوهش قابل طرح و بررسی است عبارتند از:

۱. آیا میزان و کیفیت رضایت شغلی در معلمان زن بیشتر است یا مرد؟
۲. آیا سطح تحصیلات بر رضایتمندی شغلی موثر است؟
۳. آیا سابقه خدمت بر رضایتمندی شغلی موثر است؟
۴. آیا وضعیت تاهل بر رضایتمندی شغلی موثر است؟

۵- فرضیات تحقیق

۱. بین میزان و کیفیت رضایت شغلی معلمان زن و مرد تفاوت وجود دارد.
۲. بین سطح تحصیلات و رضایت شغلی رابطه وجود دارد.
۳. بین سابقه خدمت و رضایت شغلی رابطه وجود دارد.
۴. بین وضعیت تاهل و رضایت شغلی رابطه وجود دارد.

۶- تعریف مفاهیم

از جهتی ناگزیر هستیم به منظور تسهیل قرائت این نوشتار برای خوانندگان، برخی از مفاهیم کاربردی را با استناد به منابع موثق تعریف نماییم.

۶-۱- آموزش متوسطه^۱

1. Second Level of education

«آموزش متوسطه: این اصطلاح در عرف بین‌المللی به دومین مرحله از آموزش رسمی اطلاق می‌گردد که در نظامهای آموزشی کشورهای مختلف، شکلهای متفاوتی دارد. مثلاً در یک کشور، آموزش متوسطه به صورت دو دوره متوالی از هم متمایز است و در کشور دیگر اولین دوره آن دنباله دوره ابتدایی است. محققان موسسات بین‌المللی تعلیم و تربیت به منظور اجتناب از هرگونه سردرگمی در مقایسه نظامهای آموزشی، موافقت کردند که مقصود از آموزش متوسطه دوره‌ای از تحصیلات باشد که آموزش گروه سنی ۱۱-۱۲ تا ۱۷-۱۸ ساله را در برگیرد.» (آرمان، ۱۳۷۷: ۱۸-۱۷)

۶-۲- شغل

شغل یا پیشه فعالیتی منظم است که در ازای دریافت پول انجام می‌شود. یک فرد عموماً یک شغل را با کارمندی، داوطلبی، یا شروع کسب‌وکار آغاز می‌کند. (ویکی‌پدیا)

۳-۶- رضایت شغلی^۱

رضایت شغلی، احساس مثبت یا منفی و نگرش‌هایی که درباره شغل خود داریم را منعکس می‌کند که به تعداد زیادی از عوامل مربوط به کار وابسته است و دامنه آن از جایی که ما قرار داریم تا جایی که احساسی از تحقق در وظایف خود بدست می‌آوریم ادامه دارد (مهرداد، ۱۳۸۴).

«رضایت شغلی (خشنود شغلی) مجموعه‌ای از احساس‌های سازگار و ناسازگار است که کارکنان به وسیله آن به کار خود می‌نگرند (ناثلی، ۱۳۷۳: ۱۷ به نقل از نوغانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

«رضایت شغلی: به واکنش‌های شناختی، عاطفی و سنجشی افراد، نسبت به شغلشان اطلاق می‌گردد.» (اینترنت، ویکی‌پدیا)

۶-۴- بررسی

«بررسی: رسیدگی، واری، مطالعه، تحقیق» (آرمان، ۱۳۷۷: ۱۸)

۷- عوامل موثر در رضایت شغلی

برای این که شخص کارش را خوب انجام دهد و از کارش لذت ببرد باید رضایت شغلی ایجاد شود. پس باید بررسی شود در چه صورت رضایت شغلی به دست می‌آید؟ ما انسان‌ها در زندگی علاوه بر نیازهای مادی و فیزیولوژیک، نیازهای معنوی و اجتماعی عمده‌ای نیز داریم که تامین آنها گاهی به اندازه تامین نیازهای فیزیولوژیک اهمیت دارد. سازگاری شغلی در صورتی ممکن خواهد بود که این نیازهای اجتماعی نیز ارضا شوند. برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. پول: هر کارگر یا کارمند باید در مقابل کاری که انجام می‌دهد پول بگیرد و میزان آن باید در حدودی باشد که هرکس آن کار را انجام بدهد می‌گیرد. ولی هرگز نباید این پول، شخصیت او را پایین بیاورد زیرا پول در عین حال که از عوامل اساسی زندگی به شمار می‌رود اما شخصیت کارمند مهم‌تر و باارزش‌تر از پولی است که به او پرداخت می‌شود.

۲. امنیت: امنیت شغلی یعنی این که شخص بداند کاری را که در دست دارد سال‌ها ادامه خواهد داد. همچنین کارکنان نیازمندند که کار سالم انجام بدهند. امنیت شغلی، گاهی از عامل پول هم مهم‌تر است زیرا شخص علاقمند است کارش دایمی باشد هر چند مزدی که می‌گیرد چندان زیاد نیست. همین احتیاج به امنیت شغلی است که بعضی از مردم را به سوی کارهای دولتی و دست کشیدن از کار آزاد وادار می‌کند.

۳. شرایط مساعد کار: مردم دوست دارند در یک محیط تمیز و آراسته کار کنند. هر قدر محیط کار جالب و خوشایند باشد، بازده کار بیشتر خواهد شد.

۴. فرصت پیشرفت: عامل موثر دیگر در رضایت شغلی این است که هر کارمند یا کارگر اطمینان داشته باشد که فرصت پیشرفت همیشه برایش وجود دارد و او می‌تواند با ایجاد شرایط لازم و روشن در خود از قبیل مهارت بیشتر و... به درجات بالا ارتقاء یابد و از حقوق و پاداش زیاد بهره‌مند باشد.

۵. روابط شخصی: مردم علاقمندند با افرادی کار کنند که میان ایشان محبت متقابل حکمفرماست. هر کارگر یا کارمند علاقمند است که همکاری‌اش، دوستان مهربان او باشند و نیز مورد محبت مدیریتش قرار بگیرد و همواره نظر او را درباره خودش بداند. همچنین، مدیر به پیشرفت کارمند یا کارگرش توجه کند و حتی این توجه خود را به او بگوید.

۶. هماهنگی با استعداد شخص: شخص وقتی از کارش لذت خواهد برد و راضی خواهد شد که با استعدادهای بدنی و عقلی وی متناسب باشد. در صورتی که کار از لحاظ استعداد ذهنی لازم در حد افراد عادی باشد، اگر شخص هوشمند یا تیزهوش را به آن کار بگمارند به زودی احساس ملالت و خستگی و سرانجام نفرت خواهد کرد و شخصی که از لحاظ سطح هوش در درجات پایین است نیز نخواهد توانست از عهده آن کار برآید و از رضایت شغلی لازم محروم خواهد شد.

۷. خستگی: همه مردم مدتی بعد از انجام کار احساس خستگی می کنند و این خستگی بر بازده شخص اثر می گذارد از اینرو باید در هر کار مساله خستگی و تاثیر آن را در شخص و کارش در نظر گرفت. علاوه بر این ها شرایط و خصایص محیطی کار و وسایل آن نیز در فردی که آن را انجام می دهد موثرند. مثلا روشنائی زیاد یا ضعف نور باعث خستگی شخص می شود اتاق یا ساختمان کثیف نیز نفرت کارمند را برمی انگیزد و بازده کارش را کاهش می دهد. سرو صدا نیز به خصوص برای کارهای فکری مضرند و علاوه بر افزایش خستگی اثر بسیار نامطلوبی در فعالیتهای ذهنی و بازده آنها می گذارند (شعاری نژاد، ۱۳۷۰).

۸- افزایش رضایت شغلی

کارفرمایان به خاطر ارتباط خشنودی شغلی با تغییر شغل، غیبت از کار و کندی کار به این موضوع علاقمند هستند. غنی سازی شغلی (گسترش شغلی)، مشارکت در تصمیم گیری ها، و زمان کاری شناور از جمله رویکردهایی هستند که برای این معضل به کار می روند.

۸-۱- غنی سازی شغلی

اصطلاح غنی سازی شغلی به کوشش هایی اطلاق می شود که برای جالب و چالش انگیزتر کردن مشاغل به کار می روند. با استفاده از پیچیده تر کردن شغل، اعطای مسئولیت بیشتر در قبال محصول و ترکیب عناصر شغلی که قبلا توسط افراد مجزا انجام می شد و اینک در قالب یک کل صورت می گیرد، می توان به این هدف دست یافت. به عنوان مثال، شرکت خودروسازی ولوو گروهی از کارگران را که قطعات نهایی را سوار می کنند، در اختیار دارد و رویکرد سنتی خط تولید را که در آن هر کارگر بر روی قطعه خاصی کار می کند کمتر بکار می گیرد. بررسی های اولیه در مورد غنی سازی به گونه ای مهیج حکایت از توفیق فراوان این رویکرد داشت، اما در پژوهش هایی که دقیق تر انجام شده بود، معلوم شد ادعاهای اولیه راجع به آن بسیار گزافه آمیز بوده است. گاه کارگران از مشاغل غنی شده احساس ناراحتی می کنند؛ علاوه بر این، تغییر شغل نیز می تواند به اندازه غنی سازی شغلی موجب بهبود عملکرد شود (سپینگتون، ترجمه: حسین شاهی، ۱۳۷۹).

۸-۲- مشارکت در تصمیم گیری ها

اجازه دادن (و گاه ترغیب) کارکنان به دخالت در تصمیم هایی که شرکت یا سازمان مربوطه اتخاذ می کند، مشارکت در تصمیم گیری نام دارد. در اینجا هنوز هم حرف آخر را مدیران می زنند، اما کارکنان تشویق می شوند نظر خود را در ابتدای فرایند تصمیم گیری بیان کنند. چنین به نظر می رسد که این رویکرد خشنودی شغلی را افزایش می دهد.

۸-۳- زمان کاری شناور

شرکت ها با استفاده از زمان کاری شناور به کارکنان خود این اجازه را می دهند که برنامه کاری خود را در عین انطباق با نیازهای آن شرکت به دست خود وضع کنند. هنگامی که تمامی کارکنان در یک نوبت یکسان کار می کنند؛ نتیجه آن، راهبندان، رستوران های شلوغ و دشواری در برآورده ساختن نیازهای شخصی مثل مراجعه به بانک یا قرارهای پزشکی خواهد بود. با استفاده از زمان کاری شناور، این مشکلات به حداقل می رسند و کارکنان احساس می کنند که اختیار زندگی آنها بیشتر در دست خودشان است. گزارش ها نشان می دهد که ساعات کاری شناور موجب تقلیل علایم غیرمستقیم ناخشنودی شغلی، یعنی کندی در کار، غیبت از کار، و تغییر شغل می شود (همان).

۹- راهکارهایی برای افزایش رضایت شغلی

یافته ها و پژوهش ها نشان می دهد معیار ارزش ها در جامعه تغییر کرده است. به این معنی که علم و حرمت عالم از بین رفته و معیارهای دیگری جایگزین ارزش های حرمت، منزلت و شخصیت معلمان شده که شایان توجه برای مسئولان و دست اندرکاران نظام آموزشی است؛ زیرا بی توجهی به نیاز حرمت و احترام، شان، قدر و منزلت معلمی، منجر به احساساتی مانند حقارت، ضعف و درماندگی شده که خود موجب دلسردی، یاس و ناامیدی خواهد شد.

بازتاب عدم ارضای این نیاز منجر به تربیت نسلی درمانده و ناامید خواهد بود. بنابراین لزوم توجه به شان و مقام معلمی ضرورت دارد و یکی از قدم های موثر در این راه گماشتن مدیران شایسته، مسئول، متعهد و متخصص در راس امور است. در این خصوص راهبردهای عملی در این باره می تواند اقدامات زیر باشد:

(الف) احترام و حرمت به معلمان و فرهنگیان بر اساس لیاقت، شایستگی و کفایت آنان.

(ب) ارضاء و تمایل به موفقیت، کفایت و شایستگی معلمان در محیط کار با تامین استقلال و آزادی آنان.

(ج) تغییر در انتخاب و گزینش معلمان و مدیران، انتخاب افراد لایق و بااستعداد و توانا در کار آموزشی و مدیریت.

(د) احترام به معلم و ایجاد فرهنگ حرمت و بزرگداشت معلم، در معلمان و دانش آموزان با آموزش.

ه) بزرگداشت مقام معلم و زحمات او در جامعه، نه در یک روز بلکه همه روزه و هر زمان.
و) ارزش گذاشتن به کفایت‌ها، آفرینندگی در محیط کار با حمایت‌های مادی و معنوی معلمان.
ز) حرمت واقعی به معلم با تقویت و آموزش احترام به افراد، زیرا ارضای نیاز به حرمت و احترام یا عزت نفس به احساساتی مانند اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، لیاقت، کفایت و مثمر‌تر بودن در جامعه منتهی می‌شود. بی‌اعتنایی به معلم و حرمت او موجب احساساتی مانند ضعف و درماندگی می‌شود که خود به وجود آورنده دلسردی و یاس خواهند شد یا رفتارهای جبرانی را به دنبال خواهد داشت (محمدی، ۱۳۸۶).

۱۰- روش تحقیق

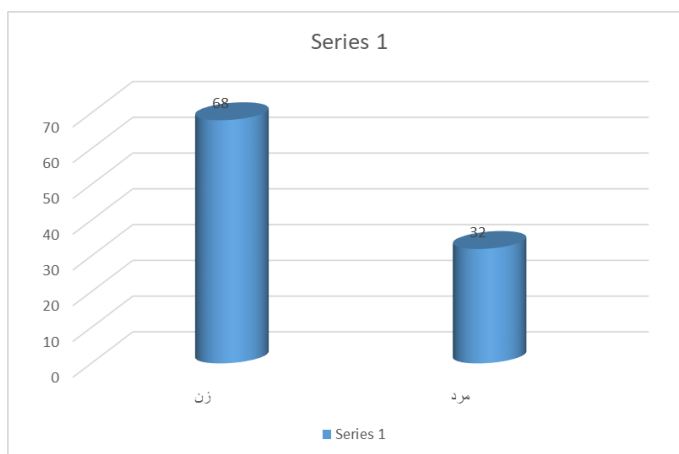
از آنجایی که هدف پژوهش حاضر بررسی میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج است؛ برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، برآن شدیم تا با روش پیمایشی توصیفی مجموعه‌ای از اطلاعات مدونی را فراهم کنیم. جامعه آماری در این پژوهش، تمام معلمان زن و مرد است که در مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج استان کرمان در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ مشغول به کار هستند؛ به لحاظ کثرت جامعه هدف، افراد مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری علمی تصادفی ساده انتخاب شده است؛ تعداد جمعیت نمونه در این پژوهش ۱۰۰ نفر از معلمان زن و مرد مقطع متوسطه اول شهرستان کهنوج بوده است. سپس در ادامه پژوهش در جمعیت نمونه صورت گرفت آنگاه نتایج پژوهش در جمعیت کل تعمیم داده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شیوه‌های آماری توصیفی (شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف استاندارد، واریانس) و آمار استنباطی، آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. در عین حال جهت سهولت در محاسبه از نرم افزار SPSS استفاده شد.

۱۱- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و گزارش یافته‌ها در مورد گروه نمونه و آزمون فرضیه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه خواهد شد.

جدول ۱: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب جنسیت

	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
زن	۶۸	۶۸	۶۸
مرد	۳۲	۳۲	۱۰۰٫۰
کل	۱۰۰	۱۰۰٫۰	

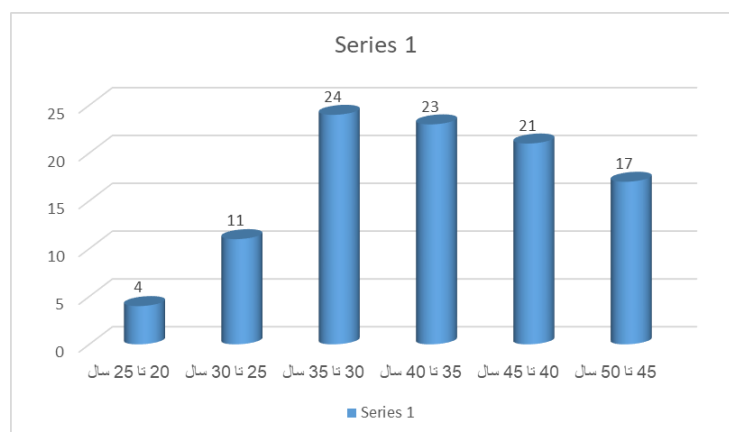


نمودار ۱: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب جنسیت

همانطور که جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد ۶۸ درصد از گروه نمونه را معلمان زن و ۳۲ درصد از گروه نمونه را معلمان مرد تشکیل می‌دهند.

جدول ۲: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب سن

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۴	۴	۴	۲۰ تا ۲۵ سال
۱۵	۱۱	۱۱	۲۵ تا ۳۰ سال
۳۹	۲۴	۲۴	۳۰ تا ۳۵ سال
۶۲	۲۳	۲۳	۳۵ تا ۴۰ سال
۸۳	۲۱	۲۱	۴۰ تا ۴۵ سال
۱۰۰٫۰	۱۷	۱۷	۴۵ تا ۵۰ سال
	۱۰۰٫۰	۱۰۰	کل

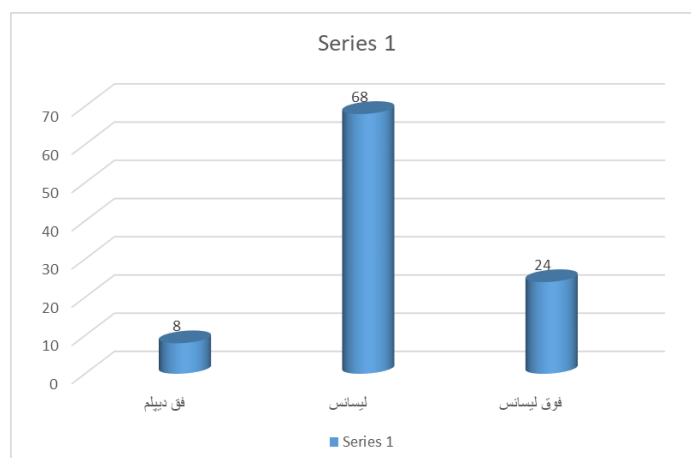


نمودار شماره ۲: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب سن

همانطور که جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد ۲۴ درصد از گروه نمونه را معلمان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۲۳ درصد از گروه نمونه را معلمان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۲۱ درصد را معلمان سنین ۴۰ تا ۴۵ سال، ۱۷ درصد را معلمان ۴۵ تا ۵۰ سال، ۱۱ درصد را نیز معلمان سنین ۲۵ تا ۳۰ سال و ۴ درصد را نیز معلمان سنین ۲۰ تا ۲۵ سال را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب آخرین مدرک تحصیلی

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۸	۸	۸	فوق دیپلم
۷۶	۶۸	۶۸	لیسانس
۱۰۰٫۰	۲۴	۲۴	فوق لیسانس
	۱۰۰٫۰	۱۰۰	کل

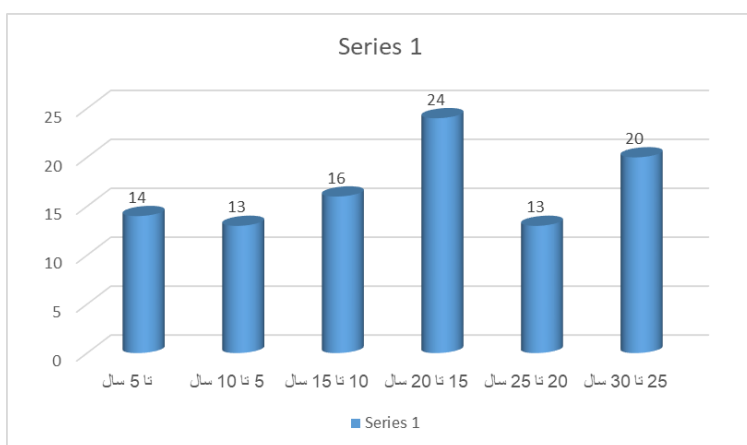


نمودار ۳: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب آخرین مدرک تحصیلی

همانطور که جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد ۶۸ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای مدرک لیسانس، ۸ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و ۴ درصد دارای مدرک فوق لیسانس را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۴: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب سابقه خدمت

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۱۴	۱۴	۱۴	تا ۵ سال
۲۷	۱۳	۱۳	۵ تا ۱۰ سال
۴۳	۱۶	۱۶	۱۰ تا ۱۵ سال
۶۷	۲۴	۲۴	۱۵ تا ۲۰ سال
۸۰	۱۳	۱۳	۲۰ تا ۲۵ سال
۱۰۰٫۰	۲۰	۲۰	۲۵ تا ۳۰ سال
	۱۰۰٫۰	۱۰۰	کل

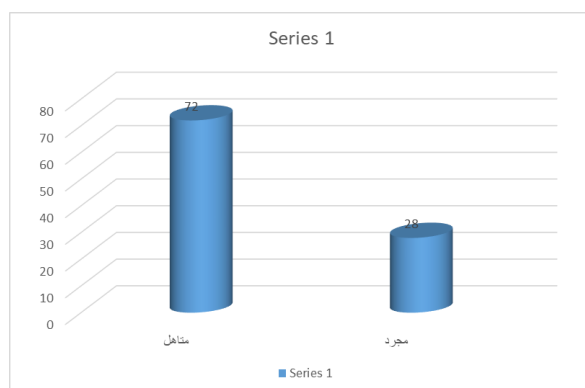


نمودار شماره ۴: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب سابقه خدمت

همانطور که جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد ۲۴ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای سابقه خدمت ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۳ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای سابقه خدمت ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۴ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای سابقه خدمت زیر ۵ سال، ۲۰ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای سابقه خدمت ۲۵ تا ۳۰ سال و ۱۶ درصد از گروه نمونه را معلمان دارای سابقه خدمت ۱۰ تا ۱۵ سال را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۵: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب وضعیت تاهل

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۷۲	۷۲	۷۲	متاهل
۱۰۰٫۰	۲۸	۲۸	مجرد
	۱۰۰٫۰	۱۰۰	کل



نمودار شماره ۵: وضعیت فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب وضعیت تاهل

همانطور که جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد ۷۲ درصد از گروه نمونه را معلمان متاهل و ۲۸ درصد از گروه نمونه را معلمان مجرد تشکیل می‌دهند.

۱۲-آزمون فرضیات

۱۲-۱-فرضیه اول

بین رضایت شغلی در معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۶: آزمون t مستقل تفاوت دو گروه معلمان در نمرات رضایت شغلی

سطح معناداری	درجه آزادی	نمره آزمون t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت
۰,۰۰۰	۹۸	۳,۸۳۸	۱۵,۵۶	۸۶,۶۶	۶۸	زن
			۱۴,۰۴	۷۵,۲۸	۳۲	مرد

براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۶، مقدار t محاسبه شده ($t=|3/838|$) با درجه آزادی ۹۸ در سطح (۰,۰۱) معنادار است. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات گروه مردان و گروه زنان تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین نمرات رضایت شغلی زنان (۸۶/۶۶) از میانگین نمرات رضایت شغلی مردان (۷۵/۲۸) بیشتر است که این نشان دهنده رضایت شغلی بیشتر و بالاتر زنان می باشد.

۱۲-۲-فرضیه دوم

سطح تحصیلات بر میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج موثر است.

جدول شماره ۷: تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین رضایت شغلی معلمان با تحصیلات متفاوت

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
بین گروهها	۱۳۱,۹۶	۲	۶۵,۸۹	2.40	0.101
درون گروهها	۱۲۸۶,۴۵	۹۷	۲۷۳,۶۲		
کل	۱۴۱۷,۱۴۱	۱۰۰			

همانگونه که جدول فوق نشان می دهد مقدار F بدست آمده ($۲/۴۰$) با درجات آزادی (۲ و ۹۷) در سطح (۰/۰۵) معنی دار نیست. یعنی تفاوت معنی داری بین میانگین رضایت شغلی در معلمان دارای تحصیلات متفاوت وجود ندارد.

۱۲-۳-فرضیه سوم

سابقه خدمت بر میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج موثر است.

جدول شماره ۸: تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین رضایت شغلی معلمان با سابقه خدمت متفاوت

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
بین گروهها	۳۴۴,۲۱	۵	۶۸,۸۴	۴,۳۴	۰,۰۲۱
درون گروهها	۱۵۰۵,۳۰	۹۵	۱۵,۸۴		
کل	۱۸۴۹,۵۱	۱۰۰			

همانگونه که جدول فوق نشان می دهد مقدار F بدست آمده ($۴/۳۴$) با درجات آزادی (۵ و ۹۵) در سطح (۰/۰۵) معنی دار است. یعنی تفاوت معنی داری بین میانگین رضایت شغلی در معلمان دارای سابقه خدمت متفاوت وجود دارد.

۱۲-۴-فرضیه چهارم

بین میزان رضایت شغلی بین معلمان متاهل و مجرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۹: آزمون t مستقل تفاوت دو گروه معلمان متاهل و مجرد در نمرات رضایت شغلی

سطح معناداری	درجه آزادی	نمره آزمون t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت
۰,۰۴۳	۹۸	۴,۲۴	۱۴,۲۵	۷۱,۳۲	۷۲	متاهل
			۱۳,۲۱	۷۸,۵۱	۲۸	مجرد

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۹، مقدار t محاسبه شده ($t=|4/24|$) با درجه آزادی ۹۸ در سطح (۰/۰۵) معنادار است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات گروه معلمان متاهل و مجرد تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین نمرات رضایت شغلی معلمان مجرد (۷۸/۵۱) از میانگین نمرات رضایت شغلی معلمان متاهل (۷۱/۳۲) بیشتر است که این نشان دهنده رضایت شغلی بیشتر و بالاتر معلمان مجرد می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده از یافته‌های پژوهش، فرضیات تحقیق حاضر این گونه بحث و استدلال می‌شود. فرضیه اول بیان می‌دارد که "بین رضایت شغلی در معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج تفاوت وجود دارد". براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۶، مقدار t محاسبه شده ($t=|3/838|$) با درجه آزادی ۹۸ در سطح (۰/۰۱) معنادار است. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات گروه مردان و گروه زنان از لحاظ رضایت شغلی تفاوت وجود دارد. همچنین میانگین نمرات رضایت شغلی زنان (۸۶/۶۶) از میانگین نمرات رضایت شغلی مردان (۷۵/۲۸) بیشتر است که این نشان‌دهنده رضایت شغلی بیشتر و بالاتر زنان می‌باشد. فرضیه دوم بیان می‌دارد که "سطح تحصیلات بر رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج موثر است".

نتایج مندرج در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد مقدار F بدست آمده (۲/۴۰) با درجات آزادی (۲ و ۹۷) در سطح (۰/۰۵) معنی‌دار نیست. یعنی تفاوت معنی‌داری بین میانگین رضایت شغلی در معلمان دارای تحصیلات متفاوت وجود ندارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که داشتن تحصیلات بیشتر متضمن و لازمه رضایت شغلی نیست و رضایت شغلی ممکن است به عوامل فردی و محیطی دیگری وابسته باشد.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که "سابقه خدمت بر میزان رضایت شغلی بین معلمان زن و مرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج موثر است".

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد مقدار F بدست آمده (۴/۳۴) با درجات آزادی (۵ و ۹۵) در سطح (۰/۰۵) معنی‌دار است. یعنی تفاوت معنی‌داری بین میانگین رضایت شغلی در معلمان دارای سابقه خدمت متفاوت وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رضایت شغلی معلمان مرد و زن بر اساس سابقه خدمت متفاوت است و معلمانی که سابقه خدمت بالاتری دارند رضایت بیشتری از شغل خود دارند.

فرضیه چهارم بیان می‌دارد که "بین میزان رضایت شغلی معلمان متاهل و مجرد مدارس متوسطه اول شهرستان کهنوج تفاوت وجود دارد".

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۹، مقدار t محاسبه شده ($t=|4/24|$) با درجه آزادی ۹۸ در سطح (۰/۰۵) معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین میانگین نمرات گروه معلمان متاهل و مجرد تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین نمرات رضایت شغلی معلمان مجرد (۷۸/۵۱) از میانگین نمرات رضایت شغلی معلمان متاهل (۷۱/۳۲) بیشتر است که این نشان‌دهنده رضایت شغلی بیشتر و بالاتر معلمان مجرد می‌باشد. نتیجه بدست آمده از این سوال پژوهش نشان می‌دهد که معلمان مجرد بدلیل داشتن شرایط بهتر مالی و استرس و فشار روانی و مالی کمتر و داشتن وقت و فرصت کافی در کنار شغل معلمی برای رسیدن به سایر امور از جمله تفریح، ورزش و سرگرمی احساس رضایتمندی بیشتری از شغل خود دارند.

رضایت شغلی باعث افزایش معناداری در دلگرمی و روحیه، وفاداری، روحیه همکاری تیمی، خلاقیت و سودمندی می‌شود. لوودر (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتایج رسید که رشد و تقویت رضایت شغلی در محیط‌های کاری چندین نتیجه مثبت مرتبط با عملکرد سازمانی را فراهم می‌کند که شامل خلاقیت بیشتر، درجات بازگشت کاری پایین‌تر، ارزش‌های اخلاقی مثبت، درجات خدمت بهتر و رضایت مشتریان بیشتر می‌شود. همانطور که از نتایج پژوهش حاضر و مقایسه آن با مطالعات مشابه برمی‌آید رضایت شغلی مولفه مهمی در زندگی معلمان می‌باشد و رشد فرهنگ شغلی در سازمان‌ها منجر به رضایت و احساس کارآمدی بالاتر در میان کارمندان سازمان‌ها خواهد شد. شمول (درگیری) بیشتر در فرهنگ سازمانی حس کارآمدی و رضایت بیشتری را در کارمندان ایجاد خواهد کرد و به عنوان یک نتیجه برای آنها در فضیلت (کمال) یا دستاورد سازمانی سودمندتر خواهد بود. مولفه رضایت شغلی اهمیت زیادی برای مدیران، معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی دارد. بنابراین این وظیفه مدیران سطوح بالاست که ساختار آموزشی و جهت‌گیری را به منظور غنی‌سازی محیط کار با رضایت شغلی و بویژه در نیروهای جدید همانند نیروهای قدیمی و با تجربه در بهبود عملکرد سازمان‌ها بکار گیرند. به طور کلی مزایای رضایت شغلی در محیط کار؛ خلاقیت، کارایی و تعهد سازمانی است. این مزایا بدون تقویت‌کننده (حمایت‌کننده) و فرهنگ‌سازی بوجود نخواهد آمد. زمانی که این فرایند رخ دهد تغییرات زیر در محیط کار مشاهده خواهد شد:

- یک نگرش مشترک و مثبت بوجود خواهد آمد که ارائه خدمات برای دانش‌آموزان سودمند می‌باشد.
- رضایت شغلی با هر جنبه از زندگی شغلی همچون ارتباط با دانش‌آموز، برنامه‌ریزی، روش تدریس، بودجه‌بندی و اصلاح رفتار به طور کامل انسجام خواهد یافت.
- بهبود در اخلاقیات، رضایت شغلی، تعهد و وفاداری و بهره‌وری رخ خواهد داد.

منابع

۱. آرمان، حمیدرضا، «بررسی تاثیر نقش خانواده در افزایش انگیزش دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه نسبت به تحصیل در شهر کرمان». (کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی کرمان، ۱۳۷۷).
۲. بیرقی فرد، علی؛ کارگر، فاطمه؛ سالاری، صدیقه و کارگر، مجتبی، (۱۳۹۹)، «شبکه آموزشی دانش آموزی(شاد)»، فصلنامه علمی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۲)، ۵۳-۶۷
۳. جمالی، یوسف؛ کلانتر کوشه، سیدمحمد؛ شفیع آبادی، عبدالله و سلم آبادی، مجتبی، (۱۳۹۶)، «تدوین مدل رضایت شغلی براساس سبک زندگی اسلامی، سازگاری زناشویی و جنسیت در معلمان»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره هشتم، ۴۵-۶۵
۴. ساینگتون، اندرو، (۱۳۷۹)، «بهداشت روانی»، (ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی)، تهران: نشر روان، چاپ اول
۵. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۰)، «روان شناسی عمومی»، تهران: نشر توس، چاپ چهارم
۶. غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثناء، (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره دهم، ۱۴۷-۱۲۵
۷. کلدی، علیرضا؛ عسکری، گیتا، (۱۳۸۲)، «بررسی میزان رضایت شغلی معلمان ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران»، مجله روان شناسی و علوم بیتی، سال سی و سوم، شماره ۱، ۱۲۰-۱۰۳
۸. محمدی، صابر، (۱۳۸۶)، «افزایش رضایت شغلی معلمان»، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۸۶، سال پانزدهم، شماره ۴۲۷۴، ص ۲۳
۹. مهرداد، علی، (۱۳۸۴)، «روان شناسی صنعتی و سازمانی» اصفهان: انتشارات جنگل
۱۰. نظریور صمصامی، پروانه، (۱۳۸۵)، «رابطه ویژگی های شخصیتی معلمان با رضایت شغلی آنان در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در شهر مسجد سلیمان»، مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره دهم و یازدهم، ۱۴۶-۱۲۱
۱۱. نوغانی، محسن؛ ایمانیان، مسعود و حسینی، سیدکمال الدین، (۱۳۸۷)، «بررسی میزان رضایت شغلی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان خراسان رضوی و عوامل مرتبط با آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، ۱۷۱-۱۴۳
۱۲. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، (۱۳۹۶)، «رضایت شغلی»، بازیابی شده از رضایت شغلی / <https://fa.wikipedia.org>
۱۳. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، (۱۳۹۹)، «شغل»، بازیابی شده از شغل چیست / <https://fa.wikipedia.org>
14. Lowder; Tim.(2006). A Ghost in the Machine: The Important Role of Workplace Spirituality Saint Leo University

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

